



دَفْعُ وَرَفْعُ

پاسخ به سوالات و شبهات پیرامون
انقلاب اسلامی

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات

(خوزه‌های علمیه)



ضمیمه فصلنامه پاسخ
pasokhmag.ir



فهرست

مقدمه

پیش درآمد

انقلاب اسلامی و فرصت‌ها

انقلاب اسلامی و فرصت‌های داخلی

- | | |
|--|-----|
| دلیل برخی نارضایتی‌ها با وجود همه دستاوردهای انقلاب اسلامی | ۳۵ |
| وضعیت اقتصادی کشور نسبت به دوره پهلوی | ۴۳ |
| ایران در آستانه انقلاب اسلامی | ۵۷ |
| اگر رژیم پهلوی هم بود همین پیشرفت‌ها را داشتیم | ۶۳ |
| اگر انقلاب نمی‌شد | ۶۹ |
| چهل و شش سال برای نشان دادن کارآمدی نظام کافی نیست!؟ | ۷۳ |
| انقلاب اسلامی و تحقق عدالت | ۷۷ |
| ضرورت انرژی هسته‌ای | ۸۷ |
| آیا نزدیک قله ایم؟ | ۹۳ |
| انقلاب اسلامی حرکت آگاهانه | ۱۰۳ |
| انقلاب اسلامی نقاط امیدبخش آینده | ۱۱۳ |
| وعده‌های حضرت امام قبل از انقلاب | ۱۲۱ |
| حضرت امام و آزادی قبل و بعد از انقلاب اسلامی | ۱۲۷ |

حقانیت جمهوری اسلامی	۱۳۷
عدم انحراف انقلاب اسلامی	۱۴۳
انقلاب اسلامی و فرصت های خارجی	۱۵۷
پیامدهای انقلاب اسلامی در عرصه خارجی	۱۵۹
دستاوردهای انقلاب اسلامی در عرصه بین المللی	۱۶۵
انقلاب اسلامی و عزّت کشور	۱۷۷

انقلاب اسلامی و چالش ها

انقلاب اسلامی و چالش های داخلی	۱۸۵
حق تعیین سرنوشت نسل های امروز	۱۸۵
نوشته شدن ناکامی ها به پای دین	۱۹۵
عدم فساد سیستماتیک در نظام	۲۰۱
تبدیل شدن حکومت دینی به دین حکومتی	۲۰۷
ریزش ها در انقلاب اسلامی	۲۱۷
اختلاس، تورم و گرانی و... نشانه ناکارآمدی نظام نیست؟	۲۳۷
اعتراضات معلول توطئه یا مشکلات داخلی	۲۴۱
کاستی های حوزه عدالت	۲۴۷
فتنه هایی از اول انقلاب تا امروز	۲۵۳
آسیب های اجتماعی و اخلاقی نشانه عقب گرد اخلاقی	۲۵۷
دین گریزی نسل جوان	۲۶۳
جمهوری اسلامی و تغییرات تحمیلی	۲۶۷
رهبری؛ توهم توطئه و توهم پیشرفت	۲۷۱
ادعای سکولار شدن جامعه ایران	۲۸۵
انقلاب اسلامی و چالش های خارجی	۲۹۳
تغییر در شعار نه شرقی نه غربی	۲۹۵
استکبار ستیزی عامل مشکلات کشور	۳۰۵
استکبار ستیزی و مسئولیت رفع فقر و مشکلات اقتصادی	۳۲۳
چرا سازش با دشمن نه؟	۳۲۹
انقلاب اسلامی عامل تنش زایی	۳۳۵
پیشرفت کشورهایی که با امریکا کنار آمدند	۳۴۹

۳۶۱ شعار صدور انقلاب عامل دشمنی با انقلاب اسلامی

۳۶۹ چرایی رابطه با روسیه و چین و عدم رابطه با امریکا

منابع و مآخذ



مقدمه

دفع و رفع"، تاملی در شبهات جاری است که تلاش می‌کند ضمن ارائه پاسخ تفصیلی، موضعی تهاجمی و پیش‌گیرانه به مسائل و موضوعاتی داشته باشد که زمینه‌ساز بروز شبهه یا شبهه افکنی در فضای فکری جامعه است.

انقلاب اسلامی، به عنوان یکی از رویدادهای مهم قرن بیستم، تأثیرات گسترده‌ای بر جغرافیای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران و جهان داشته است و از این رو همواره سوالات و شبهاتی پیرامون آن به وجود آمده یا به وجود آورده اند که در این شماره به پاسخ برخی از آنها خواهیم پرداخت.

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات

حوزه‌های علمیه



پیش درآمد

پیروزی انقلاب اسلامی هم از نظر زمانی و هم از نظر جغرافیایی اعجاب انگیز و دور از انتظار بود. در دورانی که دین از زندگی اجتماعی کنار گذاشته شده و افیون توده ها خوانده می شد و در کشوری که جزیره ثبات امریکا و حافظ منافع آن شمرده می شد، انقلابی بر پایه دین به وقوع پیوست که دین را به عرصه حاکمیت و زندگی سیاسی اجتماعی باز گرداند و تلاش های سکولاریزاسیون را خنثی نمود و دستان نظام سلطه را از منابع کشور کوتاه نمود. همین مسأله کافی بود تا چنین حرکتی از همان آغاز با دشمنی تفکر سکولار و نظام سلطه مواجه شود و آنان از هیچ تلاشی برای مقابله با انقلاب اسلامی از جنگ سخت (تحمیل جنگ هشت ساله) گرفته تا جنگ نیمه سخت (تحریم و جنگ اقتصادی) و جنگ نرم (تهاجم و تقابل فرهنگی) و جنگ ترکیبی و شناختی فرو گذار ننمایند.

یکی از نمودهای تلاش خبیثانه نظام سلطه، تلاش برای ایجاد یأس و ناامیدی با تحریف واقعیات و سیاه‌نمایی و بزرگ‌نمایی مشکلات است که از سوی لشکر رسانه‌ای آنان دنبال شده و افکار و باورهای اسلامی و انقلابی مردم را نشانه رفته است تا آنان را از ادامه مسیر باز دارد. ممکن است مشکلات و کمبودها به ویژه در بخش اقتصادی بر پیشرفت‌ها و توسعه کشور سایه افکنده باشد، اما واقعیت این است که توسعه و پیشرفت کشور علی‌رغم همه این کمبودها قابل انکار نیست و نباید با تمرکز بر مشکلات، از پیشرفت‌ها و دستاوردهای نظام غافل شده و نسبت به آینده دلسرد و مأیوس گردید. همان‌گونه که مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

«دشمن در تبلیغات وسیع خود تلاش می‌کند که کمبودهای معیشتی و اقتصادی کشور را به نظام اسلامی و به جمهوری اسلامی نسبت بدهد؛ این نقشه دشمن است. آنها می‌خواهند این جور وانمود بکنند که نظام اسلامی قادر نبوده است و قادر نیست مشکل اقتصادی ملت ایران را و مشکلات اساسی ملت ایران را حل کند و گره‌ها را باز کند. این حرف ناشی از بغض و عداوت و کینه آنها به نظام اسلامی است. این یک حرف خلاف واقع است.

خدماتی که نظام اسلامی و جمهوری اسلامی به ایران و ملت ایران در این مدت کرده است، یک خدمات برجسته و

فوق‌العاده است. اگر وضع ملت را و وضع کشور را مقایسه کنیم با قبل از دوران اسلامی؛ یعنی در دوران طاغوت، آن وقت معلوم می‌شود که چه خدمات بزرگ و ارزشمندی را نظام اسلامی تقدیم کرده است. بله، ضعف‌هایی وجود دارد؛ این ضعف‌ها مربوط به مدیریت ماها است، این مربوط به کمبودها و ناتوانی‌های مدیرانی است که در بخش‌های مختلف مشغول کار بوده‌اند؛ اما نظام اسلامی توانایی‌هایی را در خود پرورش داده و مدیرانی را تربیت کرده است که توانسته‌اند کارهای بسیار بزرگی را برای کشور انجام بدهند؛ آن هم در حالی که ملت از همه طرف در فشار تحریم و فشار اقتصادی دشمنان بوده است.^۱

در این مجموعه به منظور خنثی‌سازی تلاش دشمنان و برای آگاهی بخشی به جامعه به ویژه نسل جوان، عمده‌ترین فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی انقلاب اسلامی را در قالب پرسش و پاسخ اشاره کرده‌ایم تا درک درستی از وضعیت کشور برای مخاطبان به دست آمده و ارزیابی صحیحی از آن داشته باشند.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۶/۱/۱.



انقلاب اسلامی و فرصت‌ها

انقلاب اسلامی و فرصت‌های داخلی

دستاوردهای انقلاب اسلامی

سؤال: انقلاب اسلامی چه دستاوردهایی داشته است؟

پاسخ: بدیهی است بررسی دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه‌های مختلف به صورت مبسوط و تفصیلی و آماری در یک نوشتار کوتاه امکان‌پذیر نبوده و ناگزیریم اشاره‌ای فهرست‌وار و گذرا به سرفصل‌های دستاوردهای انقلاب اسلامی داشته باشیم.

۱. تحقق حاکمیت اسلام ناب و احیای آن در عصر حاضر که با میدان‌داری و یگانه‌سازی حاکمیت سکولار و تلاش برای سیطره فرهنگ مادی غربی هستیم، زنده کردن معنویت و ورود آن به عرصه زندگی مردم، ترویج معنویت و گفتمان دینی و ارزش‌مدار در برابر نگاه مادی تمدن غربی، بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی در سطح کلان محسوب می‌گردد.

۲. استقلال سیاسی از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی

است که با کنار زدن حکومتی وابسته و سرسپرده و بی‌اراده در عرصه منطقه‌ای و جهانی و جایگزین کردن آن با نظامی مستقل و عزتمند در عرصه منطقه و جهان به دست آمد.

۳. تحقق مردم‌سالاری دینی و توجه به نقش فراموش شده مردم در عرصه سیاسی و عمومی کشور از دیگر دستاوردهای کلان انقلاب اسلامی بوده است.

۴. تولید گفتمان مقاومت در برابر نظام سلطه و ایستادگی در برابر آن از دیگر دستاوردهای کلان انقلاب اسلامی در سطح منطقه و جهان است.

۵. پیشرفت در شاخص‌های مختلف انسانی، بهداشتی، آموزشی، غذایی، توسعه چندین برابری خدمات عمرانی (آبرسانی، برق‌رسانی، گازرسانی، تلفن، راه‌سازی و سدسازی و...) دستاوردهای خیره‌کننده در عرصه‌های مختلف علمی، پزشکی، نانو، هوا فضا، الکترونیک، بیوتکنولوژی، هسته‌ای، دفاعی و قرار گرفتن کشور ما در میان چندین کشور برتر دارنده این فناوری‌ها با وجود همه تحریم‌ها و فشارها نشان از ظرفیت و توانمندی بالای کشورمان در تحقق پیشرفت دارد.

رشد چندین برابری علمی کشورمان در مقایسه با رشد متوسط علمی جهان و کسب رتبه شانزدهم علمی جهان، نمونه‌هایی از دستاوردهای انقلاب اسلامی در طول چهل و چهار سال گذشته بوده است.^۱

۱. برای آشنایی با دستاوردها و پیشرفت‌های کشور به منابع زیر مراجعه شود:

نگاهی به گوشه‌ای از دستاوردهای انقلاب اسلامی:^۱

دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه «سلامت و بهداشت»

۱. بعد از انقلاب اسلامی تاکنون متوسط عمر ایران ۲۱ سال افزایش داشته و از ۵۵ سال به ۷۶/۲ سال رسیده است.

۲. ۳۰ درصد پزشکان ایران وارداتی از بنگلادش، فیلیپین، هند و پاکستان بودند. امروز از ۵۳ کشور جهان برای درمان به ایران می‌آیند. در ۲۷ رشته تخصص تربیت می‌کنیم.

۳. در ۱۹۷۳۹ روستای کشور ۳۵ هزار به‌ورز به عنوان پیشگامان نظام سلامت فعالیت می‌کنند. در حالی که قبل از انقلاب، فقط در ۱۵۰۰ روستا خانه‌های بهداشت وجود داشت.

۴. با اجرای طرح واکسیناسیون ملی فلج اطفال به همت بسیجیان و پوشش ۹۵ درصدی این واکسیناسیون تاکنون، فلج اطفال از کشور ریشه‌کن شد، در حالی که کشورهای

صعود چهل ساله، مروری بر دستاوردهای چهل ساله انقلاب اسلامی براساس آمارهای بین‌المللی (ویراست جدید)، سید محمد حسین راجی، سید محمد رضا خاتمی، مشهد: آستان قدس رضوی.

ارمغان انقلاب: تلخیصی از نود و دو دستاورد انقلاب اسلامی ایران؛ حسین اسحاقی، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.

انقلاب چهل ساله؛ نگاهی به دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران، جمعی از نویسندگان، قم: بوستان کتاب.

دستاوردهای ۴۰ ساله انقلاب اسلامی ایران، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۷ش.

دستاوردهای علمی انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱. تمام آمارها و گزارشات در زمان تدوین این نوشتار تهیه شده است.

همسایه هیچ کدام نتوانسته‌اند به این میزان از شاخص بهداشت و درمان برسند.

۵. بیماری‌های عفونی مالاریا، سل و وبا در ایران کنترل شده است.

۶. در سال ۵۷ صرفاً با ۷ دانشکده پزشکی ۷۰۰ دانشجوی داشتیم در حال حاضر در ۴۷ دانشگاه، ۱۸۰ هزار دانشجوی پزشکی مشغول تحصیل هستند و اعضای هیئت علمی با ۱۱ هزار عضو هیئت علمی، ۱۶ برابر دانشجویان آن زمان هستند.

۷. امروز ایران جزو کشورهای برتر جراحی قلب در دنیا است و جزو معدود کشورهایی است که عمل پیوند قلب در آن صورت می‌گیرد. ۱۴۰ عمل پیوند قلب در کشور، در کارنامه درخشان جراحی قلب در ایران و جهان است.

۸. بانک قرنیه در جمهوری اسلامی یکی از بهترین بانک‌های قرنیه دنیا است و ظرف ۲۴ ساعت قرنیه مورد نظر بیمار آماده می‌شود.

۹. پزشکان متخصص قبل از انقلاب ۷۰۰۰ نفر بودند که در حال حاضر به ۷۲۰۰۰ نفر رسیده است.

۱۰. به گزارش سازمان بهداشت جهانی بین ۸۰ تا ۹۴ درصد از جمعیت ایران به داروهای ضروری دسترسی دارند.

دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه «اقتصاد»

۱. به استناد آمار بانک جهانی و همه مؤسسات مهم اقتصادی بین‌المللی، اقتصاد ایران با ۸ رتبه ارتقاء، از جایگاه ۲۶ جهانی در سال ۱۹۷۹م (۱۳۵۷) به رتبه ۱۸ در سال ۲۰۱۷م (۱۳۹۶) صعود کرده است و جزو ۲۰ قدرت اقتصادی جهان به حساب می‌آید.

۲. ارتقاء هشت پله‌ای اقتصاد ایران پس از انقلاب اسلامی در حالی محقق شده است که میزان فروش نفت خام به یک چهارم قبل از انقلاب، کاهش یافته و جمعیت از ۳۶ میلیون به ۸۱ میلیون نفر افزایش یافته است.

۳. ارتقاء ۸ رتبه‌ای اقتصاد ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی در حالی اتفاق افتاده است که نظام سلطه بین‌المللی تمام توان خود را برای فلج کردن اقتصاد ایران به کار گرفته است. تحمیل ترورها و کودتاها، تحمیل ۸ سال جنگ، بمباران بیشتر زیرساخت‌های اقتصادی کشور و چهل سال تحریم، به ویژه ۸ سال تحریم فلج‌کننده از اهم این توطئه‌ها است.

۴. پیش از انقلاب اسلامی، قدرت اقتصادی ایران ۴۹۰ میلیارد دلار و در حال حاضر ۱۸۰۰ میلیارد دلار است.

۵. هم‌زمان با این که جمعیت کشور بیش از دو برابر شده است، اندازه اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس میزان

تولید ناخالص داخلی از ابتدا تا امروز ۴,۸۸ برابر شده است.

۶. ۱۰ برابر شدن تعداد واحدهای صنعتی کشور از ۱۰۰۰۰ واحد به ۹۸۰۰۰ واحد که از نظر کیفی ده‌ها برابر پیشرفته و مستقل شده و از صنعت مونتاژ به صنعت بومی تحوّل یافته است.

۷. رشد صد برابری صادرات غیرنفتی ایران از ۵۴۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۶ به ۵۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته که شامل ۶۰۰۰۰ قلم کالا بوده و از نظر وزنی ۲ میلیون تن در سال است.

۸. پس از انقلاب، اقتصاد ملی (درآمد و هزینه) با وجود فشارهای مستمر استکبار جهانی ۳,۷ برابر شده است.

پس از انقلاب اسلامی سهم بخش خصوصی در اقتصاد کشور ۳ برابر شده است.

۹. قبل از انقلاب فقط ۵ درصد نیازهای بخش دفاعی ایران تولید داخلی بوده و در حال حاضر ۹۰ درصد آن تولید داخلی است و مازاد بر این در حدود ۵ میلیارد دلار در سال هم صادرات دارد که می‌تواند الگوی مناسبی برای همه بخش‌های اقتصادی کشور باشد.

۱۰. سرانه برخورداری جامعه ایرانی از خدمات بانک نسبت به پیش از انقلاب اسلامی، تقریباً ۲۰ برابر شده است که شاخصی از کیفیت اقتصادی است.

دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه «آموزش عالی، تحقیقات و فناوری»

۱. ۲۴ برابر شدن نرخ پوشش تحصیلی آموزش عالی و افزایش از ۱۷۵۶۷۵ نفر در سال ۱۳۵۷ به بیش از ۴۸۰۰۰۰۰ هزار نفر.

۲. کسب رتبه ۲۱ جهان در مقالات علمی. کیفی پر استناد جهان از افتخارات نظام علمی جمهوری اسلامی است.

۳. تعداد انجمن‌های علمی نسبت به پیش از انقلاب حدوداً ۵ برابر شده است و از تعداد ۷۸ در سال ۱۳۵۷ به تعداد ۳۵۸ در سال ۱۳۹۶ رسیده است. هم‌چنین تعداد ۸۹۶۶ انجمن علمی دانشجویی بر اساس آخرین آمار مشغول به فعالیت می‌باشند.

۴. تعداد مراکز کارآفرینی و نوآوری در کلیه مراکز آموزشی، پژوهشی و فناوری دولتی به تعداد ۱۳۰ مورد در سال ۲۰۱۶ رسیده است.

۵. از جمله دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه دانشگاهی، ایجاد فضای بانشاط برای اندیشه‌ورزی و فعالیت دانشجویان در قالب‌های مختلف بوده است به طوری که تنها در سال ۱۳۹۵ تعداد ۳۰۵۰۰۰۰ تشکیل و تعداد ۳۴۰۷۰۰۰۰ کانون فرهنگی در دانشگاه‌های کشور فعالیت داشته‌اند. در این زمینه تعداد نشریات دانشجویی نیز به تعداد ۵۰۸۶ مورد رسیده است.

۶. یکی از رویش‌های فرهنگی پس از انقلاب اسلامی تقویت نگاه جهادی به منظور خدمت‌رسانی به محرومین و مستضعفین بوده است به طوری که تنها در سال ۹۶ حدود ۴۴ هزار دانشجوی در ۴۵۰۰ روستا مشغول به خدمت‌رسانی بوده‌اند.

۷. هم‌اکنون بیش از ۳۴ هزار دانشجوی غیر ایرانی (بورس و غیر بورس) در داخل کشور مشغول به تحصیل می‌باشند.

۸. دانش پزشکی در جمهوری اسلامی ایران خصوصاً در حوزه‌هایی، چون سلول‌های بنیادین، ترمیم ضایعات نخاعی، تولید داروهای راهبردی، شبیه‌سازی حیوانات و... پیشرفت‌های چشم‌گیری داشته و توانسته رتبه نخست منطقه در تولیدات علمی پزشکی و رتبه ۱۷ جهانی را به خود اختصاص دهد.

۹. جمهوری اسلامی پس از انقلاب با انتشار ۸ هزار و ۷۹۱ مقاله توانسته است رتبه چهارم جهانی در عرصه نانو را از آن خود کند، ضمن آن‌که ایران هم‌چنین با تولید ۴۰ درصد علم نانو بیشترین سهم تولید این علم را در میان کشورهای اسلامی دارد. در حوزه صادرات نیز محصولات دانش‌بنیان مبتنی بر نانو به ۴۷ کشور صادر می‌شود.

۱۰. جمهوری اسلامی ایران جزو ۱۲ کشور دارای چرخه کامل فناوری فضایی است که در حوزه ماهواره، ایستگاه زمینی، پرتاب‌گر و استفاده از شبکه ماهواره‌ای فعالیت می‌کنند.

۱۱. به رغم همه تحریم‌ها و تهدیدها، جمهوری اسلامی ایران با تلاش‌ها و مجاهدت‌های جوانان و متخصصین خود، از نظر دانش علمی و فناوری هسته‌ای در ردیف ۵ کشور پیشرفته جهان قرار گرفته است.

۱۲. پیشرفت جمهوری اسلامی ایران در حوزه زیست فناوری نیز در سال‌های پس از انقلاب چشم‌گیر بوده و در این عرصه در منطقه رتبه نخست و در جهان رتبه ۱۳ را به خود اختصاص داده است.

۱۳. در زمینه فناوری و تحقیقات سلول‌های بنیادی جمهوری اسلامی ایران رتبه ۱۵ جهانی و رتبه اول منطقه را در اختیار دارد.

۱۴. شتاب رشد علمی ایران بر اساس تمامی گزارش‌های مؤسسات سنجش علمی رتبه نخست جهان را دارا می‌باشد. دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه «رفاه و ارتقاء سطح زندگی»

۱. ۱۰۰ درصد مردم شهرنشین و ۹۱ درصد روستائیان با ۵۰۰ برابر شدن جاده‌های روستایی به راه‌های ارتباطی امن جاده‌ای و آسفalte دسترسی دارند.

۲. با وجود ۵۰ سال تأخیر در احداث مترو در ایران، شهروندان تهرانی سوار بر هشتمین مترو دنیا می‌شوند.

۳. ایجاد شبکه گسترده آب آشامیدنی سالم در شهرها

و روستاها مشقت حمل آب را به خاطره تبدیل کرده است.

۴. پس از انقلاب ۵/۹۹ درصد خانه‌های ایران در روستاها و شهرها با نعمت برق روشن شده است.

۵. به برکت ۱۰۰ درصد برق‌رسانی به روستاهای بالای ۱۰ خانوار فرصت صنعتی شدن کشاورزی و دامداری فراهم شده است.

۶. با پوشش گازرسانی در ۸۳ درصد شهرها و ۷۸ درصد روستاها زندگی بیش از ۹۰ درصد مردم ایران پس از انقلاب متحول شده است.

۷. با وجود تولید بیش از یک میلیون خودرو در سال و خودروهای وارداتی، با افتتاح پالایشگاه خلیج فارس حتی یک باک خودرو، خالی از بنزین تولید داخل نخواهد بود.

۸. به ازای هر ایرانی، یک و نیم خط تلفن ثابت و همراه وجود دارد و این دستاورد مهم موجب شده است تا هیچ ایرانی از عزیزانش در اقصی نقاط کشور و جهان بی‌خبر نماند.

۱۰. با رشد ۵۰ برابری ساخت اماکن ورزشی متعدد، هر شهروند ایرانی حداقل از یک مترمربع فضا برای ورزش برخوردار است.

۱۱. با رشد ۲۰ برابری محصولات باغی نسبت به قبل از انقلاب نیازی به واردات این محصولات از کشورهای خارجی نظیر رژیم صهیونیستی و فرانسه نیست.

۱۲. خودکفایی ۹۰ درصدی مواد غذایی کشور پس از انقلاب اسلامی علی‌رغم رشد چند برابری میزان مصرف، باعث شده مردم نگران نبود مایحتاج خود نباشند.

۱۳. گنجانده شدن گوشت، برنج، مرغ و ماهی در رژیم غذایی روزانه مردم، مصرف یک بار در سال آنها را در شب‌های عید نوروز تبدیل به خاطره کرده است.

۱۴. قبل از انقلاب اسلامی به ازای هر ۳۰ ایرانی یک خودرو وجود داشت، ولی در حال حاضر به علت افزایش سطح رفاه و قدرت خرید مردم، به ازای ۴ ایرانی یک خودرو وجود دارد.

۱۵. بر اساس گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۶ و گزارش صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۷ در اوج تحریم‌ها، ایرانیان از نظر قدرت خرید، رتبه هجدهم جهان را کسب نموده‌اند.

۱۶. با رشد چشم‌گیر مدرسه‌سازی تمام کودکان واجب‌التعلیم کشور به مدرسه دسترسی دارند. در حالی که در سال ۵۷ فقط ۴۰ درصد آنها این امکان را داشتند.

۱۷. با توسعه مدرسه‌سازی به طور میانگین هر ۳۰ دانش‌آموز یک کلاس درس برای باسواد شدن دارند و آموزش و پرورش کشور با مدارس چند نوبتی خداحافظی کرده است.

۱۸. با رشد بی‌سابقه ۱۱ برابری ساخت و توسعه دانشگاه‌ها

در جمهوری اسلامی، هر فردی که تصمیم به فراگیری آموزش عالی دارد این امکان برایش فراهم است.

۱۹. پس از انقلاب بالای ۹۵ درصد مردم در تمام مناطق به شبکه بهداشت دسترسی دارند.

۲۰. پس از انقلاب مردم ایران دیگر نگران عدم مداوا در داخل کشور نیستند و هیچ ایرانی مجبور نیست برای درمان به خارج از کشور برود.

۲۱. با پیشرفت‌های آموزشی، بهداشتی و درمانی پس از انقلاب مردم از رنج بسیاری از بیماری‌های واگیردار نظیر وبا، سل، آبله، فلج اطفال، حصبه و... خلاص شده‌اند.

۲۲. با خودکفایی در تولید ۹۷ درصدی داروهای ساخت داخل، مردم در مراجعه به داروخانه‌ها برای داروهای مورد نیاز خود نگران نبودن دارو نیستند.

۲۳. دسترسی به ۲۲۰۰ مرکز توان بخشی دولتی و خصوصی مرهم آلام خانواده‌های دارای معلول در کشور است.

۲۴. ایران با تأسیس و راه‌اندازی اورژانس اجتماعی به جمع ۴ کشور دارای این سامانه اجتماعی پیوسته است.

۲۵. دسترسی مردم به خدمات مشاوره ژنتیکی، واکسیناسیون و غربال‌گری موجب کاهش رنج نگهداری معلولان بیشتر در جامعه شده است.

۲۶. با افزایش خدمات درمانی و زیستی به جانبازان و معلولین، ایران در تراز بالای جهانی در خدمت‌رسانی به این قشر قرار گرفته است.

۲۷. اجرای قانون مناسب‌سازی اماکن عمومی جهت تردد معلولین و جانبازان مانند ایجاد رمپ، بالابر، خطوط تردد ویژه روشن‌دلان و... از خدمات رفاهی جمهوری اسلامی است.

۲۸. پس از انقلاب، نگرانی مادران از بارداری، زایمان، مرگ و میر زودرس نوزادان و اطفال خود برطرف شده است؛ چرا که نرخ مرگ و میر اطفال زیر ۵ سال از ۲۰۰ مورد در هزار تولد در قبل از انقلاب، به ۲۳ مورد در بعد از انقلاب رسیده است.

۲۹. علی‌رغم چهار دهه تحمل هجمه‌های سنگین گسترده علیه جمهوری اسلامی، امروزه مردم ایران از بالاترین سطح امنیت در منطقه برخوردارند.

۳۰. پس از انقلاب با ایجاد امنیت پایدار در کشور و ایجاد راه‌های امن، میزان سفر و گردش‌گری رشد فزاینده داشته است.

۳۱. به برکت وجود نهادهای حمایتی انقلاب اسلامی، محرومین جامعه از حداقل نیازهای معیشتی خود بهره‌مند هستند.

۳۲. صندوق‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی کشور، ارائه‌دهنده خدمات رفاهی و مالی به بیش از ۱۰ میلیون خانوار ایرانی هستند.

۳۳. ۸۰ میلیون نفر ایرانی صاحب ۸۰ میلیون دفترچه خدمات درمانی و بهداشتی هستند.

دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه «زیرساخت‌های عمرانی»

۱. افزایش عدالت در دسترسی به انواع زیرساخت‌های شهری و روستایی در کشور بعد از انقلاب؛ حتی در دورترین نقاط کشور.

۲. افزایش بی‌سابقه سرعت حمل‌کالا و مسافر با ساخت زیرساخت‌های حمل و نقل جاده‌ای، ریلی و هوایی.

۳. کسب دانش و توانایی مهندسی در همه حوزه‌های زیرساختی کشور طی سال‌های بعد از انقلاب. (انرژی، حمل و نقل، صنعت، هوا فضا و...)

۴. تبدیل وضعیت وابستگی به متخصصان و مستشاران خارجی در ایجاد زیرساخت‌های اساسی کشور به بی‌نیازی از مستشاران خارجی در همه ابعاد در سال‌های بعد از انقلاب.

۵. دو برابر شدن سهم برنامه‌های عمرانی بخش‌های آموزش، بهداشت، رفاه و مسکن در برنامه‌های ۵ ساله توسعه کشور بعد از انقلاب نسبت به برنامه‌های قبل از انقلاب.

۶. تبدیل شدن کشور به یک کارگاه بزرگ ایجاد زیرساخت‌های حیاتی بعد از انقلاب اسلامی.

۷. پیشرفت عظیم در ایجاد همه زیرساخت‌های اساسی

و عمومی کشور با وجود هشت سال جنگ تحمیلی و نابودی بسیاری از زیرساخت‌ها و از طرف دیگر اعمال تحریم‌های شدید توسط سلطه‌گران طی ۴۰ سال گذشته.

۸. ساخت شبکه عظیم بزرگ‌راهی در کشور به طول ۱۶۶۲۷ کیلومتر.

۹. افزایش ۶ برابری کل راه‌های کشور و رسیدن آن از ۴۶ هزار کیلومتر در سال ۱۳۵۷ به ۲۸۰ هزار کیلومتر در سال‌های اخیر.

۱۰. افزایش ۵۰۰ برابری راه آسفالت‌ه روستایی و رسیدن از ۲۰۰ کیلومتر در سال ۱۳۵۷ به ۱۰۷ هزار کیلومتر در سال ۱۳۹۵.

دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه «صنعت»

۱. افزایش سهم صنعت در تولید ناخالص ملی از ۱۶ درصد به ۴۰ درصد بیان‌گر جهش صنعتی ایران پس از انقلاب اسلامی است.

۲. صادرات غیرنفتی ایران از ۵۴ میلیون دلار به ۳۱ میلیارد دلار؛ یعنی ۵۷ برابر افزایش یافته است.

۳. ایران تک‌محصولی را به صادرکننده محصولات صنعتی، کشاورزی و خدمات فنی مهندسی تبدیل کرده است.

۴. محصولات پتروشیمی ایران از سال ۵۷ تاکنون ۳۳ برابر رشد داشته است.

۵. ایران بدون پیوستن به سازمان تجارت جهانی هفدهمین اقتصاد جهان را دارد.

۶. تولید فولاد از ۳۶۰ هزار تن به ۱۸ میلیون تن افزایش و ۵۰ برابر شده است.

۷. ایران امروز در تولید فولاد و آلومینیوم رتبه چهاردهم جهان، در تولید سیمان رتبه هشتم، در تولید سرامیک رتبه پنجم، در تولید موتور وسایل نقلیه رتبه دوازدهم و در تولید خودرو و مس رتبه هجدهم جهان را احراز کرده است.

۸. مونتاژکاری در صنعت خودرو از ۱۰۰ درصد به ۱۵ درصد کاهش یافته است.

۹. در ابتدای انقلاب، صنعت دارویی کشور ۲۵ درصد از داروهای دم دستی مردم را تولید می کرد، اکنون ۹۵ درصد از تخصصی ترین داروها در داخل کشور تولید می شود.

۱۰. ایران از واردکننده قایق های کوچک ماهی گیری به سازنده کشتی های اقیانوس پیما تبدیل شده است.

دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه «کشاورزی و منابع طبیعی»

۱. بعد از پیروزی انقلاب، با وجود خشک‌سالی شدید، تولیدات کشاورزی ۷/۶ برابر شد.

۲. انقلاب اسلامی منحنی رو به سقوط کشاورزی ایران را با شیب تند صعودی کرد.

۳. تولیدات کشاورزی از ۸/۱۷ میلیون تن در ۵۶، به ۱۲۰ میلیون تن در ۹۶ رسید.

۴. پروژه آمریکایی اصلاحات ارضی شاه، کشاورزی ایران را در معرض نابودی قرار داد.

۵. برنامه‌های استعماری رژیم فاسد پهلوی، ایران صادرکننده محصولات کشاورزی را به یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان مواد غذایی تبدیل کرد.

۶. پیش از انقلاب گندم از آمریکا، پرتقال و تخم مرغ از رژیم صهیونیستی، مرغ از فرانسه وارد می‌شد.

۷. قبل از انقلاب فقط ۳۳ روز نیاز غذایی سالانه در داخل تولید می‌شد، اکنون ۹۰ درصد در داخل تولید می‌شود.

۸. رشد ۳۰ درصدی ارزش افزوده کشاورزی ایران در آمار بانک جهانی، کارنامه درخشان کشاورزی پس از انقلاب اسلامی است.

۹. افزایش سهم کشاورزی در تولید ناخالص ملی، از ۱/۳ درصد به ۱۵ درصد دستاورد بزرگ نظام اسلامی است.

۱۰. تولید گندم ایران از ۴/۶ میلیون تن در ۱۳۵۶ به ۱۴ میلیون تن در ۱۳۹۵ رسید.^۱

«یرواند آبراهامیان»، مورخ مقیم امریکا و استاد دانشگاه‌های آکسفورد و پرینستون و کالج باروک نیویورک می‌گوید: «... دستاوردهای انقلاب اغلب نادیده گرفته می‌شود، ... برای نمونه برنامه‌های مبارزه با بی‌سوادی و احداث مدارس و دانشگاه‌ها، هم‌چنین توسعه جاده‌های روستایی و هم‌چنین خانه‌های بهداشت و مراکز سلامت در روستاها... اگرچه اغلب افراد از لحاظ رفاه اقتصادی و مسائل اجتماعی مشکلاتی دارند، اما رژیم جمهوری اسلامی به نسبت رژیم شاه واقعاً در این زمینه کارنامه بهتری داشته است. بنابراین اگر دو رژیم را مقایسه کنید، گرچه نارضایتی‌های اقتصادی وجود دارد، رژیم کنونی در برنامه‌های رفاه اجتماعی بسیار خوب عمل کرده است.»^۲

پایگاه اینترنتی twocircles که یکی از رسانه‌های مهم اطلاع‌رسانی اخبار علمی و پژوهشی است، در توضیح این پیشرفت حیرت‌انگیز علمی نوشت: «در واقع مردم ایران،

۱. <https://revayatpishraft.gov.ir>

۲. دستاوردهای انقلاب اسلامی به روایت بیگانگان؛

<https://www.farsnews.ir/news/۱۴۰۱۱۸۰۰۰۰۸۲>

این افسانه غربی‌ها را که از زمان انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ می‌گویند کشور آیت‌الله‌ها نمی‌تواند در هیچ زمینه‌ای پیشرفت داشته باشد، نقش بر آب کرده‌اند...»

«یوزی رابین»، ملقب به پدر صنایع موشکی اسرائیل و رئیس پیشین سازمان دفاع موشکی رژیم صهیونیستی در سمینار یاد شده درباره موشک‌های ایرانی و سیستم‌های پیشرفته آن چنین می‌گوید: «... از نظر فنی، ایرانی‌ها برای ما دشمن مهلکی هستند، ولی من مهندس هستم و نمی‌توانم یک کار مهندسی خوب را تحسین نکنم، دوباره می‌گویم که یک مهندسی بسیار هوشمندانه‌ای است. به نظر من بهترین موشک ایرانی‌ها، یک موشک کروزر زمینی (سومار) است که از ۱۰ سال پیش منتظر آن بودیم. این یک دستاورد بوده و نمی‌توان این موشک را یک کپی تلقی کرد. دوباره می‌گویم که کلاهم را به احترام آدم‌هایی که از نظر فنی این کار را انجام دادند، از سرم برمی‌دارم.»

«اولریخ فرانک»، عضو اندیشکده «شورای اروپایی روابط خارجی» که به صورت ویژه بر پهپادها و پرنده‌های بدون سرنشین متمرکز است، ساقط شدن پهپاد فوق‌سری و گران‌قیمت گلوبال‌هاوک در اواسط سال ۲۰۱۹ را «رخدادی مهم» توصیف کرد و نوشت: «چرا این ساقط کردن یک پهپاد تریتون/گلوبال‌هاوک ایالات متحده توسط ایران از دید یک متخصص پهپادی «رخدادی بزرگ» است؟ اولاً، گلوبال‌هاوک

بزرگ‌ترین پهپاد جهان است. داریم درباره یک «اطلاعات خور» پرنده صحبت می‌کنیم، که پر است از تجهیزات با فناوری بالا. این سیستم فوق‌العاده گرانی است...؛ ثانیاً، این پهپاد مشخصاً طوری طراحی شده تا غیرقابل نفوذ باشد؛ چرا که در ارتفاعی فوق‌العاده بالا پرواز می‌کند. به همین دلیل، از دست دادن یک تریتون/ گلوبال هاوک خسارت زیادی به ایالات متحده می‌زند.^۱

۱. <https://kayhan.ir/fa/news/۲۳۶۰۵۲>

دلیل برخی نارضایتی‌ها با وجود همه دستاوردهای انقلاب اسلامی

سؤال: با وجود پیشرفت‌ها و دستاوردهای غیر قابل انکار انقلاب اسلامی، چرا باز شاهد نوعی نارضایتی در میان مردم هستیم؟

پاسخ: عوامل متعددی در به وجود آمدن نوعی نارضایتی نسبت به کارآمدی نظام با وجود دستاوردهای چشم‌گیر در عرصه‌های مختلف و پیشرفت‌های به دست آمده، تأثیر داشته‌اند که به اختصار به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱. افزایش سطح انتظارات نسبت به نظام

یکی از عواملی که در ایجاد نارضایتی در میان مردم و حتی برخی نخبگان مؤثر است، افزایش سطح انتظارات از نظام جمهوری اسلامی در همه عرصه‌ها به ویژه عرصه فرهنگی و اخلاقی است که موجب شده تا با وجود دستاوردهای نظام در عرصه‌های گوناگون، مشکلات و کاستی‌ها قابل پذیرش نباشد و نظام جمهوری اسلامی با آرمان‌ها و اهداف ترسیم شده، مقایسه شود.

«افزایش گرایش جامعه به سمت ارزش‌های والای اسلامی. حداقل در سطح انتظارات و توقعات. که خود یکی از برترین و ارزنده‌ترین آثار فرهنگی انقلاب اسلامی است، موجب شده که به طور ناخودآگاه شاخص‌ها و ملاک‌های اندازه‌گیری فضایل و ارزش‌های جامعه ما برای همه. البته با تفاوت در سطح و عمق. نسبت به شاخص‌های قبل از انقلاب، حساس‌تر و ریزتر شده باشد و خود به خود و ناخودآگاه، اندک ناهنجاری ارزشی جامعه در وضع فعلی، بسیار برجسته‌تر از مورد مشابه یا بزرگ‌تر از دوران قبل از انقلاب به چشم آید و مورد نقادی قرار گیرد.»^۱

اگرچه نظام جمهوری اسلامی در مسیر تحقق اهداف اسلامی گام برداشته و تلاش می‌کند، اما فاصله آن با نظام مطلوب اسلامی نیز باید مورد توجه قرار بگیرد و آنچه در نظام جمهوری اسلامی اتفاق افتاده به عنوان نظام آرمانی و مطلوب اسلامی تلقی نگردد. همان‌گونه که حضرت امام فرمودند:

«اینجانب هیچ‌گاه نگفته و نمی‌گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همه ابعادش عمل می‌شود و اشخاصی از روی جهالت و عقده و بی‌انضباطی بر خلاف مقررات اسلام عمل نمی‌کنند، لکن عرض می‌کنیم که قوه مقننه و قضائیه و اجرائیه با زحمات جان‌فرسا کوشش در

۱. ذو علم، علی، انقلاب و ارزش‌ها، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۲۰۹.

اسلامی کرد این کشور می‌کنند و ملت ده‌ها میلیونی نیز طرفدار و مددکار آنان هستند.»^۱

مقام معظم رهبری علیه السلام نیز فرمودند:

«ما همیشه می‌گوییم، بارها گفتیم که ما نتوانستیم خواسته‌های اسلام را به طور کامل تحقق ببخشیم، این قطعی است؛ اما ما راه زیادی در این زمینه طی کردیم. ما نتوانستیم عدالت اجتماعی را به طور کامل در این کشور به وجود بیاوریم؛ اما خیلی از راه را جلو آمدیم. نباید این‌ها ندیده گرفته بشود. یک روزی همه ثروت این کشور صرف تعدادی خانواده‌های اشرافی و احیاناً سرریز آن به چند شهر بزرگ می‌رسید؛ امروز اقصی نقاط کشور برخوردار از خیرات این کشورند.

این حرکت عظیم، حرکت به سمت عدالت اجتماعی، حرکت به سمت اخلاق اسلامی است. حالا می‌شنویم گاهی اوقات راجع به اخلاق حرف زده می‌شود، انتقاد می‌کنند؛ بله؛ با آن اخلاق اسلامی مطلوب، امروز ما فاصله داریم، در این شکی نیست؛ اما ما خیلی پیش رفتیم، راه زیادی را ملت ایران طی کردند، این‌ها را ندیده نگیرند... بله، البته راه طولانی‌ای در پیش داریم؛ ما به آرمان‌های مان هنوز نرسیده‌ایم؛ آرمان‌های اسلامی خیلی بالاتر از این حرف‌ها است.»^۲

۱. امام خمینی، وصیت‌نامه الهی. سیاسی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۸۰، ص ۲۲.

۲. بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز قیام نوزدهم دی، ۱۳۹۳/۱۰/۱۷.

۲. تغییر الگوی مصرف جامعه

تغییر الگوی مصرف جامعه و بهتر شدن نسبی سطح زندگی مردم، به خصوص از دهه دوم انقلاب به بعد نیز از سویی موجب افزایش سطح انتظارات آنان از زندگی و نظام شده و از سوی دیگر نوعی نارضایتی نسبت به نظام را با وجود دستاوردهای مثبت آن به همراه داشته است.

۳. افزایش سطح آگاهی‌های اجتماعی و اقتصادی

افزایش چشم‌گیر سطح آگاهی‌های اجتماعی و اقتصادی افراد جامعه نیز از دیگر عواملی است که در ایجاد نارضایتی نسبت به نظام تأثیرگذار است. جامعه امروز بر خلاف گذشته نسبت به مسایل مختلف کشور اطلاع و آگاهی گسترده‌ای پیدا نموده‌اند و در جریان مسایل خرد و کلان کشور هستند که همین امر در ایجاد نارضایتی نسبت به نظام مؤثر است.

۴. گسترده بودن اهداف انقلاب و زمان بر بودن دستیابی به آنها

گسترده بودن اهداف انقلاب و زمان بر بودن دستیابی به برخی از این اهداف نیز از عوامل تأثیرگذار در ایجاد نوعی نارضایتی در مردم نسبت به نظام است. نظام جمهوری اسلامی اهداف و ارزش‌های بلندی را برای پیشرفت مادی و معنوی کشور ترسیم نموده است که تحقق برخی از این اهداف نیازمند فراهم شدن امکانات، زمینه‌ها و شرایط و گذشت زمان و فرصت زیادی است در حالی که مردم انتظار دارند که در فرصت کوتاهی نظام به همه اهدافی که ترسیم

کرده است دست یابد و همین امر موجب نوعی نارضایتی نسبت به نظام می‌شود.

۵. نادیده گرفتن امکانات و موانع کشور در قضاوت‌ها

در ارزیابی و قضاوت در مورد عملکرد نظام، باید به مجموعه امکانات و موانع و مشکلات نظام نیز توجه نمود. در برخی موارد قضاوت و ارزیابی در مورد عملکرد نظام، بدون توجه به امکانات و موانع و مشکلات فراروی آن از جمله برخی مشکلات و کارشکنی‌های داخلی و تلاش دشمنان نظام برای مقابله با از تحمیل جنگ هشت ساله بر کشور گرفته تا تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی و حمایت از جریان‌ها و گروه‌های معاند و معارض نظام و جنگ نرم و روانی، صورت می‌گیرد. در حالی انتظار از نظام و ارزیابی و قضاوت نسبت به عملکرد نظام باید با توجه به مجموعه امکانات و موانع و مشکلات صورت بگیرد.

۶. توجه بیشتر به نقاط ضعف و نادیده گرفتن نقاط مثبت

هر گونه قضاوت منصفانه در مورد عملکرد نظام باید با در نظر گرفتن مجموعه نقاط ضعف و قوت در کنار یکدیگر بدون بزرگ‌نمایی مشکلات و ضعف‌ها و نادیده گرفتن نقاط قوت باشد. در برخی موارد تمرکز بر نقاط ضعف و نادیده گرفتن نقاط قوت و اقدامات مثبت صورت گرفته و به اصطلاح تنها دیدن نیمه خالی لیوان و یا بزرگ‌نمایی در مورد نقاط ضعف موجب شده تا نوعی نارضایتی از نظام به وجود بیاید.

۷. عدم اطلاع‌رسانی مناسب

در برخی موارد، انعکاس نیافتن مناسب دستاوردها و عدم ارایه آمارهای دقیق، شفاف و تطبیقی از ابعاد اقدامات و تلاش‌های صورت پذیرفته از سوی مسئولان نظام جمهوری اسلامی و مشکلات کشور، در ایجاد نارضایتی تأثیرگذار است.

۸. متوجه کردن همه مسئولیت‌ها به دولت

متوجه کردن همه مسئولیت‌ها به دولت نیز از دیگر عواملی است که نوعی نارضایتی را نسبت به نظام ایجاد می‌کند. این که همه مسئولیت‌ها در همه زمینه‌ها را متوجه نظام بدانیم و مسئولیت افراد و خانواده‌ها را نادیده بگیریم، نوعی نارضایتی نسبت به نظام را به همراه خواهد داشت. به عنوان نمونه در زمینه اشتغال و فرهنگ گرچه مسئولیت دولت قابل انکار نیست، اما این که همه مسئولیت را متوجه دولت بدانیم از سویی نوعی انتظار بی‌جا را ایجاد می‌کند و

از سوی دیگر با محقق نشدن انتظارات، موجب نارضایتی خواهد شد.

۹. بروز مفاسد اقتصادی

بروز برخی مفاسد اقتصادی و عدم برخورد لازم و قاطع با همه موارد آن و ضعف نهادهای نظارتی در جلوگیری از آن و تکرار چندین باره آن، آثار مخربی بر افکار عمومی داشته و بر دستاوردهای نظام، سایه افکنده و مجموعه اقدامات نظام رازیر سؤال می‌برد و نوعی نارضایتی را از نظام به دنبال دارد.

۱۰. ضعف برنامه‌ریزی و مدیریت‌ها

در برخی موارد ضعف برنامه‌ریزی و سوء مدیریت‌ها موجب می‌شود تا دستاوردها و اقدامات مثبت نظام تحت الشعاع قرار بگیرد و زمینه نارضایتی در میان مردم نسبت به نظام ایجاد شود.

۱۱. سیاست‌زدگی و نگاه سیاسی به همه امور کشور

سیاست‌زدگی و نگاه سیاسی به همه امور کشور و رقابت‌های منفی احزاب و گروه‌های سیاسی نیز از دیگر عوامل نارضایتی نسبت به نظام بوده است و در میان افراد جامعه این ذهنیت ایجاد می‌شود که مسئولان نظام به جای توجه به مشکلات کشور به رقابت‌های سیاسی مشغول شده و از انجام وظایف خودشان غافل شده‌اند و این مسئله عاملی برای ایجاد نارضایتی در میان آنان خواهد شد.

۱۲. جنگ رسانه‌ای و فضا سازی و تبلیغات گسترده دشمنان نظام

گرچه وجود برخی مشکلات و کاستی‌ها در کشور قابل انکار نیست، اما بخشی از نارضایتی‌ها از نظام، نتیجه فضا سازی رسانه‌های غربی و تبلیغات گسترده دشمنان نظام و بزرگ‌نمایی و سیاه‌نمایی در مورد مشکلات نظام و القای ناکارآمدی آن و ایجاد یأس و ناامیدی در میان مردم است.

مجموعه این عوامل موجب شده تا با وجود دستاوردهای ارزشمند در عرصه‌های مختلف و پیشرفت‌های حاصل شده، شاهد نوعی عدم رضایت‌مندی از نظام در میان بخش‌هایی از جامعه و برخی نخبگان باشیم.

وضعیت اقتصادی کشور نسبت به دوره پهلوی

سؤال: با توجه به مشکلات و کاستی‌های اقتصادی، آیا وضعیت اقتصادی کشور نسبت به دوره پهلوی بهتر شده است؟

پاسخ: با وجود تبلیغات منفی نسبت به وضعیت کشور در دوره پهلوی و تلاش گسترده رسانه‌ای برای تظہیر چهره آن دوران و زیر سؤال بردن نظام جمهوری اسلامی، نگاهی به گوشه‌ای از وضعیت کشور در آستانه انقلاب اسلامی، گویای واقعیت کشور است.

در دهه ۵۰ شمسی قیمت نفت به یک‌باره افزایش قابل توجهی پیدا کرد؛ به طوری که سهم درآمدهای نفتی ایران نسبت به کل درآمدهای دولتی از ۱۱ درصد در سال ۱۳۳۳ به حدود ۸۶ درصد در سال ۱۳۵۳ افزایش یافت. بر اساس آمارهای موجود، درآمد نفتی شاه از ابتدای دهه ۵۰ سیر افزایش نجومی خود را آغاز کرده بود. میزان درآمد نفت

که در سال ۱۳۴۲، ۵۵۵ میلیون دلار و در سال ۱۳۴۷، ۹۸۵ میلیون دلار بود، در آغاز دهه ۵۰ به ۱/۸ میلیارد دلار رسید و طی سال‌های بعد روند رو به رشد خود را ادامه داد؛ به طوری که عایدات نفت ایران از ۱ میلیارد و ۸۷۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۰ به بیش از ۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۶ رسید.^۱

با وجود رشد درآمد نفتی ایران، هیچ نشانه‌ای از بهبود اوضاع معیشتی مردم احساس نمی‌شد. روستائیان که با فقر دست و پنجه نرم می‌کردند با رویای دستیابی به زندگی بهتر به سمت شهرها روان شده بودند، بعد از رسیدن به تهران با مشکل مسکن مواجه شده و گرفتار بلایی دیگر؛ یعنی زاغه‌نشینی شدند. کارگران وضع مناسبی نداشتند و در بدبختی به سر می‌بردند.

-وضع مسکن

اوضاع مسکن در ایران دهه ۵۰ بسیار وخیم بود. بر اساس بررسی‌های یرواند آبراهامیان: «از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ درصد خانواده‌های شهری که در یک اتاق زندگی می‌کردند از ۳۶ به ۴۳ [درصد] رسید. در آستانه انقلاب، ۴۲ درصد از خانواده‌های تهرانی مسکن مناسبی نداشتند.»

به اذعان «نیکی. آرکدی»، پژوهش‌گر و خاورشناس

۱. هالیدی، فرد، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ترجمه فضل‌الله نیک‌آئین، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸، ص ۱۵۲.

امریکایی، در دهه ۵۰: «هزینه دائماً رو به افزایش واردات، کشاندن اقتصاد به سمت تکیه بیش از حد به خارجی‌ها، مهاجرت انبوه جمعیت‌های روستایی به سمت شهرهایی که خود دچار جمعیت‌زدگی بودند و فقدان وجود خانه‌های ارزان قیمت در مناطق شهری و در نتیجه رشد سرسام‌آور قیمت مسکن در شهرها که به خاطر حضور روزافزون خارجی‌ها و دستمزدهای بالای آنها بود، به افزایش قیمت‌ها و کمبودها به خصوص در زمینه مسکن کمک می‌کرد.»^۱

- وضعیت حمل و نقل

اوضاع حمل و نقل نیز در تهران تعریفی نداشت. گرانی بلیط اتوبوس‌ها به حدی بود که مردم را درمانده می‌کرد. رشد جمعیت تهران نیز باعث شد توازن مناسبی میان وسایل حمل و نقل عمومی و متقاضیان وجود نداشته باشد. به نوشته آبراهامیان، در دهه ۵۰ تهران با بیش از ۴ میلیون جمعیت، علی‌رغم درآمدهای زیاد نفتی هنوز سیستم فاضلاب، مترو و حمل و نقل عمومی درستی نداشت. برادر کوچک‌تر شاه که اتفاقاً صاحب کارخانه هلیکوپترسازی بود در سخنرانی مراسم یادبود ماری آنتوانت می‌پرسد که «اگر مردم از فشار و دردسر ترافیک خوش‌شان نمی‌آید چرا هلیکوپتر نمی‌خرند؟!»^۲

۱. آرکدی، نیکی، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: قلم، ۱۳۷۷، ص ۳۰۲.

۲. آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد

- اوضاع زندگی کارگران

کارگران هم زندگی مناسبی نداشتند. آبراهامیان می‌نویسد: «قشر پائین‌تر طبقه کارگر. به ویژه کارگران ساختمانی، دستفروش‌ها، کارکنان کارخانه‌های کوچک و کارگران موقت. که مشمول طرح‌های بیمه و برنامه‌های مشارکت در سود نبودند، از مزایای برنامه‌های رفاه اجتماعی بهره‌مند نمی‌شدند. به بیان دیگر، درآمدهای بیش از حد نفت به فقر این توده‌های میلیونی که بیشترشان از روستاها به شهرها رانده شده بودند پایان نداد بلکه شکل آن را مدرن کرد.»^۱

«مینو صمیمی» که ارتباط نزدیکی با فرح و دربار پهلوی داشت نیز درباره وضع کارگران در سال ۵۴ می‌گوید: «در سال ۱۳۵۴، شاه دستور داد دستمزد کارگران در ۲۱ واحد بزرگ صنعتی کشور، تا ۳۰ درصد اضافه شود، و در سال بعد نیز، اکثر کارگران، مبلغی به اندازه حقوق يك ماه خود به عنوان عیدی، در نوروز ۱۳۵۵ دریافت داشتند. لیکن علی‌رغم افزایش درآمد طبقات مزدبگیر، هیچ بهبودی در معیشت آنها پدید نیامد و اکثراً در شرایط سخت، به زندگی ادامه می‌دادند. یکی به این دلیل که تعداد افراد خانوارشان زیاد

ابراهیم فتاحی ولیلایی، تهران: نشرنی، ۱۳۸۷، ص ۵۵.

۱. آبراهامیان، پروانه، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد

ابراهیم فتاحی ولیلایی، تهران: نشرنی، ۱۳۸۷، ص ۵۵.

بود و مشکل می‌توانستند مخارج همه اعضای تحت تکفل خود را تأمین کنند؛ دیگر این که قید و بندهای مذهبی اجازه نمی‌داد مثل دیگران، به هر کاری دست بزنند و بالاخره ترقی روزافزون هزینه مسکن، مقادیر عمده‌ای از درآمدشان را می‌بلعید.»^۱

- کمبود کالاهای اساسی زندگی

در سال‌های دهه ۵۰ با وجود افزایش قیمت نفت اما در مقاطعی مردم از دسترسی به کالاهای اساسی زندگی ناتوان می‌شدند. اسدالله علم ذیل خاطرات ۲۴ شهریور ۱۳۵۲ می‌نویسد: «...سر شام موضوع صحبت کمبود بعضی از کالاهای اساسی بود، که شاه عقیده دارد مردم باید یاد بگیرند بدون آنها زندگی کنند!»^۲

از همین رو بود که «فرانسیس فیتزجرالد»، نویسنده سرشناس آمریکایی و برادرزاده سفیر آمریکا نیز وضعیت ایران در سال ۱۳۵۳ را «بدتر از سوریه» دانسته و عنوان می‌کند: «وضعیت ایران به طور کلی به مراتب بدتر از کشوری مانند سوریه است که نه نفت و نه ثبات سیاسی دارد. به این دلیل که شاه برای توسعه کشور هرگز تلاش جدی نکرده است...، ثروت کشور بیشتر به سوی خودروهای شخصی

۱. صمیمی، مینو، پشت پرده تخت طاووس، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۶، ص ۱۷۴.

۲. علم، اسدالله، گفتگوهای من با شاه (خاطرات محرمانه امیر اسدالله علم)، تهران: طرح نو، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۵۰۱.

و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و نه آموزگاران، سرازیر شده است.»^۱

در چنین شرایطی مردم حتی از ابتدایی‌ترین امکانات نیز محروم بودند. یک نمونه از این موضوع، قطع پرتکرار برق بود. در این زمینه خاطره‌ای از پرویز راجی خواندنی است. آخرین سفیر رژیم پهلوی در لندن به یاد می‌آورد: «موقعی که به تهران رسیدم در هتل هیلتون، برای اولین بار به خاموشی برق برخوردیم که در ساعت شش و نیم بعد از ظهر آغاز شد و به مدت چهار ساعت تمام ادامه یافت. در طول این مدت هیچ نقطه‌ای از شهر برق نداشت، به علت از کار افتادن تهویه هتل، چنان گرمای آزار دهنده‌ای به وجود آمد که واقعاً نمی‌شد در اتاق هتل دوام آورد و طبیعی است که در این زمان، استفاده از رادیو، تلویزیون هم مقدور نبود. در نگاهی که از بالکن هتل به شهر تهران انداختم، صف دراز اتومبیل‌ها را دیدم که به علت خاموشی چراغ‌های راهنمایی، در خیابان‌ها از حرکت بازمانده‌اند و با به صدا در آوردن بوق‌های خود، نسبت به خاموشی برق، اعتراض می‌کردند. من هم در این موقع برای این که از شدت ناراحتی خود بکاهم رو به مشروب آوردم، ولی چون بر اثر گرما تمام یخ‌ها آب شده بود

۱. www.irdc.ir/fa/news/۵۰/۵۴۰۷

ناچار گیلای را از ودکای گرم پر کردم و لاجرعه سرکشیدم.»^۱

وی ادامه می‌دهد: «(۳۱ تیر ۵۶) خاموشی‌های برق در ایران، رژیم را به سرگیجه دچار ساخته و سبب نارضایتی فراوانی در بین مردم شده است. تا جایی که دیگر هیچ کس، وعده‌های پشت سر هم رژیم را در مورد این که «افزایش مخارج تسلیحاتی، اثری در کاستن از فعالیت در بهبود زندگی مردم ندارد» باور نمی‌کند. هم‌اکنون، مردم در ایران، به شدت از کمبود روشنایی برق و عدم توانایی در استفاده از تهویه و یخچال در بحبوحه گرما، عذاب می‌کشند و احساس می‌کنند؛ بودجه‌ای که می‌بایست صرف تأمین رفاه آنها شده باشد، به خرید جنگ افزار اختصاص یافته است.»^۲

- اوضاع زندگی روستائیان

«آنتونی پارسونز»، سفیر انگلیس در ایران وضعیت روستائیان را که با رویای زندگی بهتر به شهر هجوم آورده بودند این‌گونه توصیف می‌کند: «روستاییان که به شهرها سرازیر شده و آن‌طور که گفته می‌شد، به دنبال خیابان‌هایی می‌گشتند که سنگ‌فرش‌شان از طلا بود، آنها را نمی‌یافتند، و در عوض به پرولتاریای بی‌ریشه و ساکن حلبی‌آبادهای حومه تبدیل می‌شدند. تعداد نیروی کار ماهر، به علت آن‌که

۱. راجی، پرویز، خدمت‌گزار تخت طاووس (خاطرات پرویز راجی)، تهران: اطلاعات، ۱۳۹۴، ص ۹ و ۹۵.

۲. راجی، پرویز، خدمت‌گزار تخت طاووس (خاطرات پرویز راجی)، تهران: اطلاعات، ۱۳۹۴، ص ۸۲.

سیستم آموزش عمومی در حال تکوین، از تقاضای روزافزون جامعه بسیار عقب مانده بود، شدیداً کاهش می‌یافت...، افراطی‌گری عجیب و غریب و پرطمطراق برخی از برنامه‌های مورد علاقه شاه، زندگی و امرار معاش روستاییان را برهم زده و موجب نارضایتی و مخالفت [آنان] شده بود.»^۱

- توصیفی از اوضاع تهران

«حسین فردوست» دوست صمیمی شاه اذعان دارد که محمدرضا در طول سلطنت خود بافت جامعه را به هم ریخت و این امر عواقب وخیمی به بار آورد که چاره آن بسیار دشوار است. او می‌گوید به هم ریختن بافت اجتماعی ایران توسط انقلاب سفید محمدرضا و به ویژه اصلاحات ارضی او صورت گرفت. به گفته فردوست محمدرضا تمام درآمد هنگفت نفت را صرف پروژه‌های بزرگ و کوچک کرد که در واقع بخش عمده آن به جیب شرکت‌های امریکایی، انگیزی و اروپایی می‌رفت.

حسین فردوست با استناد به تحقیقات دفتر ویژه اطلاعات درباره معضل شهرنشینی در سال ۵۵ می‌گوید: «ظرف ۵ سال ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر به جمعیت تهران، ۵۰۰ هزار نفر به جمعیت مشهد، ۵۰۰ هزار نفر به جمعیت اصفهان و ۳۰۰ هزار نفر به جمعیت شیراز افزوده شده است.

۱. پارسونز، آلتونی، غرور و سقوط (ایران ۱۳۵۷-۱۳۵۲)، ترجمه محمدصادق حسینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۲۹.

این افراد در اراضی موات، حومه شهرها در کپر یا خانه‌های گلی که خود می‌ساختند زندگی می‌کردند. در تهران ۱۳ شهرک کپرنشین ایجاد شده بود و شهردار تهران در مواردی این کپر را شبانه با بولدوزر تخریب می‌کرد که تلفاتی هم وارد می‌آمد، ولی دوباره این کپر ها بر پا می‌شد. بدین ترتیب جمعیت شهرهای بزرگ به ویژه تهران به طور غیرمنتظره افزایش یافت و چون هیچ برنامه‌ای برای گسترش شهرها وجود نداشت نظم شهرها به هم خورد. مسئله ترافیک و آلودگی هوای تهران به یک معضل اساسی مملکتی بدل شد و نیروی کار مفید و مولد جامعه به نیروی انگلی و مصرفی که در تهران و سایر شهرها انباشته شده بود تبدیل شد.^۱

وضع مردم تهران به خصوص مناطق پایین شهری هم اصلاً مناسب نبود. مینو صمیمی، منشی فرح که خود از نزدیک شاهد فقر و بدبختی مردم تهران بود خاطره خود از یکی از مناطق پایین شهر تهران را این‌گونه توصیف می‌کند: «در زمان کودکی بارها مادرم مرا با خود به همین نقاط محروم آورده بود تا به مردم محتاج کمک کند، ولی اینک پس از گذشت سال‌ها از آن دوران باز می‌دیدم که وضع زندگی مردم کماکان به همان منوال است و عده کثیری از هموطنانم در شرایط نکبت‌بار عمر خود را در کلبه‌های محقر گلی

۱. فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۷۵.

می‌گذرانند. گرچه این وضع هم فقط به مناطق جنوب شهر تهران محدود نبود و نظایری به مراتب بدتر از آن را می‌شد در اکثر نقاط ایران به چشم دید.» مشاهده این وضع مینو صمیمی را با این سؤال روبرو می‌کند که «راستی چرا شاه برای بهبود شرایط زندگی مردمی که در این نقاط محروم به سر می‌برند قدمی برنداشته است؟» مسئله‌ای که با شعار تمدن بزرگ از سوی شاه کاملاً در تضاد بود.^۱

- تورم

یکی دیگر از مشخصه‌های ایران دهه ۵۰ افزایش تورم است. به گفته عبدالمجید مجیدی که از دی ماه ۱۳۵۱ به ریاست سازمان برنامه و بودجه تعیین شده بود: «پس از افزایش قیمت نفت در سال‌های ۱۳۵۰ به بعد و به دنبال آن افزایش بودجه دولت، تورم خیلی شدیدی به وجود آمد و علت، آن بود که برخورد صحیحی با مسئله افزایش قیمت نفت وجود نداشت. سعی می‌شد، راه‌حل‌ها از طریقی پیدا شود که خیلی قابل توجیه نبود.»^۲

بر اساس آمار ارائه شده توسط بانک مرکزی، نرخ تورم در سال ۱۳۵۶ به بیش از ۲۵ درصد رسید. نمودار زیر، فراز و فرود نرخ تورم را از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ نشان می‌دهد.

۱. صمیمی، مینو، پشت پرده تخت طاووس، ص ۴۸.

۲. درودی، ریحانه، ۵۳ سال عصر پهلوی به روایت دربار، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۵۲.

آنچه گفته شد تصویر ایران دوران محمدرضا شاه در آخرین دهه حیات رژیم پهلوی بود که از قضا با رشد سرسام‌آور قیمت نفت نیز هم‌زمان شده بود، اما وضعیت مردم در پایتخت ایران بسیار فاجعه‌بار بود. به گفته اشرف پهلوی: «در فضای ثروت فاحش برآمده از افزایش قیمت نفت، شکاف میان فقیر و غنی عمیق‌تر و آشکارتر و برای دوام و بقای حکومت، خطرناک‌تر می‌شد. تهران به آسمان خراش‌های چندین میلیون دلاری، محله مسکونی‌ای با کاخ‌ها و ویلاهای میلیونرهای جدید و بلوارهای وسیع پر از اتومبیل‌های لوکس آراسته شد. با این‌همه، علاوه بر تهی‌دستان شهری که در زاغه‌ها زندگی می‌کردند و همه اعضای خانواده توی يك یا دو اتاق چپیده بودند و گاهی هم برق و آب جاری نداشتند، هنوز شمار عظیمی از مردم ما نیز در روستاهای کوهستانی، در جاهای پرت و دسترس‌ناپذیر، روزگار می‌گذراندند.»^۱

ادعای رفاه اقتصادی در دوره شاه، دروغ بزرگی است که در راستای تطهیر چهره منحوس رژیم پهلوی صورت گرفته و سال‌هاست که با تبلیغات رسانه‌ای گسترده مطرح می‌شود، اما بر اساس اسناد تاریخی نه تنها مردم در زمان شاه از نظر اقتصادی وضعیت خوبی نداشته‌اند، بلکه از

۱. درودی، ریحانه، ۵۳ سال عصر پهلوی به روایت دربار، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۲.

امکانات اولیه زندگی هم محروم بودند. تا جایی که حتی برخی از سلطنت‌طلبان نیز به این مسأله اذعان دارند. به عنوان نمونه فریدون هویدا^۱ در کتاب خاطراتش می‌نویسد: «علی‌رغم برکناری زاهدی، اوضاع اقتصادی کشور روز به روز بدتر می‌شد. گرچه که بعد از سقوط مصدق، بهره‌برداری از نفت ایران را کنسرسیومی متشکل از کمپانی‌های غربی به عهده گرفت و درآمد ایران هم از بابت فروش نفت (به صورت دریافت ۵۰ درصد سود)، به مراتب بیشتر از گذشته شد؛ ولی به خاطر فساد گسترده و عدم کارایی در امور کشور، تمام درآمد نفتی به هدر می‌رفت و یک بار دیگر، ایران در معرض تهدید و ورشکستگی قرار گرفته بود.»^۲

مقایسه وضعیت اقتصادی کشور پیش و پس از انقلاب و پیشرفت‌ها و دستاوردهای به دست آمده در بخش‌های مختلف به خوبی گویای رشد و پیشرفت کشور نسبت به قبل از انقلاب است. در زمینه رشد اقتصادی کشور توجه به میزان سرانه درآمد ملی و تولید ناخالص داخلی به خوبی بیان‌گر وضعیت اقتصادی کشور در این دوره در مقایسه با یک‌دیگر است. در این زمینه بر اساس آمارهای بانک جهانی به این سه محور اشاره می‌کنیم:

۱. برادر امیرعباس هویدا و نماینده دائم ایران در سازمان ملل تا قبل از انقلاب.

۲. هویدا، فریدون، سقوط شاه، ترجمه ح. ا. مهران، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۵، ص ۱۳۳.

سرانه درآمد ملی

سرانه درآمد ناخالص ملی شاخصی است که از تقسیم مجموع درآمد ناخالص ملی یک کشور بر تعداد جمعیت آن به دست می‌آید.

بر اساس آمارهای بانک جهانی، در دوران پهلوی سرانه درآمد ملی ایرانیان بین ۲۶٪ تا ۲۲۰۰ دلار بوده است، اما در دوران پس از انقلاب با وجود دو سه برابر شدن جمعیت کشور، سرانه درآمد ملی ایرانیان به رکوردهای بالاتر از ۷۰۰۰ دلار هم رسیده است که نشانه افزایش چند صد درصدی نسبت به قبل از انقلاب است.

درآمد ناخالص ملی

بر اساس آمار بانک جهانی، درآمد ناخالص ملی ایران از ۳۱۶ هزار میلیارد تومان در سال ۱۹۷۹ (به قیمت‌های ثابت امروز) به حدود ۶۰۰ هزار میلیارد تومان در سال‌های اخیر افزایش یافته که رشد حدوداً ۲ برابری نشان می‌دهد.

تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی ایران (تعدیل شده بر اساس نرخ‌های ثابت سال ۲۰۱۰) از قبل انقلاب تاکنون تقریباً سه برابر شده است. تولید ناخالص داخلی ایران در سال‌های پایانی دوران رژیم پهلوی (تعدیل شده به نرخ سال ۲۰۱۰) بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیارد دلار بود.

این شاخص در سالیان اخیر از ۵۴۰ میلیارد دلار هم عبور کرده است. لازم به توجه است که ارقام فوق، بر اساس نرخ‌های واقعی تولید ناخالص داخلی کشور است، وگرنه بر اساس نرخ‌های جاری، تولید ناخالص داخلی ایران نسبت به قبل از انقلاب که حداکثر ۹۰ میلیارد دلار بود که در سال‌های اخیر به رکورد ۶۰۰ میلیارد دلار هم رسیده و رشد ۶.۷ برابری نشان می‌دهد.^۱

اگر روزگاری گرد محرومیت و عقب ماندگی بر چهره رژیم گذشته گسترده شده بود، نظام جمهوری اسلامی با تکیه بر توان جوانان و نخبگان این مرز و بوم که به آنان توجهی نمی‌شد و دمیدن روحیه خودباوری و اعتماد به نفس در آنان، در عرصه‌های مختلف علمی، پزشکی، نانو، هوا فضا، هسته‌ای و نظامی به دستاوردها و پیشرفت‌های خیره کننده‌ای دست یافته است که کشور ما را در میان چند کشور برتر دنیا در این زمینه‌ها قرار داده است. در عرصه رفع محرومیت و خدمات‌رسانی در بخش آب‌رسانی، برق، گاز و تلفن و راه‌سازی و بهداشت نیز تحول عظیمی در کشور به وجود آمده است و هنگامی ارزش دستاوردهای به دست آمده، بیشتر آشکار می‌شود که توجه داشته باشیم که همه این دستاوردها با وجود دشمنی‌ها، مانع‌تراشی‌ها، کارشکنی‌ها، فشارها و تحریم‌های نظام سلطه صورت گرفته است.

۱. ۸۲۹۹۶۵؛ تاریخ انتشار: ۲۱ بهمن ۱۳۹۶/ www.mashregnews.ir/news/1396

ایران در آستانه انقلاب اسلامی

سؤال: برخی می‌گویند که ایران در آستانه انقلاب در حال پیشرفت بود و در صورتی که انقلاب نمی‌شد، تا چند سال بعد، به جمع کشورهای پیشرفته می‌پیوست. آیا این ادعا درست است؟

پاسخ: این ادعا که ایران قبل از انقلاب در حال پیشرفت بود، بر خلاف واقعیات میدانی آن زمان و ناشی از توهم و برخی دروغ پراکنی‌ها در راستای تطهیر و بزک نمودن چهره زشت رژیم شاه است. برای این‌که درک درستی از وضعیت کشور داشته باشیم به اظهارات برخی از اندیشمندان خارجی از وضعیت رژیم شاه اشاره می‌کنیم:

«فرانس فیتزجرالد»، نویسنده سرشناس امریکایی، مشاهداتش در ایران را در سال ۱۳۵۳ در مقاله‌ای به نام «به شاه هر چه می‌خواهد بدهید»؛ «giving the shah everything he wants»، که در یکی از مجلات امریکا چاپ شد، آورده است: «وضعیت ایران به طور کلی به مراتب بدتر

از کشوری مانند سوریه است که نه نفت و نه ثبات سیاسی دارد. به این دلیل که شاه برای توسعه کشور هرگز تلاش جدی نکرده است...، ثروت کشور بیشتر به سوی خودروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی، و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و نه آموزگاران، سرازیر شده است.^۱

جان فوران استاد دانشگاه کالیفرنیا ای آمریکا از وضعیت تغذیه و بهداشت در جامعه ایران در زمان پهلوی دوم این گونه می نویسد: «۶۵ درصد شهرنشینان در سال ۱۳۵۲ ۱۳۵۱ش دچار سوء تغذیه بودند (که ۲۵ درصد اینها وضع تغذیه شان بسیار بد بود) و این در مقایسه با ۴۲ درصد در روستاها، رقم بسیار بالایی است. آمار و ارقام بهداشتی نشان می دهد که بر تعداد تخت های بیمارستان، کلینیک ها، پزشک و پرستار افزوده شده، اما در سال ۱۳۵۶ ایران هنوز در خاورمیانه بدترین نسبت پزشک-بیمار، بالاترین نرخ مرگ و میر نوزادان و اطفال و پایین ترین نسبت تخت بیمارستان به جمعیت را دارا بوده است.»^۲

وی در کتاب خود به وضعیت توسعه در روستاها پرداخته، در این خصوص می نویسد:

۱. www.rajanews.com/news/۲۳۳۵۸۵

۲. فوران، جان، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات رسا، ۱۳۷۸، ص ۴۹۲.

«به رغم ایجاد مدرسه‌های روستایی توسط سپاه دانش، تنها ۱۵ درصد روستاییان در سال ۱۳۵۰ ش از تحصیلات ابتدایی برخوردار می‌شدند و در سال ۱۳۵۴ ش، ۶۰ درصد مردان و ۹۰ درصد زنان روستایی بی‌سواد بودند. در سال‌های دهه ۱۳۵۰ ش، ۹۶ درصد روستاها برق نداشتند.»^۱

دکتر یرواند آبراهامیان استاد دانشگاه شهر نیویورک، آمار وحشتناکی را در خصوص وضعیت پزشکان و تحصیل در زمان پهلوی دوم بیان می‌کند که نشان از اوضاع بسیار بد کشور داشته است: «انقلاب سفید محمدرضا شاه پهلوی و در پی آن رونق درآمد نفت به جای پاسخ‌گویی به انتظارات عمومی، موجب افزایش نارضایتی‌های گسترده شد. درست است که اجرای برنامه‌های اجتماعی در بهبود وضعیت آموزشی و امکانات بهداشتی بسیار مؤثر بود، اما این نکته نیز صحت دارد که ایران پس از دو دهه یکی از بدترین کشورها در بخش مرگ و میر کودکان و نسبت پزشک به بیمار در خاورمیانه بود. یکی از پایین‌ترین نرخ‌های آموزش عالی مربوط به این کشور بود. افزون بر این، ۶۸ درصد از جمعیت بزرگسال بی‌سواد بودند، ۶۰ درصد از کودکان نمی‌توانستند دوره دبستان را به صورت کامل طی کنند و تنها ۳ درصد از داوطلبان کنکور می‌توانستند وارد دانشگاه‌ها شوند. در

۱. فوران، جان، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات رسا، ۱۳۷۸، ص ۴۷۷.

این میان شمار افراد متقاضی تحصیل در خارج از کشور رو به رشد بود. در دهه ۱۹۷۰م/۱۳۵۰ش شمار پزشکان ایرانی مستقر در نیویورک بیشتر از شهرهای غیر از تهران بود.^۱

بنا به گزارش موسسه هادشن (Hudson Institute) یکی از مهم‌ترین اتاق‌های فکر که در تدوین و طراحی سیاست‌های کلان ایالات متحده که امروزه نیز هم‌چنان نقش جدی و تأثیرگذار دارد در ۱۹۷۵م/۱۳۵۴ش، حتی اگر ایران به نرخ رشد پیش‌بینی شده حاصل از سیاست‌های اقتصادی حکومت پهلوی دست یابد، در سال ۱۹۸۵م/۱۳۶۴ش «اقتصادش از اقتصاد هندوستان بهتر نخواهد بود و اگر از مکزیک عقب نباشد حداکثر به سطح آن کشور خواهد رسید».^۲

«جان فوران» در مورد وضعیت صنعت کشور در زمان پهلوی دوم در مقایسه صنعتی ایران با سه کشور هندوستان، سنگاپور و مکزیک می‌نویسد: «سهام صنعت در تولید ناخالص ملی ۱۸ درصد بود و به مراتب از سهم خدمات (۳۵ درصد) و نفت (۳۵ درصد) در ۱۳۵۷. ۱۳۵۶ش کمتر می‌شد و دیگر این‌که صادرات صنعتی غیرنفتی تنها ۲ تا ۳ درصد همه صادرات ایران در سال ۱۳۵۴ تشکیل می‌داد که در مقایسه با کشورهای مثل هندوستان (بیش از ۵۰ درصد)، سنگاپور (۶۰ درصد) و مکزیک (۳۳ درصد) بسیار ناچیز می‌نمود».^۳

۱. آبراهامیان، یرواند، تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۳. ۲۵۵

۲. www.rajaneews.com/news/۲۳۳۵۸۵

۳. فوران، جان، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات رسا،

«علی‌نقی عالی‌خانی» از مقامات عالی‌رتبه اقتصادی رژیم پهلوی که در اغلب سال‌های دهه ۴۰ نیز وزارت اقتصاد را بر عهده داشت، طی مقدمه‌ای که بر یادداشت‌های اسدالله علم نگاشته، به تفصیل کارکردها و دستاوردهای رژیم پهلوی را در عرصه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده است. در بخشی از این مقدمه می‌خوانیم: «... در ۱۳۵۵ تنها ۷۵٪ از کودکان به آموزش دسترسی داشتند، آن هم در شرایطی که حتی در پایتخت مدرسه‌ها تا سه نوبت کار می‌کردند و شمار شاگردان هر کلاس به ۸۰-۷۰ نفر می‌رسید. بر پایه گزارش سال ۱۹۷۹ بانک جهانی، درصد اشخاص بالغ باسواد در ۱۹۷۵، در تانزانیا ۶۶٪، در ترکیه ۶۰٪ و در ایران ۵۰٪ بیشتر نبود، هم‌چنین در ۱۹۷۷ انتظار عمر متوسط (امید به زندگی) در ترکیه ۶۰٪، در ایران ۵۲٪ و در هندوستان و تانزانیا ۵۱ سال بود. به زبان دیگر، چه در زمینه آموزشی و چه در زمینه بهداشتی، وضع ایران از کشورهای که درآمد کمتری یا خیلی کمتر داشتند، بهتر نبود.»^۱

۱۳۷۸، ص ۴۸۴.

۱. علم، اسدالله، یادداشت‌های امیر اسدالله علم، ویراستار علی‌نقی عالی‌خانی، تهران، انتشارات مازیار و معین، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۲۰.

اگر رژیم پهلوی هم بود همین پیشرفت‌ها را داشتیم

**سؤال: برخی می‌گویند جمهوری اسلامی کار بزرگی
نکرده است، اگر رژیم پهلوی هم بود همین پیشرفت‌ها
را داشتیم؟**

پاسخ: توجه به چند نکته چنین ذهنیتی را برطرف خواهد
کرد:

۱. با توجه به وابستگی و سرسپردگی رژیم پهلوی به
امریکا و سیاست‌های نادرست اقتصادی و توجه به واردات
و بی‌توجهی به اقتصاد کشور و کشاورزی و توانمندسازی
داخلی و... اگر رژیم پهلوی ادامه می‌یافت، شاهد وابستگی
بیشتر کشور در برابر امریکا و از دست رفتن بیشتر استقلال
و عزت کشور بودیم. ممکن بود کشور ما تبدیل به مصرف
کننده تولیدات خارجی می‌شد، اما با توجه به خود تحقیری و
توجه نکردن به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی، پیشرفت
حقیقی را شاهد نبودیم. بنابر این، رویه و برنامه‌ریزی و
سیاست‌گذاری کلان یک حکومت ترسیم کننده آینده آن

است در شرایطی که رژیم پهلوی به دنبال افزایش وابستگی در همه زمینه‌ها به بیگانگان بوده و با وجود آن که قیمت نفت افزایش چندین برابری داشت به جای توجه به اقتصاد داخلی، به واردات بی‌رویه کالاها و اجناس سایر کشورها و خریداری تسلیحات نظامی روی آورد، و به ارتقای اقتصاد کشور توجهی نداشت، نمی‌توان انتظار پیشرفت از چنین نظامی با چنین تفکری داشت.

۲. پیشرفتی که در طول حیات چهل و شش ساله انقلاب اسلامی به دست آمده است، یک پیشرفت عادی و معمولی نبوده که با ادامه رژیم پهلوی به دست بیاید و یا محصول پیشرفت علم و فناوری در جهان باشد. بلکه جهش و ارتقاء در عرصه پیشرفت بوده که نتیجه سیاست‌گذاری صحیح و مدیریت و توجه به ظرفیت‌ها و ایجاد و تقویت روحیه خودباوری و توجه ویژه به علم و ارتقای جایگاه علمی کشور صورت گرفته است. پیشرفت کشور ما چندین برابر سرعت پیشرفت جهانی است که این نتیجه تلاش و رویکرد صحیح جمهوری اسلامی است. دستیابی به فناوری‌های نوین در حوزه‌های مختلف علمی؛ پزشکی، نانو، الکترونیک، هوا فضا، هسته‌ای و دفاعی و... و قرار گرفتن در میان چندین کشور برتر دارنده این فناوری‌ها با وجود همه فشارها و تحریم‌ها و مانع‌تراشی‌ها، نتیجه هدایت و برنامه‌ریزی نظام در مسیر پیشرفت است.

طبق گزارش نشریه نیوساینتیست: «ایران دارای سریع‌ترین نرخ رشد علمی و از پیشروترین کشورهای جهان در تولیدات علمی است. نرخ رشد علمی در ایران ۱۱ برابر میانگین جهانی است.»

هم‌چنین مجله ساینس اذعان داشته است که پیشرفت ایران در اوج تحریم‌ها شگفت‌انگیز است.

این مجله علمی با انتشار گزارشی، به ثبت نخستین تصویر کیهانی از سوی تلسکوپ ۴/۳ متری رصدخانه ملی ایران واکنش نشان داد و ساخت این پروژه بزرگ را در شرایط تحریمی ایران، شگفت‌انگیز و نشانی از پیشرفت علوم مهندسی دانشمندان ایرانی توصیف کرده است.

آمارها نشان می‌دهد ایران سریع‌تر از هر کشور دیگری در دنیا در مسیر پیشرفت علم و فناوری گام برداشته است، به طوری که سهم ایران از تولید علم دنیا نسبت به جمعیت کشور بیش از دو برابر می‌باشد.

بر اساس گزارشی که توسط وبسایت بین‌المللی «Web of Science» منتشر شد: «ایران با نرخ رشد علمی ۱۰۴ درصدی در سال ۲۰۱۹، در میان ۲۵ کشور برتر جهان در رتبه دوم قرار دارد.»

هم‌چنین به گزارش دو پایگاه معتبر علمی «New Scientist» و «Metrix Science»، جمهوری اسلامی ایران با

نرخ رشد ۱۱ برابر متوسط جهانی، رتبه نخست رشد علمی را در بین سال‌های ۲۰۰۹-۱۹۸۰ دارا بوده است.

این آمارها نشان می‌دهد ایران سریع‌تر از هر کشور دیگری در دنیا در مسیر پیشرفت علم و فناوری حرکت می‌کند. به طوری که سهم ایران از تولید علم دنیا در سال ۱۹۹۸ از ۰.۰۷ درصد، به ۲ درصد در سال ۲۰۲۰ رسیده است و این یعنی سهم ایران از تولید علم دنیا نسبت به جمعیت کشور بیش از دو برابر شده است.^۱

۳. در همین عصر فناوری و پیشرفت، کم نیستند کشورهایی که از پیشرفت به دور هستند مانند برخی کشورهای آفریقایی و آسیایی یا اگر پیشرفتی دارند، پیشرفت وارداتی و وابسته است. دستیابی به پیشرفت در عرصه‌های مختلف با وجود موانع و سنگ اندازهایی که سایر کشورها با آن مواجه نیستند نشان از تحرک و تلاش در این مسیر است.

بنابر این، برای پیشرفت یک کشور نیاز به نگاه صحیح، برنامه‌ریزی و مدیریت مناسب و توجه به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های درونی کشور است و رژیم پهلوی نه تنها فاقد این مؤلفه‌ها بوده و نمی‌توانست پیشرفت کشور را رقم بزند، بلکه با توجه به نبود اعتماد به نفس و روحیه خودباوری

۱. <https://ana.press/۰۰۳RJO>

در میان سران رژیم، صنعت مونتاژ و به طور کامل وابسته کشور، فساد شدید و گسترده در دربار و دولت‌مردان، بی‌توجهی رژیم به مردم و مشکلات آنها، اولویت نظامی‌گری بر آبادانی کشور، حیف و میل سرمایه ملی و عدم سرمایه‌گذاری در بخش‌های اساسی کشور که نمونه آن جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی با بیش از سیصد میلیون دلار هزینه بود و... آینده تاریکی در انتظار کشور بود که انقلاب اسلامی به این روند فلاکت بار پایان داد.

بنابر این، با توجه به وابستگی و سرسپردگی رژیم پهلوی به امریکا و سیاست‌های نادرست اقتصادی و... اگر رژیم پهلوی ادامه می‌یافت، نمی‌توان انتظار پیشرفت کشور را داشت و شاهد وابستگی بیشتر کشور بودیم.

اگر انقلاب نمی‌شد

سؤال: این جمله را از گوشه و کنار و در شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی زیاد شنیده‌اید که «اگر شاه بود وضعیت اقتصادی مردم بهتر از حالا بود.» یا «اگر انقلاب نمی‌شد؛ ایران در ردیف کشورهای پیشرفته قرار داشت.» آیا این چنین است؟

پاسخ: صرف‌نظر از آن‌که این سخنان از سر ناآگاهی و تحت تأثیر تبلیغات القایی و شایعه‌سازی‌ها گفته شده یا آگاهانه و هدفمند برای تطهیر چهره رژیم پهلوی و تخریب وجهه نظام، در ارزیابی این انگاره توجه به چند نکته راه‌گشا خواهد بود.

۱. نگاهی به وضعیت اقتصادی کشور در سال‌های پایانی دوره پهلوی، نادرستی چنین ادعاهایی را اثبات می‌کند و این‌که کشور نه تنها در مسیر پیشرفت قرار نداشت، بلکه با شاخص‌های آن فاصله زیادی داشت. به عنوان نمونه «جان فوران»، استاد دانشگاه کالیفرنیا، آمریکا از وضعیت تغذیه و بهداشت در جامعه ایران در زمان پهلوی دوم این‌گونه

می‌نویسد: «۶۴ درصد شهرنشینان در سال ۱۳۵۲. ۱۳۵۱ش دچار سوء تغذیه بودند (که ۲۵ درصد اینها وضع تغذیه‌شان بسیار بد بود) و این در مقایسه با ۴۲ درصد در روستاها، رقم بسیار بالایی است. آمار و ارقام بهداشتی نشان می‌دهد که بر تعداد تخت‌های بیمارستان، کلینیک‌ها، پزشک و پرستار افزوده شده، اما در سال ۱۳۵۶ ایران هنوز در خاورمیانه بدترین نسبت پزشک.بیمار، بالاترین نرخ مرگ و میر نوزادان و اطفال و پایین‌ترین نسبت تخت بیمارستان به جمعیت را دارا بوده است.»^۱

«فرد هالیدی» نیز می‌نویسد: «بی‌سوادی، کشاورزی عقب مانده، ارتباطات ناقص و کم، فقدان کارگر ماهر، بخش صنعتی ضعیف، و یک دستگاه دولتی نامناسب، این واقعیات تا درجات زیاد مشکلاتی داخلی است که به صورتی غیرمستقیم عقب ماندگی ایران را تحکیم کرده‌اند.»^۲

با وجود اعتراف خود شاه^۳ و نزدیکان وی^۴ و سران رژیم^۵ به وضعیت اسف‌بار کشور، جایی برای تظہیر چهره رژیم پهلوی و چنین ادعاهای واهی باقی نمی‌گذارد.

۲. یکی از نظریه‌های مطرح در مورد علل وقوع انقلاب

۱. فوران، جان، مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ص ۴۹۲.

۲. هالیدی، فرد، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ص ۱۷۲.

۳. <https://www.aparat.com/v/PXEtz.۳>

۴. اسفندیاری، ثریا، کاخ تنهایی، ترجمه نادعلی همدانی، تهران: نشر مترجم، ۱۳۷۰، ص ۱۳۳.

۵. علم، اسدالله، یادداشت‌های امیر اسدالله علم، ج ۱، ص ۱۲۰.

اسلامی، وضعیت اقتصادی و فشار ناشی از آن بر مردم به ویژه در سال‌های پایانی رژیم پهلوی است. تحلیل افرادی مانند نیکی کدی، مایکل فیشر، فرد هالیدی و ریچارد کاتم از انقلاب اسلامی بر این پایه استوار است.

این‌که این نظریه چقدر قابل پذیرش بوده و نقش عوامل اقتصادی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی به چه میزان است، در جای خود مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، اما اصل طرح این دیدگاه بیان‌گر وضعیت اقتصادی کشور در آستانه انقلاب اسلامی و ترسیم‌کننده روند کشور است که قاعدتاً با چنین ادعایی هم‌خوانی ندارد.

۳. با توجه به وابستگی کامل رژیم به امریکا و و تبدیل نمودن کشور به حافظ منافع و جزیره ثبات آنان، وابستگی به نفت، بی‌توجهی به کشاورزی، وابستگی در بخش صنعت، استفاده از کارشناسان و مستشاران خارجی و میدان‌ندادن به متخصصان داخلی، تخریب روحیه خودباوری، افزایش بی‌رویه واردات و کاهش چشم‌گیر صادرات، ترویج مصرف‌گرایی، وضعیت بد بهداشت و درمان، بی‌اعتنایی به علم و مراکز علمی و تحقیقاتی، بی‌توجهی به بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی، صرف درآمدهای نفتی در خرید بی‌رویه تجهیزات نظامی به جای سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولید و توسعه زیرساخت‌ها، فساد گسترده شاه و درباریان و وابستگان و... روند کلی کشور به سمت وابستگی بیشتر بود.

تا جایی که بر طبق برآورد امریکایی‌ها از اوضاع اقتصادی

ایران، با ادامه حکومت پهلوی ایران جزو بدهکارترین کشورهای جهان می‌شد.^۱

چنین حکومتی با چنین رویه‌ای نه تنها فاقد مؤلفه‌های پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بود، بلکه تداوم آن به عقب ماندگی بیشتر کشور می‌انجامید. از حکومتی که سال‌ها پیش از انقلاب، عزت مردم را با اعطای کاپیتولاسیون پایمال کرده بود و با جدایی بحرین، از تمامیت ارضی کشور چشم‌پوشی کرده و استقلال کشور را به پای منافع اجانب ریخته بود، چگونه می‌توان انتظار پیشرفت داشت، تداوم چنین حکومتی تنها در راستای منافع نظام سلطه بود که انقلاب اسلامی به آن پایان بخشید.

۱. <https://www.khabaronline.ir/amp/۱۲۲۸۱۰۵>

چهل و شش سال برای نشان دادن کارآمدی نظام کافی نیست!

سؤال: گذشت چهل و شش سال از پیروزی انقلاب اسلامی و وجود برخی مشکلات و کاستی‌ها و بروز بعضی از آسیب‌ها، ممکن است این ذهنیت را به دنبال داشته باشد که آیا این زمان برای ظهور کارآمدی نظام کافی نیست؟

پاسخ: توجه به چند نکته چنین ذهنیتی را برطرف خواهد کرد:

۱. کارآمدی به معنای فقدان مشکلات و آسیب‌ها در یک جامعه نیست، اگر این چنین باشد، هیچ نظام سیاسی کارآمدی را نمی‌توان یافت، زیرا در کشورهای مدعی توسعه هم شاهد وجود حجمی از مشکلات و آسیب‌ها هستیم. نظام سیاسی کارآمد ظرفیت و توانمندی برون رفت از مشکلات و ترمیم آسیب‌ها را داراست.

۲. گاهی تمرکز بر مشکلات و برخی بزرگ‌نمایی و سیاه‌نمایی‌ها که از سوی جریان رسانه‌ای معاند دنبال

می‌شود و نادیده گرفتن دستاوردها و کامیابی‌های گوناگون در عرصه‌های مختلف ذهنیت ناکارآمدی را ایجاد نموده است. در حالی که کارآمدی محاسبه مجموع عملکرد مثبت و منفی یک نظام سیاسی است.

۳. کارآمدی مجموع عملکرد نظام در حوزه‌های مختلف است، این‌که مشکلات اقتصادی را معیار قرار دهیم و آن را به مجموع حوزه‌ها تعمیم داده و بر اساس آن ناکارآمدی نظام در کلیت آن را استفاده کنیم، ناشی از نادیده گرفتن ابعاد مختلف کارآمدی است.

کارآمدی یک امر نسبی است و با توجه به مجموع عملکردها در حوزه‌های مختلف آن را مورد ارزیابی قرار داد.

۴. اصل ماندگاری نظام با وجود حجم فراوان دشمنی‌ها، نشانه کارآمدی نظام است. این حجم از دشمنی و هزینه‌های هنگفت دشمنان برای مقابله و ضربه زدن به نظام خود نشان کارآمدی نظام است. اگر نظام ما کارآمد نبود، دلیلی برای این همه دشمنی و تلاش وجود ندارد و آیا یک نظام ناکارآمد، می‌توانست در طول چهل و شش سال نه تنها از استقلال خود در برابر همه توطئه‌ها، فشارها و فتنه‌انگیزی‌های طراحی شده از سوی نظام سلطه دفاع کند، بلکه نظام سلطه و حاکمیت نظام سکولار را به چالش بکشد.

۵. در ارزیابی کارآمدی یک نظام باید به مجموع اهداف،

امکانات و موانع توجه شود، بخش زیادی از ذهنیت‌ها و توهمات نسبت به کارآمدی نظام ناشی از در نظر نگرفتن موانع است. شرایط چهل و شش ساله پیش روی کشور ما با انبوهی از مشکلات و موانع همراه بوده است از تحمیل جنگ هشت ساله گرفته تا تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی و سیاسی که رفته رفته گسترده‌تر و بیشتر شده است تا جنگ رسانه‌ای فراگیر و حمایت از گروه‌های تروریستی و سنگ اندازی در برنامه هسته‌ای کشور و....

۶. آنچه امروز در تمدن غربی شاهدیم صرف نظر از بحران‌های جدی که با آن روبروست که صلاحیت آن را در ارائه الگوی زیر سؤال برده است، محصول یک فرصت چند صد ساله است، این که انتظار داشته باشیم جمهوری اسلامی ظرف مدت چهل و شش سال به تمامی اهداف خود دست یابد، انتظار منطقی نیست. بله انتظار نشان دادن توانمندی و ظرفیت‌های یک نظام در ظرف این مدت، انتظار درستی است و جمهوری اسلامی در این مدت توانسته است خود را در میان قدرت‌های علمی برتر جهان در عرصه‌های مختلف مطرح نماید.

۷. نظام جمهوری اسلامی در چهل و شش سال توانسته است کشوری کاملاً وابسته را تبدیل به کشوری مستقل و دارای نفوذ راهبردی در منطقه کند، چنین نظامی نمی‌تواند ناکارآمد باشد. نظامی که در عرصه‌های مختلف پزشکی،

سلول‌های بنیادی، نانو، هوا فضا، هسته‌ای و نظامی با وجود همه دشمنی‌ها و تحریم‌ها و مانع‌تراشی‌ها جزو چند کشور برتر دنیا قرار گرفته است، نمی‌تواند ناکارآمد دانست.

این حجم گسترده از خدمات عمرانی، آموزشی، بهداشتی و درمانی، زیرساختی و... جلوه‌های کارآمدی نظام است.

رشد علمی چندین برابری کشورمان نسبت به متوسط رشد علمی سایر کشورها نشان از کارآمدی نظام نیست؟!

انقلاب اسلامی و تحقق عدالت

سؤال: یکی از اهداف انقلاب اسلامی تحقق عدالت بوده است، با وجود ناعدالتی‌ها و تبعیض‌های موجود آیا می‌توان انقلاب اسلامی را در دستیابی به عدالت ناکام دانست؟

پاسخ: برپایی عدالت در همه ابعاد از جمله عدالت اجتماعی و ریشه‌کن نمودن فقر، تبعیض و اختلاف طبقاتی یکی از اهداف نظام جمهوری اسلامی است، گرچه این هدف پس از انقلاب اسلامی به طور کامل و شایسته محقق نشده است و بی‌تردید در این زمینه با کاستی‌ها و ضعف‌هایی مواجه هستیم، اما به استناد آن نباید اقدامات و تلاش‌های صورت گرفته مورد غفلت قرار بگیرد. جمهوری اسلامی نتوانسته است عدالت را آن گونه که باید در کشور تحقق بخشد و تا رسیدن به نقطه قابل قبول فاصله وجود دارد، اما اقدامات ارزشمندی در این زمینه انجام داده است که نمی‌توان آن را نادیده انگاشت. درست است که در تحقق عدالت به مقصد نرسیده‌ایم، اما مسیر طی شده و

تلاش‌های صورت گرفته و ارتقاء سطح عدالت در کشور قابل انکار نیست.

نگاهی به وضعیت کشور پیش از انقلاب و پس از آن در شاخص‌های عدالت اجتماعی، میزان فقر، فاصله طبقاتی و توزیع درآمد، بهداشت، آموزش، خدمات عمرانی و... به خوبی گویای اقدامات و دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی در مسیر تحقق عدالت است که به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم:

بررسی‌های آماری در تغییرات ضریب جینی (شاخص عدالت و برابری در توزیع درآمد و ثروت) طی سال‌های بعد از انقلاب نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی ایران همان طور که وعده داده بود، توانسته وضعیت فقرا و مستضعفان را بهبود بخشد، به نحوی که به رغم جنگ تحمیلی و فشارهای تحریمی غرب و... وضعیت فقرا بعد از انقلاب نسبت به سال‌های پیش از پیروزی انقلاب که ایران تحت حمایت شدید کشورهای غربی قرار داشت بهتر شده است.

در واقع مقایسه استانداردهای زندگی در دوران قبل و بعد از انقلاب نشان می‌دهد که حتی بدون این‌که سرانه تولید ناخالص داخلی کشور افزایش قابل توجهی داشته باشد، میزان فقر کاهش یافته است و این بدان معناست که وضعیت نسبی فقرا در جامعه ایران بهبود یافته است.

مهم‌ترین شاخصی که اقتصاددانان برای بررسی میزان

نابرابری در یک جامعه معرفی می‌کنند شاخصی به نام ضریب جینی است. ضریب جینی برای سنجش میزان نابرابری در توزیع درآمد یا ثروت در یک جامعه آماری استفاده می‌شود و رقمی از صفر تا یک یا از صفر تا صد را دربرمی‌گیرد. هر چقدر ضریب جینی نزدیک به عدد صفر باشد، برابری بیشتر در توزیع درآمد را نشان می‌دهد و هر چقدر ضریب جینی نزدیک به عدد صد باشد، توزیع نابرابر درآمد را مشخص می‌کند. اگر ضریب جینی مساوی با عدد صفر باشد یعنی همه درآمد و ثروت یک‌سان دارند و این یعنی برابری مطلق؛ و اگر مساوی با عدد صد باشد یعنی نابرابری مطلق است.

آمارها و تحقیقات ارائه شده بر اساس مستندات نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی نشان می‌دهد پیش از انقلاب ضریب جینی ایران حتی از عدد ۵۰ نیز فراتر رفته است. در سال ۱۹۶۸ (۱۳۴۵) ضریب جینی ایران ۵۰٫۲ واحد بوده است. این رقم برای سال ۱۹۷۳ (۱۳۵۰) نیز ۴۹٫۵ واحد بوده است. کم‌ترین ضریب جینی که در میان آمار موجود، از سال‌های پیش از انقلاب ثبت شده است مربوط به سال ۱۹۶۹ (۱۳۴۶) می‌باشد. ضریب جینی ایران در این سال ۴۱٫۹ واحد برآورد شده است.^۱

اما با پیروزی انقلاب وضعیت شکاف طبقاتی در جامعه

۱. www.tasnimnews.com/fa/news/۲۰/۱/۱۳۹۷؛ تاریخ انتشار، ۱۶۹۳۶۸۳/۲۰/۱/۱۳۹۷
فروردین ۱۳۹۷.

ایران به سمت بهبود میل پیدا می‌کند به طوری که بر اساس آمار بانک جهانی این عدد از میزان ۴۷.۴ درصد در سال ۱۹۸۶، به ۳۸.۸ درصد در سال ۲۰۱۸ رسیده است.

هر چند که متأسفانه روند کلی ضریب جینی (در چند سال اخیر) صعودی شده است، اما به طور کلی با توجه به داده‌های چند دهه گذشته بعد از انقلاب اسلامی، آمار فقر مطلق و نابرابری نسبت به قبل خیلی بهبود یافته است.^۱

بر اساس این گزارش شکاف درآمدی در برخی از کشورهای صنعتی و توسعه یافته بیشتر از ایران و یا تقریباً در سطح ایران است. از جمله این کشورها امریکا است که شکاف درآمدی بیشتری از ایران دارد. ضریب جینی امریکا ۴۱,۴ اعلام شده است.^۲

بر اساس آمار بانک جهانی ۴۶ درصد جمعیت ایران در سال ۱۳۵۶ زیر خط فقر زندگی می‌کردند و این یعنی ۱۶ میلیون نفر. از جمعیت فقرای ایران در دهه ۵۰ شمسی نیز حدود ۴ میلیون نفر (۱۲ درصد کل جمعیت) زیر خط گرسنگی بوده‌اند؛ یعنی سوءتغذیه شدید. به استناد یک تحقیق در دانشگاه آکسفورد: «از مجموع ۳۰ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر جمعیت ایران در سال ۱۳۵۱ مصرف کالری ۱۶ میلیون نفر کمتر از حداقل نیاز

۱. www.yjc.ir/fa/news/۱۳۹۸؛ تاریخ انتشار، ۱۷ بهمن ۱۳۹۸.

۲. www.tasnimnews.com/fa/news/۲۵/۰۹/۱۳۹۹؛ تاریخ انتشار، ۲۴/۱۱/۲۹۴/۲۵/۰۹/۱۳۹۹
آذر ۱۳۹۹.

بود و ۴ میلیون نفر دچار سوء تغذیه شدید بوده اند.^۱

یکی از مصادیق بارز عدالت اجتماعی، موضوع سرانه بهداشت و سلامت و درمان عمومی است؛ در دوران طاغوت فقط ۳۷ درصد شهرهای کشور دارای بیمارستان بودند، بعد از انقلاب اسلامی علی رغم افزایش سه برابری تعداد شهرها، ۹۷ درصد شهرهای کشور دارای بیمارستان شدند.

در دوران رژیم ستم شاهی فقط بخش اندکی از مردم تحت پوشش بیمه درمانی قرار داشتند، اما امروز همه ساکنین روستاها و بخش قابل توجهی از شهرنشینان تحت پوشش بیمه سلامت قرار دارند.

کشور ایران در سال ۵۶ با ۳۳ میلیون جمعیت، نیازمند ورود پزشک خارجی از سایر کشورها بوده است، اما هم اکنون با جمعیتی بیش از دو برابر و به تبع آن با نیازی بیشتر به پزشک، با مازاد پزشک روبه روهستیم.

در سال ۵۷ قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، تعداد کل پزشکان دارای کارت نظام پزشکی در کشور ۱۴ هزار و ۷۰۰ نفر بودند که از این میزان، حدود ۶ هزار نفر پزشکان خارجی بودند؛ یعنی نیمی از بخش بهداشت، سلامت و درمان کشور در قبل از انقلاب در حوزه پزشک عمومی یا متخصص، وابسته به پزشکان خارجی بود. اما بعد از پیروزی انقلاب

۱. www.mizan.news/fa/news/۱۳۹۹، ۱۸ بهمن ۶۹۹۶۲۸، تاریخ انتشار.

اسلامی و طی سال‌های گذشته، حدود ۱۴۰ هزار پزشک در دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور تربیت شده‌اند.

در زمینه پزشکی متخصص نیز از جمعیت ۷۰۰۰ نفر در سال ۵۷ به جمعیت تقریبی ۷۳ هزار پزشک متخصص در حال حاضر رسیده‌ایم. پیش از انقلاب اسلامی تنها ۸ رشته تخصصی پزشکی در کشور وجود داشت، اما امروز همه تخصص‌های پزشکی در کشور موجود است. هم‌چنین مردم بسیاری از کشورها به عنوان توریسم سلامت به کشورمان سفر می‌کنند تا تحت نظر پزشکان ایرانی به درمان خود بپردازند.

قبل از پیروزی انقلاب حدود ۷ دانشکده پزشکی در دانشگاه‌ها ایجاد شده بود، اما در حال حاضر حدود ۴۰ دانشگاه علوم پزشکی در سراسر کشور به فعالیت می‌پردازد.

در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی از لحاظ عددی، ۲۵ درصد داروها در داخل تولید می‌شد و ۷۵ درصد داروی مورد نیاز را از خارج تأمین می‌کردیم، اما امروز در سایه پیشرفت‌های پزشکی کشور بعد از انقلاب اسلامی، ۹۵ درصد دارو در داخل تولید می‌شود و ۵ درصد نیاز دارویی کشور از خارج وارد می‌شود.

در دوران رژیم طاغوت بخشی از مردم شهرها و فقط یک

درصد از روستاها از آب شرب سالم و بهداشتی برخوردار بودند، ولی بعد از انقلاب اسلامی ۱۰۰ درصد مردم شهرها و ۹۱ درصد مردم روستاها از این نعمت بهره‌مند شدند.

شاخص امید به زندگی در بین ایرانیان در قبل از انقلاب اسلامی حدود ۵۰ سال بود که اکنون به ۷۵ سال رسیده است.

موارد ذکر شده در بالا تنها بخش‌هایی از دستاوردها و پیشرفت‌های حوزه سلامت و بهداشت و درمان کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی است.^۱

طبق سرشماری سال ۱۳۵۵، از کل جمعیت ۲۷.۱ میلیون نفری ۶ ساله به بالا، ۱۴.۲ میلیون نفر (۵۲.۵ درصد) بی‌سواد بوده‌اند.

پس از تأسیس نهضت سوادآموزی تا سال ۱۳۷۵ نرخ باسوادی در ایران به ۷۹.۵ درصد رسید. این افزایش در سرشماری ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ به ترتیب به ۸۴.۶ درصد، ۸۴.۸ درصد و ۸۷.۶ درصد ادامه پیدا کرد و در برآورد سال ۱۴۰۰ این رقم به ۹۰.۵ درصد افزایش یافته است.^۲

پس از انقلاب ۹۹/۵ درصد خانه‌های ایران در روستاها و شهرها با نعمت برق روشن شده است.

۱. www.mizan.news/fa/news/1397؛ تاریخ انتشار، ۱۷ بهمن ۱۳۹۷.

۲. www.farsnews.ir/news/1400؛ تاریخ انتشار، ۱۰ بهمن ۱۴۰۰.

با پوشش ۸۳ درصدی در شهرها و ۷۸ درصدی در روستاها، گاز گرمابخش زندگی بیش از ۹۰ درصد مردم ایران پس از انقلاب شده است.

تعداد مشترکان تلفنی نسبت به ابتدای انقلاب ۱۴۷ برابر شده و از ۸۳۰ هزار مشترک به ۱۲۵ میلیون مشترک رسیده است.^۱

گرچه برخی در سایه برخی کمبودها و مشکلات، اقدامات و تلاش‌های صورت گرفته و دستاوردهای به دست آمده را نادیده می‌گیرند، اما آثار این دستاوردها و ارتقاء سطح زندگی مردم در زمینه‌های گوناگون با وجود همه کاستی‌ها مشهود بوده و قابل انکار نیست. همان‌گونه که مقام معظم رهبری فرمودند: «ما همیشه می‌گوییم، بارها گفتیم که ما نتوانستیم خواسته‌های اسلام را به طور کامل تحقق ببخشیم، این قطعی است؛ اما ما راه زیادی در این زمینه طی کردیم. ما نتوانستیم عدالت اجتماعی را به طور کامل در این کشور به وجود بیاوریم اما خیلی از راه را جلو آمدیم. نباید اینها ندیده گرفته بشود. یک روزی همه ثروت این کشور صرف تعدادی خانواده‌های اشرافی [می‌شد] و احیاناً سرریز آن به چند شهر بزرگ می‌رسید؛ امروز اقصی نقاط کشور برخوردار از خیرات این کشورند... ما خیلی پیش رفتیم، راه زیادی را ملت ایران طی کردند، اینها را ندیده نگیرند... بله،

۱. www.mashreghnews.ir/news/۱۳۹۷/۹۳۳۶۹۶، تاریخ انتشار، ۱۳ بهمن ۱۳۹۷.

البته راه طولانی‌ای در پیش داریم؛ ما به آرمان‌هایمان هنوز
نرسیده‌ایم؛ آرمان‌های اسلامی خیلی بالاتر از این حرف‌ها
است.^۱

۱. بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز قیام نوزدهم دی، ۱۳۹۳/۱۰/۱۷.

ضرورت انرژی هسته‌ای

سؤال: وقتی مردم گرسنه‌اند، انرژی هسته‌ای با این همه هزینه و تحمیل فشار چه ضرورتی دارد؟

پاسخ: دستیابی به فناوری هسته‌ای یکی از عرصه‌ها و پیش‌شرط‌های مهم پیشرفت علمی يك کشور محسوب می‌گردد که بدون آن امکان دستیابی به پیشرفت و توسعه کشور ناممکن خواهد بود. در حقیقت تکنولوژی هسته‌ای پیشران تکنولوژی‌های دیگر است، درست مثل صنعت خودرو که اگر در يك کشور رونق خوبی داشته باشد، تقریباً بخش عمده‌ای از تکنولوژی را جلو می‌برد؛ چرا که بیشتر علوم و تکنولوژی‌ها مثل مکانیک، شیمی، مواد، برق و... در آن وجود دارد، به همین صورت اگر صنعت هسته‌ای کشور هم رشد معنادار، واقعی و همه جانبه داشته باشد، با توجه به این که بالاترین محدودیت‌ها و استانداردهای مهندسی در آن است، صنعت کشور را در سطح بالایی رشد خواهد داد از این رو کشورهای مختلف هر يك بر پایه توان خود به

علوم و فناوری هسته‌ای روی آورده‌اند جمهوری اسلامی نیز به عنوان يك کشور در حال توسعه تلاش می‌کند که با دستیابی به فناوری هسته‌ای از قافله پیشرفت و توسعه عقب نماند مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

«ملت ایران نیز مانند کشورهای مختلف، در صدد است انرژی مورد نیاز خود را از نیروگاه هسته‌ای تأمین کند؛ چرا که در غیر این صورت از قافله علم، باز هم عقب خواهد ماند. بنابراین تلاش برای دستیابی به فناوری هسته‌ای و دیگر فناوری‌هایی که ایران را به اوج قله علوم می‌کند، امری واجب و وظیفه‌ای ملی است و ملت و دولت ایران برخلاف خواست خائینی که اهداف آمریکا را دنبال می‌کنند، با پایداری در برابر فشارهای مراکز سلطه جهانی، این هدف اساسی را دنبال خواهد کرد.»^۱

استفاده از انرژی هسته‌ای برای دستیابی به استقلال و قطع وابستگی به کشورهای دیگر حقیقتی است روشن چه این که اگر نظام جمهوری اسلامی در این راستا گام بر ندارد و تلاش نکند نمی‌تواند به استقلال و عزت و سرافرازی دست یابد و به کشوری وابسته تبدیل خواهد شد. مقام معظم رهبری در این خصوص فرمودند: «این کار، ضرورتی اساسی است؛ چرا که ملت ایران نتواند این نیازها اساسی را در داخل

۱. بیانات در دیدار با محققان و دست‌اندرکاران جهاد دانشگاهی؛ ۱۳۸۳/۴/۱.

تأمین کند باید به کشورهای دیگر وابسته شود و هر گاه آن کشورها به هر دلیلی از جمله مسایل سیاسی یا بین‌المللی از دادن سوخت نیروگاه خودداری کنند ایران عملاً از استفاده از امکانات نیروگاهی خود محروم خواهد شد.^۱

از طرفی با توجه به پایان‌پذیر بودن منابع سوخت فسیلی و مشکلات زیست‌محیطی ناشی از آن دغدغه اصلی کشورها در دهه‌های آینده تولید انرژی و ساخت نیروگاه‌های اتمی به عنوان تنها راه خروج از بحران انرژی در دهه‌های آینده است؛ چه این‌که انرژی هسته‌ای علاوه بر پاکیزه بودن و تولید نکردن گازهای گل‌خانه‌ای و دیگر آلاینده‌های زیست‌محیطی نسبت به سوخت‌های فسیلی اقتصادی‌تر می‌باشد از این رو جمهوری اسلامی نیز با توجه به این واقعیت به دنبال دستیابی به انرژی هسته‌ای است. مقام معظم رهبری با اشاره به تبلیغات مراکز رسانه‌ای و سیاسی و غرب در مورد لزوم استفاده ایران از نفت به عنوان منبع تأمین انرژی فرمودند:

«نفت سرمایه‌ای تمام‌شدنی است که مشکلات زیست‌محیطی را نیز به همراه می‌آورد ضمن آن‌که می‌توان آن را به فرآورده‌های بسیار ارزشمندتر تبدیل کرد بنابر این با چه منطقی ملت ایران، به استفاده نامحدود از نفت ادامه دهد و از انرژی هسته‌ای صرف‌نظر کند؟... دشمنان این ملت در

۱. بیانات در دیدار با محققان و دست‌اندرکاران جهاد دانشگاهی؛ ۱۳۸۳/۴/۱.

واقع منتظرند نفت ایران تمام شود و ملت دست نیاز به سمت آنها دراز کند و محتاج به آنها شود، اما ایران این مسأله را نمی‌پذیرد و با تکیه بر حکومت علمی ارزشمند جوانانش روز به روز به پیش خواهد رفت.»^۱

بنابر این با توجه به نقش و جایگاه فناوری و تکنولوژی هسته‌ای در پیشرفت علمی و توسعه کشور و استقلال و خودکفایی آن و قطع وابستگی به کشورهای دیگر و پایان‌پذیر بودن منابع سوخت فسیلی و مشکلات زیست محیطی ناشی از آن، مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران استفاده از دانش و فناوری هسته‌ای را حق مسلم خود دانسته و دانشندان پرتوان ایران همراه با دولت و ملت به عنوان وظیفه‌ای ملی این هدف را دنبال می‌کنند و به یقین کوتاهی و سهل‌انگاری در این زمینه بر خلاف مصالح کشور و منافع ملی و خیانت به نسل‌های آینده و امری نابخشودنی خواهد بود.

انرژی هسته‌ای پر هزینه است، اما هزینه آن برای آینده کشور و نسل‌های بعد و رشد و پیشرفت کشور لازم و ضروری است و نمی‌توان به بهانه هزینه‌های عمدتاً سیاسی و فشارهای قدرتهای سلطه‌گر از دست‌یابی به این فناوری و استفاده از مزایای آن در حوزه‌های مختلف، چشم‌پوشی کرد. توانمندی هسته‌ای عرصه‌ای از فناوری است که پیشران

۱. بیانات در دیدار با محققان و دست‌اندرکاران جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۴/۱۴.

بسیاری از پیشرفت‌هاست و صرف‌نظر کردن از آن به معنای دست برداشتن از توسعه و پیشرفت کشور است. از این جهت هزینه دستیابی به فناوری هسته‌ای به مراتب از هزینه صرف‌نظر کردن از آن به دلیل فشارهای بیرونی کمتر است.

با توجه به پایان‌پذیری انرژی‌های فسیلی، نیاز به انرژی هسته‌ای در مصارف برق و سایر مصارف یک نیاز غیرقابل اجتناب است، از این جهت منطقی و معقول نیست که صرفاً به استفاده از این انرژی‌ها بسنده کنیم و کشور را از داشتن این فناوری محروم کنیم. آیا نسل‌های آینده، نسل امروز و مسئولان را در قبال کوتاهی نسبت به سرنوشت کشور مورد ملامت و نکوهش قرار نخواهند داد.

علاوه بر این‌که این فشارها و سنگ‌اندازی‌ها از سوی دشمنان نظام در مسیر دستیابی به انرژی هسته‌ای توسط کشورمان به خوبی گویای نقش آن در پیشرفت و توسعه کشور بوده و آنان برای باز داشتن و مانع‌تراشی در این مسیر، چنین فشارهایی را علیه کشورمان اعمال می‌کنند.

توجه به مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم در جای خود وظیفه‌ای لازم و ضروری است، اما این مسأله منافاتی با سایر وظایف و مسئولیت‌ها نداشته و نباید میان این دو ضرورت تقابل و دوگانگی تصور کرد.

آیا نزدیک قله ایم؟

سؤال: با وجود مشکلات و کاستی‌هایی که مشاهده می‌کنیم این که مقام معظم رهبری فرمودند: «ما فصل مشبعی را پشت سر گذاشته‌ایم و نزدیک قله‌ایم» چگونه قابل دفاع و تبیین است؟

پاسخ: گرچه ممکن است در نگاه اول، با توجه مشکلات کشور به ویژه مشکلات معیشتی و وضعیت اقتصادی و برخی کاستی‌ها، موانع و چالش‌ها، تعبیر نزدیک شدن به قله از سوی مقام معظم رهبری، دور از ذهن و تصور، تردیدآمیز و باورپذیر نباشد، اما با تأمل بیشتر و نگاه کلان روشن می‌شود که این تعبیر رهبری برآمده از واقعیات عینی و مسیر طی شده انقلاب اسلامی است. با توضیح نکاتی به این بررسی این موضوع می‌پردازیم:

۱. قضاوت و ارزیابی صحیح از وضعیت کشور در گرو توجه به مجموعه دستاوردها و پیشرفت‌ها و کاستی‌ها و ضعف‌هاست. تمرکز بر مشکلات و کاستی‌ها و نادیده گرفتن دستاوردها همان دیدن نیمه خالی لیوان است

که نمی‌تواند تصویری واقعی از شرایط برای ما روشن کند. این‌که ما مشکلات اقتصادی و معیشتی و سایر مشکلات را تنها ببینیم و صرفاً بر اساس آن در مورد وضعیت کشور قضاوت کنیم و دستاوردها و پیشرفت‌های فراوان کشور را در حوزه‌های مختلف نادیده بگیریم، انسان را دچار خطای تحلیل و قضاوت نادرست خواهد کرد.

اگر ما از زاویه مشکلات کشور نگاه کنیم، نزدیکی به قله با توجه به شرایط و مشکلات موجود غیرقابل باور است، اما اگر گستره نگاه خودمان را بالاتر برده و از حیطه مسائل اقتصادی فراتر رفته و یک نگاه کلان نسبت به حرکت کلی کشور داشته باشیم، با توجه به دستاوردها و پیشرفت‌های کشور نزدیکی به قله قابل فهم خواهد بود.

بدیهی است رسیدن به موفقیت و قله همواره با مشکلات و سختی‌ها روبرو است، راه دستیابی به اهداف هموار نیست، از این جهت تنها وجود مشکلات را نمی‌توان ملاک ارزیابی قرار داد و مسیر طی شده و راه باقی مانده باید مورد توجه قرار بگیرد. کوه‌نوردی که در راه فتح قله است، اگر تنها به مشکلات و سختی‌های مسیری که در آن قرار دارد، توجه کند و از میزان راهی که طی شده غافل شود، نمی‌تواند ارزیابی صحیحی از موقعیت خود داشته باشد، اما اگر نگاهی به قله بوده و مسیر طی شده و مشکلات و سختی‌های پشت سر گذاشته شده را ببیند، هم نزدیکی به

قله را احساس می‌کند و هم عزم خود را برای رسیدن به قله جزم خواهد کرد.

۲. نگاه واقع‌بینانه و فارغ از هوچی‌گری و فضا سازی دشمن و رسانه‌های وابسته به آن، گویای دستاوردها و پیشرفت‌های فراوان کشور ما در حوزه‌های مختلف و راهی است که به سمت قله طی کرده‌ایم است.

ما روزی که انقلاب کردیم کجای معادلات رشد جهانی بودیم و امروز به رغم همه فشارها و تحریم و جنگ و انواع دشمنی‌ها کجا هستیم؟!

پیش از انقلاب ما در عرصه علوم و دستاوردهای علمی که تعیین کننده شاخص‌های پیشرفت و رشد یک ملت است نه تنها در دنیا بلکه در منطقه هم هیچ جایگاهی نداشتیم، ولی امروز با وجود این همه تحریم‌ها، فشارها و مانع‌تراشی دشمنان نه تنها در منطقه بلکه در کل دنیا دارای جایگاه‌های ممتازی هستیم. نرخ رشد علمی ۱۱ برابری میانگین نرخ جهانی،^۱ رتبه شانزدهم تولید علم،^۲ چهارمین کشور دنیا در

۱. طبق گزارش سال ۲۰۱۰ مجله نیوساینتیست، ایران دارای سریع‌ترین نرخ رشد علمی در جهان و پیشروترین کشور جهان در عرصه تولیدات علمی بوده است و امروز نیز نرخ رشد علمی در ایران ۱۱ برابر میانگین جهانی است. گزارش این نشریه مستند به آمار و ارقام پایگاه اطلاعاتی وب‌سایت علم (Web of Science) است.

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/۲۶۸۳۴۸۵/۰۳/۰۷/۱۴۰۱>

۲. بر اساس آخرین گزارش دریافت شده از وب‌آو‌ساینس (web of Science) از معتبرترین و اولین پایگاه استنادی جهان، رتبه تولید علم ایران در جهان در سال ۲۰۲۳، ۱۶ است. کشور ما در منطقه و در میان کشورهای اسلامی در سه

حوزه نانو،^۱ دهمین کشور در تولید علم فضا و پرتاب ماهواره،
 ۲ جزو سیزده کشور دارنده چرخه کامل سوخت هسته‌ای،^۳
 جایگاه سیزدهم تولید علم سلول بنیادی،^۴ سیزدهمین
 قدرت برتر نظامی، چهاردهمین کشور دارای توانایی
 غنی‌سازی اورانیوم، پنجمین کشور تولید کننده پهپاد
 رادارگریز و دهمین کشور تولید کننده زیردریایی در جهان^۵
 و... گوشه‌ای از توانمندی و پیشرفت‌های کشور ماست
 که وقتی ارزش آن بیشتر نمایان می‌شود که توجه داشته
 باشیم همه این پیشرفت‌ها و دستاوردها با وجود تحریم و
 فشارهای دشمنان صورت گرفته است. اگر قرار گرفتن در
 این جایگاه، نزدیک شدن به قله پیشرفت و فناوری نیست،
 نشانه چیست؟

ما امروز در مجموع با وجود همه مشکلات و کاستی‌ها،
 سرعت پیشرفت خوبی داشته ایم، اما حس عدم پیشرفت
 از عوارض جنگ شناختی دشمن است که به گونه‌ای القا
 می‌کنند که گویا کشور با انبوهی از مشکلات روبرو بوده
 و دستاوردی نداشته است. کسی منکر وجود مشکلات

سال اخیر در رتبه اول قرار داشته است.

<https://borna.news/fa/news/۱۴۵۸۹۶۸>

۱. <https://www.hamshahrionline.ir/news/۶۹۹۶۹۶>

۲. <https://www.iribnews.ir/fa/news/۳۸۱۴۶۷۳>

۳. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/۱۹۰۰۲۱۰/۲۵/۰۹/۱۳۹۷>

۴. <https://btid.org/fa/news/۲۳۶۸۵۶>

۵. <https://www.isna.ir/news/۱۴۰۲۱۱۶۱۱۷۴۵>

نیست، اما باید به راهی که طی کرده ایم نگاه کنیم که از کجا شروع کردیم و امروز در کجا هستیم. در هیچ حوزه‌ای قابل مقایسه نیست؛ چه در حوزه‌های دفاعی و امنیتی، نظامی، علمی، سیاسی و دیپلماسی راه طی شده با همه سختی‌هایش راه پرافتخاری بوده است.

ضمن آن‌که باید توجه داشته باشیم مشکلات اقتصاد، عمدتاً ماهیت ساختاری و عملکردی داشته و با مدیریت و برنامه‌ریزی مناسب می‌توان بر این مشکلات غلبه کرد و این مشکلات چیزی نیست، که بتواند جلوی رشد و پیشرفت و حرکت به سمت قله را بگیرد.

۳. این جمله مقام معظم رهبری در کنار راه طی شده و مشکلات پشت سر گذاشته شده، در راستای تبیین شرایط و تقویت امید و خسته نشدن از مشکلات و فشارها و مضاعف کردن تلاش برای دستیابی به اهداف پیش روست. کسانی که با کوه‌نوردی آشنایی دارند، تصدیق می‌کنند که یکی از زمان‌های بی‌انگیزگی و خستگی، نقطه قبل از صعود به قله است که سختی‌ها و مشکلات، افراد را از رسیدن به قله باز می‌دارد، با پیشرفت‌های کشورمان و حرکت رو به رشد آن شاهد افزایش فشارهای دشمنان برای باز داشتن از ادامه مسیر بوده‌ایم و در این راستا به ایجاد یأس و ناامیدی و پمپاژ آن از سوی رسانه‌های وابسته به نظام سلطه پرداخته‌اند، در چنین شرایطی، رهبری به عنوان رهبر و راهبر جامعه با نگاه

کلان و جامع خود، باید در جامعه انگیزه و امید ایجاد کند و آنان را ترغیب به پیمودن مسیر تا رسیدن به هدف بکنند.

مقام معظم رهبری فرمودند: «اگر یک ملتی امید خود به آینده را از دست داد، یا همت او در باز کردن راه‌ها و پیش رفتن به سمت هدف‌ها سست شد، این ملت عقب خواهد ماند.»^۱

«همه چیز ما را به «امید» تشویق می‌کند؛ همه چیز ما را به «اعتماد به خودمان» تشویق می‌کند. چرا امیدوار نباشیم؟ مایی که یک روز در فشار دو ابر قدرت. ابر قدرت امریکا و شوروی سابق. توانستیم خودمان را نگه داریم و بالا بکشیم، مایی که با محاصره اقتصادی در طول این سال‌های متمادی. که هر زمانی به نحوی محاصره اقتصادی وجود داشته. توانستیم خودمان را به این رتبه از فناوری و علم برسانیم و بخشی از این خلأها و شکاف‌ها را پُر کنیم، چرا به خودمان امیدوار نباشیم؟ چرا به ملت ما اعتماد نداشته باشیم؟ تاریخ و سرگذشت ما، امید و اعتماد را به ما املاء می‌کند؛ ما را وادار می‌کند که امیدوار باشیم. بله، امیدواریم؛ ما می‌توانیم؛ توانستیم.»^۲

دشمنان با درک این واقعیت در نقطه مقابل به دنبال القای یأس و دمیدن روحیه ناامیدی در کشور هستند و در مقابل آنها باید روحیه امید به مردم و به ویژه جوانان تزریق

۱. بیانات در دیدار جمعی از مردم استان گیلان؛ ۱۳۸۹/۱۰/۸.

۲. بیانات در دیدار مردم قم در سال روز قیام نوزده دی؛ ۱۳۸۴/۱۰/۱۹.

شود.

۴. شدت یافتن دشمنی‌های نظام سلطه علیه نظام، بیان‌گر حرکت صحیح و مسیر رو به رشدی است که نظام جمهوری اسلامی در پیش گرفته است. اگر این توانمندی و اقتدار نبود، دشمنان، همه توان خود را برای مقابله با آن به کار نگرفته و این همه هزینه پرداخت نمی‌کردند؟ در کنار آن باید افول نظام سلطه و امریکا را اضافه کرد. به عنوان نمونه «مؤسسه بروکینگز» در زمینه افول قدرت امریکا معتقد است؛ بسیاری از ناظران سیاسی و اقتصادی اظهار می‌دارند که امریکا در حال سقوط است. از زمان وقوع بحران اقتصادی بین المللی در سال ۲۰۰۸، مسئله سقوط امریکا در چین و سایر کشورها مطرح شد. برخی از افراد از جمله خود امریکایی‌ها بر این باورند که «سقوط برگشت‌ناپذیر» در ایالات متحده امریکا شروع شده و جهان در حال ورود به عصر پساآمریکا است.^۱

اگر نگاه مان را به بالا ببریم و این چهل ساله را به مثابه یک فصل از زندگی اجتماعی ایرانیان ببینیم، متوجه می‌شویم که مسیری شگرف پیموده شده. نقاط متعددی از ضعف داخلی و نزاع خارجی گذر شده و حالا این جا در این نقطه خاص ایستادیم. ما به واسطه ادعایمان برای تمدن‌سازی، همیشه در پیچ تاریخی هستیم، چون داریم دست فرمان جهان را از

۱. tabyincenter.ir/wp-content/uploads/172016/A4-14895-5.pdf

بی‌خدایی یا حداقل تغافل خدا به سمت توحید می‌چرخانیم.

۵. کتاب صعود چهل ساله ۲ (در نزدیکی قله) اثر حجه الاسلام راجی به بررسی تحلیلی این جمله مقام معظم رهبری پرداخته است و در این راستا مراحل صعود و دستیابی چهار قدرت اقتصادی و سیاسی جهانی امروز بریتانیا، امریکا، آلمان، هلند به توسعه و قله‌های پیشرفت اقتصادی را مورد بررسی قرار داده و هشت مرحله برای آن ترسیم کرده است که شامل: انقلاب، پشت سر گذاشتن جنگ و تهاجم نظامی و مقابله با بحران‌ها و تهدیدها، انقلاب علمی و جبران عقب‌ماندگی علمی، رشد فناوری و تبدیل علم به فناوری و صنعتی‌سازی علوم، حمایت از تولید داخلی، اصلاح ساختاری، صادرات محوری و تبدیل شدن به ارز ذخیره جهانی می‌باشد. این کشورها در ابتدا هم‌چون ایران صد سال پیش کشورهای وابسته و عقب مانده‌ای بودند که با گذراندن این مراحل در طی چند دهه خود را به توسعه علمی، نظامی و اقتصادی رسانده‌اند.

از این هشت مرحله، کشور ما پنج مرحله را پشت سر گذاشته و در مرحله ششم قرار دارد و از این منظر دو مرحله دیگر برای رسیدن به قله باقی مانده است. نکته قابل توجه این‌که از میان این هشت مرحله، شش مرحله آن، نیاز به هزینه و سرمایه‌گذاری دارد و دو مرحله آخر، مرحله بهره‌برداری و استفاده از هزینه‌هاست.

تطبیق این مراحل با فرآیند پیشرفتی که کشور ما در چهل و پنج سال گذشته داشته و گواهی آمارهای جهانی بر آن، نشان می‌دهد سخن رهبری بی‌راه نبوده است و ایران در نزدیکی قله قرار دارد.

توجه به مجموعه این نکات تعبیر مقام معظم رهبری در نزدیکی به قله را قابل هضم و باورپذیر می‌نماید. در عین حال رهبری در کنار این تعبیر، نسبت به خسته شدن و ناامید شدن هشدار داده و فرمودند:

«ما فصل مُشبعی را حرکت کرده‌ایم؛ این سربالایی، این شیب تند را عبور کرده‌ایم، به قله‌ها نزدیک شده‌ایم. نباید خسته بشویم. امروز روز خسته شدن نیست، روز ناامید شدن نیست؛ امروز روز شوق است، روز امید است، روز حرکت است؛ مسئولین کشور در بخش‌های مختلف باید با این روحیه حرکت کنند...، اگر این راه را دنبال کردیم و بحمدالله تا امروز دنبال شده و بعد از این هم به فضل الهی، به توفیق الهی دنبال خواهد شد، پیروزی بر دشمن قطعی است.»^۱

از این جهت در بیانیه گام دوم فرمودند:

«توصیه من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت.

۱. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در بیست و چهارمین مجمع عالی فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ ۱۴۰۲/۵/۲۶.

آنچه می‌گویم یک امید صادق و متّکی به واقعیت‌های عینی است. این جانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومییدی بی‌جا و ترس کاذب نیز بر حذر داشته‌ام و بر حذر می‌دارم...، سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسّنات بزرگ، برنامه همیشگی هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومییدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است.»^۱

۱. بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران؛ ۱۳۹۷/۱۷/۲۲.

انقلاب اسلامی حرکت آگاهانه

سؤال: انقلاب اسلامی تحت تأثیر احساسات و از روی ناآگاهی دست به انقلاب زدند؟

پاسخ: با وجود این که تردیدی نیست که انقلاب اسلامی یک انقلاب بزرگ سیاسی اجتماعی به شمار می رود و در ابعاد و عرصه های مختلف منطقه ای و بین المللی بسیار تأثیرگذار می باشد، برخی به دنبال القاء این ذهنیت هستند که انقلاب ایران یک حرکت آگاهانه نبود و مردم از سر ناآگاهی دست به اعتراض های خیابانی زدند که منجر به سقوط حکومت پهلوی گردید و در نتیجه تحمل جنگ هشت ساله و عقب ماندگی های آن را در پی داشت، برای پاسخ به این ادعا می توان به چند نکته توجه نمود:

۱. انقلاب اسلامی سال پنجاه و هفت به عنوان یک تحول سیاسی اجتماعی حاصل یک فرآیند آگاهانه برای تغییر بود، در واقع انقلاب اسلامی حاصل گذر از چند حرکتی است

که به نوعی مردم آن را تجربه کردند،^۱ یکی از آنها، حرکت عدالت خواهانه مردم در مشروطه است که برای تحدید قدرت استبدادی انجام گرفت و در ادامه توسط غرب گرایان مصادره گردید و به سرانجام خود نرسید، حرکت دوم نهضت ملی شدن صنعت نفت بود که آن هم به کودتای انگلیسی آمریکایی انجامید و بازگشت استبداد و تشدید آن را در پی داشت و حرکت سوم قیام مردمی پانزده خرداد است که با سرکوب رژیم محمد رضای پهلوی مواجه گردید. مقدمه شدن همین چند حرکت باعث گردید تا نیروهای انقلابی به حدی از آگاهی برسند که در این مرحله چه می خواهند و آن چیزی نبود جز نفی حکومت سلطنتی پادشاهی و جایگزین نمودن حکومت اسلامی به جای آن و این تصمیم نیروی های انقلابی در یک فرآیند آگاهانه انجام گرفت، چون آنها به تجربه گذر از این چند حرکت، به خوبی دریافتند که حکومت استبدادی اصلاح پذیر نیست و مطالبات محدود و اصلاحات در حد قانون موجود، سرانجام نیکی برای مردم نخواهد داشت.

۲. مردم ایران در انقلاب سال پنجاه و هفت یک تحول بنیادینی را دنبال کردند که تغییر حکومت تنها بخشی از آن تغییرات بود، این تحول در واقع تحول بنیادینی بود که

۱. رک. عنایت، حمید، «انقلاب در ایران سال ۱۹۷۹»، درآمدی بر ریشه های انقلاب اسلامی، به کوشش عبدالوهاب فراتی، قم: نشر معارف، ۱۳۷۶، ص ۱۵۵.

در فرهنگ سیاسی صورت گرفت، یعنی این تحول در واقع همان طرد باور به نظام سلطنتی پادشاهی است که آن در میان خاص و عام مردم به عنوان یک باور دیرینه محسوب می‌گردید این تحول که همان طرد این باور است، جز با آگاهی نمی‌توانست صورت گیرد.

۳. یکی از شواهد آگاهانه بودن حرکت مردم در انقلاب سال پنجاه و هفت این است که تعمیق نارضایتی مردم حاصل تغییراتی است که مردم ایران در عصر پهلوی با آن روبرو هستند، یعنی همان وضعیتی که مردم ایران از جهت نوسازی با آن مواجه می‌شوند، همان نوسازی غرب‌گرایانه‌ای که هویت ملی مردم ما را گرفتار یک خود بیگانه شدن می‌کند، خود بیگانه شدنی که حاصل تحمیل‌های فرهنگ غربی بر فرهنگ بومی است، البته این وضعیت خود بیگانه شدن از فرهنگ بومی و تحمیل‌های فرهنگ مهاجم پر از تعارض‌های فرهنگ مهاجم با فرهنگ دینی و ایرانی و چالش‌های متبوع آن بود، این مهم همان چیزی است که مردم ما کم و بیش آن را درک کرده بودند و با توجه به سطوحی از درک و آگاهی از موضوع در صدد مقابله با این تهدید برآمدند، این تهدید که برآمده از نوسازی غرب‌گرایانه رژیم پهلوی بود در واقع هویت و استقلال ما ایرانیان را نشانه گرفته بود.

۴. این نوسازی غرب‌گرایانه با تشدید استبداد و دیکتاتوری رژیم محمد رضای پهلوی همراه بود برای همین سرنوشت محتومش چیزی غیر از سقوط نبود، یعنی بدون تردید باید گفت؛ فرآیند تغییراتی که توسط رژیم انجام می‌گرفت نه تنها پیشرفت مورد ادعای رژیم را به ارمغان نمی‌آورد بلکه چنان‌که دیدیم آن را با بحران و سقوط مواجه ساخت، چون مردم ایران درباره این تغییرات سطحی، نمی‌توانستند رضایت خاطری داشته باشند، مردم ایران در وضعیت رو به پایان حکومت پهلوی در واقع می‌دیدند هویت و استقلال آنان مورد خدشه قرار گرفته است که تحمل آن برای مردم ممکن نبود و این چیزی نبود که رژیم پهلوی بتواند آن را پنهان نمایند، مردم ایران آثار و شواهد تعرض به هویت و استقلال‌شان را به چشم می‌دیدند و این تعرض‌ها برای مردم محسوس بود.

به هر حال بعد از گذشت پنجاه سال از حکومت پهلوی، تغییرات اجتماعی قابل ملاحظه و غیرقابل انکاری صورت گرفته بود و این تغییرات اجتماعی و جمعیتی و حتی در ساخت اجتماعی، وضعیت را متفاوت کرده بود، لذا وضعیت اجتماعی هم‌چون گذشته نبود که مردم از اوضاع بی‌خبر باشند، بدون تردید تغییرات ساختاری جامعه، اقتضای گذشته را نداشت، برخی تغییرات در ساخت و بافت جامعه، آثار و تبعات خودش را می‌تواند داشته باشد و نکته اساسی این است که بخشی از تکوین همین آگاهی مردم محصول

طبیعی و قهری و غیر قابل انکار این تغییرات اجتماعی است و این تغییرات در بافت جمعیتی شهری و روستایی و تغییراتی که در طبقه متوسط و تحصیل کرده صورت گرفت اقتضای مطالباتی است که نمی‌توان تلقی غیر آگاهانه از آن داشت.

۵. آگاهانه بودن حرکت تاریخی مردم در انقلاب سال پنجاه و هفت به گونه‌ای است که برخی صاحب‌نظران غربی را به اعتراف به آن وا داشته است، تدا اسکاچ پل که درباره انقلاب‌های اجتماعی مطالعات خوبی داشته است درباره انقلاب ایران معترف است که اگر در دنیا تنها یک انقلاب موجود باشد که آگاهانه ساخته شده آن انقلاب، انقلاب ایران است.^۱

«میشل فوکو» نیز که با حضور خود در ایران، انقلاب ایران را از نزدیک مطالعه کرده است، اذعان دارد که در این انقلاب، ایرانیان در جستجوی ایجاد تحول و تغییر در خویشتن هستند، هدف اصلی مردم ایران ایجاد یک تحول بنیادین در وجود فردی و اجتماعی، حیات اجتماعی و سیاسی و در نحوه تفکر و شیوه نگرش بوده است. وی معتقد است ایرانیان در صدد ایجاد تحول در تجربه و نحوه زیستن خود بودند، آنان راه اصلاح را اسلام یافتند.^۲ این سخن میشل فوکو ناظر

۱. ر.ک. فراتی، عبد الوهاب، رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی، قم: نشر معارف، ۱۳۷۹، ص ۱۸۵، ۲۱۶.

۲. فوکو، میشل، ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند، ترجمه حسین معصومی همدانی، تهران: هرمس، ۱۳۷۷، ص ۶۴.

به همان نگاه هویتی است که مردم در انقلاب اسلامی ایران آگاهانه در جستجوی و به دنبال آن بودند.

۶. این انقلاب حاصل تغییر بنیادینی برای زدودن برخی باورهای موهوم و خرافه‌ای چون موهبت الهی دانستن سلطنت و ظل الله دانستن پادشاه و تسلیم در برابر مقدراتی چون سلطنت موروثی شاهان بود، این باورها آن قدر شیوع داشت که خود محمد رضای پهلوی با وجود فساد دربار بر این باور بود که به وی عنایت می‌شود و مدعی بود که گویا با عنایت حضرت ولی عصر از افتادن از صخره‌ای نجات یافته است و دیگر موهوماتی که از گفته‌های ایشان که در تاریخ ثبت شده است، بر خلاف تفکر انحرافی که مدعی بود باید دست روی دست گذاشت تا فساد همه جا را فرا گیرد تا حضرت ولی عصر ظهور نماید، رهبران انقلابی با هدایت مردم و با حرکتی آگاهانه و مطابق واقعیت‌های زمان در صدد اصلاح این تفکر برآمدند، مردم ما در این انقلاب به خوبی آموختند که خداوند سرنوشت‌شان را تغییر نمی‌دهد مگر این که خود برای تغییر آن بکوشند، چنان‌که خدای متعال در قرآن آورده است: [إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ]،^۱ مردم وقتی که به خوبی می‌دیدند سران حکومت پهلوی در برابر بیگانگان، عزت و استقلال‌شان را به حراج گذاشته‌اند برخلاف برخی انگاره‌ها که عصر قبل ظهور را عصر

۱. سوره رعد، آیه ۱۱.

تقیّه می‌دانست، با راهنمایی رهبران انقلاب، تقیّه و ترس و واهمه از قدرتمندان را بر خود حرام کردند و هیمنه قدرت پوشالی آنان را شکستند و در واقع با حضور آگاهانه خود در صحنه، سرنوشت سیاسی اجتماعی خویش را تعیین کردند، هم‌زمان با وقوع انقلاب اسلامی کدام حکومت در این منطقه را سراغ دارید که مردم آن کشور بتوانند سرنوشت سیاسی خویش را خود تعیین کنند، حرکت مردم ایران در تعیین سرنوشت سیاسی اجتماعی خود، الگویی است غیرقابل انکار که سربلندی آنان را در میان آزادی‌خواهان جهان در پی داشته است و این چیزی است که در حافظه تاریخی این مردمان به ثبت رسیده است.

۷. مقاومت و ایستادگی در برابر دخالت‌های دنیای غرب و دست ردّ به سینه آنان زدن و جنگیدن برای عزّت و استقلال و نیز حفظ تمامیت ارضی عقب ماندگی نیست، بلکه پذیرش کنسرسیوم نفتی و کاپیتولاسیون و نیز مخاطره انداختن تمامیت ارضی و در نهایت از دست دادن بحرین در زمان حکومت پهلوی‌ها عقب ماندگی است، بررسی عقب ماندگی کشور ما در زمان حکومت پهلوی و برنامه توسعه وابستگی آن و سرانجامی که می‌توانست برای آن باشد را می‌توان در نوشتاری دیگر به تفصیل به آن پرداخت، تنها به اجمال بگوییم که برنامه‌های توسعه رژیم پهلوی با وجود منابع و فرصت بیشتری که نسبت به کشور کوچک کره جنوبی

داشته است در مقایسه با آن روند نامطلوبی را نشان می‌دهد و این مقایسه کاذب بودن ادعاهای رژیم را آشکار می‌کند یعنی رژیم پهلوی با وجود اتکاء به کشورهای غربی و نیز برخورداری از منابع داخلی و فرصت بیشتر، به رغم ادعاهای گزافی که داشت، در مقایسه با این کشور کوچک عقب مانده است.

به عنوان نمونه از جمله برنامه‌های رژیم پهلوی همان برنامه اصلاحات ارضی است که فرصت عظیمی را برای واردات گندم و دیگر محصولات غربی فراهم آورد و سرانجام آن چیزی به غیر از نابودی تولید کشاورزی داخل نبود و در مورد صنعت هم باید گفت؛ چیزی جز صنایع مونتاژ و فراهم نمودن بازاری برای فروش محصولات غربی در پی نداشت، لذا با این وضعیت، رژیم پهلوی چگونه می‌توانست ادعای دست یافتن به دروازه‌های بزرگ تمدن را داشته باشد.

کشور ایران در عصر پهلوی با وجود منابع غنی و نیز سرآب کاذبی چون اتکا به قدرت‌های غربی، در حقیقت برنامه‌های توسعه آن در مقایسه با کره جنوبی قابل مقایسه نیست، گزارش‌ها در این مقایسه نشان می‌دهد^۱ رژیم پهلوی در خصوص برنامه‌های توسعه‌اش ادعاهای گزافی داشته و

۱. منصور رحمانی، غلام‌رضا، «نقدی بر توسعه صنعتی ایران در دوره پهلوی»، درآمدی بر ریشه‌های انقلاب اسلامی، به کوشش عبدالوهاب فراتی، قم: نشر معارف، ۱۳۷۶، ص ۳۱۵-۳۲۵.

با رجوع به این منابع می‌توان گفت حاصل این برنامه‌ها تغییر و رشد قابل‌انتظاری را برای مردم نداشته است و ادامه آن نیز پیشرفتی نمی‌توانست به دنبال داشته باشد؛ ولی مردم ما بعد از پیروزی انقلاب در این چند دهه مقاومت به خوبی نشان دادند که می‌توانند روی پای خود بایستند و ضمن مقاومت در برابر تجاوز دشمن و ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌های قدرت‌های جهانی به پیشرفت‌های علمی، صنعتی و نظامی دست پیدا نمایند و به عنوان قدرت منطقه‌ای معادلات را مطابق اراده‌ای مستقل پیش ببرد.

انقلاب اسلامی نقاط امید بخش آینده

سؤال: با وجود مشکلات و چالش‌هایی که کشور با آن مواجه است، چگونه می‌توان به آینده امیدوار بود و چرا رهبری از امید به آینده سخن می‌گوید؟

پاسخ: امید به آینده یک نگاه کلان راهبردی و عامل تحرک و پویای و انگیزه‌بخش است که بدون آن دستیابی به پیشرفت و ادامه حرکت در مسیر اهداف، امکان‌پذیر نخواهد بود و تأکید رهبری نسبت به امید با این هدف انجام می‌شود. بنابراین خود امید موضوعیت و محوریت دارد؛ زیرا زمینه‌ساز پیشرفت کشور خواهد شد.

مقام معظم رهبری فرمودند:

«اگر یک ملتی امید خود به آینده را از دست داد، یا همت او در باز کردن راه‌ها و پیش رفتن به سمت هدف‌ها سست شد، این ملت عقب خواهد ماند.»^۱

۱. بیانات در دیدار جمعی از مردم استان گیلان؛ ۱۳۸۹/۱۰/۸.

دشمنان با درک این واقعیت در نقطه مقابل به دنبال القای یأس و دمیدن روحیه ناامیدی در کشور هستند و در مقابل آنها باید روحیه امید به مردم و به ویژه جوانان تزریق شود. از این جهت مقام معظم رهبری فرمودند:

«توصیه من امید و نگاه خوش بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومیدی بی‌جا و ترس کاذب نیز بر حذر داشته‌ام و بر حذر می‌دارم... سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه همیشگی هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران

برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است.»^۱

امید به آینده، واهی و خیالی نبوده و برآمده از نقاط امیدبخش در آینده کشور است که عمده‌ترین نقاط امید بخش آینده کشور عبارت‌اند از:

الف. ایمان به وعده نصرت و یاری الهی ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾

جمهوری اسلامی بر پایه فرهنگ اسلام ناب، در مسیر نصرت و یاری دین خدا در عصر جاهلیت مدرن و حاکمیت تفکر سکولار گام نهاده و با ایمان به وعده الهی، در برابر همه دشمنی‌ها و کارشکنی‌ها ایستاده است.

مقام معظم رهبری فرمودند:

«خدا می‌گوید: ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾؛^۲ اگر شما نصرت کردید خدا را، یعنی به سمت تمدن اسلام و جامعه اسلامی و تحقق دین خدا پیش رفتید، خدا شما را یاری می‌کند.»^۳

ب. ظرفیت‌ها و منابع سرشار کشور

یکی از نقاط امیدبخش کشور، ظرفیت‌ها و منابع فراوان کشور است که با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح، می‌تواند زمینه‌ساز پیشرفت کشور باشد. ظرفیت‌های فراوان

۱. بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران؛ ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

۲. سوره محمد ﷺ، آیه ۷.

۳. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان؛ ۱۳۹۸/۳/۱.

استفاده نشده کشور در بخش‌های مختلف، نویدبخش آینده روشنی برای کشور خواهد بود.

ج. نیروی جوان و مستعد کشور

از نقاط امیدبخش فراوی کشور، وجود نیروی جوان و با استعداد و پر تلاشی است که توانسته است با وجود همه مشکلات و سختی‌ها، پیشرفت‌های خیره کننده در بخش‌های مختلف را در کشور رقم بزند.

مقام معظم رهبری فرمودند:

«آینده کشور به توفیق الهی، به فضل پروردگار، آینده خوبی است؛ انبوه جماعت جوان این کشور، در دل خود نخبگان زیادی دارند؛ حالا عمده نخبگان دانشگاهی هستند، در بخش‌های دیگر هم نخبگانی هستند که ولو دانشگاهی نیستند اما به معنای حقیقی کلمه نخبه‌اند، می‌توانند نقش آفرینی کنند و این نخبه‌ها کار خود را خواهند کرد؛ احساس مسئولیت می‌کنند.»^۱

د. پیشرفت‌های به دست آمده

از نقاط امیدبخش، پیشرفت‌ها و دستاوردهایی است که جمهوری اسلامی توانسته است با وجود همه فشارها و تحریم‌ها و دشمنی‌ها به آن دست یابد.

۱. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در نهمین همایش ملی نخبگان فردا؛ ۱۳۹۴/۷/۲۲

مقام معظم رهبری فرمودند:

«همه چیز ما را به «امید» تشویق می‌کند؛ همه چیز ما را به «اعتماد به خودمان» تشویق می‌کند. چرا امیدوار نباشیم؟ مایی که یک روز در فشار دو ابر قدرت. ابر قدرت امریکا و شوروی سابق. توانستیم خودمان را نگه داریم و بالا بکشیم، مایی که با محاصره اقتصادی در طول این سال‌های متمادی. که هر زمانی به نحوی محاصره اقتصادی وجود داشته. توانستیم خودمان را به این رتبه از فناوری و علم برسانیم و بخشی از این خلأها و شکاف‌ها را پُر کنیم، چرا به خودمان امیدوار نباشیم؟ چرا به ملت‌مان اعتماد نداشته باشیم؟ تاریخ و سرگذشت ما، امید و اعتماد را به ما املاء می‌کند؛ ما را وادار می‌کند که امیدوار باشیم. بله، امیدواریم؛ ما می‌توانیم؛ توانستیم.»^۱

ه. نفوذ اندیشه انقلاب اسلامی و بیداری مسلمانان

از دیگر نقاط امیدبخش، گسترش تفکر انقلاب اسلامی در میان ملت‌ها و بیداری مسلمانان در برابر نظام سلطه و به چالش کشیدن آن است. مقام معظم رهبری فرمودند:

«مردم دنیا از مقاومت شما امیدوار شدند؛ چون دیدند شما ایستادگی کردید و در مقابل فشار زانو نزدید. اگر دشمن بخواهد امید را از مردم دنیا بگیرد، باید چه کار کند؟ باید به مردم دنیا وانمود کند که مقاومت ملت ایران تمام شد و ملت ایران نتوانستند مقاومت کنند. اگر العیاذ بالله امریکا

۱. بیانات در دیدار مردم قم در سال روز قیام نوزده دی؛ ۱۳۸۴/۱۰/۱۹.

و تبلیغات امریکا و تبلیغات غرب و تبلیغات استکبار بتوانند در دنیا این حرف را به کرسی بنشانند و اگر این را بتوانند در دنیا از آب در بیاورند که ملت ایران هم با این همه ادعا و با این همه هیاهو بالاخره نتوانست طاقت بیاورد و بالاخره به زانو درآمد، به مقصود رسیده‌اند؛ همان امیدی که در دل‌های مسلمان‌ها و ملت‌ها و مستضعفان به وجود آمده بود، مبدل به یأس خواهد شد.^۱

و. افول جبهه استکبار

مقام معظم رهبری فرمودند:

«یکی از نقاط امید، فرسودگی جبهه مقابل ما است. بنده به طور قاطع می‌گویم...، امروز تمدن غربی دچار انحطاط است، یعنی واقعاً در حال زوال است...، البته حوادث و تحولات جوامع به تدریج اتفاق می‌افتد؛ یعنی زود احساس نمی‌شود. حتی خود اندیشمندان غربی این را احساس کرده‌اند و بر زبان می‌آورند و می‌گویند. این هم یکی از نقاط امید ما است. تمدن غربی، تمدن مادی در مقابل ما قرار دارد و رو به فرسودگی است.»^۲

در برابر مشکلات یا باید کوتاه آمد و از حل آنها و اصلاح امور ناامید شد، یا با امید و به کار بستن تلاش و کوشش

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سال‌روز میلاد حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الیه؛ ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۲. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان؛ ۱۳۹۸/۳/۱.

می‌توان بر مشکلات غلبه کرد. نه عقل و منطق و نه دین و آموزه‌های دینی به ما اجازه می‌دهد که نسبت به آینده و حل مشکلات مأیوس شویم. آیا ما تمام توان و ظرفیت‌های خود را در راه حل مشکلات و اصلاح نابسامانی‌ها به کار بسته‌ایم که نسبت به حل آن مأیوس و ناامید گردیم؟ آیا دولت و مسئولان تراز نظام جمهوری اسلامی در همه دوره‌ها سر کار بوده‌اند که مشکلات با وجود آن قابل حل نبوده است یا شاهد سرکار آمدن دولت‌هایی بوده‌ایم که به جای تلاش برای تحقق الگوی بومی پیشرفت، به نسخه‌برداری از الگوهای غربی توسعه دل خوش کرده و به دنبال تحقق آن بوده‌اند؟ یا با توجه نکردن به اولویت‌های کشور و ترجیح منافع حزبی و گروهی بر منافع ملی و... فرصت خدمت‌گزاری و حل مشکلات را از دست داده است؟ بنابر این، امید به آینده عامل تحرک و انگیزه بخش برای رسیدن به هدف‌های متعالی نظام است.

آیا ایمان به وعده و نصرت الهی خوش‌خیالی است؟ آیا برخورداری کشور از ظرفیت، منابع و امکانات فراوان و نیروی جوان و مستعد کشور و پیشرفت‌های به دست آمده و راه طی شده با وجود همه فراز و نشیب‌ها و فشارها و تحریم‌ها، واقعیت نیست و خیال بافی محسوب می‌شود؟

کسی منکر مشکلات و ضعف‌ها در کشور نیست و وضعیت کنونی به هیچ وجه زیبنده کشور ما نیست، اما بر

اساس کدام عقل و منطق و آموزه دینی، باید از دست از راه و مسیر صحیحی که در آن گام نهاده ایم، برداریم؟ آیا کسی به دلیل مشکلات و سختی‌های مسیر رسیدن به قله، از ادامه مقصد و هدف خود دست برمی‌دارد؟ آیا منطقی است که یک دانشجو به دلیل سختی‌های تحصیل از ادامه تحصیل باز بماند؟ آیا ما از تمام توان و ظرفیت‌های خود برای حل مشکلات کشور استفاده کرده ایم که امروز نسبت به حل آن مأیوس و ناامید گردیم؟

وعده‌های حضرت امام قبل از انقلاب

سؤال: حضرت امام قبل از انقلاب اسلامی، وعده‌هایی دادند که برخی از آنها عملی نشد. آیا این نشانه تناقض در سخن و عمل ایشان نیست؟

پاسخ: حضرت امام به عنوان یک اندیشمند بزرگ اسلامی از منظومه فکری مشخصی برخوردار بوده و گفتار، رفتار و مواضع ایشان باید در قالب آن منظومه فکری مورد تحلیل قرار بگیرد. برخی جریان‌ها و به طور خاص جریان رسانه‌ای معاند که پیشران جبهه دشمنان در جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی است، در راستای تخریب جایگاه حضرت امام، با ردیف کردن بیانات حضرت امام در مسائل مختلف قبل و بعد از انقلاب اسلامی و عملکرد نظام جمهوری اسلامی، به دنبال القای تغییر و چرخش در نگرش و رفتار حضرت امام پیش از انقلاب با بعد از آن هستند و این‌که حضرت امام مسائلی را قبل از انقلاب مطرح نموده یا وعده‌هایی داده‌اند که بعد از انقلاب به آن پایبند نبوده و عمل نکردند و نوعی تناقض میان سخن و عمل ایشان وجود داشته است.

توجه به این نکته ابهام‌ها و برخی تصورات نابجا در این زمینه را برطرف می‌نماید و آن این‌که بیانات و برخی وعده‌های حضرت امام قبل از انقلاب، ریشه در شناخت عمیق ایشان از اسلام و ظرفیت‌های آن برای تحقق پیشرفت مادی و معنوی داشته و ایشان را به این باور روشن رسانده بود که در صورت پیاده شدن و اجرای کامل احکام اسلام، می‌توان به این اهداف دست یافت. رفع محرومیت، برچیده شدن تبعیض و برقراری عدالت، آزادی، تحقق رفاه، رشد و پیشرفت و... که در بیانات حضرت امام مورد اشاره قرار گرفته و به عنوان برخی وعده‌ها از سوی ایشان قبل از انقلاب مطرح گردید، چیزی جز اهداف و آرمان‌هایی نیست که در آموزه‌های دینی ترسیم شده و حضرت امام این مسائل را به عنوان مسائل عینی برای تبیین ظرفیت و توانمندی اسلام بیان فرمودند تا مردم به این رشد، آگاهی و باور برسند که در سایه حاکمیت دین می‌توان به این اهداف و آرمان‌ها دست یافت.

البته روشن است که اهداف و آرمان‌ها به یک‌باره محقق نشده و هم‌چون یک بنای پیش ساخته نیست، بلکه بنایی است که باید مرحله به مرحله ساخته شود و نیازمند فراهم نمودن زمینه‌ها، بسترها و برنامه‌ریزی و تلاش برای دستیابی به آن از یک سو و برداشتن موانع و مقابله با دشمنی‌ها و کارشکنی‌ها و... از سوی دیگر است.

درست است که تحقق عدالت و پیشرفت و ترسیم جامعه‌ای ارزشی با کمترین مشکلات و آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از اهداف حکومت دینی است، اما در تحقق این اهداف، صرف تشکیل حکومت دینی کافی نبوده و باید شرایط و زمینه‌های تحقق این اهداف فراهم گردد و موانع و آسیب‌های فرا روی حکومت دینی برطرف گردد. این‌گونه نیست که حکومت دینی تحت هر شرایطی و با وجود موانع بتواند به اهداف مورد نظر خود دست یابد و وظایف خود را به طور کامل انجام دهد.

دست‌یابی حکومت دینی به اهداف ترسیم شده خویش، از یک‌سو نیازمند همراهی و مشارکت مردم با حکومت دینی و انجام مسئولیت‌ها توسط مردم است. از سوی دیگر در گرو وجود مسئولانی دغدغه‌مند و معتقد به مبانی حکومت اسلامی و در تراز آن است، تا بتوانند این اهداف را جامه عمل بپوشانند. اگر مسئولی که در حکومت دینی مسئولیت را پذیرفته است در انجام مسئولیت‌های خود کوتاهی و اهمالی داشته باشد، نمی‌تواند انتظار داشت که به صرف تشکیل حکومت و وجود رهبر دینی، همه اهداف حکومت دینی را در گسترده آن تحقق بخشید. در نظام جمهوری اسلامی بر اساس ساختار قانونی کشور، بخشی از مسئولان بلندپایه کشور توسط مردم انتخاب می‌شوند، اگر مسئولانی که توسط مردم انتخاب می‌شوند

از باورمندی لازم نسبت به حکومت دینی و توانایی تحقق اهداف و انجام مسئولیت‌ها، برخوردار نباشند، نمی‌توان انتظار تحقق اهداف را داشت.

مسئولانی که چشم به الگوهای غیردینی داشته و دل بسته به آن هستند، چگونه می‌تواند اهداف حکومت دینی را تحقق ببخشند؟

درکنار این شرایط و زمینه‌ها از موانع و آسیب‌ها نیز نباید غافل بود. دشمنان اسلام و ارزش‌های دینی با توجه به این‌که وجود حکومت دینی را مخالف خواسته‌ها و اهداف خود می‌بینند، تمامی تلاش خود را برای مقابله با آن به کار می‌گیرند. از آغاز شکل‌گیری جمهوری اسلامی شاهد انواع دشمنی‌ها و توطئه‌ها، فشارها برای توقف و جلوگیری از دستیابی به اهداف خود از سوی دشمنان بوده و هستیم. از جنگ تحمیلی گرفته تا فشارها و تحریم‌ها و جنگ اقتصادی و تهاجم فرهنگی و جنگ نرم. این تلاش‌ها در مسیر حرکت نظام اسلامی در دستیابی به اهداف خود، مانع ایجاد کرده و مشکلاتی را برای آن فراهم می‌آورد.

از طرفی آنچه پس از انقلاب اسلامی و در طول حیات نظام جمهوری اسلامی تا به امروز در راستای رفع محرومیت و تحقق عدالت و پیشرفت انجام شده است. گرچه با نقطه آرمانی، مطلوب و مورد نظر حضرت امام فاصله بسیاری دارد،

اما نشان‌گر طی نمودن گام‌های بلند و تحول بزرگی در کشور در عرصه‌های مختلف است و این‌که جمهوری اسلامی در مسیر تحقق اهداف اسلامی گام برداشته و تلاش می‌کند، اما فاصله آن با نظام مطلوب اسلامی نیز باید مورد توجه قرار بگیرد و آنچه در نظام جمهوری اسلامی اتفاق افتاده به عنوان نظام آرمانی و مطلوب اسلامی تلقی نگردد. کسی ادعا نکرده و نمی‌کند که آنچه در نظام جمهوری اسلامی انجام شده، به طور کامل مطابق اسلام بوده و ما توانسته‌ایم همه اهداف و ابعاد اسلام را محقق نماییم. همان‌گونه که حضرت امام فرمودند:

«اینجانب هیچ‌گاه نگفته و نمی‌گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همه ابعادش عمل می‌شود و اشخاصی از روی جهالت و عقده و بی‌انضباطی بر خلاف مقررات اسلام عمل نمی‌کنند، لکن عرض می‌کنیم که قوه مقننه و قضائیه و اجرائیه با زحمات جان‌فرسا کوشش در اسلامی کرد این کشور می‌کنند و ملت ده‌ها میلیونی نیز طرفدار و مددکار آنان هستند.»^۱

مقام معظم رهبری نیز فرمودند:

«ما همیشه می‌گوییم، بارها گفتیم که ما نتوانستیم خواسته‌های اسلام را به طور کامل تحقق ببخشیم، این قطعی

۱. وصیت‌نامه الهی سیاسی امام خمینی رحمه الله، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۸۰، ص ۲۲.

است؛ اما ما راه زیادی در این زمینه طی کردیم. ما نتوانستیم عدالت اجتماعی را به طور کامل در این کشور به وجود بیاوریم اما خیلی از راه را جلو آمديم. نباید اینها ندیده گرفته بشود. يك روزی همه ثروت این کشور صرف تعدادی خانواده‌های اشرافی و احياناً سرریز آن به چند شهر بزرگ می‌رسید؛ امروز اقصى نقاط کشور برخوردار از خیرات این کشورند. این حرکت عظیم، حرکت به سمت عدالت اجتماعی، حرکت به سمت اخلاق اسلامی است. حالا می‌شنویم گاهی اوقات راجع به اخلاق حرف زده می‌شود، انتقاد می‌کنند؛ بله؛ با آن اخلاق اسلامی مطلوب، امروز ما فاصله داریم، در این شگئی نیست؛ اما ما خیلی پیش رفتیم، راه زیادی را ملت ایران طی کردند، اینها را ندیده نگیرند...، بله، البته راه طولانی‌ای در پیش داریم؛ ما به آرمان‌های مان هنوز نرسیده‌ایم؛ آرمان‌های اسلامی خیلی بالاتر از این حرف‌ها است.»^۱

بنابر این، در تحلیل تحقق اهداف و آرمان‌های نظام و وعده‌های حضرت امام باید به مجموعه این عوامل توجه داشت و عدم تحقق کامل برخی از اهداف و آرمان‌ها و وعده‌های حضرت امام را نمی‌توان به حساب ناکارآمدی نظام و پایبند نبودن و عمل نکردن حضرت امام به وعده‌هایی که داده‌اند، گذاشت و از آن تناقض میان سخن و عمل ایشان را برداشت کرد.

۱. بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز قیام نوزدهم دی؛ ۱۳۹۳/۱۰/۱۷.

حضرت امام و آزادی قبل و بعد از انقلاب اسلامی

سؤال: حضرت امام در مصاحبه‌های قبل از انقلاب از آزاد بودن مکاتب سیاسی و گروه‌ها گفتند، اما پس از انقلاب چنین آزادی داده نشد؟

پاسخ: در مورد آزادی، با اندکی تأمل روشن می‌شود که در مورد دیدگاه حضرت امام نسبت به آزادی قبل و بعد از انقلاب تغییری ایجاد نشده است و هیچ تناقضی در سخنان ایشان وجود ندارد. در تحلیل دیدگاه ایشان نسبت به آزادی و سایر موضوعات هم‌چون هر اندیشمند دیگری، نباید به صورت گزینشی به برخی از بیانات ایشان استناد کرد و با نادیده گرفتن مواضع و دیدگاه‌های دیگر ایشان، آن را به عنوان دیدگاه کلی ایشان مطرح نمود.

تحلیل آزادی در اندیشه حضرت امام، مبتنی بر در نظر گرفتن چند محور اساسی است:

نخست آن‌که آزادی در اندیشه ایشان که برآمده از اندیشه اسلام ناب است، آزادی مطلق نبوده و محدود و

مقید به حدود و شرایطی است و اساساً آزادی مطلق از آن جا که به هرج و مرج و ضد آن می‌انجامد در هیچ مکتب و نظام سیاسی، در عمل امکان ندارد از این جهت آزادی نمی‌تواند بدون قید و شرط باشد و دارای قیود و شرایطی است و بسته به مبانی فکری و فرهنگی این حدود و قیود متفاوت می‌باشد. حضرت امام فرمودند: «حالا که آزاد شدیم خودمان را به هرج و مرج بکشیم؟! حالا که آزاد هستیم به زیردستان خودمان ظلم کنیم؟! حالا که آزاد هستیم، بر خلاف نظامات اسلامی و برخلاف نظامات ملی عمل کنیم؟! هرج و مرج به پا کنیم؟! چون آزاد هستیم؟! تحت هیچ قاعده نباشیم تحت هیچ یک از قواعد اسلامی و ملی نباشیم؟! اگر این طور باشد آزادی را سلب کرده‌ایم.»^۱

دوم؛ حدود و قیود آزادی در اندیشه حضرت امام به عنوان یک اندیشمند اسلامی، مبتنی بر مبانی و آموزه‌های دینی است و قیود و حدود آزادی را چارچوب احکام و موازین شریعت مشخص می‌نماید. از این رو آزادی از منظر ایشان مشروط به رعایت ضوابط عقلایی و اسلامی و اخلاق دینی و در محدوده آن است. حضرت امام فرمودند:

«گفته می‌شود که مردم آزادند، یعنی آزاد است انسان که بزند سر مردم را بشکند؟! آزاد است که قانون شکنی بکند؟! آزاد است که بر خلاف مسیر ملت عمل بکند؟! آزاد است

۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۷.

که توطئه بکند بر ضد ملت؟! اینها آزادی نیست، در حدود قوانین در حدود کارهای عقلایی آزاد است.»^۱

و نیز فرمودند:

«آزادی معنایش این نیست که بنشینید بر خلاف اسلام صحبت کنید؛ آزادی در حدود قانون است. دین کشور ما اسلام است؛ آزادی در حدود این است که به اسلام ضرر نخورد. قانون اساسی ما دین را اسلام می‌داند.»^۲

سوم؛ آزادی از منظر اسلام و حضرت امام با آنچه به اسم آزادی در غرب رایج است، تفاوت بنیادین دارد. از نظر ایشان رهایی و به خود و انهادگی انسان بر خلاف آموزه‌های دینی است و چنین آزادی در جامعه اسلامی پذیرفته نیست. از این رو فرمودند:

«باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانی‌ها و کتب و مجلات بر خلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است.»^۳

۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۲۰.

۲. صحیفه نور، ج ۷، ص ۴۸۷.

۳. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۹۵.

هم‌چنین فرمودند:

«گفته می‌شود که مطبوعات آزادند، بیان آزاد است، این‌ها معنایش این نیست که مردم آزادند که هر کاری می‌خواهند بکنند؛ مثلاً آزادند دزدی بکنند، به فحشا بروند، آزادند مراکز فحشا درست کنند...، این آزادی غربی است که هر کس هر کاری دلش می‌خواهد بکند ولو این که یک کارهایی باشد ناشایسته. این طور آزادی در ایران نمی‌تواند باشد.»^۱

با توجه به محورهای سه‌گانه یاد شده، مروری بر سیره نظری و عملی حضرت امام در زمینه آزادی بیان‌گر این است که ایشان هرگز به آزادی بی‌حد و حصر و مطلق معتقد نبودند و چنین مسأله‌ای را به عنوان وعده‌ای پیش از انقلاب بیان نکردند که پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر خلاف آن عمل نموده باشند و عملکرد جمهوری اسلامی مناقض آن تلقی گردد. اگر به عنوان نمونه ایشان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در برخی مصاحبه‌ها فرمودند:

«در جمهوری اسلامی، هر فردی از حق آزادی عقیده و بیان برخوردار خواهد بود.»^۲

۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۳۶.

۲. صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۳۹؛ مصاحبه با مجله «تایم» درباره آزادی مطبوعات در جمهوری اسلامی؛ ۱۳۵۷/۱۰/۲۰.

و یا فرمودند:

«در این حکومت همه آزادند تا اظهار عقیده کنند.»^۱ در همان زمان نیز حدود و شرایط آن را بیان فرمودند. به عنوان مثال در پاسخ به سؤال خبرنگار امریکایی مجله تایم که از ایشان در مورد آزادی مطبوعات در حکومت آینده ایران پرسید تصریح فرمودند: «همه مطبوعات آزادند، مگر این که مقالات مضر به حال کشور باشد.»^۲

هم چنین در پاسخ به این سؤال که: در مورد آزادی بیان و عقیده، شما چه حدودی را در نظر دارید؟ آیا فکر می کنید باید محدودیت هایی قائل شد یا نه؟ فرمودند:

«اگر مضر به حال ملت نباشد، بیان همه چیز آزاد است. چیزهایی آزاد نیست که مضر به حال ملت ما باشد.»^۳

اگر در مورد مارکسیست ها فرمودند: مارکسیست ها در بیان مطالب خود آزاد خواهند بود.^۴ این را نیز فرمودند که:

«در جامعه ای که ما به فکر استقرار آن هستیم، مارکسیست ها در بیان مطالب خود آزاد خواهند بود؛ زیرا

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۷۸؛ مصاحبه با روزنامه «استریت تایمز»؛ ۲۵/۱۰/۱۳۵۷.

۲. صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۱۶؛ مصاحبه با خبرنگار مجله تایم؛ ۱۰/۱۰/۱۳۵۷.

۳. صحیفه امام، ج ۵، ص ۵۲۰؛ مصاحبه با خبرنگاران روزنامه های اطلاعات و کیهان؛ ۱۳۵۷/۱۱/۳.

۴. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۷۱؛ مصاحبه بالوسین ژرژ (خبرنگار روزنامه فرانسوی لوموند) درباره مسائل سیاسی و اجتماعی ایران؛ ۱۳۵۷/۲/۴.

ما اطمینان داریم که اسلام، در بردارنده پاسخ به نیازهای مردم است. ایمان و اعتقاد ما قادر است که با ایدئولوژی آنها مقابله کند. در فلسفه اسلامی از همان ابتدا مسأله کسانی مطرح شده است که وجود خدا را انکار می کرده اند، ما هیچ گاه آزادی آنها را سلب نکرده و بر آن لطمه وارد نیاورده ایم. هر کس آزاد است اظهار عقیده کند، ولی برای توطئه کردن آزاد نیست.»^۱

هم چنین در پاسخ به سؤال نماینده سازمان عفو بین المللی که آیا در حکومت اسلامی، مارکسیست ها آزادی عقیده و آزادی بیان دارند، فرمودند:

«در حکومت اسلامی، همه افراد، دارای آزادی در هر گونه عقیده ای هستند و لکن آزادی خراب کاری را ندارند.»^۲

از این رو آزادی مطرح شده در مورد این گروه ها تا زمانی بود که دست به توطئه و اقدام علیه نظام کرده بودند و گروه های مارکسیست و چپ گرا تا زمانی که دست به توطئه چینی نزده بودند در این کشور آزاد بوده و به بیان دیدگاه های خویش حتی از تریبون های رسمی هم چون صدا و سیما می پرداختند که نمونه آن برگزاری مناظراتی بود که در آن نمایندگان این گروه ها با نمایندگان گروه های مذهبی در

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۷۱؛ مصاحبه با لوسین ژرژ؛ ۱۳۵۷/۲/۴.

۲. صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۰۰؛ مصاحبه با نماینده سازمان عفو بین المللی؛ ۱۳۵۷/۸/۱۹.

برنامه تلویزیونی شرکت کرده و به بیان دیدگاه‌های خود می‌پرداختند که شاخص‌ترین آنها در سال ۶۰ مناظره آیت الله مصباح یزدی رحمة الله علیه با احسان طبری (ایدئولوگ حزب توده) و فرخ نگهدار (رهبر فداییان اکثریت) در کنار مناظره‌های شهید بهشتی با نورالدین کیانوری (دبیر کل حزب توده) و نمایندگان سازمان مجاهدین خلق، و نشانه توان تحمل طرح آراء مختلف در نظام جمهوری اسلامی بود. اما متأسفانه این گروه‌ها به جای قدردانی از فضای به وجود آمده و استفاده مطلوب از آن به سوء استفاده پرداخته و گروه‌هایی هم چون حزب توده پس از حمایت از تجزیه طلبان دست به ایجاد شبکه کودتا زدند که در سال ۶۲ رسماً کشف و سران آن به تلاش برای ایجاد کودتا اعتراف نمودند و بدین ترتیب این حزب نیز منحل شد.

هم‌چنین سایر گروه‌های مخالف نیز تا زمانی که رسماً بر علیه نظام فعالیت نداشتند، آزادانه به بیان نظرات خویش می‌پرداختند که نمونه آن فعالیت‌های نهضت آزادی بود که علی‌رغم غیر قانونی اعلام شدن آن تا سال‌ها دارای نشریه بودند و نظرات خویش را منعکس می‌نمودند.

حضرت امام در این باره فرمودند:

«در مملکت ما آزادی اندیشه هست، آزادی قلم هست، آزادی بیان هست، ولی آزادی توطئه و آزادی فسادکاری نیست. شما اگر توقع دارید که ما بگذاریم بر [علیه] ما توطئه

کنند و مملکت ما را به هرج و مرج بکشند، به فساد بکشند و مقصودشان از آزادی این است، در هیچ جای دنیا هم چو آزادی نیست و اگر آزادی اندیشه است، آزادی بیان است، این آقای بنی صدر مطلع اند و ما مطلعیم که ایشان دعوت می کردند همین کمونیست ها را و همان اشخاصی که غیر ما فکر می کردند، دعوت می کنند که بیایید صحبت هایتان را بکنید و ما پنج ماه بیشتر بلکه به طور مطلق به اینها آزادی دادیم؛ یعنی آزاد بودند که هر چه می خواهند، حتی الانش هم هر کاری کردند. لکن اخیراً که ما مطلع شدیم که با الهام از رژیم سابق و با الهام از اجانب و کسانی که می خواهند به تباهی بکشند؛ توطئه کردند، خراب کاری کردند، خرمن ها را آتش زدند، صندوق های آراء را آتش زدند و با تفنگ و اسلحه آن رفتار را کردند.

قضایای اطراف کردستان را همان ها پیش آوردند و سایر قضایا را هم آنها اگر ما سستی کنیم، پیش می آورند. اگر آزادی، آزادی بیان و عقیده و اندیشه است، آزادی هست و بوده است. این چیزی که جلوییش گرفته شده است، این است که در ممالک دیگر آن جا که انقلاب شد و صد در صد ادعای آزادی می کردند، بعد از انقلاب مطلقاً جلوگیری کردند از کسانی که توطئه می کردند. ما پنج ماه است و بیشتر است مهلت دادیم به آنها تا این که بر مردم ثابت شد، به دنیا ثابت شد به این که قضیه، قضیه آزادی بیان نیست. قضیه، قضیه

آزادی توطئه است. این آزادی توطئه را هیچ کس، هیچ جا به
هیچ کس نمی تواند بدهد.^۱

بنابر این، در مورد دیدگاه حضرت امام نسبت به آزادی
قبل و بعد از انقلاب تغییری ایجاد نشده است و هیچ تناقضی
در سخنان ایشان وجود ندارد.

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۹۲؛ مصاحبه با اوریانا فالاجی؛ ۱۳۵۸/۷/۲.

حقانیت جمهوری اسلامی

سؤال: با وجود مشکلات و کاستی‌هایی که در کشور وجود دارد، چطور می‌توان حقانیت جمهوری اسلامی را پذیرفت؟

پاسخ: در اثبات حقانیت جمهوری اسلامی محورهای زیر باید مورد توجه قرار بگیرد:

۱. مبانی، اصول و ارزش‌های اسلامی هم‌چون حاکمیت اسلام ناب، عدالت، استقلال، نفی سلطه و ایستادگی در برابر مستکبران و حمایت از مظلومان از مبانی، اصول و اهداف انقلاب اسلامی است که ریشه در فرهنگ ناب اسلامی و فطرت انسانی دارد. مسیر ترسیم شده برای نظام مسیر روشن و صحیحی است که می‌تواند سعادت مادی و معنوی را برای همگان رقم بزند. مقصد مشخص شده و راه نیز مشخص است و در حال پیمودن این مسیر هستیم، البته در طی مسیر مشکلات و موانعی وجود دارد، اما باید آنها را کنار زد. درست است که در نظام جمهوری اسلامی این

اهداف هنوز به طور کامل محقق نشده است، اما در مسیر آن گام برداشته است و در حرکت است و تحقق کامل این اهداف نیازمند وجود مسئولان تراز نظام اسلامی و همراهی کامل مردم است.

۲. رهبری و ساختار نظام جمهوری اسلامی بر اساس مبانی اسلام ناب ترسیم شده است. مصداق حکومت عدل در اندیشه سیاسی شیعی، حکومتی است که در رأس آن کسی قرار داشته باشد که مأذون از ناحیه خداوند در حاکمیت باشد یا بدون واسطه که معصومین علیهم السلام در عصر حضور هستند و یا با واسطه معصوم علیه السلام که بر اساس ادله عقلی و نقلی متعدد ولی فقیه در عصر غیبت است و حکومت‌هایی که از این مدار خارج بوده و بر اساس نظام امامت و ولایت تشکیل نشده باشد، مصداق نظام جور محسوب می‌شوند.

۳. توجه به نقش و جایگاه مردم؛ انقلاب اسلامی، حق مشارکت سیاسی را به مردم این سرزمین هدیه داد و اگر در روزگار گذشته به خواست مردم هیچ توجهی نمی‌شد، در سایه انقلاب اسلامی، مردم از این حق خدادادی برخوردار شدند.

۴. تداوم دشمنی و کینه نظام استکبار نسبت به انقلاب اسلامی و گسترش حجم مقابله با نظام جمهوری اسلامی خود شاهی روشن بر درستی مسیر و عدم انحراف انقلاب اسلامی از مسیر خویش است؛ زیرا اگر انحرافی در اصول،

مبانی و ماهیت انقلاب اسلامی صورت گرفته بود و انقلاب اسلامی از مسیر اصلی خویش فاصله گرفته بود باید دشمنان از این روند خشنود شده و از حجم دشمنی‌های خویش می‌کاستند. اگر امروز کشور ما مانند کشورهای به ظاهر اسلامی عرب، دست دوستی با امریکا و رژیم صهیونیستی دراز می‌کرد و حاضر می‌شد نقش و جایگاه گاو شیرده آنان را داشته باشد، اثری از فشارها و دشمنی‌های امروز وجود نداشت. اما اسلام خواهی، استقلال طلبی و نفی سلطه‌پذیری و حمایت از مظلومان موجب شده تا شاهد افزایش دشمنی‌های نظام سلطه با جمهوری اسلامی باشیم.

۵. دستاوردها و پیشرفت‌های کشور در عرصه‌های مختلف به ویژه در عرصه‌های علمی و فناوی هم‌چون پزشکی، نانو، هوا فضا، هسته‌ای و نظامی و قرار گرفتن کشور ما در برخی از این حوزه‌ها در جمع چند کشور برتر جهان با وجود همه فشارها و تحریم‌ها و سنگ‌اندازی‌ها، بیان‌گر ظرفیت نظام جمهوری اسلامی برای تحقق پیشرفت است. بی‌تردید اگر عزم و روحیه انقلابی‌ای که پیشرفت‌های بزرگ را برای کشور رقم زده است، در عرصه اقتصادی و سایر عرصه‌ها به کار گرفته شود، مشکلات کشور را برطرف نموده و پیشرفت را برای کشور به ارمغان خواهد آورد.

۶. تفکیک میان نظام و عملکرد برخی از مسئولان؛ وجود برخی مشکلات و کاستی‌ها و ضعف‌ها، آسیب‌هایی است

که جمهوری اسلامی با آن روبروست و آن را نمی‌توان نشانه عدم حقانیت و درستی آن تلقی نمود. جمهوری اسلامی مانند هر پدیده دیگری در معرض آسیب‌ها و موانعی است که باید آنها را برطرف نمود. این مشکلات به عملکرد برخی مسئولان باز می‌گردد. وجود فساد در بخش‌های مختلف و برخی مشکلات، آسیب‌ها و آفت‌هایی است که متوجه نظام شده است که باید با آن مقابله کرد نه آن‌که به دلیل وجود آنها از اصل نظام با درستی مسیر آن دست برداشت. هیچ‌گاه کشاورز به دلیل برخی آفت‌ها از محصول و دست‌رنج و آنچه برای آن تلاش صادقانه کرده است، دست برنمی‌دارد، بلکه با آفت‌ها و آسیب‌ها مقابله می‌کند.

وجود ضعف‌ها و کاستی‌ها در دستیابی به اهداف به معنای دست برداشتن از آن یا ناامیدی از پیمودن این راه روشن نیست، بلکه ضرورت تلاش بیشتر و مجدانه‌تر را از سوی مسئولان می‌طلبد تا به اهداف انقلاب اسلامی که مقصد و هدف نهایی هستند، نزدیک‌تر گردیم. تحقق احکام اسلامی یک امر دفعی نیست، بلکه تدریجی است.

۷. دست‌یابی نظام اسلامی به اهداف ترسیم شده خویش، از یک‌سو نیازمند همراهی و مشارکت مردم با حکومت دینی و انجام مسئولیت‌ها توسط مردم است. امروز بخشی از ناهنجاری‌های جامعه به دلیل عدم همراهی مردم با حکومت اسلامی است. به عنوان نمونه در زمینه حجاب و

پوشش با ناهنجاری‌هایی در جامعه مواجه هستیم، گرچه در مسئولیت حکومت دینی در این زمینه تردیدی وجود ندارد و بخشی از وضعیت موجود، نتیجه ضعف فرهنگ‌سازی و برنامه‌ریزی جامع و منطقی و وجود برخی مشکلات اجتماعی و اقتصادی به عنوان زمینه‌های آن است، اما بخش دیگری از این مسأله متوجه خانواده‌ها و کم‌توجهی به این مقوله و دنیاگرایی و عدم توجه به مسئولیت اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر و... است.

از سوی دیگر برای دستیابی به اهداف مورد نظر حکومت دینی، باید مسئولانی دغدغه‌مند و معتقد به مبانی حکومت اسلامی و در تراز آن وجود داشته باشند تا بتوانند این اهداف را جامه عمل بپوشانند. اگر مسئولی که در حکومت دینی مسئولیت را پذیرفته است در انجام مسئولیت‌های خود کوتاهی و اهمالی داشته باشد، نمی‌تواند انتظار داشت که به صرف تشکیل حکومت و وجود رهبری، می‌توان همه مسائل جزئی و کلان جامعه و اهداف حکومت دینی را در گستره گسترده آن تحقق بخشید.

عدم انحراف انقلاب اسلامی

سؤال: با توجه به انحرافات که انقلاب‌ها با آن روبرو می‌شوند، چگونه اثبات کنیم که انقلاب ما به انحراف کشیده نشده است؟

پاسخ: هر انقلاب در معرض آسیب‌ها و انحرافات است که ممکن است در مسیر حرکت آن خلل وارد نماید از این رو چالش و دغدغه اصلی همه تحولات بزرگ اجتماعی از جمله انقلاب‌ها صیانت از جهت‌گیری‌های اصلی آنها است؛ زیرا اگر جهت‌گیری به سمت اهداف در یک انقلاب مورد توجه و صیانت قرار نگیرد، انقلاب از اهداف ترسیم نموده فاصله گرفته و به نتیجه مطلوب نخواهد رسید.

این مسأله از آن جا اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که توجه داشته باشیم که به طور معمول تغییر در جهت‌گیری‌ها تدریجی و نامحسوس است و این گونه نیست که تغییر در اهداف و جهت‌گیری یک انقلاب آئی و بسیار محسوس باشد، انحراف‌ها و آسیب‌ها از یک نقطه کوچک آغاز می‌گردند

و آرام آرام در روند حرکت انقلاب تأثیر می‌گذارند. علاوه بر این که افرادی که در پی تغییر هویت یک انقلاب بر می‌آیند معمولاً به گونه‌ای آرام و در پوشش‌های پنهان و ظاهر فریب حرکت می‌کنند که ایستادگی و واکنش در برابر آنها شکل نگیرد تا بتوانند اهداف خویش را دنبال نمایند. بدین منظور برای جلوگیری از هر گونه انحراف در اهداف ترسیم شده در هر انقلاب باید از یک سوشاخص‌هایی ترسیم نمود و حرکت انقلاب را بر اساس آن ارزیابی نمود. شاخص‌ها همانند قطب‌نما مسیر حرکت را به اهداف و مقصد مشخص نموده و راه را از بی‌راهه جدا می‌نمایند و از سوی دیگر لازم است حرکت هر انقلاب در ابعاد مختلف آسیب‌شناسی شود و حرکت انقلاب اصلاح شود.

این مسأله در مورد انقلاب اسلامی نیز مطرح است بر این اساس برای ارزیابی و تحلیل حرکت انقلاب اسلامی و جلوگیری از انحراف، باید به شاخص‌ها و محورهای اساسی انقلاب اسلامی توجه شود و حرکت انقلاب اسلامی با آن سنجیده شود، علاوه بر این که انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف آسیب‌شناسی شده و کانون‌های آسیب، شناسایی و ترمیم و اصلاح شوند.

ما معتقدیم با وجود فراز و نشیب‌های بسیار در روند حرکت انقلاب اسلامی و موانع و مشکلات و علی‌رغم وجود دشمنی‌ها و کارشکنی‌هایی که از سوی دشمنان داخلی و

خارجی متوجه نظام جمهوری اسلامی شده است، در حرکت کلی انقلاب اسلامی هیچ‌گونه انحرافی صورت نگرفته است و انقلاب اسلامی به سمت اهداف خویش در حرکت است هر چند در برهه‌هایی این روند پر شتاب بوده و در برهه‌هایی به دلایل گوناگون از شتاب آن کاسته شده است، ولی در مجموع حرکت نظام جمهوری اسلامی در مسیر تحقق اهداف و آرمان‌های ترسیم شده بوده و انحرافی در آن صورت نگرفته است. در اثبات این مدعا شاخص‌های محوری و اساسی انقلاب اسلامی را از دیدگاه امامین انقلاب که محور و مدار حرکت انقلاب اسلامی از آغاز تا کنون بوده است را به اختصار برمی‌شمیریم که خود بیان‌گر عدم انحراف انقلاب اسلامی از اصول و مبانی خویش است.

۱. اسلام ناب

یکی از شاخص‌های محوری انقلاب اسلامی، اسلامی بودن نظام و حرکت آن در راستای تحقق اسلام ناب بود. امام راحل فرمودند:

«اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و قدرت آن را دارد که قلم سرخ بر ستمگری‌ها و چپاول‌گری‌ها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسان‌ها را به کمال مطلوب خود برساند و مکتبی است که بر خلاف مکتب‌های غیر توحیدی در تمام شئون فردی

و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فرو گذار ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوش زد نموده و به رفع آنها کوشیده است.^۱

مقام معظم رهبری ویژگی‌های اسلام ناب را چنین برشمردند:

«اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله اسلام عدل و قسط است، اسلام عزت و اسلام حمایت از ضعفا و پابرهنگان و محرومان است، اسلام دفاع از حقوق مظلومان و مستضعفان است، اسلام جهاد با دشمنان و سازش ناپذیری با زورگویان و فتنه‌گران است، اسلام اخلاق و فضیلت و معنویت است.»^۲

هم‌چنین فرمودند:

«فکر اسلام ناب، فکر همیشگی امام بزرگوار ما بود؛ مخصوص دوران جمهوری اسلامی نبود؛ منتها تحقق اسلام ناب، جز با حاکمیت اسلام و تشکیل نظام اسلامی امکان‌پذیر نبود. اگر نظام سیاسی کشور بر پایه شریعت اسلامی و تفکر اسلامی نباشد، امکان ندارد که اسلام بتواند با ستمگران

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۶.

۲. حدیث ولایت، ج ۱، ص ۲۲۲.

عالم، با زورگویان عالم، با زورگویان يك جامعه، مبارزه واقعی و حقیقی بکند. لذا امام حراست و صیانت از جمهوری اسلامی را اوجب واجبات می‌دانست. اوجب واجبات، نه از اوجب واجبات. واجب‌ترین واجب‌ها، صیانت از جمهوری اسلامی است؛ چون صیانت اسلام. به معنای حقیقی کلمه. وابسته به صیانت از نظام سیاسی اسلامی است. بدون نظام سیاسی، امکان ندارد.

امام، جمهوری اسلامی را مظهر حاکمیت اسلام می‌دانست. برای همین، امام، جمهوری اسلامی را دنبال کرد، در راهش آن همه تلاش کرد و با آن شدت و حدت و اقتدار پای جمهوری اسلامی ایستاد. امام که دنبال قدرت شخصی نبود؛ امام دنبال این نبود که خودش بتواند قدرتی پیدا کند. مسئله امام، مسئله اسلام بود؛ لذا پای جمهوری اسلامی ایستاد. این مدل نو را امام به دنیا عرضه کرد؛ یعنی مدل جمهوری اسلامی.^۱

۲. استکبارستیزی

از شاخص‌های اصلی انقلاب اسلامی که برخاسته از حاکمیت اسلام ناب است، استکبارستیزی و مقابله با سلطه‌طلبی نظام استکبار است. اسلام اجازه نمی‌دهد که جامعه اسلامی در برابر سلطه‌طلبی‌های مستکبران و

۱. نماز جمعه تهران؛ ۱۳۸۹/۳/۱۴.

زورگويان بی تفاوت باشد. امام رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ فرمودند:

«ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه آن مکتب خلاصه می شود در دو کلمه **«لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»**؛^۱ نه ظلم کنید و نه زیر بار ظلم بروید.»^۲

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

«در ایران هر کسی که به انقلاب اسلامی و به اسلام و به پایه های اسلامی این انقلاب اعتقاد دارد، لاجرم به مبارزه همیشگی با پرچمداران قدرت استکباری دنیا که امروز در رأس آنها آمریکاست نیز اعتقاد دارد.»^۳

۳. حمایت از مظلومان و ستمدیدگان

این ویژگی نیز برخاسته از اسلام ناب است. امام راحل فرمودند: «ما اعلام می کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است.»^۴ «ما طرفدار مظلوم هستیم، هر کسی در هر قطبی که مظلوم باشد طرفدار آنها هستیم.»^۵

مقام معظم رهبری فرمودند:

«شعارها و هدف هایی که این انقلاب ترسیم کرده با ذات

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۲۰.

۲. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۶۶.

۳. بیانات در دیدار با جمعی از دانش آموزان و دانشجویان؛ ۱۳۶۸/۸/۱۰.

۴. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۸.

۵. صحیفه نور، ج ۴، ص ۳.

و نیازهای ذاتی انسان آمیخته است. هدف‌های این انقلاب عدالت‌خواهی، تکریم انسان، مبارزه با ستمگری، دفاع از مظلوم، پر کردن شکاف‌های طبقاتی است...، این شعارها هرگز کهنه نمی‌شود.^۱

۴. توجه به مردم

یکی از شاخص‌های محوری نظام جمهوری اسلامی مردمی بودن آن است. پشتوانه اصلی نظام در همه برهه‌های تاریخی مردم بوده و هستند. امام رحمة الله علیه فرمودند:

«انقلاب مردم انقلابی است متکی به خود مردم»^۲

مقام معظم رهبری فرمودند:

«امام، جمهوری اسلامی را در مقابل این طغوت‌های بشری به وجود آورد؛ اسلام را. که در دل اسلامیت، تکیه به مردم و رأی مردم و خواست مردم وجود دارد. معیار اصلی این نظام قرار داد. بنابراین جمهوری اسلامی، هم جمهوری است؛ یعنی متکی به آراء مردم است؛ هم اسلامی است؛ یعنی متکی به شریعت الهی است. این يك مدل نو است»^۳

۵. عدالت‌طلبی

از شاخص‌های محوری نظام جمهوری اسلامی، تلاش

۱. بیانات در دیدار با جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان طرح ولایت؛ ۱۳۸۷/۵/۱۷.

۲. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۵۸.

۳. نماز جمعه تهران؛ ۱۳۸۹/۳/۱۴.

برای تحقق عدالت در همه ابعاد و بر پایی نظامی بر پایه عدالت و ریشه کن نمودن ظلم و فساد و تبعیض است.

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

«هدف و غایت برای حرکت جامعه اسلامی، تشکیل جامعه عادلانه است.»^۱ «مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت خواهی است. این پایه مشروعیت ماست...، ما برای عدالت و رفع تبعیض آمده ایم، ما آمده ایم جامعه را از مواهب الهی خودش که مهم ترین مواهب الهی در عدالت وجود دارد و همچنین مواهب اخلاقی و معنوی برخوردار کنیم.»^۲

۶. استقلال

تلاش برای استقلال و ایستادن روی پای خویش همواره از شاخص های اصلی حرکت انقلاب اسلامی بوده است. امام رحمة الله علیه فرمودند:

«اساس کار یک جمهوری اسلامی تأمین استقلال مملکت و آزادی ملت ها و مبارزه با فساد و فحشا و تنظیم و تدوین قوانین است که در همه زمینه های اقتصادی، سیاسی اجتماعی و فرهنگی با توجه به معیارهای اسلامی، اصلاحات لازم را به عمل آورد.»^۳

۱. بیانات در دیدار با اعضای هیأت دولت؛ ۱۳۷۲/۶/۳.

۲. بیانات در دیدار با اعضای هیأت دولت؛ ۱۳۸۲/۶/۵.

۳. صحیفه نور، ج ۴، ص ۶.

مقام معظم رهبری فرمودند:

«دشمنی آمریکا و استکبار با ایران اسلامی به خاطر این حرکت قدرتمندانه مردمی است؛ چون ایمان مردم، علاقه مردم به استقلال، و اطمینان به نفس مردم، به ضرر آنهاست. آنها می‌خواهند کشور ما را همیشه وابسته نگه دارند. آنها می‌خواهند از لحاظ فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشورهای این منطقه را وابسته به خودشان نگه دارند. وقتی کشوری مستقل است، وقتی اطمینان به نفس دارد و با اعتماد به خود، در راهی که او را به سمت اهداف والا می‌رساند، حرکت می‌کند، طبعاً اینها ناراضی می‌شوند. نارضایتی دشمنان جهانی ما به این خاطر است. آنها وقتی راضی می‌شوند که ملت ایران اختیار دین و دنیا و فرهنگ و اقتصاد خود را یک‌سره به آنها بسپارد. ملت ایران امروز بیدار شده است و زیر بار چنین زورگویی‌ها و قلدری‌هایی نمی‌رود.»^۱

آنچه بیان شد شاخص‌ها و اصولی است که محور و مدار حرکت انقلاب اسلامی را مشخص نموده و سلامت جهت‌گیری و حرکت کلی نظام جمهوری اسلامی را به اثبات می‌رساند که با وجود تمامی موانع و دشمنی‌ها و تلاش دشمن برای مبارزه با نظام جمهوری اسلامی و جلوگیری از تبدیل نشدن آن به عنوان الگویی برای کشورهای مسلمان و ملت‌های آزاد و تلاش برای انحراف در مسیر حرکت آن،

۱. بیانات در اجتماع مردم رفسنجان؛ ۱۳۸۴/۲/۱۸.

انقلاب اسلامی پر توان و با صلابت در مسیر خویش و بر مبنای و اصول خویش حرکت نموده و دشمنان را در رسیدن به اهداف شوم خویش ناکام گذارده است.

شدت یافتن دشمنی و کینه نظام استکبار نسبت به انقلاب اسلامی و گسترش حجم مقابله با نظام جمهوری اسلامی خود شاهدی روشن بر عدم انحراف انقلاب اسلامی از مسیر خویش است؛ زیرا اگر انحرافی در اصول، مبنای و ماهیت انقلاب اسلامی صورت گرفته بود و انقلاب اسلامی از مسیر اصلی خویش فاصله گرفته بود باید دشمنان از این روند خشنود شده و از حجم دشمنی‌های خویش می‌کاستند.

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

«باید ببینیم دشمنان دیروز امام در برابر ما چه موضعی می‌گیرند. اگر دیدیم مواضع ما جوری است که آمریکای مستکبر، صهیونیست غاصب، مزدوران قدرت‌های گوناگون، مخالفین و معاندین امام و اسلام و انقلاب از ما تجلیل می‌کنند، احترام می‌کنند، بایستی در مواضع مان شك کنیم؛ باید بدانیم که راه درست و مستقیم را نمی‌رویم.»^۱

علاوه بر این که در نظام جمهوری راه کارهایی اندیشیده شده که از انحراف در مسیر حرکت کلی انقلاب اسلامی جلوگیری به عمل بیاید، از یک سو رهبری نظام بر عهده

۱. نماز جمعه تهران؛ ۱۴/۳/۱۳۸۹.

ولی فقیه قرار داده شده که برخوردار از فقاقت و عدالت و تقوا می‌باشد که ضمن آشنایی کامل با مبانی اسلام، به دلیل برخورداری از ویژگی‌های ناب عدالت و تقوا تحت تأثیر هواها و خواسته‌های نفسانی قرار نمی‌گیرد و وظیفه تعیین سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر آنها بر عهده ایشان قرار داده شده است و در واقع مسئولیت حفظ جهت‌گیری و حرکت کلی انقلاب و نظام را بر عهده دارد و مواظب است که انقلاب از آرمان‌ها و اصول خویش منحرف نشود و بی‌راهه نرود. علاوه بر این که تنها به وجود رهبری و ویژگی‌های درونی ایشان بسنده نشده و مجلس خبرگان رهبری که نمایندگان مردم هستند به عنوان ناظر بیرونی بر عملکرد رهبری نظام در نظر گرفته شده است.

از سوی دیگر برای کنترل و نظارت بر روند تصویب قوانین برای سلامت آنها از جهت مخالفت نداشتن با قوانین اسلامی و قانون اساسی کشور که بر گرفته از مبانی اسلامی است، نهاد شورای نگهبان را در نظر گرفته که حافظ اسلامیت نظام می‌باشد و در کنار اینها علمای دینی و مردم متعهد و انقلابی بر اساس وظیفه دینی خویش مراقب روند حرکت نظام بوده و در صورت بروز هر گونه انحرافی به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر خویش عمل می‌نمایند. مجموعه این راه‌کارها موجب می‌شود که روند جهت‌گیری و حرکت کلی نظام از آسیب‌ها و انحرافات احتمالی در امان باشد.

بنابر این، تغییر مواضع برخی از افراد نه تنها دلیل بر انحراف انقلاب اسلامی از مسیر حرکت خویش نیست، بلکه بیان‌گر حقانیت انقلاب اسلامی و سلامت آن است که به هیچ شخص و حزبی وابسته نیست و کسانی را که در جهت خلاف مسیر حرکت انقلاب گام بردارند را بر نمی‌تابد؛ اگر چه این افراد روزی جز بدنه انقلاب بوده و مسئولیتی را برعهده داشته‌اند. آنچه مهم است معیارها و اصول انقلاب است و اشخاص باید با آنها سنجیده شوند نه این‌که افراد را ملاک و معیار قرار دهیم و چه زیبا حضرت علی علیه السلام به حارث بن حوط که از حضرت سؤال کرد آیا چنین می‌پنداری که من اصحاب جمل را گمراه می‌دانم؟ فرمودند:

«يَا حَارِثُ! إِنَّكَ نَظَرْتَ تَحْتَكَ وَ لَمْ تَنْظُرْ فَوْقَكَ فَجِزْتَ إِنَّكَ لَمْ تَعْرِفِ الْحَقَّ فَتَعْرِفَ مَنْ أَتَاهُ، وَ لَمْ تَعْرِفِ الْبَاطِلَ فَتَعْرِفَ مَنْ أَتَاهُ»؛^۱

ای حارث! تو زیر پای خود را دیدی، اما بالای خود نگاه نکردی، پس سرگردان شدی، تو حق را نشناختی تا بدانی که اهل حق چه کسانی هستند و باطل را نیز نشناختی تا باطل‌گرایان را بشناسی.

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

«با چهره‌ها نمی‌شود حق را تشخیص داد. یک چهره موجه

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۶۲.

محترم است، مورد قبول است، مورد تکریم است؛ اما او نمی‌تواند شاخص حق باشد. گاهی چهره موجهی مثل بعضی از صحابه پیغمبر راه را عوضی می‌روند، اشتباه می‌کنند. باید حق را شناخت، باید راه را تشخیص داد تا بفهمیم این شخص حق است یا باطل. هر که از این راه رفت، حق است؛ هر که از راه حق نرفت، مردود است. حق را باید شناخت...، امام. کسی که پدر همه این جریان بود، حق حیات به گردن جامعه و این حرکت عظیم داشت. فرمودند اگر من از اسلام جدا شوم، مردم از من رو بخواهند گرداند. شاخص، اسلام است؛ شاخص، اشخاص نیستند؛ این حرف امام علیه السلام است. او به ما یاد داد که راه را تشخیص بدهیم، حرکت صحیح را تشخیص بدهیم، نقشه دشمن را بفهمیم و بخوانیم تا بتوانیم بفهمیم کدام کار در جهت دشمن و در خط دشمن است و کدام کار در ضد اوست.»^۱

بر این اساس، تغییر موضع و انحراف برخی از اشخاص را نمی‌توان دلیل و نشانه‌ای بر انحراف انقلاب اسلامی از مسیر آن تلقی نمود، بلکه باید بر اساس شاخص‌ها و اصول اساسی انقلاب اسلامی که برآمده از اسلام ناب است عملکرد افراد را مورد ارزیابی داد، ضمن این‌که ملاک ارزیابی افراد نیز حال کنونی آنهاست نه گذشته آنها. ممکن است برخی افراد دارای سابقه درخشانی باشند، ولی در حال حاضر

۱. بیانات در دیدار باب‌سیجیان استان قم؛ ۱۳۸۹/۸/۲.

به دلایلی دچار انحراف شده‌اند. مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

«امام بارها فرمود قضاوت در مورد اشخاص باید با معیار حال کنونی اشخاص باشد. گذشته اشخاص، مورد توجه نیست. گذشته مال آن وقتی است که حال فعلی معلوم نباشد. انسان به آن گذشته تمسک کند و بگوید: خوب، قبلاً این جوری بوده، حالا هم لابد همان جور است. اگر حال فعلی اشخاص در نقطه مقابل آن گذشته بود، آن گذشته دیگر کارایی ندارد. این همان قضاوتی بود که امام امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) با جناب طلحه و جناب زبیر کرد...، امام ملاکش این بود، معیارش این بود.

بعضی‌ها با امام از پاریس توهواپیما بودند و آمدند ایران؛ اما در زمان امام به خاطر خیانت اعدام شدند بعضی‌ها از دورانی که امام در نجف بود و بعد که به پاریس رفت، با ایشان ارتباط داشتند، در اول انقلاب هم مورد توجه امام قرار گرفتند؛ اما بعد رفتار اینها، موضع‌گیری‌های اینها موجب شد که امام اینها را طرد کرد، از خودش دور کرد. میزان، وضعی است که امروز بنده دارم. اگر خدای نکرده نفس اماره و شیطان، راه را در مقابل من منحرف کردند، قضاوت چیز دیگری خواهد بود. مبنای نظام اسلامی این است و امام این جوری عمل کرد.»^۱

انقلاب اسلامی و فرصت‌های خارجی

پیامدهای انقلاب اسلامی در عرصه خارجی

سؤال: انقلاب اسلامی چه پیامدهایی در عرصه خارجی به همراه داشته است؟

پاسخ: از مهم‌ترین پیامدهای انقلاب اسلامی در عرصه خارجی می‌توان به سه محور کلی اشاره کرد:

۱. تحول در نظریه‌پردازی‌های انقلاب؛ در پرتو انقلاب اسلامی ایران، تحول بنیادینی در عرصه نظریه‌پردازی انقلاب به وقوع پیوست و نقش دین، ایدئولوژی و فرهنگ را که در نظریه‌پردازی‌های انقلاب به حساب نمی‌آمد، به عنوان عناصر تأثیرگذار رسمیت بخشید.

پیروزی انقلاب اسلامی بر پایه ارزش‌ها و معیارهای اسلامی، گفتمان اسلام سیاسی را در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل مطرح نمود. این گفتمان در دنیای لائیسم و سکولاریسم مطرح شد که دین را نه تنها جدا از سیاست دانسته و به گفته مارکس افیون ملت‌ها تلقی می‌شده،

بلکه مدعی بودند که دوره آن گذشته و به تاریخ تعلق دارد و چیزی هم برای ارائه به دنیای مدرن ندارد. گفتمان اسلام سیاسی دریچه‌ای جدید به روی اندیشمندان و صاحب نظران سیاست باز نمود که نه تنها دین اسلام می‌تواند سیاسی باشد، بلکه حرف‌های جدید و تازه‌ای برای ارائه به جهان مدرن امروز دارد که با گفتمان موجود در تقابل و تضاد بود.

انقلاب اسلامی ایدئولوژی انقلابی جدیدی را که شامل مجموع نقاط مثبت سایر ایدئولوژی‌های انقلابی زمانه نیز بود، مفاهیم استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، در چهارچوب حکومت دینی در دنیای مادی گرای معاصر مطرح نمود و باعث غافل‌گیری صاحب نظران پدیده انقلاب شد.^۱

انقلاب ایران به دلیل ماهیت ویژه خود، نقش مذهب و سایر ویژگی‌های شاخص آنها، طلیعه پدید آمدن نسل جدیدی از نظریه‌های انقلاب شدند. به گونه‌ای که تدا اسکاچپول از نظریه پردازان انقلاب به دنبال انقلاب اسلامی بادرست کشیدن از دیدگاه ساختاری خود نسبت به وقوع انقلاب‌ها و این که «انقلاب‌ها ساخته نمی‌شوند؛ بلکه به وجود می‌آیند.» نوشت: اگر در دنیا يك انقلاب باشد که توسط يك حرکت انقلابی آگاهانه

۱. ر.ک. اسکاچپول، تدا، حکومت تحصیل دار (صاحب درآمد مستمر) و اسلام شیعی در انقلاب ایران، ترجمه محسن امین‌زاده، رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی، گرد آورنده عبدالوهاب فراتی، قم: انتشارات معارف، ۱۳۷۹، ص ۱۸۵. ۱۹۱.

ساخته شده است، آن انقلاب، انقلاب ایران است.^۱

«جان فوران» نیز از ورود محافل علمی و دانشگاهی به نسل چهارم نظریه‌های انقلاب سخن راند و گفت: «رخداد دو انقلاب ایران و نیکاراگوئه راه را برای ورود به نسل چهارم نظریه‌های انقلاب که البته اکنون در ابتدای راه است. هموار کرد؛ یعنی نسلی که خود را از دید ساختاری محض و جبرگرایی رهانیده است و به عناصر متعددی، مانند نقش فرهنگ و ایدئولوژی، بسیج منابع، توسعه نامتوازن و غیره بهامی دهد».^۲

۲. پیامدهای انقلاب اسلامی بر نظام بین الملل

انقلاب اسلامی با شعار نه شرقی نه غربی، بلوک‌بندی نظام بین الملل به دو بلوک شرق و غرب را به چالش کشید و پس از فروپاشی نظام دو قطبی با سیاست نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، یک‌جانبه‌گرایی و هژمونی‌طلبی امریکا را زیر سؤال برد و با فرهنگ دینی خود، موجودیت تمدن مادی غرب را تحت تأثیر قرار داد. در عرصه منطقه‌ای انقلاب اسلامی در برابر نفوذ امریکا در منطقه ایستاد و نقشه‌ها و اهداف

۱. ر.ک. اسکاچپول، تدا، حکومت تحصیل‌دار (صاحب درآمد مستمر) و اسلام شیعی در انقلاب ایران، ترجمه محسن امین‌زاده، رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی، گردآورنده عبدالوهاب فراتی، قم: انتشارات معارف، ۱۳۷۹، ص ۱۸۹، ۱۹۰.

۲. مشیرزاده، حمیرا، نگرشی اجمالی به نظریه‌های انقلاب در علوم اجتماعی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، مجموعه مقالات، قم: معارف، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۴.

شوم آن برای تسلط بر منطقه را خنثی نمود.

انقلاب اسلامی ایران (در سطح ساختاری) ساختار سیاسی نحوه توزیع قدرت و بازیگران روابط بین الملل را تحت تأثیر قرار داده و باعث تقویت و ظهور بازیگران جدید دولتی و غیردولتی (جنبش‌ها و ملت‌ها) در صحنه ساختار بین‌المللی شده و در (سطح کارکردی) مباحث اصلی عدالت، صلح و امنیت را تحت تأثیر قرار داد. انقلاب اسلامی موجب ارتقای توان بازیگرانی نوین از جمله جهان اسلام، امت اسلامی، نهضت‌های آزادی‌بخش و ملت‌ها گردید و نقش دین را به عنوان قدرتی تأثیرگذار بر پویش‌های بین‌المللی آشکار ساخت. به علاوه بر نقش جنبش عدم تعهد و بازیگران جهان سومی نیز با کشیدن مرزی دقیق بین مستضعفان و مستکبران تأکید کرد.

۳. پیامدهای انقلاب اسلامی در جهان اسلام

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بسیاری از نقاط جهان، ملت‌های در بند، جانی تازه گرفتند و برای آزادی و رهایی خویش تلاش‌ها، مبارزات و حرکت‌های گوناگونی را آغاز کردند. ولی اوج و فراز این مبارزات در منطقه خاورمیانه و کشورهای مسلمان بود که نه تنها در مجاورت و همسایگی ایران انقلابی قرار داشتند بلکه، با این ملت از هماهنگی عمیق و وسیع دینی و فرهنگی نیز برخوردار بودند که این خود می‌توانست تأثیر عمیقی در گسترش و توسعه انقلاب

اسلامی داشته باشد و بارزترین نمونه‌های این حرکت‌ها و مبارزات انقلابی و رهایی‌بخش را در لبنان، فلسطین، افغانستان، الجزایر و مصر و غیره می‌توان مشاهده کرد. در هم شکستن صولت و ابهت ابرقدرت‌ها، احیای مسأله فلسطین و مقابله با رژیم صهیونیستی و حمایت از خط مقاومت در منطقه، توجه به مقوله وحدت و اخوت اسلامی و... در زمره آثار انقلاب اسلامی به شمار می‌روند و انقلاب در تحقق آنها تاثیر چشم‌گیری داشته است.

دستاوردهای انقلاب اسلامی در عرصه بین المللی

سؤال: با وجود تداوم حاکمیت نظام سلطه و تفکر سکولار، انقلاب اسلامی در عرصه جهانی چه دستاوردی داشته است؟

پاسخ: انقلاب اسلامی در عرصه بین المللی دستاوردها و آثار ارزشمندی به دنبال داشته است که به مهم ترین آنها اشاره می کنیم:

۱. احیای حاکمیت دین و ارائه آن به عنوان گفتمان جدید در عرصه جهانی

بی تردید شکل گیری انقلاب اسلامی، دگرگونی و تغییر در ارزش ها را به دنبال داشت و در روزگاری که دین افیون توده ها خوانده شده و از عرصه زندگی اجتماعی کنار گذاشته شده بود و تفکر سکولار یگانه تازی می کرد، حاکمیت دین را در عصر حاضر احیا کرد. نقش غیر قابل انکار انقلاب اسلامی در گسترش دین تا جایی است که «آنتونی گیدنز»، جامعه شناس مشهور انگلیسی در این مورد می نویسد:

«در گذشته سه گول فکری جامعه‌شناسی یعنی مارکس، دورکیم و ماکس وبر با کم و بیش اختلافاتی فرآیند عمومی جهانی را به سمت سکولاریزاسیون و به حاشیه رفتن دین می‌دیدند، ولی از آغاز دهه هشتاد و با انقلاب اسلامی ایران شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم، یعنی فرآیند عمومی جهان، روند معکوسی را آغاز و به سمت دینی شدن پیش می‌رود.»^۱

وی رشد اسلام‌گرایی و حرکت‌های احیاگرانه جوامع اسلامی را که به تجدید حیات پر دامنه اسلام منجر شده و نیز تحوّل و انقلابی را که در ایران در دهه ۱۹۸۰ رخ داده است، دلیل و شاهد آشکار بر بطلان فرایند اجتناب‌ناپذیری دنیوی شدن می‌داند و خیزش اسلامی ایران به رهبری امام خمینی را واکنشی علیه تأثیر غرب قلمداد نموده، می‌گوید: «آیت الله خمینی حکومتی را که بر طبق قوانین سنتی اسلامی سازمان یافته بود تأسیس کرد. انقلاب اسلامی به گفته وی دین را آن گونه که در قرآن مشخص گردیده، اساس مستقیم زندگی سیاسی و اقتصادی قرار می‌دهد. احیای اسلامی را نمی‌توان صرفاً بر اساس ملاحظات مذهبی درک کرد. این جنبش تا حدی نشان دهنده واکنش علیه تأثیر غرب و یک جنبش ابراز هویت ملی یا فرهنگی است. آنچه رخ داده است

۱. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، ۱۳۷۴، ص ۷۵.

چیزی پیچیده‌تر است؛ آداب و شیوه‌های زندگی سنتی احیا گردیده‌اند، اما با علایقی همراه‌اند که خاص دوران مدرن است.»^۱

انقلاب اسلامی روند سکولاریزاسیون را پایان بخشید و بطلان این رویکرد را نشان داد و ثابت کرد نمی‌توان نقش دین را در زندگی اجتماعی نادیده گرفت. پیتروال برگر در مورد تأثیرات انقلاب اسلامی معتقد است: «تا سال‌های آغازین دهه ۱۹۸۰ در بین اندیشمندان علوم سیاسی این تمایل وجود داشت که نیروی دین را در سیاست، نادیده و یا دست کم بگیرند...، با توجه به رشد فزاینده نقش دین در سیاست، می‌توان با واقع‌بینی بیشتر، طیفی از الگوهای تعاملی میان این جنبه حساس و سرنوشت‌ساز هستی آدمی مشاهده کرد. چنین به نظر می‌رسد که تأثیری که دین در آستانه قرن بیست و یکم بر مسائل جهانی بر جای نهاده، نمایاننده پدیده‌ای است که می‌توان آن را «غیر سکولار بودن مدرنیته» نام نهاد و به این ترتیب به نظر می‌رسد که یکی از سازواره‌های مهم تشکیل دهنده مدرنیته، یعنی سکولاریسم از شالودگی آن، شانه خالی می‌کند.»^۲

«ریچارد مورفی»، از معاونین پیشین وزیر خارجه امریکا می‌گوید: «پدیده انقلاب اسلامی ایران دیگر تنها یک مسأله

۱. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ص ۵۱۳.

۲. ال. برگر، پیترو، افول سکولاریزم؛ دین خیزش‌گر و سیاست جهانی، ترجمه افشارامیری، تهران: پنگان، ۱۳۸۰، ص ۹۰.

استراتژیک متعارف نیست، مسأله امواجی است که این انقلاب پدید آورده و بنیادهای تمدن معاصر کاپیتالیستی و سوسیالیستی غرب را به لرزه انداخته است.^۱

از این جهت مقام معظم رهبری فرمودند:

«انقلاب اسلامی هویت اسلامی را در دنیای اسلام و هویت معنوی را در کل جهان زنده کرد.»^۲

۲. انقلاب اسلامی الگوی مبارزاتی

انقلاب اسلامی با مقاومت و ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌های نظام سلطه تبدیل به الگوی مبارزاتی در نقاط مختلف جهان گردید و به ملت‌های دربند جهان آموخت که چگونه خود را از زیر سلطه و نفوذ بیگانگان نجات دهند و در واقع بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب، درس آزادی و آزاداندیشی برای مردم تحت سلطه در سراسر جهان بوده است.

«جیمز بیل»، محقق آمریکایی در این خصوص می‌گوید: «موجی از هیجان توده‌ای، اسلام را فرا گرفته است، از یوگسلاوی و مراکش تا اندونزی و مالزی و فیلیپین در شرق، این اسلام نوظهور که به لحاظ ایدئولوژیک منسجم است. در انقلاب ۱۹۷۹ ایران، در اشغال مسجد الحرام در مکه، ترور

۱. واعظی، حسن، ایران و آمریکا، تهران: سروش، ۱۳۷۹، ص ۳۱۴.

۲. بیانات در دیدار با وزیر امور خارجه و نمایندگان سیاسی جمهوری اسلامی در خارج کشور، ۱۳۷۸/۵/۲۵.

انور سادات در نوامبر ۱۹۸۱، در مقاومت لبنان و... انعکاس یافت. این نیروی توده‌ای که غالباً به عنوان اسلام بنیادگرا توصیف می‌شود از مرزهای جغرافیایی گذشته، ایدئولوژی سیاسی و رژیم‌های ملی را نیز فراگرفته است.»^۱

۳. انقلاب اسلامی کانون بیداری اسلامی

یکی از مهم‌ترین پدیده‌های سیاسی اجتماعی جهان اسلام گسترش تفکر بیداری اسلامی پس از وقوع انقلاب اسلامی است. در این دوره برخی حرکت‌های اسلامی که پیشتر خاموش بودند مجدداً فعال شدند. پیش از آن گروه‌هایی مانند اخوان المسلمین و گروه‌های انشعابی آن در جهان عرب و در مصر وجود داشتند، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در کشورهای چون تونس، الجزایر، فلسطین، عراق، لبنان، عربستان سعودی و کشورهای حاشیه خلیج فارس، مراکش، مالزی، اندونزی، و حتی در پاکستان گروه‌های سیاسی تازه‌ای با خط و روش و ایدئولوژی اسلام‌گرایانه شکل گرفتند. در این میان، فعالیت گروه‌های اسلامی در کشورهای چون مصر، سوریه و سودان تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران شدت بیشتری یافت.

ابا آبان نظریه‌پرداز صهیونیستی و وزیر خارجه وقت اسرائیل می‌گوید: «انقلاب اسلامی، کوتاه‌اندیشی نیست،

۱. جمعی از نویسندگان، انقلاب اسلامی، چرایی و چگونگی رخداد آن، قم: معارف، ۱۳۹۰، ص ۲۱۳.

بلکه فصل جدیدی در تاریخ ایده است. من احساس می‌کنم این ایده در منطقه خاورمیانه شیوع یافته و پیروزی انقلاب اسلامی بیان‌گر این پدیده‌هاست.^۱

۴. مطرح کردن مسأله فلسطین و جهانی کردن مبارزه با رژیم صهیونیستی

تا پیش از انقلاب اسلامی، فلسطین به عنوان مسأله‌ای عربی و نه چندان پراهمیت در جهان اسلام تلقی می‌شد، اما انقلاب اسلامی این مسأله را به مسأله نخست جهان اسلام تبدیل کرده و آن را زنده و در عرصه جهانی مطرح کرد.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فلسطین از نقش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار شد. جمهوری اسلامی، نماینده رژیم صهیونیستی را از ایران بیرون راند و سفارت فلسطین را به جای سفارت رژیم صهیونیستی در کشور دایر کرد. هم‌چنین با قطع صدور نفت به رژیم صهیونیستی، تعهد خود را نسبت به آزاد ساختن مسجد الاقصی و فلسطین اعلام کرد. در این راستا با تعیین روز جمعه آخر ماه مبارک رمضان به عنوان «روز جهانی قدس» حضرت امام خمینی، مبارزه با رژیم صهیونیستی را از مرزهای کشور فراتر برد و آن را جهانی کرد، به طوری که هر ساله به پیروی از فرمان امام خمینی، مسلمانان سراسر جهان در روز قدس دست به راهپیمایی اعتراض‌آمیز علیه رژیم اشغال‌گر قدس و حمایت از مبارزات مردم مظلوم فلسطین می‌زنند.

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴ مرداد ۱۳۷۱.

۵. فروپاشی نظام دو قطبی

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دو بلوک قدرت بزرگ جهانی به سرکردگی امریکا و شوروی (سابق)، با استفاده از توان خویش توانسته بودند دنیا را به دو حوزه مربوط به قلمرو خود تقسیم کنند. هر کشوری به یکی از این دو قطب وابستگی داشت و تقریباً قدرت مستقلى خارج از تقسیم‌بندی جهان به شرق و غرب وجود نداشت.

در چنین فضایی انقلاب اسلامی با رهبری حضرت امام و با شعار و سیاست «نه شرقی و نه غربی» شکل گرفت و تقسیم‌بندی نظام بین المللی را به چالش کشید و آن را زیر سؤال برد.

۶. شکستن ابهت امریکا

انقلاب اسلامی با خارج کردن کشوری که جزیره ثبات امریکا محسوب می‌شد و تسخیر لانه جاسوسی و گروگان گرفتن جاسوسان امریکایی سفارت‌خانه این کشور، ابهت امریکا را درهم شکسته و آن را تحقیر کردند. سایروس ونس اشغال سفارت امریکا در ایران را آغاز یک داستان دردناک برای ملت امریکا دانست.^۱

«ریچارد نیکسون»، رئیس جمهور سابق امریکا نیز ضمن

۱. ونس، سایروس و برژنیسکی، زیگنیو، توطئه در ایران، ترجمه محمود مشرقی، تهران: انتشارات هفته، ۱۳۶۲، ص ۶۹.

اعتراف به تحقیر امریکا در برابر انقلاب اسلامی گفت: «ایالات متحده امریکا با شکست در عملیات نجات گروگان‌های امریکایی اکنون بسیاری وجهه و شدیداً خوار و خفیف شده است.»^۱

۷. تبدیل شدن ایران به قدرت تأثیرگذار منطقه‌ای و بین‌المللی

انقلاب اسلامی، کشور را از وابستگی و حافظ منافع امریکا بودن خارج ساخت و آن را تبدیل به قدرتی تأثیرگذار در منطقه و جهان مطرح نمود.

۱. روزنامه اطلاعات، ۷ اردیبهشت ۱۳۵۹، ص ۲.

مقاومت و حل مشکلات جهان اسلام

سؤال: مقاومت الهام گرفته از انقلاب اسلامی در برابر دشمنان چه تأثیری در حل مشکلات جهان اسلام دارد؟

پاسخ: تأثیرات مقاومت در برابر دشمن در حل مشکلات جهان اسلام را می‌توان در این موارد برشمرد:

۱. مقاومت عامل عزت بخشی جهان اسلام

بخش عمده‌ای از مشکلات امروز جهان اسلام ناشی از کوتاه آمدن در برابر دشمنان و زیاده‌خواهی‌های آنان است که زمینه‌ساز تسلط آنها بر این کشورها بوده است و در نهایت جایگاهی بهتر از گاو شیرده برای آنان ندارند.

مقاومت به این روند ذلت‌بار پایان بخشیده و سلطه دشمنان را بر خواهد چید و سرنوشت کشورهای اسلامی و منطقه را به دست خود این کشورها رقم خواهد زد. همان‌گونه که مقام معظم رهبری فرمودند:

«ما پیروان اسلام که امروز از جمعیت عظیم، سرزمین

گسترده، ثروت‌های طبیعی بی‌شمار، و ملت‌های زنده و بیدار برخورداریم، باید با داشته‌ها و ممکن‌های خود، آینده را رقم بزنیم. ملت‌های مسلمان در ۱۵۰ سال اخیر، نقشی در سرنوشت کشورها و دولت‌های خود نداشته و به جز استثنای معدود، یک‌سره با سیاست دولت‌های متجاوز غربی مدیریت شده و دست‌خوش طمع‌ورزی و دخالت و شرارت آنها بوده‌اند. عقب‌ماندگی علمی و وابستگی سیاسی امروز بسیاری از کشورها محصول آن انفعال و بی‌کفایتی است. ملت‌های ما، جوانان ما، دانشمندان ما، علمای دینی و روشن‌فکران مدنی ما، سیاست‌ورزان و احزاب و جمعیت‌های ما، امروز باید آن گذشته بی‌افتخار و شرم‌آور را جبران کنند؛ باید پایستند و در برابر زورگویی و دخالت و شرارت قدرت‌های غربی «مقاومت» کنند.

همه سخن جمهوری اسلامی ایران که دنیای استکبار را نگران و خشمگین کرده است، دعوت به این مقاومت است؛ مقاومت در برابر دخالت و شرارت آمریکا و دیگر قدرت‌های متجاوز و به دست گرفتن سر رشته آینده دنیای اسلام با تکیه بر معارف اسلامی. طبیعتاً آمریکا و همراهانش در برابر عنوان «مقاومت» دچار حساسیت‌اند و به انواع دشمنی با «جبهه مقاومت اسلامی» کمر بسته‌اند. همراهی برخی از دولت‌های منطقه با آنان نیز واقعیت تلخی در جهت تداوم آن شرارت‌ها است.»^۱

۱. پیام به مناسبت فرارسیدن ایام حج؛ ۱۴۰۰/۴/۲۸.

۲. مقاومت و پایان سلطه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی دشمنان

مقاومت تنها در عرصه نظامی خلاصه نشده و مقاومت در برابر سلطه همه جانبه دشمنان به معنای تقویت بنیان‌های اقتصادی، فرهنگی و نظامی است و کشورهای اسلامی با تکیه بر ظرفیت‌های عظیم خود می‌توانند با مقاومت، جایگاه اقتصادی و فرهنگی و سیاسی خود را تقویت نموده و تبدیل به قدرتی در برابر دشمنان اسلام شوند.

۳. مقاومت عامل حل مسئله فلسطین

در قضیه فلسطین به عنوان یکی از مشکلات جهان اسلام، جریان سازش نتوانست با انفعال در برابر این رژیم راه به جایی ببرد و این رژیم را جسورتر نسبت به قبل نمود، اما جریان مقاومت نتوانست با ایستادگی در برابر این رژیم، قدرت پوشالی آن را فرو ریخته و رژیمی را که روزگاری رؤیای از نیل تا فرات را در سر می‌پروراند را در مرزهای خود خوانده خویش محصور نماید و شکست‌های پی‌درپی و مفتضحانه‌ای به آن تحمیل نماید و این با قدرت مقاومت به دست آمد و حل مسئله فلسطین نیز با ادامه مقاومت و البته اتحاد و همکاری کشورهای اسلامی میسر خواهد بود.

مقام معظم رهبری فرمودند:

«رژیم صهیونیستی که ارتش‌های عربی نتوانستند آن

را شکست دهند، به وسیله مردم فلسطین و گروه‌های مقاومت به زانو درآمد و به اذن الهی پیروزی‌های بزرگ‌تری نیز خواهید داشت. رژیم صهیونیستی که در دو جنگ قبلی با گروه‌های مقاومت، در برهه‌ای بعد از ۲۲ روز و در برهه‌ای دیگر بعد از ۸ روز درخواست آتش‌بس کرد، در آخرین درگیری، بعد از ۴۸ ساعت خواستار آتش‌بس شد و این یعنی به زانو درآمدن رژیم غاصب صهیونیستی...، علت پیروزی‌های مستمر ملت فلسطین در سال‌های اخیر، ایستادگی و مقاومت بوده است و در آینده و تا زمانی که مقاومت وجود داشته باشد، روند افول و زوال رژیم صهیونیستی ادامه خواهد داشت.»^۱

۴. مقاومت عامل اتحاد

مقاومت و ایستادگی جهان اسلام، زمینه‌ساز اتحاد و کنار گذاشتن اختلافات شده و اتحاد و یک‌پارچگی کشورهای اسلام در برابر دشمن مشترک، عامل قدرت آنهاست.

۱. بیانات در دیدار دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین و هیئت همراه؛ ۱۳۹۷/۱۰/۱۰.

انقلاب اسلامی و عزّت کشور

سؤال: آیا انقلاب اسلامی موجب عزّت ایران در جهان شده، پس چرا بسیاری از کشورها با کشور ما ارتباط نزدیک ندارند؟ آیا این به معنای منزوی شدن کشور ما نیست؟

پاسخ: کشور ما پیش از انقلاب اسلامی، کشوری وابسته به غرب بود و به عنوان حافظ منافع آنان و جزیره ثبات امریکا شناخته می شد.

امریکا حتی در روزگاری که حکومت وابسته آنان در کشور ما بر سر کار بود، با تحمیل قانون استعماری کاپیتولاسیون، زیاده خواهی و خوی سلطه جویانه خود را با ارائه چنین طرحی آشکار نمود و نشان داد که برای عزّت و استقلال مردم این مرز و بوم ارزشی قائل نیست.

«کوایر یانگ»، استاد دانشگاه پرینستون امریکا معتقد است: «کاپیتولاسیون اشتباه فجیعی برای منافع امریکا در ایران بود و این قانون سنگین به عنوان نشانه فاحش

دفع و رفع

سازمان ملل درباره تمدید تحریم تسلیحاتی ایران را صحنه انزوای امریکا در مقابل دوستان و دشمنانش توصیف کرد و نوشت: «در روزی که اتحادیه اروپا، امریکا را از «فهرست امن» کشورهای که شهروندان شان مجاز به سفر به ۲۷ کشور این بلوک هستند، خارج کرد، استقبال سرد شورا از پمپئو، تصویر انزوای فزاینده امریکا و احترام ناچیز سایر کشورها به دولت ترامپ که در آستانه یک رقابت سخت انتخاباتی است، کامل کرد.»^۱

کارشناس مدعو تلویزیون انگلیسی «من و تو» در برنامه این شبکه ادعای انزوای بین المللی ایران را رد می‌کند و می‌گوید: «ایران هرگز در چنین موقعیت خوبی نبوده است.»^۲

روابط جمهوری اسلامی با کشورهای مختلف از کشورهای همسایه گرفته تا روسیه و چین و حیات خلوت امریکا در امریکای لاتین و عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای و... همه و همه بیان‌گر حضور فعال و مؤثر کشورمان در عرصه بین المللی است. نقش‌آفرینی کشورمان در کنار روسیه در تحولات سوریه و مقابله با گروه تروریستی داعش که ساخته و مورد حمایت امریکا بود و خنثی کردن توطئه آنان نشان از اقتدار و تأثیرگذاری جمهوری اسلامی است.

۱. www.yjc.news/fa/news/1399؛ تاریخ انتشار، ۱۱ تیر ۱۳۹۹

۲. www.mashreghnews.ir/news/1398؛ تاریخ انتشار، ۹ شهریور ۱۳۹۸

مقام معظم رهبری فرمودند:

«می‌گویند می‌خواهیم ایران را منزوی کنیم؛ اما خودشان منزوی شدند. امروز در میان ملت‌ها، هیچ دولتی در دنیا به قدر امریکا منفور نیست. امروز امریکا منفورترین دولت‌ها و رژیم‌ها در چشم ملت‌های منطقه است. شما منزوی هستید که منفورید. رئیس‌جمهور امریکا به کشور افغانستان که کشور تحت اشغال آنهاست و صد و چند ده هزار نیروی امریکائی و ناتو در افغانستان هستند. سفر می‌کند، اما جرأت نمی‌کند از پایگاه بگرام، که پایگاه امریکایی است، خارج شود؛ با هیچ کدام از رجال سیاسی افغانستان در کابل و غیر کابل نتوانست ملاقات کند؛ رفت به پایگاه، از پایگاه آمد بیرون! شما از اکثریت مردم می‌ترسید، از اکثریت ملت‌ها می‌ترسید.

امروز شما از اکثریت ملت خودتان در امریکا هم می‌ترسید؛ نشانه‌اش این حرکت و جنبش وال استریت است که به نیویورک محصور نماند؛ در شهرهای متعدد دیگر در امریکا مردم اظهار نفرت می‌کنند. پس شما منزوی هستید. برای این‌که جمهوری اسلامی را منزوی کنند، «ایران‌هراسی» را عمومی کنند، مرتباً حرف پشت سر حرف می‌آورند. نه؛ ایران طرفدار ملت‌هاست، طرفدار مظلومین است. جمهوری اسلامی با ظلم مخالف است، با ظالم مبارزه می‌کند، در مقابل زورگویی و زیاده‌خواهی ظالمان

و مستکبران هم با همه وجود می‌ایستد و عقب‌نشینی نمی‌کند. برای همین است که ملت‌ها هر جایی که جمهوری اسلامی را می‌شناسند، به جمهوری اسلامی علاقه‌مندند، طرفدار جمهوری اسلامی‌اند، شعارهای جمهوری اسلامی برای آنها دل‌نشین است؛ به عکس شما سران رژیم ایالات متحده آمریکا، که در عراق منفورید، در افغانستان منفورید، در مصر منفورید، در تونس بعد از انقلاب منفورید، در لیبی که نیروهای نظامی وارد کردید و تحرک نظامی دارید، منفورید؛ حتی در اروپا منفورید.^۱

جمهوری اسلامی با وجود همه دشمنی‌ها و فشارها و مشکلات و سختی‌ها با ایستادگی و مقاومت خود، امروز تبدیل به الگوی ایستادگی و مقاومت شده است که در سایه فشارها و تهدیدها دست از منافع خود برنداشته و با پافشاری از عزت و استقلال خویش دفاع می‌کند، در حالی که اگر تن به سازش با آمریکا می‌داد، شاید جایگاهی بهتر از کشور عربستان که گاو شیرده آنان خطاب شد، پیدا نمی‌کرد، همان‌گونه که ایران قبل از انقلاب حافظ منافع آنان در منطقه بود.

۱. بیانات در اجتماع مردم گیلان غرب؛ ۷/۲۳/۱۳۹۰.

انقلاب اسلامی و چالش‌ها

انقلاب اسلامی و چالش‌های داخلی

حق تعیین سرنوشت نسل‌های امروز

سؤال: طبق سخنان حضرت امام که پدران ما چه حقی داشتند سرنوشت ما را تعیین کنند، نسل اول انقلاب حق ندارند، برای نسل‌های آینده تصمیم بگیرند؟

پاسخ: برای روشن شدن پاسخ این سؤال لازم است، نگاهی به متن بیانات حضرت امام در این زمینه داشته باشیم. متن سخنرانی حضرت امام در دوازدهم بهمن ۱۳۵۷ در بهشت زهرا در این خصوص از این قرار است:

«برای این که ما فرض می‌کنیم که یک ملتی تمام‌شان رأی دادند که یک نفری سلطان باشد. بسیار خوب، اینها از باب این که مسلط بر سرنوشت خودشان هستند و مختار به سرنوشت خودشان هستند، رأی آنها برای آنها قابل عمل است، لکن اگر چنان چه یک ملتی رأی دادند (ولو تمام‌شان) به این که اعقاب (فرزندان) این سلطان هم سلطان باشد این به چه حقی؟ ملت پنجاه سال پیش از این، سرنوشت

ملت بعد را معین می‌کند!؟

سرنوشت هر ملتی به دست خودش است. ما در زمان سابق، فرض بفرمایید که زمان اول قاجاریه نبودیم اگر فرض کنیم که سلطنت قاجاریه به واسطه یک رفراندومی تحقق پیدا کرد...، آن اجداد ما که رأی دادند برای سلطنت قاجاریه، به چه حقی رأی دادند که زمان ما احمد شاه باشد؟ سرنوشت هر ملت دست خودش است. ملت در صد سال پیش از این، ... یک ملتی بوده، یک سرنوشتی داشته است و اختیاری داشته، ولی او اختیار ماها را نداشته است که یک سلطانی را بر ما مسلط کند. ما فرض می‌کنیم که این سلطنت پهلوی، اول که تأسیس شد به اختیار مردم بود... و این اسباب این می‌شود که بر فرض این که این امر باطل، صحیح باشد، فقط رضاخان سلطان باشد آن هم بر آن اشخاصی که در آن زمان بودند...، چه حقی داشتند ملت در آن زمان سرنوشت ما را در این زمان معین کنند؟! بنابر این سلطنت محمدرضا اولاً که چون سلطنت پدرش خلاف قانون بود...، پس محمدرضا هم غیر قانونی است و اگر چنان چه سلطنت رضاشاه فرض کنیم که قانونی بود، چه حقی آنها داشتند که برای ما سرنوشت معین کنند؟ هر کس سرنوشتش با خودش است...، این هم یک دلیل که سلطنت محمدرضا سلطنت قانونی نیست...، این ملتی که سرنوشت خودش با خودش باید باشد در این زمان می‌گوید که ما نمی‌خواهیم این سلطان را...، رژیم

سلطنتی رانمی خواهیم، سرنوشت اینها با خودشان است.»

متن بیانات حضرت امام خمینی به خوبی گویای این نکته است که ایشان در این بیانات بر باطل بودن حکومت‌های سلطنتی و پادشاهی استدلال کرده‌اند؛ زیرا در حقیقت حکومت‌های سلطنتی مطلقه و یا پادشاهی بر اساس حکومت موروثی می‌باشد و نحوه انتقال قدرت و حکومت بر مبنای ارث و میراث در محدوده یک خانواده صورت می‌گیرد و به همین دلیل تعیین سرنوشت ملت‌ها در این حکومت‌های سلطنتی در اختیار ملت‌ها نیست به گونه‌ای که حتی اگر سلطان یا حاکمی با رفراندوم و آراء مردم، سلطنتی را آغاز کرده باشد حکومت به طور موروثی به فرد دیگری انتقال یافته و در این حکومت‌ها مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خودشان اختیار و حقی را نداشته‌اند.

حضرت امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ به همین موضوع اشاره می‌کنند که حتی اگر سلطانی با رفراندوم و آراء مردم سلطنتی را آغاز کرده و بر اریکه قدرت نشسته باشد چنین حقی را ندارد که حکومت را به طور موروثی به فرزندان انتقال دهد و مردم آن زمان هم چنین حقی را نداشته‌اند که برای آیندگان تعیین سرنوشت کرده و این بنای باطل حکومت موروثی را پایه‌گذاری کنند؛ چون آنان در تعیین سرنوشت آیندگان حقی ندارند و به همین دلیل ایشان حکومت پادشاهی را ردّ کرده و آن را امر باطلی می‌داند؛ چون تعیین سرنوشت

سیاسی ملت در هر زمانی به عهده ملت و همان مردم است و آن مردم دیروز حق تعیین سرنوشت سیاسی ملت امروز و نسل‌های آینده را ندارند.

این نوع حکومت‌ها یعنی حکومت‌های سلطنتی بر خلاف حکومت‌های جمهوری است که اساس آن مبتنی بر آرای مردم است و این‌که حکومت‌های جمهوری بر خلاف نظام‌های سلطنتی و پادشاهی، موروثی نبوده و انتقال حکومت به حاکم دیگر از طریق آراء مردم انجام می‌گیرد و اساس جمهوریت این است که مبتنی بر آراء مردم باشد و در این نوع حکومت تعیین سرنوشت سیاسی مردم به عهده خود مردم است و این شکل حکومت مثل حکومت‌های سلطنتی نیست که یک فردی خود را تحمیل نماید و یا نسل بعدی و نسل‌های آینده به خاطر موروثی بودن حکومت اختیاری در تعیین سرنوشت سیاسی خود را نداشته باشند و به همین ترتیب سلاطین بعدی خود را بر ملت تحمیل کنند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نظام پادشاهی و سلطنتی ملغی شده و نظام مردمی بر مبنای اسلام با انتخاب خود مردم جایگزین آن شد و نظام جمهوری اسلامی شکل گرفت. هم‌چنین مردم چه در همه‌پرسی قانون اساسی و چه در همه‌پرسی که مجدداً در خصوص بازنگری قانون اساسی انجام گرفت شرکت کردند و در تعیین سرنوشت خودشان دخالت کردند باز هم چنین مردم به طور متعدد در هر نسلی

برای تعیین نمایندگان قوه مقننه و ریاست قوه مجریه در پای صندوق‌های رأی حضور پیدا کرده و به طور قانونی و نهادینه شده در تعیین سرنوشت سیاسی‌شان مشارکت می‌کنند.

علاوه بر اینها برای این‌که مردم در سرنوشت سیاسی خود مختار بوده و تعیین سرنوشت نمایند بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی حتی رئیس جمهور بیش از دو بار به طور متوالی نمی‌تواند کاندیدای ریاست جمهوری شود که این قانون برای بر حذر ماندن از جنبه سلطنتی یا مادام العمر بودن رئیس قوه مجریه وضع شده است. لذا موقتی بودن حاکمان و زمامداران؛ چه در قانون و چه در عمل به طور نهادینه شده مورد توجه قرار گرفته است و هر نسلی می‌تواند در تعیین سرنوشت سیاسی خود دخالت کند و یا تعیین سرنوشت کند.

بنابر این با هدف دخالت مردم در تعیین سرنوشت خویش نظام سلطنتی یا پادشاهی باطل گردید و به جای آن نظام جمهوری که زمینه‌ساز دخالت مردم در سرنوشت خویش می‌باشد بنا نهاده شد. شایان ذکر است در نظام جمهوری اسلامی حتی رهبر و ولی فقیه هم مادام العمر نیست، بلکه زمام‌داری او مشروط به مادام الوصف بودن او به شرائط مذکور در قانون اساسی است و در این باره مردم دخالت دارند و مجلس خبرگان رهبری که منتخب

مردم می‌باشد در این باره نظارت دارد و ولی فقیه در واقع با وصف فقاہت و عدالت و مادامی که این شرایط را داراست به حکومت مشروعیت داده و دینی بودن و مشروع بودن حکومت را به امضاء می‌رساند، در واقع نمایندگان خبره و منتخب مردم بر تداوم این اوصاف (یعنی فقاہت و عدالت) نظارت می‌کنند و رهبری از این طریق پشتوانه مردمی را در تحقق ولایت و رهبری خود به همراه دارد و ولایت خود را اعمال می‌کند. از طرفی دیگر رهبری هم در نظام جمهوری اسلامی موروثی نیست و از طریق انتخاب منتخبین مردم (یعنی مجلس خبرگان رهبری) معرفی می‌شود.

از این جهت در مجموع نظام جمهوری اسلامی اساسش را بر حق مردم در تعیین سرنوشت و آینده سیاسی خود گذاشته و هر نسلی در تعیین سرنوشت سیاسی خود، مختار است و مشارکت بالای مردم در هر دوره از انتخابات به حدی است که در طول عمر نظام جمهوری اسلامی به طور میانگین در هر سال یک انتخابات برگزار شده است که هر کدام از آنها در واقع رفراندومی برای تأیید نظام جمهوری اسلامی و تعیین سرنوشت سیاسی مردم توسط خودشان بوده است و این امر مهم را باید مرهون تلاش های امام و راهنمایی او بدانیم.

بنابر این، حضرت امام همان طوری که در بیانات بهشت زهرا سال پنجاه و هفت مسئله تعیین سرنوشت سیاسی هر نسلی توسط خودشان را مطرح کردند با نهادهای

نظام جمهوری اسلامی، به آن تحقق عملی دادند و برای آن راهنمایی‌ها و ارشاداتی کردند که می‌تواند سر لوحه زندگی سیاسی اجتماعی هر نسلی باشد.

اگر تنها با استناد به یک بخش از سخنان حضرت امام و این که در مورد نظام پادشاهی و موروثی چنین مطلبی را فرمودند، حق تعیین سرنوشت را برای تمامی نسل‌ها در نظام‌های سیاسی ملاک قرار دهیم. بر اساس چنین مبنایی هیچ نظام سیاسی عمری بیش از یک نسل نخواهد داشت. هیچ نظام سیاسی در هیچ کجای دنیا، اصل و شالوده حکومتی خود را پس از انتخاب به فرزند دوم مجدد نمی‌گذارد؛ زیرا اصل ثبات و استقرار نظام سیاسی در همه نظام‌های سیاسی به عنوان یک اصل پذیرفته شده است و بدون ثبات یک نظام سیاسی قادر به انجام وظایف و مسئولیت‌های خود نخواهد بود، از این رو پس از استقرار نظام سیاسی، موضوع فرزند دوم در مورد اصل نظام سیاسی در هیچ یک از قوانین اساسی کشورها در نظر گرفته نشده است، چه این که این امر تزلزل در موجودیت نظام سیاسی را به همراه خواهد داشت و در انجام وظایف و مسئولیت‌ها اختلال ایجاد خواهد نمود و با فلسفه نظام سیاسی در تضاد می‌باشد. بر این اساس، این مسأله اختصاص به کشورمان نداشته و در همه نظام‌های سیاسی این مسأله مطرح است و منطقی نیست که جمهوری اسلامی نیز نوع حکومت خود را مجدداً به همه پرسى بگذارد.

اگر تغییر نظام سیاسی یک امر ذاتاً با ارزش و حق ذاتی هر نسلی باشد، باید پس از هر مدت زمانی که تعداد نسل جوان یک کشور به حد قابل اعتنایی رسید، نظام سیاسی قبل جای خود را به نظام سیاسی مورد نظر نسل بعدی بدهد بدون آن که این خواست جدید خود را اثبات کرده باشد و معلوم است که به این ترتیب جامعه به چه سرنوشتی دچار خواهد شد و روی ثبات را نیز نخواهد دید، چون نظام سیاسی یک قانون جزئی نیست که با آمد و شد برای خود در حقیقت ثبات و استمرار جامعه را دچار خلل نماید، اصلاً آیا تاکنون در هیچ کشوری با هر شکل از حکومت انتخاباتی به صرف احتمال و ادعا انجام شده است تا نظام جمهوری اسلامی هم چنین کند؟! اگر این ادعا را بررسی کنیم مستلزم تالی فاسد مهمی است، توضیح آن که اگر مردم با انتخابات آزاد نماینده‌ای را برگزینند و پس از گذشت زمان اندکی احتمال داده می‌شود رأی دهندگان از نظر خویش برگشته‌اند، باید تقاضای تجدید انتخابات شود؟! همین احتمال در مورد انتخابات ریاست جمهوری، اعضای شورای شهر، شهرداران و مسئولان دیگر نیز مطرح می‌شود، اگر در انتخابات به صرف احتمال تغییر نظر و رأی مردم که در هیچ زمانی منتفی نیست انتخابات مجدد برگزار گردد، کار دولت‌ها و حکومت‌ها فقط برگزاری انتخابات می‌شود! آیا چنین امری در دنیا پذیرفته است؟!۱

۱. باقرزاده، محمد رضا، «آیا رأی مردم در فراندوم به جمهوری اسلامی برای

اختلاف میان نسل‌ها امری طبیعی است، اما طرح مسأله شکاف نسلی و ادعای تفاوت ارزش‌های سیاسی نسل نو با نسل گذشته، از سوی دشمنان با هدف تأثیرگذاری بر اذهان جامعه و تضعیف نظام صورت می‌گیرد، کیست که نداند دشمنان نظام و رسانه‌های وابسته و معلوم الحال که برای نسل کنونی کشور ما به ظاهر دل می‌سوزانند، با وجود گذشت چندین قرن از انقلاب‌های خود و انتخاب نوع نظام سیاسی توسط نسل‌های بسیار دور و مخالفت‌ها و اعتراض‌های جدی با نظام‌های حاکم و ادعای آزادی، حتی اجازه طرح چنین دیدگاه‌هایی را نمی‌دهند!!!

برخی وجود مخالفت‌ها و نارضایتی‌ها را دلیل و مجوزی برای برگزاری ضرورت‌فراندوم تلقی می‌کنند که اگر این چنین باشد، از آن‌جا که هیچ نظام سیاسی در هیچ زمانی از وجود مخالف و نارضایتی مردمی خالی نیست، باید در هر برهه زمانی و بنا به خواست افراد، اقدام به برگزاری فراندوم شود که عملاً امکان‌پذیر نیست.

وجود احتمال در هر حادثه و پدیده‌ای وابسته به عوامل و شرایط قابل قبول و تأثیرگذاری است که پذیرش آن را افزایش می‌دهد، بی‌شک صرف وجود احتمال هیچ الزامی برای مخاطبان فراهم نمی‌کند، اگر بنا باشد به صرف احتمال

و به خواست هر گروه و نسلی همه‌پرسی برگزار کنیم این برنامه پایان نخواهد داشت و هر گروهی به صرف احتمال، درخواست برگزاری همه‌پرسی می‌کند و این هم از نظر عقلی و هم در عرف حکومتی دنیا پذیرفته نیست، از این جاست که «نظام‌هایی که مشروعیت خویش را وامدار آرای مردم می‌دانند و به زعم سردمداران آنها همیشه باید آرای عمومی به نفع آنان باشد تا مشروعیت‌شان محفوظ بماند، هیچ گاه با احتمال تغییر در آراء مردم به انتخابات جدید مبادرت نمی‌کنند و تاکنون کسی به آنها اشکالی نکرده است، با این‌که به نظر می‌آید این اشکال به صورت جدی متوجه آنان است...»^۱

۱. مصباح یزدی، محمد تقی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۳.

نوشته شدن ناکامی‌ها به پای دین

سؤال: از آن جا که نظام جمهوری اسلامی، نظامی دینی است، ناکامی‌ها و مشکلات به پای دین نوشته خواهد شد و این مسأله بدبینی و روی گردانی نسبت به دین را به دنبال خواهد داشت؟

پاسخ: دغدغه نسبت به حفظ دین و دینداری در جای خود، دغدغه‌ای کاملاً به جا و حساسیتی بسیار ارزشمند است، اما سخن این جاست که اگر بر اساس چنین دغدغه‌ای، حاکمیت دینی را در عصر غیبت کنار بگذاریم، با توجه به تلاش دشمنان دین برای اعمال تفکرو خواسته‌های خود، چیزی از دین باقی خواهد ماند؟ و در صورت صرف نظر کردن از حاکمیت دین، می‌توان مدعی دینداری کامل بود و به دین ضربه نخواهد خورد؟ آیا دغدغه‌مندی نسبت به دین و بدبین نشدن مردم نسبت به دین، ایجاب می‌کند که به نفی حکومت دینی معتقد شویم؟

واقعیت آن است که نگرانی نسبت به نوشته شدن ناکامی‌ها به پای دین و دست برداشتن از حاکمیت دین برای

حفظ آن، مانند افتادن در چاه از ترس لغزش در چاله یا پاک کردن صورت مسئله به جای پاسخ است.

با توجه به دلایل متقن و روشنی که ضرورت عقلی و نقلی تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت را اثبات می‌کنند و در جای خود مورد بحث قرار گرفته است.^۱ با کدام دلیل منطقی و مجوز دینی از ترس بدبینی مردم نسبت به دین، بخش عمده و مهمی از احکام و تعالیم دین در عرصه سیاسی و اجتماعی را می‌توان کنار گذاشت و در عین حال مدعی دینداری بود؟ آیا آنچه پس از کنار گذاشتن این بخش از احکام اسلام باقی خواهد ماند، تمام دین است یا تنها بخشی از آن؟ آیا دغدغه و احساس مسئولیت این افراد نسبت به دین، از خداوند متعال و امامان معصوم علیهم‌السلام بیشتر است که در عصر غیبت مردم را به حال خود رها نکرده و برای اداره جامعه اسلامی برنامه مشخصی ارائه نموده‌اند؟! مگر نه آن‌که فلسفه وجودی دین، هدایت انسان‌هاست و انسان دارای ابعاد مادی، معنوی، فردی و اجتماعی است که ایجاب می‌کند، دین به عنوان برنامه الهی، تمام این ابعاد را دربر گرفته و مورد توجه قرار دهد و از هیچ عرصه‌ای فروگذار ننماید؛ چه این‌که در این صورت، رسالت هدایت دین، ناقص خواهد ماند.

۱. ر.ک. امام خمینی، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله و جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، ولایت فقاهاست و عدالت، قم: مرکز نشر اسرا، ۱۳۸۵؛ مصباح یزدی، محمد تقی، نظریه سیاسی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله، ج ۱، ص ۵۳.

بر این اساس، چگونه می‌توان پذیرفت که دین اسلام که داعیه جامعیت و خاتمیت دارد، مسأله حکومت و حاکمیت که اساسی‌ترین نقش در هدایت انسان‌ها را دارد، مورد توجه قرار نداده باشد یا این امر مهم را به خود مردم بسپارد تا با وجود جهل و نادانی آنان و تأثیرپذیری از امیال نفسانی به هر که بخواهند بسپارند؟ نتیجه چنین تفکری، چیزی جز حکم به فقدان جامعیت دین و نقصان در هدایت آن و رها نمودن انسان‌ها در بخش اساسی زندگی آنان خواهد بود؟ آیا تردیدی در زمان‌مند نبودن و نسخ نشدن احکام اسلام وجود دارد، اگر این چنین است، چگونه می‌توان این بخش از احکام اسلام را نادیده گرفت؟! بله گاهی شرایط برای تشکیل حکومت دینی فراهم نیست و امکان آن وجود ندارد، اما این به معنای دست برداشتن اسلام از تشکیل حکومت نیست و این مسأله متفاوت است با زمانی که شرایط برای تشکیل حکومت فراهم است، در این صورت نمی‌توان به بهانه بدبین شدن مردم نسبت به دین و نوشتن ناکامی‌ها به پای دین و مانند آن، دست‌ازانجام وظیفه و مسئولیت در این رابطه برداشت.

اما در مورد نظام جمهوری اسلامی درواکاوی نوشته شدن مشکلات و ناکامی‌ها به پای دین، با دو نگاه مواجه هستیم. یک نگاه متأثر از خطای شناختی و ادراکی مشکلات را متوجه دین نموده است که این مسأله ریشه در عوامل متعددی دارد که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. تمرکز بر مشکلات و کاستی‌ها و نادیده گرفتن دستاوردها و اقدامات انجام شده و به اصطلاح نگاه کردن به نیمه خالی لیوان و قضاوت بر اساس آن؛ هم‌چنین تعمیم مشکلات در یک بخش و حوزه به سایر حوزه‌ها و مجموعه کشور. بدیهی است هر گونه قضاوت و ارزیابی منصفانه و واقع‌بینانه از وضعیت کشور در گرو توجه به مجموعه نقاط مثبت و منفی، بدون بزرگ‌نمایی مشکلات و یا نادیده گرفتن دستاوردها و اقدامات انجام شده است.

۲. افزایش انتظارات و توقعات نسبت به نظام؛ افزایش سطح انتظارات از نظام جمهوری اسلامی موجب شده تا با وجود دستاوردهای نظام در عرصه‌های گوناگون، مشکلات و کاستی‌ها قابل پذیرش نباشد و نظام جمهوری اسلامی با آرمان‌ها و اهداف ترسیم شده، مقایسه شود و به موانع و مشکلات تحقق آن توجه نشود. «افزایش گرایش جامعه به سمت ارزش‌های والای اسلامی. حداقل در سطح انتظارات و توقعات. که خود یکی از برترین و ارزنده‌ترین آثار فرهنگی انقلاب اسلامی است، موجب شده که به طور ناخودآگاه شاخص‌ها و ملاک‌های اندازه‌گیری فضایل و ارزش‌های جامعه ما برای همه حساس‌تر و ریزتر شده باشد و خود به خود و ناخودآگاه، اندک ناهنجاری ارزشی جامعه در وضع فعلی بسیار برجسته‌تر به چشم آید و مورد نقادی قرار گیرد.»^۱

۱. ذوالعلم، علی، انقلاب و ارزش‌ها، ص ۲۰۹.

۳. توجه نکردن به منشأ مشکلات و کاستی‌ها؛ برخی بدون در نظر گرفتن ریشه مشکلات در کشور و توجه به این‌که بخش عمده‌ای از این مشکلات و کاستی‌ها به عملکرد مسئولان و ضعف‌های مدیریت و برنامه‌ریزی و مانند آن باز می‌گردد و بدون توجه به نقش مردم در انتخاب این افراد برای عهده‌دار شدن مسئولیت‌ها، همه مشکلات و ناکامی‌ها را متوجه دین و نظام دینی می‌کنند که به دور از منطق است.

۴. تأثیرپذیری از تلاش‌های خبیثانه دشمنان و معاندان با سوء استفاده از فضای مجازی و رسانه در ترسیم چهره‌ای نامناسب از وضعیت کشور برای ایجاد یأس و ناامیدی و القای ناکارآمدی نظام دینی نیز از عوامل نوشته شدن ناکامی‌ها به پای دین است. در اذهان بخشی از افراد جامعه متأثر از رسانه‌های دشمن، تصویری سیاه و مأیوس‌کننده از کشور و شرایطی رؤیایی از کشورهای غربی نقش بسته است، در حالی که مشکلات تنها به کشور ما اختصاص نداشته و کشورهای مدعی توسعه نیز با انبوهی از مشکلات و بحران‌ها روبرو هستند که عامدانه از سوی رسانه‌ها پنهان نگاه داشته می‌شود.

این نگاه با برطرف شدن زمینه‌های خطای شناختی و کسب آگاهی و شناخت، اصلاح خواهد شد و چالشی برای نظام محسوب نمی‌شود.

نگاه دیگر، نگاهی است که برخی عملکردهای نظام جمهوری اسلامی را با توجه به دینی بودن نظام، زمینه‌ساز نوشته شدن مشکلات و ناکامی‌ها به پای دین می‌داند. این نگاه به واقعیات جامعه توجه داشته و هم‌چون نگاه نخست، گرفتار خطای شناختی نیست، اما چالش بزرگی فرا روی نظام محسوب نمی‌گردد؛ زیرا با اصلاح عملکردها و برطرف نمودن مشکلات و جبران ناکامی‌ها در عمل این نگاه تصحیح خواهد شد.

بنابر این، نوشته شدن ناکامی‌ها به پای دین را نمی‌توان بزرگ‌ترین چالش پیش روی نظام تلقی نمود. در سایه نظام جمهوری اسلامی شاهد تبلور حاکمیت دینی بوده‌ایم و مشکلات و ناکامی‌ها در کشور، مشکلات لاینحلی نیست که نشان از ناکارآمدی دین داشته و به پای دین نوشته شود و قابل حل است.

عدم فساد سیستماتیک در نظام

سؤال: با وجود این همه پرونده‌های فساد، چگونه می‌توان فساد سیستماتیک در نظام را منکر شد؟

پاسخ: شاید تصویر ایده‌آل و رؤیایی از یک جامعه مطلوب در ذهن ما، جامعه‌ای بدون هرگونه فساد و مشکل باشد، اما چنین جامعه‌ای را تنها می‌توان در ذهن ترسیم کرد؛ زیرا بروز میزانی از فساد در جامعه اجتناب‌ناپذیر بوده و همیشه افرادی بوده و هستند که به دنبال سوء استفاده از فرصت‌ها و تضییع حقوق دیگرانند. آنچه مهم است برخورد با مفاسد در سطوح مختلف و صیانت از حقوق افراد جامعه است. هر چند وجود برخی مفاسد در کشور ما و ضعف‌ها و کاستی‌هایی در مقابله و برخورد با مفاسد قابل انکار نیست، اما نادیده گرفتن اقدامات انجام شده در مقابله با مفاسد به ویژه مفاسد اقتصادی از سوی نظام و متهم نمودن نظام به فساد سیستماتیک با استناد به وجود برخی مفاسد، برخلاف واقعیت و انصاف است. فساد سیستماتیک یعنی فساد به صورت سیستمی

در تمامی نظام رسوخ پیدا کرده و فساد به صورت سازمان یافته از سوی نظام و مجموعه‌های آن هدایت و دنبال می‌شود و نه تنها تلاشی برای برخورد با مفاسد صورت نمی‌گیرد، بلکه خود دخیل در ترویج فساد هستند.

در کشور ما فساد وجود دارد، اما فساد در کشور ما فساد سیستماتیک نیست؛ زیرا در فساد سیستماتیک، فساد بدون مانعی فرایندهای سیستم را آلوده کرده و نهادهای نظارتی یا از کار می‌افتند یا خود آلوده شده و به فساد دامن می‌زنند و هیچ ساز و کار نظارتی حتی نتواند از وقوع فساد مطلع شود، چه رسد به آن که آن را به نهاد قضایی گزارش کند و به اطلاع عموم برساند. در حالی که پرونده‌های فساد معروف مانند اختلاس در بانک صادرات و نیز شهرداری تهران در دوره سازندگی، شهرام جزایری و گروه امیر منصور آریا و... کدام از این‌ها اول در رسانه‌های بیگانه یا خارج از کشور مطرح و بعد رسیدگی شده؟ همه این‌ها را نهادهای نظارتی داخلی گزارش داده‌اند، قوه قضائیه کشور رسیدگی کرده و نهایتاً افرادی مجازات شده‌اند. کشف، شناسایی، برخورد و مجازات در همین سیستم رخ داده و اگر سیستم فاسد شده بود، اصلاً کسی از این فساد خبردار نمی‌شد که موضوع برخورد نیز مطرح باشد. اگر سیستم آلوده بود برای بسته نگاه داشتن رسانه‌های بیگانه هم که شده چشم بر این فسادها می‌بست و بی‌سر و صدا به آن خاتمه می‌داد، اما نظام اسلامی هزینه طعنه و شماتت دشمن را پذیرفت،

چون نمی‌تواند با وقوع فساد در کشور کنار آید و آن را هضم نمی‌کند.^۱

موضوع فساد موضوعی تازه‌ای نبوده و اختصاص به کشور ما ندارد. وجود نهادهای گوناگون نظارتی که اتفاقاً خود افشا کننده فساد در کشور هستند، بهترین دلیل برای سیستمی نبودن فساد است. همین که فساد در همان ابتدای کشف و حتی قبل از رسیدگی قضایی از سوی نهاد کاشف افشای می‌شود هم دلیل دیگری بر سیستمی نبودن فساد است. این که فساد برخی از بستگان نزدیک عالی‌ترین مقامات کشور هم چون برادر رئیس‌جمهور سابق و برادر معاون او کشف و برخورد شد و برخورد با یکی از مشاوران دستگاه قضایی و فرزندان معاون اول این دستگاه نیز از دلایل آشکاری است که سیستمی نبودن فساد را در جمهوری اسلامی ایران ثابت می‌کند.

از این جهت مقام معظم رهبری فرمودند:

«فساد سیستمی در دوره طاغوت وجود داشت و سیستم به طور طبیعی فسادآور بود اما امروز، فسادهایی وجود دارد که اگرچه فسادهای بدی نیز هستند ولی فساد به صورت موردی است نه سیستمی، که البته باید با این موارد برخورد شود.»^۲

۱. <https://www.javanonline.ir/fa/news/شهریور۴/تاریخانتشار۱۱۰۲۴۵۲>
۱۴۰۱.

۲. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان با رهبر انقلاب؛ ۱۳۹۶/۳/۱۷.

ایشان در پاسخ به کسانی که نظام را متهم به فساد سیستمی می‌کنند، تصریح فرمودند:

«بعضی‌ها وقتی درباره فساد حرف می‌زنند، افراطی حرف می‌زنند، حواس‌تان باشد! یک جوری حرف می‌زنند که گویا همه فاسدند، همه مدیران را و همه دستگاه‌ها را فساد گرفته! نه آقا، این جوری نیست؛ یک تعداد کمی فاسدند. بله! فساد، کمش هم زیاد است و باید با آن مواجهه بشود؛ اما این یک حرف است، این که شما جوری حرف بزنید که شنونده خیال کند همه جا را فساد گرفته [حرف دیگری است]. بعضی‌ها تعبیرات فرنگی هم به کار می‌برند: «فساد سیستمی»؛ نه آقا! آن کسی که فساد را سیستمی می‌بیند، در مغز خودش فساد هست، در چشم خودش فساد هست. این همه مدیر پاک‌دست، این همه کارگزار مؤمن و پاک‌دست در سرتاسر کشور در همه دستگاه‌ها وجود دارند، دارند زحمت می‌کشند؛ چرا به اینها ظلم می‌کنید؟ چرا خلاف می‌گویید؟ چرا به نظام اسلامی ظلم می‌کنید؟ بله! در نظام اسلامی یک نفر هم نباید فاسد باشد؛ اما آنچه وجود دارد، مثلاً ده فاسد است، نه ده هزار فاسد؛ خب اینها خیلی تفاوت دارد؛ این را توجه داشته باشید. بعضی‌ها در حرف زدن، در نوشتن؛ حالا که دیگر فضای مجازی هم هست، راحت برمی‌دارند این جا و آن جا می‌نویسند «آقا همه را فساد گرفته»؛ نه آقا! این جوری نیست. بله! فساد هست،

در دستگاه‌های مختلف هم هست. من دیدم مثلاً در فرض کنید مجلس یا جای دیگر بعضی‌ها را متهم می‌کنند؛ درست که دقت می‌کنید، می‌بینید آنهایی که مورد اتهام قرار گرفته‌اند یک چند نفر آدم‌اند؛ این چند نفر را نمی‌شود تعمیم داد. تازه اگر راست باشد؛ ممکن است همین هم که متهم می‌کنند دروغ باشد، خلاف واقع باشد، از روی ندانستن و بی‌اطلاعی باشد؛ اما اگر هم راست باشد، تازه می‌شود چند نفر در مقابل یک عددِ کثیر.^۱

بنابر این گرچه نمی‌توان وجود فساد را در کشور انکار کرد، اما اولین و اصلی‌ترین مدعی مبارزه با فساد خود نظام اسلامی است و از مبارزه با فساد ابایی نداشته و آن را تحمل نمی‌کند، هر چند در این مسیر هزینه‌های زیادی را متحمل می‌شود و این بیان‌گر سیستماتیک نبون فساد در کشور است هر چند باید تلاش کرد تا با کمک نهادهای مختلف و تنظیم قوانین مناسب و بازدارنده و برطرف نمودن خلأهای قانونی و شفافیت و ارتقای نظارت فعال و... زمینه شکل‌گیری مفاصد را کاهش داد.

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم؛ ۱۳۹۷/۵/۲۲.

تبدیل شدن حکومت دینی به دین حکومتی

سؤال: برخی مدعی‌اند در حکومت دینی معمولاً به جای این که حکومت دینی بشود، دین حکومتی می‌شود؛ یعنی دین آلت و ابزار حکام برای رسیدن به مقاصد خود می‌شود؟

پاسخ: دین دولتی به معنای تبدیل شدن دین به عنوان ابزاری در خدمت تصمیمات دولت، در مقابل دولت دینی که بر پایه ساختار دین و محوریت احکام و آموزه‌های دینی شکل گرفته است، اصطلاحی است که از سوی طیف‌های گوناگون با اهداف متفاوت مطرح شده است گاه از سوی غیر معتقدان به نظام با هدف زیر سؤال بردن اساس جمهوری اسلامی و ارایه تصویری غیر واقعی از آن به کار گرفته می‌شود. زمانی نیز این تعبیر از سوی برخی دغدغه‌مندان نسبت به دین و شریعت طرح می‌شود، با این تصور که تشکیل دولت دینی با توجه به عدم دسترسی به معصوم علیه السلام و احکام واقعی، خطر تبدیل شدن آن را به دین دولتی به همراه دارد و گاه این مسأله از سوی برخی معتقدان به نظام به عنوان

آسیبی فراروی نظام مطرح شده است که طی آن دولت دینی به دین دولتی گرایش پیدا می‌کند و به نقطه‌ای خواهد رسید که به جای آن که دولت در خدمت دین و حاکمیت ارزش‌های دینی در جامعه باشد، دین به ابزاری در راستای منافع دولت تبدیل می‌شود که الزاماً دینی نیستند.

به نظر می‌رسد در مجموع دو موضوع دست‌مایه طرح چنین القائاتی شده است: مصلحت در نظام اسلامی، صدور احکام حکومتی.

از آن جا که با روشن شدن این دو موضوع، بسیاری از ابهامات و شبهات در این زمینه برطرف خواهد شد.

جایگاه مصلحت در نظام جمهوری اسلامی

گاه چنین تصور می‌شود که طرح مصلحت در نظام به معنای نادیده گرفتن احکام و دستورات دینی و کوتاه آمدن نظام در عمل به تعالیم شریعت و زیر پا گذاشتن ارزش‌ها و اصول اخلاقی و تبدیل شدن آن به دین دولتی است. این گونه تصورات ناشی از عدم درک صحیح مفهوم، جایگاه و ضوابط مصلحت است و با بررسی مفهوم و جایگاه مصلحت در نظام جمهوری اسلامی و ضابطه‌مندی آن، نادرستی آن آشکار خواهد گردید.

مصلحت در نظام اسلامی در محدوده احکام و حدود شرعی است و نه در خارج از آن و در نظر گرفتن مصلحت در

نظام اسلامی، بی ضابطه نبوده و محدود به شرایطی است.

احکام اسلام از يك نظر به احکام اولیه (ثابت) و احکام ثانویه (متغیر) و احکام حکومتی تقسیم می شود؛ احکام اولیه یا ثابت، احکامی هستند که برای مکلفین در شرایط عادی و بدون در نظر گرفتن عناوین ثانوی و شرایطی هم چون اضطرار و حرج و ضرر و... وضع شده اند مانند وجوب نماز، روزه، حج و....

احکام ثانویه یا متغیر، احکامی هستند که با در نظر گرفتن عناوین ثانوی و شرایط استثنایی برای مکلفین وضع شده اند مانند تیمم در حالتی که وضو به جهت ضرر امکان پذیر نیست و جواز خوردن گوشت مردار در حال ضرورت و ترس از تلف شدن و....

این احکام (احکام ثانویه) برخلاف احکام اولی، موقت بوده و در طول احکام اولیه اند نه در عرض آنها؛ و تا زمانی که عمل به احکام اولیه امکان پذیر باشد نوبت به احکام ثانویه نمی رسد.^۱

احکام حکومتی عبارت است از تصمیماتی که رهبر در سایه قوانین شریعت و رعایت موافقت آنها به حسب مصلحت گرفته و طبق آنها مقرراتی وضع نموده و به اجرا در می آورد. این گونه احکام در رابطه با حوادث واقعه یا مصالح

۱. خسروپناه، عبدالحسین، جایگاه مصلحت در حکومت ولایی، مجموعه مقالات، امام خمینی و حکومت اسلامی احکام حکومتی و مصلحت، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۸، ص ۲۵۰.

مقتضیه هستند و به شرایط زمان بستگی دارند و قابل تغییرند.

بنابر این، شریعت مشتمل بر احکام اولیه و ثانویه و احکام حکومتی است و دین تنها احکام اولیه نیست و احکام ثانویه و احکام حکومتی نیز در قلمرو شریعت جای دارد و خارج از آن نیست تا چنین تصور شود که بر خلاف موازین اسلامی است، علاوه بر این که احکام حکومتی و تقدم مصالح جامعه در چارچوب موازین شرعی و با توجه به احکام اولیه، ثانویه و غیر آن صورت می پذیرد.

از آن جا که مصلحت در دایره قلمرو شریعت قرار می گیرد و ولی فقیه ملزم به رعایت قوانین اسلامی است، مصلحت در نظام اسلامی نمی تواند بدون ضابطه باشد و معیارها و ضوابطی بر آن حاکم است و ولی فقیه باید در چارچوب این ضوابط در مواد مورد نیاز و مواقع لزوم مصالح را مشخص می نماید. از مهم ترین ضوابط و معیارهای مصلحت می توان به مغایرت نداشتن با اهداف، احکام و مبانی شریعت، توجه به اولویت ها و تقدیم امور اهم، رعایت مصلحت اسلام و جامعه اسلامی، حفظ نظام و کیان اسلام، ساز و کارهای تشخیص مصلحت و راه کارهای نظارت بر آن (اجتهاد و فقاہت ولی فقیه، بهره مندی از نظر مشاوران، نظارت مجلس خبرگان) اشاره کرد. مجموعه این معیارها و ضوابط در تشخیص مصلحت توسط ولی فقیه، بیان گر ضابطه مندی و ارزش محوری آن در نظام

جمهوری اسلامی است و آن را از مصلحت‌اندیشی بی‌ضابطه و غیراخلاقی و فایده‌گرایی شخصی و مانند آن متمایز می‌سازد.

بر این اساس، به صرف وجود مصلحت در نظام و صدور احکامی در این راستا، نمی‌توان نظام را به فاصله گرفتن از احکام الهی و انحراف از آن و تبدیل شدن دولت دینی به دین دولتی متهم نمود؛ زیرا اولاً این احکام، در راستای عمل به احکام اسلامی و با در نظر گرفتن ضوابط و شرایط خاصی صادر می‌شود و نمی‌تواند با روح کلی و مبانی شریعت مغایر باشد؛ چه این‌که هدف از مصلحت در نهایت حفظ احکام و اسلام است و حکم نمی‌تواند بر خلاف موضوع و فلسفه‌ای که به منظور آن جعل می‌شود، باشد. ثانیاً ضوابط و شرایطی که برای مصلحت در نظر گرفته شده است، جلوی هر گونه سوء استفاده و انحراف احتمالی از آن را خواهد گرفت و با این وجود جایی برای توهّم گرایش دولت دینی به دین دولتی و ابزاری شدن دین باقی نمی‌ماند و آنچه در همه شرایط و زمینه‌ها محوریت دارد دین و ارزش‌های دینی است و اگر در مواردی نیاز به مصلحت‌اندیشی باشد، ضابطه‌مند بوده و همه در راستای عمل به دین و ارزش‌های آن است.

ماهیت احکام حکومتی

گاهی صدور احکام حکومتی از سوی ولی فقیه، دست‌مایه برخی افراد و گروه‌ها شده تا نظام جمهوری اسلامی و دولت دینی برآمده از آن را به ابزاری نمودن دین و تبدیل آن به

دین دولتی و سوء استفاده از آن متهم نمایند. در حالی که درک صحیح ماهیت حکم حکومتی و جایگاه آن و ضوابط و معیارهای حاکم بر آن، نادرستی چنین نگاهی را آشکار می‌سازد.

احکام حکومتی عبارت است از تصمیماتی که رهبر در سایه قوانین شریعت و رعایت موافقت آنها به حسب مصلحت گرفته و طبق آنها مقرراتی وضع نموده و به اجرا در می‌آورد. مقررات نام برده لازم الاجرا و مانند شریعت دارای اعتبار می‌باشند، با این تفاوت که قوانین آسمانی، ثابت و غیرقابل تغییر و مقررات وضعی قابل تغییر و در ثبات و بقا تابع مصلحتی می‌باشند که آنها را به وجود آورده است و چون پیوسته زندگی جامعه انسانی در تحول و رو به تکامل است، طبعاً این مقررات تدریجاً تبدیل پیدا کرده، جای خود را به بهتر از خود خواهند داد.^۱

صدور حکم حکومتی از سوی ولی فقیه به معنای تغییر احکام شرعی توسط ولی فقیه نبوده، بلکه به دلیل بروز تزامم در برخی موارد و از باب تقدیم حکم اهم بر مهم است. با این توضیح که تا زمانی که احکام اولی بدون هیچ اشکالی قابل اجرا باشند و نیاز و ضرورتی برای حکم حکومتی وجود نداشته باشد، نوبت به احکام حکومتی نمی‌رسد، اما هنگامی که در اجرا و در مرحله عمل تزامم و اولویت به میان بیاید یا نیاز به

۱. طباطبایی، سید محمد حسین، بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، ولایت و زعامت، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۱، ص ۸۳.

حکم در مورد خاصی باشد، احکام حکومتی به طور موقت در سایه احکام اولی و ثانوی توسط حاکم اسلامی در نظر گرفته می‌شود. احکام گسترده اسلام، تا زمانی که به مقام عمل و اجرا در نیامده باشند، گرفتار مانع و مزاحمی نمی‌شوند؛ اما در مقام اجرا در برخی موارد دچار تزامم می‌گردند. به عنوان مثال «وجوب نجات غریق» و «حرمت عبور بی‌اجازه از ملك غیر»، دو حکم شرعی‌اند که در مقام ثبوت و جعل، هیچ مزاحمتی با یک‌دیگر ندارند، ولی در مقام عمل، ممکن است در برخی موارد دچار تزامم گردند و نجات یک فرد، متوقف بر عبور بی‌اجازه از ملك دیگری باشد، در چنین مواردی چاره‌ای جز مقدم نمودن حکم مهم‌تر بر حکم کم اهمیت‌تر و عمل به آن وجود ندارد و تقدیم اهم بر مهم قاعده‌ای عقلی است که همه انسان‌های عاقل آن را ادراک می‌کنند و بدان ملتزم می‌باشند و در تزامم وظایف فردی خود، به آن عمل می‌کنند و کار کم اهمیت را فدای کار پر اهمیت می‌سازند.

بنابر این، وقتی که دستورهای اسلام در سطح جامعه پیاده می‌گردد، به طور طبیعی مواردی پیش می‌آید که لازم است بعضی از قوانین، به صورت موقت اجرا نگردند و با تعطیل آنها، قوانین مهم‌تر تحقق یابند و این مسأله، هیچ ربطی به تغییر احکام اسلامی ندارد؛ زیرا هیچ يك از واجبات، محرمات، مکروهات، مستحبات و یا مباحات اسلام، قابل تغییر نیست.

به عنوان نمونه اگر طبیب حاذق و دل‌سوز، شخصی را از استفاده برخی خوردنی‌های حلال منع می‌کند و یا در موردی که علاج او منحصر در مصرف داروی نجس و حرام است، دستور خوردن آن را می‌دهد، در این موارد، آن طبیب، نه حلال را حرام کرده است و نه حرام و نجس را حلال و پاک گردانیده، بلکه او فقط ضرورت نخوردن حلالِ مشخص یا خوردن حرامِ معین را بیان می‌کند و از روی اضطرار، خوردن یا نخوردن آن اشیاء را دستور می‌دهد و این دستورها، تنها در محدوده عمل است نه در محدوده علم و حکم شرعی.

فقیه جامع‌الشرایط نیز هیچ دخالتی در محدوده قانون‌گذاری و جَعْل احکام دینی ندارد و نمی‌تواند به مصلحت خود آنها را کم یا زیاد کند. آنچه در اختیار اوست، اجرای قوانین الهی است که اگر این قوانین بدون تراحم قابل اجرا باشند، مشکلی وجود ندارد و هیچ حکمی از احکام الهی، حتی به صورت موقت، تعطیل نمی‌شود؛ اما اگر اجرای يك قانون، منجر به تراحم آن قانون با قوانین دیگر شد، ولی فقیه، بر اساس مصلحت نظام اسلامی و نیز بر اساس جایگاه هر حکم از نظر اهمیت، حکم برتر و مهم‌تر را مقدم می‌دارد و آن را اجرا می‌کند و حکم مزاحم با آن را به طور موقت و تا زمانی که تراحم وجود دارد، تعطیل می‌نماید و پس از رفع تراحم، بلافاصله، حکم تعطیل شده را به اجرا در خواهد آورد.^۱

۱. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، ولایت فقاها و عدالت، قم: مرکز نشر

در نتیجه با توجه به این که احکام دین تنها مشتمل بر احکام اولیه نبوده و احکام ثانویه و حکومتی نیز در قلمرو شریعت جای دارند و با نظر به این که صدور احکام حکومتی از سوی ولی فقیه نیز در سایه قوانین شریعت و رعایت آنها به حسب مصلحت گرفته می شود، صدور این احکام با الزامات و ضوابط خاص آن در راستای اداره نظام اسلامی و خروج از بن بست ها و تنگناها بر اساس مبانی دینی است و نه تنها موجب ابزاری شدن دین نمی شود، بلکه از ابزاری شدن دین جلوگیری می کند.

در مجموع با توجه به جایگاه مصلحت در نظام جمهوری اسلامی و قرار داشتن آن در قلمرو شریعت و ضوابط و معیارهای حاکم بر آن و ماهیت حکم حکومتی و صدور آن در سایه قوانین شریعت، با الزامات و ضوابط خاص آن در راستای اداره نظام اسلامی و خروج از بن بست ها و تنگناها بر اساس مبانی دینی، جایی برای ابزاری شدن دین باقی نمی ماند.

ریزش ها در انقلاب اسلامی

سؤال: در جامعه شاهد ریزش‌هایی هستیم آیا این نشانه عملکرد نادرست نظام جمهوری اسلامی و تهدیدی برای آن محسوب نمی‌شود؟

پاسخ: انقلاب اسلامی در طول حیات خود با فراز و نشیب‌های زیادی روبرو بوده و حوادث گوناگونی را پشت سر گذاشته است و در این مسیر در کنار رویش‌های امیدبخش و فراوانی که شاهد آن بوده‌ایم، باریزش‌هایی نیز مواجه شده است که طیف متنوعی از افراد و گروه‌ها و جریان‌های سیاسی را در بر می‌گیرد. برخی از این ریزش‌ها با توجه به ماهیت و مواضع بعضی از افراد و جریان‌های سیاسی، چندان دور از ذهن نبوده و کم و بیش قابل پیش‌بینی بوده، اما در این میان بخشی از زاویه‌گیری‌ها و ریزش‌ها، به نوعی غافل‌گیر کننده و پیش‌بینی نشده می‌نمایند. گرچه بررسی رویش‌ها و ریزش‌های انقلاب اسلامی از منظرهای جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، تاریخی و سیاسی، در جای خود نیازمند تحلیلی

جامع و مفصل است، اما بی‌تردید بازخوانی این ریزش‌ها و درنگی در زمینه‌ها و عوامل آن از منظر مقام معظم رهبری به عنوان دیده‌بان هوشیار و بصیر انقلاب اسلامی می‌تواند در تحلیل مسایل و تحولات پیش رو راه‌گشا باشد.

در یک نگاه کلی ریزش‌ها ممکن است در سه سطح رخ دهد: در سطح جریان‌های سیاسی و فرهنگی، در سطح چهره‌ها و شخصیت‌های تأثیرگذار سیاسی و غیر سیاسی و در سطح عمومی و توده مردم.

ریزش‌ها در سطح جریان‌های سیاسی و هم‌چنین سطح چهره‌های تأثیرگذار سیاسی، فرهنگی، علمی، دینی و اخلاقی، به دلیل دایره نفوذ و تأثیرگذاری آنها، بارزتر و معمولاً با هیاهو و سر و صدای بیشتری همراه بوده و بازتاب زیادی دارد، اما در سطح توده مردم، ریزش‌ها معمولاً بی‌صدا و آرام صورت می‌گیرد. از این رو از یک نظر ریزش‌ها در این زمینه، خطرناک‌تر محسوب می‌گردد؛ گرچه بخشی از ریزش‌ها در سطح عمومی ناشی از تأثیرپذیری از چهره‌ها و شخصیت‌هاست.

در بررسی ریزش‌های انقلاب اسلامی، ابتدا نگاهی گذرا به نمونه‌هایی از ریزش‌هایی که در طول چهار دهه از حیات انقلاب اسلامی رخ داده خواهیم داشت و سپس به عوامل آن اشاره می‌کنیم.

ریش‌های چهار دهه انقلاب اسلامی:

در طول چهار دهه حیات انقلاب اسلامی با ریش‌های متنوعی روبرو بوده‌ایم.

۱. دهه نخست انقلاب اسلامی

در دهه نخست انقلاب اسلامی، شاهد فعالیت گروه‌ها و جریان‌های سیاسی متنوعی هستیم که در جریان مبارزات انقلابی نیز حضور داشتند و با شکل‌گیری انقلاب اسلامی به دنبال کسب جایگاه خویش و به نوعی سهم‌خواهی از انقلاب برآمدند، اما در نهایت به دلیل عدم درک درست ماهیت انقلاب اسلامی و فقدان باورمندی نسبت به مبانی و اصول انقلاب اسلامی و بی‌توجهی به خواست مردم، هم‌چون مبارزات قبل از انقلاب، نتوانستند جایگاه و پایگاه اجتماعی مناسبی را در میان مردم به دست آورده و ماهیت التقاطی و ناهماهنگ خود با نظام جمهوری اسلامی را مخفی نگاه دارند. جدایی جبهه ملی، نهضت آزادی و سازمان منافقین و چریک‌های فدایی خلق و... نمونه این جریان‌هاست. این گروه‌ها با وجود آن‌که فرصت حضور در قدرت و نقش‌آفرینی را در قالب دولت موقت و در دولت بنی‌صدر پیدا کردند، اما به دلایل یاد شده، از مسیر انقلاب فاصله گرفته و نه تنها نتوانستند در مسیر انقلاب اسلامی خلی ایجاد نمایند، بلکه خود دچار فروپاشی شدند.

جریان آقای شریعتمداری و غائله حزب خلق مسلمان^۱ نیز در پوششی به ظاهر دینی اما از جنس جریان‌های سیاسی زاویه‌دار این دوره بود که با اقدامات خود، مسیر خود را از انقلاب اسلامی جدا ساخت.

۲. دهه دوم انقلاب اسلامی

در دهه دوم انقلاب اسلامی و پایان جنگ، شاهد ریزش در قالب دو جریان عمده هستیم.

جریان منتظری و باند مهدی هاشمی؛^۲

آیت الله منتظری با آن که از متن مبارزات انقلابی و درون نظام برخاسته بود، اما به دلیل فقدان بینش سیاسی، تحلیل نادرست و نفوذ باند انحرافی مهدی هاشمی و گرفتار شدن در دام آنها و جانبداری غیر منطقی از مواضع انحرافی آن، دچار زاویه با نظام شد و در مسیر تقابل با آن قرار گرفت.

جریان روشن فکری غرب‌گرا؛

با فضای فرهنگی به وجود آمده پس از جنگ و در سایه

۱. ر.ک. شریعتمداری در دادگاه تاریخ، حمید روحانی، نشر دفتر اسناد انقلاب اسلامی قم، ۱۳۶۲؛ جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی - سیاسی ایران، رسول جعفریان، نشر پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰؛ خاطره‌ها، محمد محمدی ری‌شهری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.

۲. ر.ک. بن‌بست مهدی هاشمی، ریشه‌های انحراف، سید احمد خمینی، رنج‌نامه؛ خاطرات سیاسی محمدی ری‌شهری، خاطرات حجت الاسلام دری نجف‌آبادی، تدوین حیدر نظری؛ پرونده مهدی هاشمی، آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی، ۲۰۶۳۱؛ رسول جعفریان، جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی - سیاسی ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰.

تسامح و تساهل فرهنگی و از دل مجموعه‌ای هم‌چون حلقه کیان،^۱ جریانی در قالب روشن‌فکری با ماهیتی سکولار، به مبانی دینی و ارزشی نظام تاختند و افسارگسیختگی رسانه‌ای نیز شرایط مناسب را در اختیار آنان گذاشت و طیفی از این روشن‌فکران هم‌چون سروش، کدیور، گنجی، حجاریان، سازگارا و... را به رویارویی با نظام کشاند.

آنچه این ریزش را نسبت به ریزش‌های دیگر متمایز می‌سازد، ماهیت این ریزش است. اگر سایر ریزش‌ها در عرصه سیاسی را بتوان در قالب ریزش سخت قرار داد، این ریزش از جنس ریزش نرم بود که موجب ریزش برخی چهره‌های علمی و به دنبال آن تأثیرگذاری بر فکر و اندیشه دیگران گردید.

۳. دهه سوم انقلاب اسلامی

در دهه سوم انقلاب نیز با ادامه فضای فرهنگی و سیاسی حاکم بر کشور و حاکمیت جریان اصلاحات، شاهد جولان جریان تجدید نظر طلب و چرخش سیاسی جریان‌های سیاسی هم‌سو با آنها با هدایت طیف‌های افراطی در این جریان‌ها هستیم که نمود آن را در حادثه کوی دانشگاه و به دنبال آن مواضع ساختار شکنانه مجلس ششم و جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و... شاهد بودیم.

۱. ر.ک. سام دلیری، کاظم، روشن‌فکری دینی سکولار (بازخوانی و نقد اندیشه‌های سیاسی حلقه کیان)، تهران: چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۹۴.

۴. دهه چهارم انقلاب اسلامی

در دهه چهارم انقلاب اسلامی، احیای شعارهای انقلاب و بازگشت به آرمان‌های انقلاب و کنار زدن جریان غرب‌گرا، نویدبخش تحولی مناسب در کشور بود، اما بی‌بصیرتی‌ها، بغض و کینه‌ها، منافع حزبی و جناحی، مرزبندی نکردن با دشمنان و... موجب شد تا شاهد رقم خوردن فتنه ۸۸ باشیم. فتنه‌ای که با وجود ریزش برخی چهره‌ها و لغزش، مسامحه و سکوت دسته‌ای از خواص همراه گردید، اما با درایت و هوشمندی حکیمانه رهبر فرزانه انقلاب و بصیرت مردم انقلابی خاموش گردید و حرکت انقلاب اسلامی در مسیر خود ادامه یافت.

در ادامه به بررسی مهم‌ترین عواملی که موجب ریزش‌هایی در میان طیف‌های مختلف در تاریخ انقلاب اسلامی تاکنون شده از منظر مقام معظم رهبری به عنوان دیده‌بان بصیر و هوشیار انقلاب اسلامی، می‌پردازیم.

عوامل زمینه‌ساز ریزش‌ها از منظر مقام معظم رهبری:

از نگاه مقام معظم رهبری عوامل مختلفی در بروز ریزش‌ها در سطوح سه‌گانه (شخصیت‌ها و چهره‌های سیاسی و غیر سیاسی، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی، توده مردم) تأثیرگذار است که مهم‌ترین آنها را برمی‌شماریم:

۱. ضعف در تقوا و باورمندی به ارزش‌ها

از عوامل اساسی ریزش‌ها، نداشتن تقوا و باورمندی لازم در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است. از الزامات حرکت در مسیر صحیح، تقوا و مراقبت همیشگی است. همان‌گونه که تقوا به انسان قدرت شناخت و تمییز حق از باطل می‌دهد. **«أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»**؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید برای شما وسیله‌ای برای جدایی حق از باطل قرار می‌دهد. ضعف در تقوا موجب لغزش خواهد گردید و این اختصاص به مسائل دینی و فردی نداشته و مسائل سیاسی اجتماعی را نیز دربر می‌گیرد.

مقام معظم رهبری فرمودند:

«اگر درون خودمان را مستحکم نکنیم، اگر پایه‌های تقوا را در دل و در جان خودمان و به تبع آنها در اعمال خودمان مستحکم نکنیم، هر عقیده‌ای که داشته باشیم، هر سیاستی را که قبول داشته باشیم، نخواهیم توانست آن را به درستی محقق کنیم. گاهی همین انحراف درونی، دید ما را نسبت به مسائل عوض می‌کند؛ ایمان و عقیده ما را تغییر می‌دهد. به هر حال، عدم پرهیز در عمل، به اعتقاد سرایت می‌کند که این مضمون آیات متعددی از قرآن کریم است. در قرآن به کسانی که اهل دنیاطلبی و اهل لذت‌محوری و اهل

تن دادن به شهوات و هواهای نفسانی. از هر نوع. هستند، هشدار داده شده که مراقب باشید؛ زیرا این حالت در دل، فکر، ذهن و در ایمان شما رخنه ایجاد خواهد کرد که باید به خدا پناه برد و از او کمک خواست.»^۱

«دل‌ها را باید نگه داشت. بعضی از دل‌ها می‌لرزند، می‌لغزند، نمی‌توانند خودشان را بر آن لبه مرتفع نگه دارند و حرکت را ادامه دهند؛ لذا سقوط می‌کنند. قرآن از اینها تعبیر کرده است به ﴿مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ﴾.^۲ ارتداد، به طور مطلق همه جا به معنای برگشتن از دین نیست؛ پشت کردن به دین نیست؛ معنایش این است که از آن راهی که در گذشته می‌رفت، برمی‌گردد.

بله، یک عده‌ای در انقلاب ما هم بوده‌اند، در صدر اسلام هم بودند؛ راهی را که در کنار پیغمبر حرکت می‌کردند، ادامه ندادند؛ اما آیا راه متوقف ماند؟ آیا راه متوقف می‌ماند؟ آیا قافله در جای خود می‌ایستد؟ قافله حرکت می‌کند: ﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾.^۳ رویش‌هایی به وجود خواهد آمد. یکی از این رویش‌ها، خود شما جوان‌ها هستید. شما که دوران جنگ را ندیدید، شما که امام را ندیدید، شما که در عرصه‌های جنگ نبودید؛ اما امروز سرتاسر کشور اسلامی

۱. بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه؛ ۱۳۸۳/۵/۲۵.

۲. سوره مائده، آیه ۵۴.

۳. سوره مائده، آیه ۵۴.

و انقلابی ما از روحیه ایستادگی و ثبات و افتخار و احساس عزّت، لبریز است.^۱

۲. نداشتن بصیرت و بینش لازم، ضعف تحلیل سیاسی

نداشتن بصیرت و بینش لازم در برخی افراد و مجموعه‌های سیاسی و تشخیص ندادن معیارها و مرزهای حق و باطل، موجب می‌شود که دچار لغزش و انحراف شده و از مسیر انقلاب اسلامی فاصله بگیرند.

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

«در اجتماعاتی که شما برادران عزیز و جوانان مؤمن و انقلابی این دوران دارید، آنچه که بیش از همه باید مورد توجه قرار گیرد... کامل کردن آگاهی از شرایط، کامل کردن معرفت به زمان، فهم صحیح زمان و تحلیل صحیح حوادث. اگر این تحلیل صحیح نباشد، مشکلات به وجود خواهد آمد و حتی ایمان‌های محکم، هم به سبب نبودن آگاهی و روشن‌بینی و تحلیل درست از وقایع، ممکن است در جهت خلاف قرار گیرد. همان طور که در قضیه خوارج اتفاق افتاد، خوارج اکثرشان دارای ایمان‌های محکمی بودند، که از آگاهی و نورانیت و معرفت، بی‌بهره بود، لذا در مقابل امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام قرار گرفتند.»^۲

۱. بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان خراسان شمالی؛ ۱۳۹۱/۷/۲۲.

۲. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه و مسئولین دفاتر نمایندگی ولی فقیه؛

۳. معیار قرار دادن افراد به جای معیار قرار دادن حق

گاهی افراد ملاک و معیار ارزیابی‌ها قرار می‌گیرند و بالغزش و انحراف آنها، سایر افراد و گروه‌های سیاسی دچار لغزش می‌شوند.

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

«الْحَقُّ لَا يُعْرَفُ بِالرِّجَالِ، اَعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفَ أَهْلَهُ»^۱

همانا حق به شخصیت‌ها شناخته نمی‌شود، خود حق را بشناس تا پیروان آن را بشناسی.

و نیز فرمودند:

«إِنَّ دِينَ اللَّهِ لَا يُعْرَفُ بِالرِّجَالِ بَلْ بِآيَةِ الْحَقِّ، فَأَعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفَ أَهْلَهُ»^۲

همانا دین خدا با موقعیت اشخاص شناخته نمی‌شود بلکه با معیار و نشانه حق شناخته می‌گردد، پس حق را بشناس تا اهلش را بشناسی.

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

«با چهره‌ها نمی‌شود حق را تشخیص داد. یک چهره موجه محترم است، مورد قبول است، مورد تکریم است؛ اما او

۱۳۷۱/۶/۲۶

۱. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: دار الحديث، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۲۳۸.

۲. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: دار الحديث، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۲۳۸.

نمی‌تواند شاخص حق باشد. گاهی چهره موجّهی مثل بعضی از صحابه پیغمبر راه را عوضی می‌روند، اشتباه می‌کنند. باید حق را شناخت، باید راه را تشخیص داد تا بفهمیم این شخص حق است یا باطل. هر که از این راه رفت، حق است؛ هر که از راه حق نرفت، مردود است. حق را باید شناخت. امام کسی که پدر همه این جریان بود، حق حیات به گردن جامعه و این حرکت عظیم داشت. فرمودند اگر من از اسلام جدا شوم، مردم از من رو بخواهند گرداند. شاخص، اسلام است؛ شاخص، اشخاص نیستند.^۱

۴. دنیا طلبی و گرایش به دنیا

گرایش به دنیا و معیار قرار دادن آن و گرفتار روحیه اشرافی شدن، موجب می‌شود که معیار حب و و بغض‌ها و جهت‌گیری‌ها و... مسائل دنیوی و ارزش‌های مادی قرار گرفته و ارزش‌های اسلامی و انقلابی در نزد این افراد کم‌رنگ شده و به حاشیه برود و ضد ارزش‌ها جای ارزش‌ها را بگیرد. با رسوخ چنین روحیه‌ای، اهداف و اصول نظام برای این افراد و جریان‌های سیاسی فاقد ارزش لازم خواهد شد.

مقام معظم رهبری فرمودند:

«بعضی از عناصر انقلابی از راه برگشتند؛ انقلاب ریزش داشته است، دل کسانی بسته به دنیا شد. صدر اسلام هم

۱. بیانات در جمع بسیجیان استان قم؛ ۱۳۸۹/۸/۲.

همین جور بود؛ در صدر اسلام هم یک عده انقلابیونِ اولی کار، بعد شدند دنیا دارانِ اواسط و اواخر عمر.^۱

«خواصِ طرفدارِ حق، دو نوع اند: یک نوع کسانی هستند که در مقابله با دنیا، زندگی، مقام، شهوت، پول، لذت، راحت، نام و همه متاع‌های خوب قرار دارند...، اگر در مقابل این متاع‌ها و بهره‌های زندگی، خدای ناخواسته آن قدر مجذوب شدید که وقتی پای تکلیفِ سخت به میان آمد، نتوانستید دست بردارید، و او یلاست! اگر ضمن بهره بردن از متاع‌های دنیوی، آن جاکه پای امتحان سخت پیش می‌آید، می‌توانید از آن متاع‌ها به راحتی دست بردارید، آن وقت حساب است...، اگر در جامعه‌ای، آن نوع خوبِ خواصِ طرفدارِ حق؛ یعنی کسانی که می‌توانند در صورت لزوم از متاع دنیوی دست بردارند، در اکثریت باشند، هیچ وقت جامعه اسلامی به سرنوشت جامعه دوران امام حسین علیه السلام مبتلا نخواهد شد و مطمئناً تا ابد بیمه است، اما اگر قضیه به عکس شد و نوع دیگرِ خواصِ طرفدارِ حق، دل سپردگان به متاع دنیا. آنان که حق شناسند، ولی در عین حال مقابل متاع دنیا، پای‌شان می‌لرزد. در اکثریت بودند، و امصیبت است!»^۲

۵. وابستگی‌های حزبی و تشکیلاتی

وابستگی‌های حزبی و معیار قرار دادن آن بدون توجه به حق یا ناحق بودن آن از دیگر عوامل ریزش هاست.

۱. بیانات در دیدار با جمعی از خانواده‌های شهدا؛ ۱۳۹۷/۹/۲۱.

۲. بیانات در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله صلی الله علیه و آله؛ ۱۳۷۵/۳/۲۰.

مقام معظم رهبری فرمودند:

«ارتداد فقط برگشتن از دین نیست، برگشتن از راه است...، گرفتاری‌های فراوان مالی و اقتصادی و اخلاقی و قدرتی و تشکیلاتی گریبان‌شان را گرفته است.»^۱

۶. شناختن زمان و مقتضیات آن

آگاهی و شناخت نسبت به تحولات زمان و شرایط آن از معیارهای مهم شناخت حق و باطل و در امان ماندن از لغزش‌هاست. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ»^۲

کسی که به زمان خویش آگاه باشد مورد هجوم اشتباهات قرار نمی‌گیرد.»

مقام معظم رهبری فرمودند:

«کسی که زمانه را می‌شناسد، یعنی وقتی اوضاع و احوال محیط خود و محیط پیرامونی‌اش و محیط جهان را می‌داند و می‌فهمد جریان‌های گوناگون جهانی کی‌هایند، کجایند، اهداف‌شان چیست، چه جور با هم مواجه می‌شوند، دچار اشتباه نمی‌شود؛ در قضایای گوناگون، قضاوت اشتباه نمی‌کند و دچار اشتباه نمی‌شود.»^۳

۱. بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما؛ ۱۳۸۱/۱۱/۱۵.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، تهران: مکتبه الإسلامیه، ۱۴۱۳ق، ج ۷۸، ص ۲۶۹.

۳. بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها؛ ۱۳۹۰/۶/۲.

۷. خستگی از ادامه مسیر و نداشتن استقامت

خستگی و کم آوردن در پیمودن مسیر و کم‌صبری و استقامت نداشتن، موجب وادادگی در برابر مشکلات و فشارها و صرف نظر کردن از پیمودن مسیر و جدا شدن از آن می‌گردد.

مقام معظم رهبری فرمودند:

«راه انقلاب، راهی است که احتیاج دارد به عزم، به ایمان، به ثبات قدم. بعضی این ثبات قدم را دارند، بعضی در بین راه برمی‌گردند؛ البته اینها به ضرر خودشان عمل می‌کنند؛ [فَمَنْ نَكَتْ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ] ^۱ آن کسانی که از راه انقلاب برگردند، مثل کسانی هستند که در تابستان روزه گرفته‌اند و تا اواخر روز، روزه را حفظ می‌کنند، اما یک ساعت به غروب، دو ساعت به غروب طاقت‌شان تمام می‌شود؛ افطار می‌کنند. این مثل همان کسی است که از اول روز، روزه نگرفته است. باطل کردن روزه در هر زمانی از ساعات روز باشد، ابطال روزه است. در راه انقلاب اگر ثبات قدم وجود نداشت، اگر پیوستگی حرکت وجود نداشت، انسان رابطه‌اش با انقلاب قطع می‌شود. این بی‌وفایی به انقلاب است.» ^۲

۱. سوره فتح، آیه ۱۰.

۲. بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله)؛ ۱۳۸۷/۳/۱۴.

۸. غفلت از دشمن، مرزبندی نکردن با دشمنان و ضعف در دشمن‌شناسی

غفلت از دشمن، نداشتن مرزبندی مشخص با دشمنان و ضعف در دشمن‌شناسی از دیگر عوامل لغزش و زاویه پیدا کردن با نظام و جدا شدن از این مسیر است.

رهبر معظم انقلاب فرمودند:

«هر آدم عاقلی تا دید دشمن برایش کف می‌زند، باید به فکر فرو برود و بگوید من چه غلطی کردم؛ من چه کار کردم که دشمن برای من کف می‌زند؟! باید به خود بیاید. این مایه غصه است که بعضی از کف زدن دشمن خوش‌شان می‌آید! اگر گل‌زنِ مهاجم ما در میدان فوتبال، اشتباهاً به دروازه خودش گل بزند، چه کسی در آن میدان کف خواهد زد؟ طرفداران تیم مقابل و مخالف. حالا شما وقتی که می‌بینی دشمن برایت کف می‌زند، باید بفهمی که به دروازه خودی گل زده‌ای! ببین چرا زدی؟ ببین چرا کردی؟ ببین چه اشتباهی کرده‌ای؟ ببین مشکل کجاست؟ بگرد مشکل خودت را پیدا کن و توبه کن...، دل انسان غمگین می‌شود و می‌شکند به خاطر این که چرا کسانی که نان انقلاب را خوردند، نان اسلام را خوردند، نان امام زمان را خوردند، دم از امام زمان زدند، دم از ائمه معصومین علیهم‌السلام زدند، حالا طوری مشی کنند که اسرائیل و امریکا و سیا و هر کسی که در هر گوشه دنیا با اسلام دشمن است، برایشان کف بزنند! این، انسان را غصه‌دار می‌کند.

ولی به شما عرض کنم، بشارت‌های الهی این قدر زیاد است که هر غمی را از دل پاک می‌کند. بشارت‌های الهی خیلی زیاد است. نباید خیال کرد که اگر چهار نفر آدمی که سابقه انقلابی دارند، از کاروان انقلاب کنار رفتند، پس انقلاب غریب ماند. نه آقا، همه انقلاب‌ها، همه فکرها، همه جریان‌های گوناگون اجتماعی، هم ریزش دارند، هم رویش دارند؛ ریزش در کنار رویش.^۱

۹. جاه‌طلبی، حب و بغض‌ها و عقده‌ها

گاهی قدرت‌طلبی، کینه‌ها و عقده‌ها نسبت به یک فرد یا یک مسأله موجب فاصله گرفتن برخی از مسیر انقلاب و در ادامه جدا شدن از آن می‌گردد.

مقام معظم رهبری فرمودند:

«بعضی عناصری که هیچ سودی در سلطه امریکا بر این کشور ندارند، از روی غفلت و اشتباه و ضعف‌ها و عقده‌ها، برای سلطه امریکا بر این کشور تلاش می‌کنند! البته اشخاص مختلف‌اند؛ بعضی‌ها عقده‌ای دارند؛ بعضی‌ها کینه‌ای دارند؛ بعضی‌ها گله‌ای از کسی دارند؛ برای خاطر دستمالی، قیصریه را آتش می‌زنند؛ به خاطر یک دشمنی و یک کینه شخصی و یک محرومیت از فلان مسئولیت که مایل بوده به او بدهند و مثلاً نشده و به خاطر یک اشتباه در فهم، می‌بینید که حرفی

۱. خطبه‌های نماز جمعه؛ ۱۳۷۸/۹/۲۶.

می‌زنند، اقدامی می‌کنند، موضعی می‌گیرند و کاری می‌کنند که به ضرر تمام می‌شود و در خدمت دشمن قرار می‌گیرند!»^۱

۱۰. کم‌ظرفیتی و تحلیل نادرست

بخشی از ریزش‌ها ناشی از کم‌ظرفیتی، هضم نکردن برخی مسائل و تفکیک نکردن ضعف‌های عملکردی و ناکارآمدی برخی مسئولان با مواضع نظام و تمرکز بر مشکلات و کاستی‌ها و نادیده گرفتن دستاوردها و پیشرفت‌هاست.

مقام معظم رهبری فرمودند:

«بله، ریزش‌هایی وجود دارد؛ کسانی هستند که از راه برمی‌گردند، کسانی هستند که احساس خستگی می‌کنند، کسانی هستند که به گذشته خودشان شک می‌کنند، کسانی هستند که به لبخند دشمنان و فریب دغل‌کاران از راه در می‌روند.»^۲

در مواجهه منطقی با ریزش‌های انقلاب، به همان میزان که نادیده گرفتن ریزش‌ها و چاره‌جویی و تلاش برای کاهش آسیب‌های ناشی از آن، نادرست است، نگاه افراطی به آن و القای یأس و ناامیدی در جامعه نابجاست. مهم آن است که از ریزش‌ها تجربه و درس آموخت و آن را چراغ راه آینده قرار داد. همان‌گونه که مقام معظم رهبری فرمودند:

۱. خطبه‌های نماز جمعه؛ ۱۳۷۸/۹/۲۶.

۲. بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان خراسان شمالی؛ ۱۳۹۱/۷/۲۲.

«انقلاب زنده است، این اصول زنده است؛ هیچ مانعی ندارد که برگ و بار عوض بشود. خزان‌هایی در راه است؛ این یک حرکت طبیعی است برای موجودات زنده عالم. همیشه ریزش و رویش وجود دارد؛ مهم این است که در کنار ریزش، رویش هم وجود داشته باشد؛ و امروز این جور است. بحمدالله انقلاب علی‌رغم همه تبلیغات، همه تخریب‌ها، همه ضربه‌ها، همه تهاجم‌های از اطراف و اکناف. تهاجم سیاسی، فشار اقتصادی، تهاجم فرهنگی. پیشرفت کرده؛ این انقلاب زنده، با نشاط و مشغول پیشرفت است؛ منتها خیلی از افراد ظاهربین نمی‌فهمند و حقیقت را درک نمی‌کنند...، واقعیت قضیه این است که این ملت با حرکت خود، با حضور خود، با نشاط خود، بر روی همه توطئه‌ها خط بطلان کشید، بعد از این هم همین جور خواهد بود؛ منتها شرطش ادامه تقواست که تقوا موجب رحمت الهی است.

به خودمان مغرور نشویم. مغرور شدن ملت‌ها و مسئولان ملت‌ها همیشه مایه سرنگون شدن و سقوط آنها شده است...، ما باید تلاش کنیم؛ ما باید مجاهدت کنیم. هیچ ملتی بدون مجاهدت، بدون تلاش، بدون ابتکار، بدون نوآوری، بدون فتح مراحل گوناگون پیشرفت، به جایی نمی‌رسد؛ اما برکت از خداست، توفیق از خداست و تقوا زاد راه است.»^۱

۱. بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی؛ ۱۳۸۴/۴/۷.

«بعد از چهل سال شما می‌بینید جوان مؤمن مسلمان که نه امام را دیده است، نه انقلاب را دیده است، نه دوران دفاع مقدس را دیده است، نه آن حماسه‌ها را از نزدیک دیده، اما امروز با روحیه انقلابی، مثل همان جوانِ اول انقلاب. مثل همّت و خِرّازی و بزرگانی از این قبیل. می‌رود وسط میدان و با علاقه، با احساس مسئولیت، با شجاعت تمام در مقابل دشمن می‌ایستد. این که من می‌گویم جوان‌های مؤمن امروز، از لحاظ انگیزه از جوان اول انقلاب اگر جلوتر نباشند عقب‌تر نیستند، یعنی این. اینها رویش‌های انقلاب‌اند. این معجزه انقلاب است، این معجزه نظام جمهوری اسلامی است که می‌تواند همان روحیه‌های پُر تلاش و قوی و فولادین را بازآفرینی کند به شکل همین شهدای امروز شما؛ اینها مایه افتخارند، اینها ستون‌های این انقلاب و این کشورند.»^۱

۱. بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای دفاع مقدس و مدافع حرم؛ ۱۳۹۷/۹/۲۱.

اختلاس، تورم و گرانی و... نشانه ناکارآمدی نظام نیست؟

سؤال: آیا این همه اختلاس، تورم و مشکلات اقتصادی و معیشتی نشان ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی نیست؟

پاسخ: برای پاسخ به این سؤال باید به مواردی اشاره کنیم:

۱. وجود برخی کاستی‌ها، ضعف‌ها و مفاسد در کشور نشان ناکارآمدی نظام نیست؛ زیرا در کنار آنها شاهد پیشرفت‌ها و دستاوردهای فراوانی در عرصه‌های مختلف هستیم. دستاوردهای خیره‌کننده کشور در بخش‌های مختلف علمی هم‌چون پزشکی، سلول‌های بنیادی، نانو، هوا فضا، هسته‌ای و دفاعی با وجود همه مشکلات و تحریم‌ها و سنگ‌اندازی‌ها نشان از کارآمدی نظام جمهوری اسلامی دارد. خدمات گسترده عمرانی غیرقابل مقایسه با رژیم گذشته، ارتقا سطح زندگی مردم نسبت به قبل، زیرساخت‌های فراوان کشور، رشد علمی چندین برابری رشد متوسط

علمی علم در جهان و... همه و همه نشان از کارآمدی نظام جمهوری اسلامی دارد. بله در کنار این دستاوردها، آسیب‌ها و ضعف‌هایی وجود دارد که آسیب‌های فراروی نظام بوده و با مدیریت صحیح و سیاست‌گذاری درست و نظارت و کنترل‌های مؤثر قابل حل هستند.

با توجه به این‌که نظام در عرصه‌های مختلف کارایی خود را نشان داده است، وجود برخی ضعف‌ها و آسیب‌ها را نمی‌توان نشان ناکارآمدی نظام دانست. همان‌گونه که مقام معظم رهبری فرمودند: «بنده اعتقاد این است که نظام اسلامی از همه دولت‌هایی که در دوران استعمار و دوران نزدیک به استعمار در کشور ما وجود داشته، قوی‌تر عمل کرده است. بدون تردید نظام جمهوری اسلامی در همه بخش‌ها قوی عمل کرده است. عناصر مؤمن و کارآمد در نظام وجود داشته‌اند؛ پشتوانه مردمی هم به آنها کمک کرده است. در بخش‌هایی ما با قدرت وارد میدان شده‌ایم که فکرش را نمی‌توانستیم بکنیم. در همه بخش‌ها این‌طور است. الآن جای توضیح و بیان آمار نیست. البته اقتضای این دوره از نظام جمهوری اسلامی، اقتضای کار بیشتر، انقلابی‌تر، مؤمنانه‌تر و همه امکانات را بیش از این به میدان آوردن است؛ این را قبول داریم.

البته کم‌کاری وجود دارد، اما ناکارآمدی وجود ندارد؛ بین این‌ها باید تفکیک قائل شد. ناکارآمدی وجود ندارد؛ نظام

اسلامی کارایی دارد. يك نشانه کارایی نظام، وجود شما است. جوان دانشجوی مؤمن و معتقد به نظام می‌تواند حرف و انگیزه خودش را قوی در فضای جامعه مطرح کند. حرف شما فردا در تمام فضای جامعه منتشر می‌شود؛ این نکته خیلی مهمی است؛ این خودش کارآمدی این نظام است. کارآمدی نظام غیر از کارآمدی این دستگاه یا آن دستگاه است؛ نظام، نظام کارآمدی است. البته کارآمدی نظام، مجموعه عملکرد مثبت و منفی‌ای است که دستگاه‌های نظام دارند؛ اما این برآیند مثبت است.»^۱

۲. برای قضاوت و ارزیابی کارآمدی یا ناکارآمدی نظام باید مجموع نقاط مثبت و ضعف و دستاوردها و پیشرفت‌ها و عقب ماندگی‌ها را در نظر گرفت؛ بدون هر گونه بزرگ‌نمایی مشکلات و یا نادیده گرفتن دستاوردها و با توجه به امکانات و موانع در مورد آن اظهار نظر کرد.

۳. دشمنی فزاینده نظام سلطه به رهبری امریکا با نظام جمهوری اسلامی و ایستادگی و مقاومت مثال زدنی نظام و مردم در برابر این توطئه‌ها از جنگ تحمیلی گرفته تا تحریم و فشارهای اقتصادی و تبلیغاتی و جنگ اقتصادی و جنگ نرم و جنگ‌های ترکیبی و ناکام ماندن دشمنان در آن نشان از قدرت نظام جمهوری اسلامی و کارآمدی آن دارد و به راستی

۱. بیانات در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان؛ ۱۳۸۳/۸/۱۰.

اگر نظام جمهوری اسلامی کارآمد نبود و ظرفیت و توانمندی خود را به اثبات نرسانده بود، آیا دشمنان این مقدار برای مقابله با آن هزینه می‌کردند و از تمامی ظرفیت‌های خود استفاده می‌کردند؟ اگر نظام جمهوری اسلامی کارآمد نبود و ظرفیت خود را نشان نداده بود، مردم از آن پشتیبانی و دفاع می‌کردند؟

اعتراضات معلول توطئه یا مشکلات داخلی

سؤال: با وجود مشکلات و کمبودها و نارضایتی‌ها در بخش‌های مختلف، چرا همه اعتراضات معلول توطئه و تحریک دشمنان دانسته می‌شود؟

پاسخ: وجود مشکلات اقتصادی و معیشتی و نارضایتی و گلایه‌های به حق مردم در این زمینه قابل انکار نیست، اما این‌که ریشه برخی تحرکات و صدمه زدن به اموال عمومی را نارضایتی اقتصادی بدانیم، سخن درستی نیست؛ زیرا تجمعات اعتراضی زیادی در کشور برگزار شده که مردم به صورت مسالمت‌آمیز به مطالبه و بیان خواسته‌های خود پرداخته‌اند. در سال ۱۴۰۰ دست‌کم ۱۵۰۰ تجمع (قانونی یا غیرقانونی) و در سال ۱۳۹۹ نیز حداقل حدود هزار تجمع (قانونی یا غیرقانونی) با ابعاد و میزان جمعیت متفاوت در شهرهای مختلف کشور برگزار شده که قریب به اتفاق آنها نیز بدون دخالت نیروهای انتظامی و با مسالمت پایان یافته و قشرها و اصناف گوناگون

تجمع کننده توانسته اند خواسته ها و مطالبات شان را به مسئولان مربوط منتقل کنند.

بررسی تجمع های برگزار شده در این مدت حکایت از آن دارد که حجم زیادی از آنها از سوی اصناف و قشرهایی از جمله «معلمان»، «بازنشستگان»، «کشاورزان» و «کارگران» برگزار شده و موضوع «واکسن کرونا» و «کم آبی» نیز طی سال های ۹۹ و ۱۴۰۰ زمینه ساز برگزاری تجمع های بسیاری در شهرهای مختلف کشور شده است.^۱

اگر ریشه اعتراضات، مسائل اقتصادی است، باید این مسائل به عنوان مطالبه و خواسته اصلی افراد مطرح شود، در حالی که در تجمعاتی که به آشوب و اغتشاش کشیده شده، شاهد طرح مطالبات دیگر و شعارهای ساختار شکنانه هستیم. به طور خاص در اغتشاشات سال گذشته با وجود همه مشکلات و فشارهای اقتصادی، هیچ شعار و مطالبه اقتصادی از سوی این افراد داده نشد و محور مطالبات مسأله دیگری بود.

مردم ما بارها ثابت کرده اند که با وجود نارضایتی و وجود مشکلات اقتصادی پشتیبان نظام بوده و آن را مسأله ای داخلی دانسته و اجازه نمی دهند دشمنان و بدخواهان نظام با سوء استفاده از آن، اهداف خبیثانه خویش را دنبال کنند.

۱. <https://www.hamshahrionline.ir/amp/۱۴۰۱مهر>؛ تاریخ انتشار ۲۵ مهر ۱۴۰۱

نقش آفرینی آشکار رسانه‌های معاند و وابسته به نظام سلطه و حمایت بی‌پرده مقامات امریکا و برخی کشورهای اروپایی از آشوب‌ها و حضور میدانی و سازماندهی آن از سوی گروهک‌های معاند، بیان‌گر برنامه‌ریزی آن از سوی دشمنان نظام است و این‌که با یک جنگ ترکیبی از سوی آنان روبرو هستیم و نمی‌توان علت آن را به نارضایتی اقتصادی مردم تقلیل داد و تلاش‌های خبیثانه دشمنان و عناصر خود فروخته و وابسته آنان را نادیده گرفت.

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

«طراحی جامع این اغتشاشات در اتاق‌های فکر کشورهای غربی انجام، و اجرای آن با پشتیبانی مالی، تسلیحاتی و رسانه‌ای گسترده دستگاه‌های امنیتی غرب و پادویی عناصر خائن و مزدوران پشت‌کرده به وطن و عوامل سیاست‌های خصمانه علیه ایران همراه شد. البته ترکیبی از معدودی مغرض و تعداد بیشتری افراد غافل و احساساتی و کم‌عمق، و جمعی هم از ارادل و اوباش، پیاده نظام این حرکت در داخل کشور بودند...، آنها فکر می‌کردند کار جمهوری اسلامی تمام شده و می‌توانند ملت ایران را به خدمت اهداف خود بگیرند، اما احمق‌ها باز هم اشتباه کردند و باز هم ملت ایران را نشناختند...، نقشه دشمن باطل شد، اما این هشدار به همه داده شد که نباید از کید دشمن غفلت کرد.»^۱

۱. بیانات در مراسم سالگرد حضرت امام علیه السلام؛ ۱۴/۳/۱۴۰۲.

و نیز فرمودند:

«خیال می‌کردند ملت ایران به علت مشکلات اقتصادی با نقشه براندازی و تجزیه‌طلبی آنها همراهی خواهد کرد. خیال می‌کردند با فحاشی و بددهنی و اهانت‌های گوناگون می‌توانند مسئولان کشور را منفعل و از میدان خارج کنند. خیال می‌کردند با وسوسه و هیاهو می‌توانند مسئولان سطح بالای کشور را دچار اختلاف نظر کنند. خیال می‌کردند با دلارهای نفتی فلان کشور مزدور امریکا می‌توانند اراده جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار دهند. خیال می‌کردند با تشویق چند عنصر خودفروخته به پناهندگی به کشوری دیگر و لجن‌پراکنی علیه ایران، جوانان ما ناامید می‌شوند، در حالی که اشتباه کردند و کسی به آنها اعتنایی نکرد.

آنها اشتباه کردند چرا که اراده و عزم جمهوری اسلامی از همه عوامل قدرت آنها قوی‌تر و راسخ‌تر بود...، چهل سال است که از هر طریقی علیه جمهوری اسلامی تلاش می‌کنند، اما چون محاسبات‌شان غلط بوده و است تاکنون شکست خورده و در آینده نیز شکست خواهند خورد.»^۱

بنابراین، با وجود شواهد آشکار بر نقش‌آفرینی و برنامه‌ریزی همه‌جانبه دشمنان و تصریح آنان، نمی‌توان اغتشاشات را تنها یک مسأله داخلی و از روی نارضایتی

۱. بیانات در دیدار جمعی از مداحان و شاعران اهل بیت (علیهم‌السلام)؛ ۱۴۰۱/۱/۲۲.

اقتصادی دانست، بلکه عوامل بیرونی نقش محوری در ایجاد آن در راستای مقابله با نظام دارد.

دشمنان برای ضربه زدن به نظام در سالیان اخیر روی مسأله اقتصاد تمرکز نموده و تلاش کرده است با جنگ اقتصادی، مردم را از نظام جدا نماید و پشتوانه مردمی نظام را تضعیف و آن را آسیب پذیر نماید. در این بین برخی برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های نادرست اقتصادی و عملکردهای ضعیف و گره زدن اقتصاد به مسائل بیرونی و برجام و... موجب تشدید مشکلات اقتصادی و فشار معیشتی بر مردم شد که دشمن از آن برای ضربه زدن به نظام استفاده کرد که حضور مردم در صحنه و بصیرت آنها، دشمنان را در رسیدن به اهداف خود ناکام گذاشت.

راه درمان با این پدیده به کارگیری چند راهکار است:

۱. تلاش برای حل مشکلات اقتصادی و کاهش فشارهای اقتصادی بر مردم و درمان زخم است تا دشمنان با سوء استفاده از آن به دنبال آسیب زدن به کشور نباشند.

۲. ایجاد فضای قانونی اعتراض و انتقاد برای مردم تا بتوانند اعتراض و انتقاد خود را نسبت به مسائل مختلف و مسئولان در فضایی به دور از جنجال و هیاهوی سیاسی و مانند آن مطرح نمایند و مسئولان نیز به پاسخ گویی بپردازند که در این راستا طرحی در مجلس شورای اسلامی در دستور

کار قرار دارد.

۳. کنترل و نظارت مناسب بر فضای افسار گسیخته مجازی و جلوگیری از فعالیت‌های مخرب و ضد امنیتی در این فضا برای جلوگیری از تأثیرگذاری بر افکار مردم به ویژه جوانان.

۴. اطلاع‌رسانی شفاف، به‌هنگام و صریح رسانه ملی و مسئولان نسبت به مسائل مختلف و تبیین واقعیات در برابر جریان تحریف و دروغ رسانه‌های بیگانه.

۵. پاسخ‌گویی به سؤال‌ها و شبهات جوانان و دغدغه‌های آنان از سوی مسئولان و صاحبان فکر و اندیشه.

کاستی‌های حوزه عدالت

سؤال: کاستی‌های عدالت در کشور ما و علل آن چیست؟

پاسخ: با وجود همه دستاوردها و اقدامات در زمینه تحقق عدالت و رفع محرومیت انقلاب اسلامی، توسعه و گسترش خدمات و امکانات عمومی، بهره‌مندی از آب و برق و گاز و تلفن و راه‌های ارتباطی و آموزش و بهداشت و حمایت از اقلشار آسیب‌پذیر و... ما با نقطه مورد قبول فاصله وجود دارد و به تعبیر رهبری نمره مطلوبی به دست نیاورده‌ایم.^۱ البته تصریح فرمودند:

«نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره دیگر گذشته قابل مقایسه نیست.»^۲

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار مجلس یازدهم؛ ۱۳۹۹/۳/۷.

۲. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی؛ ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

هم چنین فرمودند:

«من قبلاً گفتم ما در مورد عدالت عقب ماندگی داریم، [اما] معنایش این نیست که پیشرفت نکرده ایم؛ معنایش این است که در زمینه عدالت آن مقداری که باید پیشرفت بکنیم، پیشرفت نکرده ایم؛ و الا در همان قضیه عدالت هم پیشرفت کرده ایم. شماها نمی دانید در این کشور چه خبر بود! ما خب همین سنین شماها را گذرانده ایم، دوران های سخت را دیده ایم. حالا این آقا از سیستان و بلوچستان می گوید؛ خب من در سیستان و بلوچستان زندگی کرده ام، وضع سیستان و بلوچستان امروز با سیستان و بلوچستان سال ۵۶ و ۵۷ که بنده آن جا بودم، از زمین تا آسمان فرق کرده. ایشان می گویند ما هوا نداریم؛ هوا نداریم یعنی چه؟ یعنی زابل گرد و غبار دارد؛ هر سالی، سه ماه، چهار ماه گرد و غبار دارد؛ راست می گوید؛ این یک گوشه ای از مشکلات سیستان و بلوچستان هست و بود؛ آن زمان مردم به معنای واقعی کلمه در بدبختی محض بودند؛ در بدبختی محض! بنده از نزدیک شاهد بودم. بعد از انقلاب کارها شده، پیشرفت ها شده، خدمات انجام گرفته؛ نه فقط در سیستان و بلوچستان، [بلکه] در همه کشور؛ در زمینه عدالت خیلی کار انجام گرفته.»^۱

در پی جویی دلایل این مسأله می توان به این موارد اشاره کرد:

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان؛ ۱۳۹۷/۳/۸.

۱. عدم دغدغه‌مندی لازم در تحقق عدالت در میان مسئولان

با وجود مطالبات و تأکیدهای مستمر رهبری در مورد عدالت، در عمل آن‌گونه که لازم است، شاهد به میدان آمدن مسئولان نبوده‌ایم و همه ظرفیت نیروهای انقلاب پای عدالت‌خواهی نیامده است. رهبری مسلماتی را در تحقق عدالت ترسیم فرمودند:

«اما قدر مسلم‌هایی هم وجود دارد: کم کردن فاصله‌ها، دادن فرصت‌های برابر، تشویق درست‌کار و مهار متجاوزان به ثروت ملی، عدالت را در بدنه حاکمیتی رایج کردن. عزل و نصب‌ها، قضاوت‌ها، اظهارنظرها. مناطق دور دست کشور و مناطق فقیر را مثل مرکز کشور زیر نظر آوردن، منابع مالی کشور را به همه رساندن، همه را صاحب و مالک این منابع دانستن؛ این مسلم‌ها و مورد اتفاق‌های عدالت است که باید انجام بگیرد.»^۱

اگر همان ظرفیت و توجهی که به مقوله پیشرفت علمی می‌شد، به موازات آن در تحقق عدالت نیز به کار گرفته می‌شد، امروز در کنار پیشرفت، شاهد تحقق عدالت قابل قبول در جامعه نیز بودیم.

۲. فقدان نگاه متناسب با جایگاه عدالت

جایگاه عدالت در برنامه‌ها آن‌چنان که باید نیست. در

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام؛ ۱۳۸۵/۳/۲۹.

برنامه‌ریزی و سیاست‌گزارش‌ها عدالت باید مبنا و محور قرار بگیرد، اما نگاه‌های زاویه‌دار با مبانی دینی و تلاش برای نسخه‌برداری از الگوی توسعه لیبرال، موجب شده که باورمندی و توجه لازم نسبت به عدالت در هدف‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها نشود. مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

«نباید ارزش عدالت به عنوان یک ارزش درجه دو کم‌کم در مقابل ارزش‌های دیگر به فراموشی سپرده شود؛ در نظام ما این خطر وجود داشته است. ارزش‌های دیگر هم خیلی مهم است؛ مثلاً ارزش پیشرفت و توسعه، ارزش سازندگی، ارزش آزادی و مردم‌سالاری. مطرح کردن ارزش عدالت مطلقاً به معنای نفی اینها نیست، اما وقتی ما این ارزش‌ها را عمده می‌کنیم و مسأله عدالت و نفی تبعیض و توجه به نیازهای طبقات محروم در جامعه کم‌رنگ می‌شود، خطر بزرگی است اما با عدالت‌محور بودن یک دولت، این خطر از بین می‌رود یا ضعیف می‌شود.»^۱

۳. دیوان‌سالاری دست و پاگیر

بخشی از موانع در تحقق عدالت به موانع اداری و مدیریتی باز می‌گردد که باید تغییر و اصلاح شود. مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

«اگر دیوان‌سالاری و تشکیلات ما عدالت را مختل می‌کند،

۱. بیانات دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران؛ ۱۳۸۴/۶/۸.

مضر است. باید دیوان‌سالاری را به نحوی سازمان‌دهی و تنظیم کرد که به عدالت کمک کند؛ زیرا عدالت ملاک و اصل است.^۱ به عنوان مثال نظام بودجه‌نویسی، به سمت رفع اختلاف طبقاتی و تحقق عدالت تغییرریل پیدا نکرده است و این روند باید اصلاح گردد.

۴. فقدان ساز و کار الزامی تحقق عدالت

با وجود تصریح قانون و مطالبات رهبری در زمینه عدالت، ساز و کار معینی برای الزام دولت‌ها در زمینه تحقق عدالت مشخص نشده است. ساز و کاری که اگر دولت‌ها در تحقق عدالت کاستی و قصوری داشتند، آنها را به صورت قانونی الزام به بازگشت به عدالت محوری کرد.

۵. سیاسی‌کاری و تقدم منافع حزبی و گروهی بر منافع ملی

سیاسی‌کاری و ترجیح منافع حزبی بر منافع کلان ملی و خدمت‌رسانی به مردم از موانع تحقق عدالت به حساب می‌آید؛ زیرا با حاکمیت این نوع نگاه، چه بسا مدیر و کارگزاری توانمند و خدمت‌گزار جای خود را به مدیری نالایق و ناکارآمد داده و نه تنها در پیشبرد عدالت کوششی نکرده، بلکه حتی در انجام وظایف معمولی و عادی خود نیز توفیقی نداشته است.

۱. بیانات دیدار مسئولان قضایی و خانواده‌های شهیدان هفتم تیر؛ ۱۳۸۳/۴/۷.

۶. دشواری و مشکلات تحقق عدالت

تحقق عدالت نیازمند شجاعت و تحمل دشواری و هزینه آن و ایستادن در برابر مخالفان آن است که معمولاً افراد و دولت‌ها حاضر به تحمل این هزینه‌ها نیستند. درافتادن با عوامل فساد و بی‌عدالتی و قطع کردن دست ویژه‌خواران، هزینه زیادی دارد که تمایل چندانی در دولت‌ها در این خصوص دیده نمی‌شود.

۷. مقابله با فساد و کانون‌های فساد و ویژه‌خواری

از موانع و دلایل عدم تحقق عدالت، کوتاهی در برخورد با فساد و کانون‌های فساد و ویژه‌خواری است. نمی‌توان بدون مبارزه قاطع و همه‌جانبه با فساد و مظاهر آن، انتظار تحقق عدالت را داشت. امروز مافیای ثروت و قدرت برای عدم موفقیت دولت انقلابی با تمام توان به میدان آمده و به همین دلیل مبارزه با این مافیا و به تعبیر رهبر معظم انقلاب اژدهای هفت‌سر فساد، عزمی جازم و اراده‌ای توأم با اقدام و عمل می‌طلبد.

با شناخت دلایل عدم تحقق عدالت مورد نظر در کشور می‌توان راه درمان را نیز یافت که عبارت است از: تبدیل شدن عدالت به گفتمان عمومی و غالب جامعه و مطالبه‌گری عمومی و انتخاب افراد دغدغه‌مند، شجاع و باورمند به عدالت و ایجاد ساز و کارهای قانونی برای الزام به تحقق عدالت در برنامه‌ها.

فتنه‌هایی از اول انقلاب تا امروز

سؤال: چه فتنه‌هایی از اول انقلاب تاکنون رخ داده؟ و وجه اشتراك و افتراق آنها با يك ديگر چیست؟

پاسخ: از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون فتنه‌های متعدد و متنوعی شکل گرفته است که عبارت‌اند از:

۱. فتنه گروهک‌های تجزیه‌طلب ابتدای انقلاب در مناطق مختلف از جمله غائله گنبد، خوزستان، کردستان، آذربایجان، سیستان و ... در دوران حوادث ابتدای انقلاب، گروه‌های معاند با خط‌گیری از دشمنان خارجی و بازماندگان رژیم پهلوی تلاش کردند با استفاده از خصوصیات قومیتی طرح تجزیه‌طلبی را پیاده‌سازی کنند، اما این نقشه‌های شوم با درایت امام خمینی و هوشیاری مردم غیور و مسلمان ایران خنثی شد.^۱

۱. ر.ک. حیدری، اصغر، انقلاب اسلامی و گروه‌های تجزیه‌طلب در ایران، تهران: موسسه فرهنگی هنری بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانش‌نامه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷.

۲. کودتای نقاب (نوژه): این کودتا با هدف براندازی نظام جمهوری اسلامی در سال ۵۸ توسط برخی از نظامیان وابسته به رژیم گذشته و همراهی برخی چهره‌های وابسته و هدایت نیروهای آمریکایی صورت گرفت که توسط نیروهای اطلاعاتی عناصر دخیل در این کودتا دستگیر و این کودتا خنثی شد.^۱

۳. واقعه طبس و طرح امریکایی‌ها برای نجات گروگان‌های خود ناتمام ماند.^۲

۴. سازمان مجاهدین خلق^۳ و جریان ترور شخصیت‌ها و مردم که از آغاز انقلاب اسلامی تا به امروز ادامه داشته است.

۵. فتنه مهدی هاشمی^۴ و آیت الله منتظری: بعد از دستگیری مهدی هاشمی از اعضای بیت آقای منتظری و اعترافات وی مبنی بر توطئه‌ها و ترورهای انجام یافته و اعدام او. آیت الله منتظری در برابر نظام قرار گرفته و با نوشتن نامه‌هایی به امام خمینی و سایر دست‌اندرکاران و نهادهای امنیتی، مواضع نادرستی را علیه نظام مقدس جمهوری

۱. ر. ک. کودتای نوژه، تهران: مؤسسه مطالعات پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴؛ افشای چهره دوم شریعتمداری، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۱، روحانی، سید حمید، شریعتمداری در دادگاه تاریخ، قم: دفتر اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱.

۲. آقای، عباس، عقاب در آتش (روایتی از شکست آمریکا در طبس)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۳. ر. ک. حق‌بین، مهدی، از مجاهدین تا منافقین (سیر تاریخی سازمان مجاهدین خلق از آغاز تاکنون) تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲؛ سازمان مجاهدین خلق، پیدایی تا فرجام (۱۳۸۴ - ۱۳۴۴) جمعی از نویسندگان، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

۴. ر. ک. ابراهیم‌زاده، حسن، مهدی هاشمی، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۱.

اسلامی گرفتند. این موضع‌گیری‌ها در نهایت باعث شد تا حضرت امام او را از سمت قائم مقام رهبری عزل نموده و از دخالت در سیاست نهی کند.

۶. فتنه سال ۷۸^۱ و ماجرای کوی دانشگاه، فتنه ۸۸^۲ و اغتشاشات پس از انتخابات ریاست جمهوری، فتنه ۹۶ در اعتراض به وضعیت اقتصادی، فتنه ۹۸ در جریان افزایش ناگهانی قیمت بنزین، اغتشاشات ۱۴۰۱ به بهانه مرگ خانم امینی.

وجه اشتراک این فتنه‌ها، نقش دشمنان انقلاب اسلامی و نظام سلطه به رهبری امریکا در هدایت و حمایت از آن برای براندازی و مقابله با انقلاب اسلامی و استفاده از گروه‌های معاند؛ منافقین، سلطنت‌طلبان، بهائیان، گروهک‌های تجزیه‌طلب، اراذل و اوباش است.

نقطه افتراق این فتنه‌ها، سطح، دامنه و نوع آن است، اما در نهایت هدف از همه این تلاش‌ها، تضعیف، مهار، مقابله و براندازی انقلاب اسلامی بوده است و به راستی هر یک از این فتنه‌ها می‌توانست یک کشور را با مشکلات جدی و فروپاشی مواجه نماید، اما عنایت و نصرت خداوند متعال و رهبری امامین انقلاب و حضور مردم در دفاع از ارزش‌های

۱. ر.ک. فتنه تیرماه: بازخوانی حوادث و ریشه‌های بروز و مهار فتنه ۱۸ تیر ۱۳۷۸،
جمعی از نویسندگان، تهران: دیدمان، ۱۳۹۸.

۲. ر.ک. اخوان، محمد جواد، عبور از فتنه، تهران: سازمان بسیج دانشجویی،
سه جلد.

اسلامی و انقلابی، همه تلاش‌های دشمنان را خنثی نمود و جمهوری اسلامی از همه این فتنه‌ها سربلند بیرون آمده و اقتدار خود را به رخ دشمنان کشیده است.

آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی نشانه عقب‌گرد اخلاقی

سؤال: آیا افزایش درصد اعتیاد، طلاق، سرقت، بی‌نمازی، بدحجابی و دین‌گریزی و روحانیت‌ستیزی و گران‌فروشی پس از انقلاب نشانه عقب‌گرد اخلاقی ایران پس از انقلاب نیست؟

پاسخ: توجه به چند نکته چنین ذهنیتی را برطرف خواهد کرد:

۱. بروز برخی از ناهنجاری‌ها و مفاسد اخلاقی و اجتماعی نشانه وجود برخی کاستی‌ها و ضعف‌ها در این حوزه است و وضعیت فرهنگی و اجتماعی کشور نابسامان و غیر قابل دفاع است، اما با وجود همه این مفاسد و ناهنجاری‌ها، در مجموع کشور ما نسبت به قبل از انقلاب جایگاه بسیار بهتری داشته است و با وجود همه ضعف‌ها و کاستی‌ها، نسبت به قبل رشد داشته است. هر چند نسبت به نقطه مورد انتظار و مطلوب فاصله دارد.

بروز برخی مفاسد و ناهنجاری‌ها، در جامعه، آسیب‌ها و

آفت‌هایی هستند که جامعه امروز ما با آن مواجه بوده که باید در اصلاح و برطرف نمودن آن تلاش کرد، اما این با جامعه قبل از انقلاب که از سوی حاکمیت فساد و فحشا ترویج می‌شد و روز به روز فاسدتر می‌شد، قابل مقایسه نیست.

«انقلاب اسلامی با تأثیرات شگرف خویش توانست جامعه ایرانی که پیش از انقلاب توسط رژیم گذشته به سمت فساد و قهقرا سوق داده شده بود را بار دیگر زنده کند و وجدان و فطرت خفته آنان را بیدار نماید و از جوانانی که رژیم ستم‌شاهی در به فساد کشاندن آنها تلاش بسیاری نموده بود، جوانانی بسازد و تربیت کند که در دوران جنگ تحمیلی و پس از آن در عرصه‌های مختلف برای کشور جان خویش را فدا نموده و برای نظام افتخار آفرینی کنند.»^۱

۲. متأسفانه عوامل ضد دینی و ضد فرهنگی در عصر حاضر بسیار گسترش یافته و متنوع شده است و در دسترس است. فضای جهان امروز و وسایل و ابزار فسادانگیز در مقایسه با قبل بسیار بیشتر شده است و وجود فضای مجازی و اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای در گسترش زمینه فساد، تأثیرگذار است. تلاش گسترده و حجم فراوان تهاجم فرهنگی و جنگ نرم دشمنان علیه نظام جمهوری اسلامی را نیز باید به آن افزود، اما در برابر همه این عوامل که دیانت و فرهنگ اسلامی را نشانه رفته و با وجود برخی ریزش‌ها

۱. ذو علم، علی، انقلاب و ارزش‌ها، ص ۱۲۵.

در عرصه دینداری، شاهد رویش‌های فراوانی در این زمینه هستیم و نمی‌توان جامعه را دین‌گریز معرفی کرد.

حضور پرشور مردم به ویژه جوانان در مراسمات و هیأت‌های مذهبی، تشییع علما و شهدا، حضور در راهپیمایی شکوهمند اربعین، حضور به عنوان مدافعان حرم و... بیان‌گر عمق دینداری جامعه ایران است که هم از نظر کمیت و هم از نظر کیفیت قابل مقایسه با جامعه قبل از انقلاب نیست.

۳. در مورد دیانت و اعتقاد افراد نمی‌توان صرفاً بر اساس ظاهر و نوع پوشش افراد یا برخی گلایه‌ها و نارضایتی‌ها قضاوت نمود. در بسیاری از موارد افراد بر خلاف پوشش ظاهری، در عمق جان به دین و ارزش‌های دینی باور داشته و پایبند هستند.

۴. بی‌تردید نظام جمهوری اسلامی در اصل ایجاد تحول در عرصه ارزش‌ها موفق بوده است؛ گرچه در عرصه دینی و فرهنگی دارای ضعف‌هایی بوده‌ایم و با موانع و آسیب‌های مختلفی روبرو بوده‌ایم که می‌توان به این موارد اشاره نمود:

الف. کم‌توجهی و کوتاهی برخی خانواده‌ها نسبت به تربیت دینی فرزندان خود و آشنا نمودن آنان با فرهنگ اسلامی و کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و معیارهای دینی در میان برخی خانواده‌ها.

ب. دنیاگرایی و گرایش به مادیات، هواپرستی و ضعف ایمان در میان برخی افراد.

ج. مشکلات و نارسایی‌های اقتصادی در کشور و در کنار آن کم‌توجهی به مسائل فرهنگی و تربیت دینی از سوی نهادهای مذهبی و فرهنگی و برخی مسئولین در برهه‌های مختلف و درگیری‌های حزبی و جناحی و غافل شدن از مسائل فرهنگی و فقدان دغدغه دینی و فرهنگ دینی در میان برخی از آنان.

د. فقدان برنامه جامع و مدوّن فرهنگی و دینی و نگاه جامع به تربیت دینی به منظور تقویت باورها و ارزش‌های دینی و فرهنگی و ارائه راه‌کارهای عملی.

ه. تهاجم فرهنگی غرب و جنگ نرم و تلاش دشمنان برای ضربه زدن به فرهنگ و باورهای دینی مردم به ویژه جوانان و ترویج فرهنگ ابتذال و مادی‌گرایی.

۵. تداوم و ایستادگی جمهوری اسلامی با وجود تلاش‌های همه‌جانبه دشمنان برای براندازی و ضربه زدن به آن و استفاده از همه توان و امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود، نشان از پابندی مردم با ارزش‌های دینی داشته و اگر این پابندی و اعتقاد نبود، نظام نمی‌توانست در برابر این حجم از دشمنی و توطئه دوام بیاورد، به ویژه آن‌که امروز نسل سوم و چهارم کشور که دوران انقلاب و امام و جنگ را

درک نکرده‌اند، این مسیر را ادامه داده و در صحنه دفاع از ارزش‌های انقلابی و اسلامی حضور دارند.

این بزرگ‌ترین نشانه عمق دینداری و هویت دینی مردم است؛ گرچه عملکرد برخی مسئولان و مشکلات اقتصادی و معیشتی نارضایتی‌هایی را به دنبال داشته، اما مردم با هوشیاری و درک مثال زدنی، حساب دولت و مسئولان را از اصل نظام و ارزش‌های آن جدا دانسته و در حمایت از نظام کوتاهی نکرده‌اند.

۶. ممکن است عملکرد عده معدودی از روحانیون به ویژه آن دسته از روحانیونی که در مسئولیت‌های مختلف حضور داشته و عملکرد آنها در معرض دید مردم است، در کنار برخی بزرگ‌نمایی‌ها، شایعه‌سازی‌ها، تبلیغات منفی و حجم گسترده تخریب‌های ناجوانمردانه رسانه‌های وابسته به دشمنان و بدخواهان، در تغییر نگاه برخی از افراد نسبت به روحانیت و دینداری آنان تأثیرگذار بوده است، اما اصل اعتماد و اعتبار حوزه و روحانیون در میان توده مردم باقی است و روحانیون همواره جزو افراد و مجموعه‌هایی هستند که مورد اعتماد مردم و مرجع مردم در مشکلات و مسائل مختلف بوده و هستند.

دین‌گریزی نسل جوان

سؤال: چرا برخی از جوانان نسل جدید از ارزش‌های جامعه اسلامی دور می‌شوند؟

پاسخ: عوامل متعددی در بروز ریزش‌ها در عرصه دینی به ویژه در میان نسل جوان تأثیرگذار است که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. فقدان آشنایی لازم با دین و ارزش‌های دینی؛ آشنا نبودن جوانان با دین و فرهنگ دینی و زیبایی‌های آن موجب شده تا شناخت و معرفت مناسبی نسبت به دین نداشته و تأثیرات فرهنگ بیگانه و برخی شبهات در آنها بیشتر باشد.

۲. کم‌توجهی و کوتاهی برخی خانواده‌ها نسبت به تربیت دینی فرزندان خود و آشنا نمودن آنان با فرهنگ اسلامی.

۳. دنیاگرایی و گرایش به مادیات، هواپرستی و ضعف ایمان در میان برخی افراد و کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و معیارهای دینی.

۴. مشکلات و نارسایی‌های اقتصادی در کشور از جمله مشکلات در زمینه ازدواج و اشتغال جوانان و در کنار آن کم‌توجهی به مسائل فرهنگی و تربیت دینی از سوی برخی مسئولین در برخی برهه‌ها و درگیری‌های حزبی و جناحی و غافل شدن از مسائل فرهنگی و فقدان دغدغه دینی و فرهنگ دینی در میان برخی از آنان.

۵. فقدان برنامه جامع و مدوّن فرهنگی و دینی و نگاه جامع به تربیت دینی به منظور تقویت باورها و ارزش‌های دینی و فرهنگی و ارائه راه‌کارهای عملی.

۶. تهاجم فرهنگی غرب و جنگ نرم و تلاش دشمنان برای ضربه زدن به فرهنگ و باورهای دینی مردم به ویژه جوانان و ترویج فرهنگ ابتذال و مادی‌گرایی با بهره‌گیری از وسائل مختلف هم‌چون ماهواره‌ها، اینترنت، رسانه‌ها، سینما و.... متأسفانه امروز وسایل و ابزار فسادانگیز و مخرب اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی نسبت به گذشته بسیار بیشتر شده، وجود فضای مجازی و اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای حجم گسترده تهاجم فرهنگی و جنگ نرم دشمنان علیه نظام جمهوری اسلامی، مسأله‌ای است که دینداری مردم به ویژه جوانان را نشانه رفته و نقش تضعیف کننده دارد.

۷. رفتار و عملکرد نامناسب برخی مدعیان دینداری از جمله برخی روحانیت و مسئولان در نظام و تفکیک نکردن میان عملکرد این افراد با اصل دین و نظام اسلامی.

مجموعه این عوامل موجب شده تا شاهد فاصله گرفتن برخی جوانان از ارزش‌های اسلامی باشیم. در عین حال از این عوامل نمی‌توان دین‌گریزی جوانان را برداشت نمود؛ زیرا در کنار این ریزش‌ها و فاصله گرفتن‌ها، شاهد رویش‌های فراوانی در میان جوانان در عرصه دینداری هستیم، حضور چشم‌گیر جوانان در مراسمات و هیأت‌های مذهبی، مراسم اعتکاف، راهپیمایی اربعین، گروه‌های جهادی و... نمونه‌هایی از این رویش‌ها و شواهدی بر دینداری آنان است.

هم‌چنین گاهی دین‌زدگی جوانان، برپایه برخی برداشت‌ها و قضاوت‌های نادرست صورت می‌گیرد که واقعیت این چنین نیست، به عنوان نمونه گاهی از روی نوع پوشش افراد و ظاهر افراد، در مورد دینداری و عدم دینداری آنان قضاوت می‌شود و تصور می‌شود که مثلاً جوانی که فلان تیپ و لباس و یا فلان مد مو را زده، از دین زده شده، اما حضور این افراد در مراسمات مذهبی و برخی صحنه‌ها نشان می‌دهد که دین در عمق وجود این افراد و باور آنان زنده است و نباید در مورد افراد تنها بر اساس ظاهر و نوع پوشش قضاوت نمود. شاید برخی افراد نسبت به بعضی از مناسک و اعمال دینی سستی نشان بدهند، اما در اصل دینداری و اعتقاد آنان تزلزلی ایجاد نشده است و در مواقع لزوم خود را نشان می‌دهد.

جمهوری اسلامی و تغییرات تحمیلی

سؤال: جمهوری اسلامی به محض استقرار، در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی ایرانیان تغییرات تحمیلی به وجود آورده، آزادی‌های مدنی و شخصی را از بین برده و همواره به دنبال يك دست کردن جامعه و ساختن جامعه‌ای حرف‌شنو، بی‌اراده، دنباله‌رو بوده است.

پاسخ: سبک زندگی در هر جامعه برآمده از باورها، ارزش‌ها، هنجارها، فرهنگ، آداب و رسوم و... آن جامعه است و شاخصه‌ها و معیارهای آن بسته به مبانی فکری، معرفتی و انسان‌شناختی از یک جامعه تا جامعه دیگر متفاوت خواهد بود و افراد در سبک زندگی اجتماعی تابع ثرم‌ها و هنجارهای پذیرفته شده در جامعه هستند و آزادی آنها در این زمینه در هیچ جامعه‌ای بدون قید و محدودیت نیست و نمی‌توانند هرگونه که بخواهند زندگی کنند.

در همه نظام‌های سیاسی محدودیت‌هایی برای سبک زندگی و آزادی‌های مدنی وجود دارد؛ زیرا آزادی و سبک زندگی

مطلق و بدون قید و شرط از آن جا که منجر به هرج و مرج و اختلال نظام می‌گردد، امکان تحقق ندارد. «آزادی به معنای رهایی مطلق را نه عقل می‌پذیرد، نه فطرت، نه دین و نه جوامع انسانی. انسان در عین آزاد بودن، در ابعاد اخلاقی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی و نظامی، حد و مرزهایی دارد که باید آنها را رعایت کند و اگر نکند در همه جای دنیا برای او تنبیه و مجازاتی وجود دارد و اگر چنین نباشد، هرج و مرج و فساد همه جوامع را به نابودی می‌کشد.»^۱

براین اساس، سبک زندگی و آزادی مردم در همه نظام‌های سیاسی توسط حاکمیت محدود می‌شود و مردم بر پایه هنجارهای حاکم بر جامعه و با انتخاب خود پذیرفته‌اند که آزادی خود را در محدوده چارچوب‌های مبتنی بر این هنجارها و ارزش‌ها که از سوی حاکمیت ترسیم شده، محدود نمایند.

اگر محدودیت‌ها و اعمال شرایط و شاخصه‌ها در نظام جمهوری اسلامی در سبک زندگی - چنانچه برخی ادعا کرده‌اند، موجب تحمیلی شدن سبک زندگی اسلامی بر مردم می‌گردد، نظام‌های سکولار نیز مبتلا به تحمیل سبک زندگی خود بر مردم هستند؛ زیرا افراد ملزم به رعایت هنجارهای حاکم بر این جوامع هستند و از آزادی بی‌قید و شرط در زندگی شخصی برخوردار نیستند.

۱. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۲۸.

اصولاً ویژگی نظام‌های ایدئولوژیک و به طور خاص اسلام این است که بر پایه خواست و همراهی مردم شکل گرفته و تا مردم خود خواهان تشکیل حکومت دینی نباشند، امکان تشکیل چنین حکومتی وجود نخواهد داشت. «تثبیت حکومت الهی در جامعه، به رغبت و آمادگی جمعی بستگی دارد و چنین حکومتی نه در تشکیل و نه در استمرار، تحمیلی نیست و تنها با خواست و اراده مردم شکل می‌گیرد و تداوم می‌یابد.... در حکومت دینی، سخن از تفوق و حاکمیت مستبدانه دین و نادیده گرفتن هر گونه نقشی برای مردم نیست.»^۱

هم‌چنین اگر وجود اقلیت و عده‌ای که مناسبات دینی را نپذیرفته‌اند، نگاه نظام‌های دینی را غیر فراگیر و تحمیلی می‌کند، در نظام‌های غیر دینی نیز قوانین و مقررات بر اساس نظر و خواست اکثریت تعیین می‌گردد و همواره عده‌ای مخالف اکثریت در جامعه وجود دارند. اساساً تأمین نظر همه مردم در مورد قوانین اگر نگوییم غیر ممکن است، کاری بسیار دشوار و محدود به موارد نادر است. بنابر این، اشکال غیر فراگیر بودن به همه نظام‌های سیاسی وارد خواهد بود.

دایره محدودیت‌ها در همه نظام‌های سیاسی محدود به عرصه عمومی و اجتماعی یا مسائلی است که جنبه عمومی و اجتماعی پیدا می‌کند؛ مانند قوانین رانندگی، امنیت،

۱. جوادی آملی، عبدالله، نسبت دین و دنیا، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۱، ص ۲۳.

سلامت و... و عرصه فردی صرف را در بر نمی‌گیرد. بر این اساس، در اصل محدودیت‌ها تفاوتی میان نظام سیاسی اسلامی و سایر نظام‌های سیاسی نیست؛ گرچه در ترسیم عمومی و اجتماعی بودن یک مسئله تفاوت‌هایی وجود دارد، اما آنچه مسلم است دخالت نکردن در حوزه فردی افراد است تا مادامی که جنبه عمومی پیدا نکند.

استفاده از ماسک در شرایط کرونا یک مسئله فردی است که به دلیل ابعاد اجتماعی آن، حاکمیت در آن ورود پیدا کرده و برای رعایت مصالح عمومی جامعه در مورد آن قانون و الزام خاصی وضع می‌کند. در مورد مسئله پوشش و رعایت برخی ضوابط در جامعه اسلامی نیز همین قاعده حکم فرماست. همان معیاری که الزام استفاده از ماسک را برای سلامت جامعه را ایجاب می‌کند، الزام نسبت به حجاب و پوشش را برای سلامت اخلاقی و اجتماعی جامعه را به همراه دارد. تفاوت در تعریف و نگاهی است که نسبت به سلامت جامعه وجود دارد که در نگاه غیر دینی تنها به سلامت جسمی و بدنی معطوف است، اما در نگاه دینی به دلیل در نظر گرفتن جنبه روحی انسان، به ابعاد روحی و اخلاقی نیز در کنار بعد جسمی توجه می‌شود.

رهبری؛ توهم توطئه و توهم پیشرفت

سؤال: آیا رهبری که همواره دشمنانی خارجی و داخلی سخن می‌گوید، گرفتار توهم توطئه نیست و نسبت به پیشرفت و اقتدار کشور نیز دچار توهم بوده و متوهمانه تمدن غربی را دچار زوال و افول می‌داند؟

پاسخ: رهبری و اداره کشور در دنیای پر تلاطم جهان امروز و در منطقه استراتژیکی که همواره مورد طمع نظام سلطه بوده و کشوری که از جایگاه و موقعیت ویژه و پر اهمیتی برخوردار است، نیازمند هوشمندی، درایت و راهبری حکیمانه‌ای است که در رهبری مقام معظم رهبری تبلور یافته و دوستان و دشمنان منصف را به اعتراف وا داشته است. رهبری هوشمندانه و حکیمانه ایشان عامل الهام‌بخش، تحرک و تحول‌آفرین، انسجام‌بخش و سدّ محکمی در برابر بدخواهان و دشمنان نظام و خنثی‌کننده توطئه‌ها و مانع از دست‌یابی آنان به اهداف ناپاک خود بوده است. از این رو شاهد شدیدترین هجمه‌ها نسبت به رهبری نظام بوده و هستیم. هجمه‌هایی که یادآور برخورد مخالفان با انبیای

الهی و مصلحان در گستره تاریخ و نشان از عمق کینه‌توزی آنهاست ﴿قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ﴾^۱! (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و کلام) شان آشکار شده؛ و آنچه در دل‌هایشان پنهان می‌دارند، از آن بزرگ‌تر است.

دشمنی و کینه‌توزی نسبت به مقام معظم رهبری هر از گاهی به بهانه‌های مختلفی در گفتار و قلم بیماردلان خودباخته نمایان می‌گردد. گاهی ایشان را به داشتن توهم توطئه، توهم اقتدار و پیشرفت ایران و توهم افول تمدن غرب متهم می‌کنند؛ گرچه پاسخ این اتهامات بارها داده شده، اما برای روشن شدن بی‌پایه و اساس بودن این گونه اتهامات به بررسی آن در سه محور می‌پردازیم:

توهم توطئه یا توهم توهم توطئه

نگاهی به پیشینه خباثت‌آمیز و شرارت‌های قدرت‌های استعماری در تاریخ کشورمان که فهرست بلندی را در بر می‌گیرد، نمایان‌گر چیزی جز دشمنی آشکار آنان با کشور ما نیست. آنان حتی روزگاری که حکومتی سرسپرده و وابسته به آنان بر کشور حاکم بود، در خیانت و خباثت کم نگذاشته و منابع کشور را به تاراج بردند و حق توحش دریافت می‌کردند در حالی که خود وحشی‌تر از هر حیوان درنده‌ای به جان این

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۱۸.

کشور و ملت افتاده بودند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و کوتاه شدن دست‌شان از منابع کشورمان، از همان آغاز تا امروز از هیچ تلاشی برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی فرو گذار نکرده‌اند.

از جنگ تحمیلی که با هدایت و حمایت آشکار آنان شروع شد گرفته تا حمایت از گروه‌ها و جریان‌های مخالف نظام و گروهک تروریستی منافقین و تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی و تبلیغات رسانه‌ای و تصویب بودجه برای مقابله با نظام و جنگ نرم و... که طومار سیاه و طولانی را شامل می‌شود. اگر نام اینها دشمنی و توطئه نیست، چه نامی می‌توان بر آن گذاشت؟ اگر اینها توهم توطئه است، خود توطئه چه خواهد بود؟

در حالی رهبری به توهم توطئه متهم می‌شود که شاهد توطئه و دشمنی آشکار آمریکا با نظام جمهوری اسلامی هستیم و خود به این مسأله آشکارا اذعان می‌کنند و لشکر رسانه‌ای و شبکه‌های وابسته به آنان، بی‌وقفه در حال تخریب و لجن‌پراکنی علیه کشور ما هستند.

«ریچارد نیکسون»، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا به صراحت اعلام می‌کند: «جهان اسلام در قرن بیست و یکم یکی از مهم‌ترین میدان‌های زورآزمایی سیاست خارجی

امریکا است.^۱ «مارتین ایندایک معاون خاورمیانه‌ای وقت وزارت خارجه امریکا با اشاره به ناهم‌خوانی سیاست‌های جمهوری اسلامی با ایالت متحده گستاخانه تأکید می‌کند که مجازات و تنبیه ایران، درس عبرتی برای کشورهای خواهد بود که در مسیر استقلال و رهایی از رهبری امریکا گام برمی‌دارند.»^۲

آیا نادیده گرفتن چنین دشمنی و کینه‌توزی، توهّم توطئه بوده یا ناشی از توهّم توهّم توطئه است. انکار وجود چنین دشمنی روشنی یا ناشی از حماقت و بی‌خردی است یا به دلیل دشمن‌ناشناسی و انکار دشمن است. با انکار دشمن نه ماهیت او تغییری پیدا می‌کند و نه از دشمنی او کاسته می‌شود.

از این رو مقام معظم رهبری فرمودند:

«بعضی اصل دشمن را انکار می‌کنند. وقتی ما می‌گوییم دشمن داریم، می‌گویند «آقا، شما دچار توهّمید؛ توهّم توطئه». خود این مطرح کردن توهّم توطئه، به نظر ما یک توطئه است؛ برای این که حساسیت‌ها را کم کنند [می‌گویند]: «آقا، دشمن چیست، کدام دشمنی؟» واضح‌ترین چیزها را انکار می‌کنند. می‌گوییم امریکا دشمن انقلاب است، ذات

۱. نیکسون، ریچارد، فرصت را دریابیم، ترجمه حسین وفسی‌نژاد، تهران: طرح نو، ۱۳۷۶، ص ۲۵۶.

۲. روزنامه کیهان؛ ۱۳۷۸/۷/۲۶.

نظام سلطه اقتضا می‌کند که با نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی دشمن باشد؛ منافع‌شان ۱۸۰ درجه با یک‌دیگر اختلاف دارد.

نظام سلطه اهل خیانت است، اهل جنگ‌افروزی است، اهل ایجاد و سازماندهی گروه‌های تروریست است، اهل سرکوب کردن گروه‌های آزادی‌خواه است، اهل فشار آوردن بر مظلومین - مثل فلسطین و امثال فلسطین - است؛ این طبیعت نظام سلطه است. شما الان ببینید امریکا و انگلیس قریب صد سال است که دارند بر مردم فلسطین فشار می‌آورند - چه قبل از تشکیل رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، چه بعد از آن تا امروز - دارند فشار می‌آورند روی فلسطینی‌ها. خب این، حرکت نظام سلطه است؛ اسلام که نمی‌تواند در مقابل این ساکت بماند؛ نظام اسلامی که نمی‌تواند ببیند و بی‌تفاوت بماند. نظام سلطه مستقیماً به کشور بمباران‌کننده مردم یمن کمک می‌کند. امریکا صریحاً، مستقیماً کمک می‌کند به بمباران یمن - بمباران کجا؟ بمباران جبهه‌های نبرد؟ نه، بمباران بیمارستان، بمباران بازار، بمباران مدرسه، بمباران میدان عمومی مردم؛ امریکا کمک می‌کند.

خب، نظام اسلامی نمی‌تواند بی‌تفاوت بماند. اینها با هم‌دیگر دشمن‌اند؛ در ذات خود با هم مخالف‌اند. چطور می‌شود منکر این دشمنی شد؟ امریکا بیست‌وهشتم

مرداد را راه انداخت و حکومت ملی را سرنگون کرد؛ امریکا از اول انقلاب تا امروز دارد با ما دشمنی می‌کند؛ امریکا در زمان طاغوت، ساواک را به راه انداخت که مایه شکنجه مردم و مبارزین [بود]؛ امریکا در جنگ هشت ساله به دشمن ما حداکثر کمک ممکن را کرد؛ امریکا هواپیمای مسافربری ما را سرنگون کرد؛ امریکا سکوی نفتی ما را زد؛ امریکا ما را تحریم کرد؛ اینها دشمنی نیست؟^۱

حقیقت اقتدار و پیشرفت ایران

کینه‌توزی نسبت به نظام و رهبری و روحیه خود باختگی و غرب‌ستایی چنان وجود برخی را پر کرده که واقعیات را نادیده گرفته، یا به انکار آن می‌پردازند و حتی رهبری را نیز به داشتن توهم اقتدار و پیشرفت ایران متهم می‌کنند. یک ایرانی حتی اگر با نظام و رهبری دشمنی داشته باشد، نمی‌تواند پیشرفت و جایگاه کشورمان در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی را انکار کند و به آن افتخار نکند.

اگر روزگاری در پرتو وابستگی و سرسپردگی شاه، کشور ما تبدیل به حافظ منافع و جزیره ثبات امریکا شده بود، امروز کشور ما دست بیگانگان را از کشور کوتاه کرده و با فرهنگ اسلامی و استقلال‌طلبی و نفی سلطه و حمایت از مستضعفان، نظام سلطه را به چالش کشیده است و همه

۱. بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی رحمة الله علیه: ۱۳۹۵/۳/۱۴.

تلاش‌ها و توطئه‌های آنان در مقابله با نظام جمهوری اسلامی را خنثی نموده است و با صلابت از منافع خود دفاع می‌کند.

خنثی نمودن نقشه شوم امریکا و رژیم صهیونیستی برای منطقه و طرح خاورمیانه جدید و شکست سگ دست‌آموز آنان، داعش که به ایجاد آن اعتراف کردند و حل بحران سوریه با وجود هزینه هنگفت آنان، که با نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی و محور مقاومت صورت گرفت، آیا نشانه اقتدار کشورمان نیست؟! استیصال امریکا در این زمینه به جایی رسید که ناجوانمردانه و در اقدامی تروریستی و مذبح‌خانه سردار سرافراز حاج قاسم سلیمانی را به شهادت رساند و البته ضرب شست کشورمان در حمله به پایگاه عین الاسد را به عنوان یک سیلی محکم چشید، آیا این اقتدار و صلابت کشور را نمی‌رساند؟ اگر روزگاری رژیم صهیونیستی رویای از نیل تا فرات را در سر می‌پرواند، امروز در سایه هدایت‌ها و حمایت‌ها نظام جمهوری اسلامی در تقویت محور مقاومت، در مرزهای خود محصور شده و در برابر حزب الله و مردم غزه و موشک‌های مقاومت ناتوان شده است. اینها همه نشان از اقتدار جمهوری اسلامی دارد.

امریکا که در عرصه رویارویی سخت نتوانست کشور ما را وادار به تسلیم نماید، با اعمال فشارها و تحریم‌های ظالمانه اقتصادی تلاش کرد تا نظام و مردم را به زانو درآورد، اما ایستادگی و مقاومت مردم نشان از اقتدار و عزم آنان برای

پیمودن مسیر استقلال و عزتمندی است. آیا این چیزی جز اقتدار کشور ماست؟

در اثبات پیشرفت کشورمان همین بس که با وجود همه فشارها و دشمنی‌ها و سنگ اندازی‌ها کشور ما توانسته است در پرتو هدایت‌ها و حمایت‌های مقام معظم رهبری و دمیدن روحیه خودباوری در میان جوانان و نخبگان و تأکید نسبت به ارتقا جایگاه علمی کشور، در بخش‌های مختلف علمی؛ پزشکی، نانو، الکترونیک، هوا فضا، هسته‌ای و نظامی در میان چند کشور برتر دنیا در این فناوری‌ها قرار بگیرد.

نگاهی به گوشه‌ای از آمارهای بین المللی در مورد جایگاه کشورمان در عرصه‌های مختلف علمی و فناوری کافی است تا به رشد و پیشرفت کشور اذعان کنیم.

بر اساس نتایجی که پایگاه استنادی «اسکوپوس» منتشر کرده است، تعداد مدارک علمی ثبت شده از جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۹۶ برابر با ۸۴۲ مورد بوده و در سال ۲۰۱۷ تعداد مدارک و مستندات علمی کشور به رقم ۵۴۳۸۸ مورد افزایش یافته است و نسبت به سال ۱۹۹۶ رشد ۶۴،۵۹ برابری را نشان می‌دهد و در این سال جایگاه ایران در دنیا به رتبه ۱۶ ارتقاء یافته است.

به گزارش دو پایگاه معتبر علمی «New Scientist» و «science Metrix» جمهوری اسلامی ایران با نرخ رشد ۱۱ برابر

متوسط جهانی رتبه نخست رشد علمی را در بین سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۹ دارا بوده است.

از سال ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۱۷ رتبه علمی ایران از رتبه ۵ به رتبه ۱ در منطقه تغییر کرده است که این منطقه شامل کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا است.

از سال ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۱۷ رتبه علمی ایران در موضوع نانوازی ۵۹ به رتبه ۱۶ تغییر کرده است.

از سال ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۱۷ رتبه علمی ایران در موضوع علوم بیوشیمی و زیست‌مولکولی از رتبه ۵۳ به رتبه ۱۷ تغییر کرده است.

از سال ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۱۷ رتبه علمی ایران در موضوع علوم هوا فضا از رتبه ۴۷ به رتبه ۱۲ تغییر کرده است.

از سال ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۱۷ رتبه علمی ایران در موضوع علوم فیزیک از ۵۴ به رتبه ۱۳ تغییر کرده است.

از سال ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۱۷ رتبه علمی ایران در موضوع علوم ریاضی از ۴۸ به رتبه ۱۳ ارتقا یافته است.

در حوزه سلول‌های بنیادی در سال ۲۰۱۶ طبق آمار مرکز آزمایش‌های بالینی ایالات متحده آمریکا ایران جایگاه دوم را دنیا دارد.^۱

۱. راجی، سید محمد حسین، خاتمی، سید محمد رضا، صعود چهل ساله، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۹۷، ص ۱۶۶-۱۸۰؛ آمارها و جداول در کتاب موجود است.

آیا اینها نشانه پیشرفت نیست؟! البته ضعف‌ها و کاستی‌هایی وجود دارد، اما پیشرفت‌های کشور را نمی‌توان نادیده انگاشت.

واقعیت افول غرب

مسأله افول غرب چیزی نیست که تنها رهبری آن را ادعا کرده باشند، که آن را ناشی از نوعی توهم از سوی ایشان تلقی کنیم، بلکه این مسأله بر پایه واقعیات دنیای غرب و اعترافات خود اندیشمندان غربی استوار است. البته افول یک فرایند است نه یک رویداد دفعی و آنی و واقعیت دنیای غرب و بحران‌های گوناگونی که با آن دست به گریبان است، بیان‌گر قرار گرفتن آن در مسیر افول و روند نزولی است.

دنیای به اصطلاح مدرن امروز که محصول تفکرو جهان‌بینی مادی است در گرداب بحران‌های متعددی گرفتار است که حوزه‌های مختلف زندگی بشر امروز را متأثر ساخته است. گستره این بحران‌ها از ساحت معرفت و اندیشه گرفته تا نگاه به انسان و ابعاد اخلاقی، سیاسی و اجتماعی او سایه افکنده است و زرق و برق پیشرفت مادی و تکنولوژیکی نیز نتوانسته، سایه سنگین افول ارزش‌های معنوی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی را پنهان دارد.

«حوادث و رویدادهایی چون رنسانس و نوزایی و جنبش اصلاح دینی و جریان روشن‌اندیشی و عقل‌گرایی و انقلاب

صنعتی که از قرن چهاردهم در غرب آغاز شد با وجود آثار و نتایج سودمند آن در زمینه تأمین رفاه و آسایش مردم و ایجاد تحولات فکری و فرهنگی و تکامل زندگی اجتماعی انسان‌ها موجب بروز بحران‌ها و نارسایی‌هایی نیز در عرصه‌های مختلف زندگی انسانی از جهت معرفتی، روانی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی شده است.

امروز بشر در بعد معرفتی دچار تحیر علمی و نسبیت‌گرایی و عدم ثبات در آرا و عقاید است و در بعد روانی، دچار تردید علمی، افسردگی و اضطراب، فقدان آرامش و اطمینان خاطر و از خود بیگانگی و به تعبیری بی‌خوابی است و از جهت اخلاقی نیز گرفتار انحرافات خصلتی گسترده و به لحاظ خانوادگی دچار از هم پاشیدگی داخلی و از نظر اجتماعی و سیاسی، گرفتار مسائلی چون هرج و مرج بین المللی و مانند آن است.^۱

«رنه گنون»، منتقد مشهور فرانسوی، در کتاب بحران دنیای متجدّد به برخی از این پیامدها و بن‌بست‌های تمدن جدید اشاره کرده، می‌نویسد: «کسانی که تنعم و رفاه را آرمان خود ساخته بودند و از بهبودهایی که بر اثر پیشرفت و ترقّی حاصل گشته، برخوردارند، آیا خوشبخت‌تر از ابنای بشر در روزگاران پیشین هستند؟! امروزه وسایل ارتباطی سریع تر و امکانات بیشتری وجود دارند، ولی عدم تعادل و نابسامانی

۱. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۰، ص ۱۳.

و احساس نیاز بیشتر، او را در معرض خطر فقدان قرار داده و امنیت او هر چه بیشتر در معرض تهدید قرار گرفته است؛ زیرا هدف تمدن جدید، چیزی جز افزایش نیازمندی‌های تصنّعی، بهره‌گیری جنون‌آمیز از امکانات، مواهب طبیعی و لذت‌طلبی و ارضای هر چه بیشتر و غوطه‌ور ساختن انسان در زندگی ماشینی چیز دیگری نیست.^۱

«مایک دنیس برداین»، استاد تاریخ دانشگاه ایزونای آمریکا نیز می‌گوید: «به عقیده من مدنیت و تمدن غرب به زودی به بن‌بست خواهد رسید و به جایش مدنیت و تمدن اسلامی خواهد نشست... . آمریکا و همه دنیا امروز به چنان بحرانی دچار شده‌اند که مانند آن در تاریخ سابقه نداشته است. اگر بتوان دوره‌ای را با دوره جاهلیت پیش از ظهور پیامبر ﷺ مقایسه کرد، همین دوره و عصر ما است...، با این حال جهان و به خصوص آمریکا می‌توانند با پذیرش اسلام در خود انقلاب درونی ایجاد کنند، تنها این دین است که می‌تواند کشور من و جهان را از قیدها برهاند و از نادرستی‌ها آزاد کند.»^۲

به نمونه‌ای از اعتراف‌های اندیشمندان و تحلیل‌گران غربی در مورد افول آمریکا اشاره می‌کنیم:

«چامسکی»، نظریه‌پرداز، اندیشمند و تحلیل‌گر مسائل سیاسی معتقد است افول آمریکا مسئله‌ای است که به

۱. گنون، رنه، بحران دنیای متجدّد، ترجمه ضیاء الدین دهشیری، تهران: امیر

کبیر، ۱۳۷۲، ص ۱۴۴.

۲. روزنامه کیهان، ۱۳۸۰/۷/۲۴.

دست خود امریکا رقم خورده است. وی نظم نوین جهانی و ساختار معادلات قدرت در دنیای امروز را زیر سؤال می‌برد و نتیجه حاصله را صرفاً به نفع بسط تفکر سرمایه‌داری در جهان به حساب می‌آورد.

«جیمز پتراس»، استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه بیرمنگام، در کتابی به نام «صهیونیسم، نظامی‌گری و افول قدرت امریکا» (۲۰۰۸) به تفصیل به روشن‌گری درباره نقش لابی صهیونیسم در نظامی‌گری‌های امریکا در منطقه پرداخته و سیاست‌های تحمیل شده از سوی این لابی را عاملی می‌داند که موجب زوال قدرت امریکا می‌شوند.

«دیوید رانی»، استاد دانشگاه ایلینوی در یکی از کتاب‌هایش به نام «بی‌نظمی جدید جهانی: افول قدرت امریکا» از مفهومی به نام «بحران ارزش‌ها» سخن به میان آورده و معتقد است که بحران ارزش‌ها در سراسر تاریخ سرمایه‌داری وجود داشته و پدیده‌ای ذاتی برای سرمایه‌داری است. از نظری بحران فعلی ارزش‌ها یا به جایگزینی کامل نظام سرمایه‌داری جهان یا تغییر ساختار کلی این نظام منجر خواهد شد.»

«رابات پاتنیک»، اقتصاددان و تحلیل‌گر سیاسی هندی بر این باور است که افول هژمونی امریکا مبتنی بر نقائص ذاتی نظام سرمایه‌داری استوار است.^۱

ادعای سکولار شدن جامعه ایران

سؤال: تغییر در افکار و کاهش گرایش‌های دینی در بین مردم و کم‌رنگ شدن حضور آنان در عبادات جمعی و مراسمات مذهبی و تغییر در سبک زندگی و پوشش افراد جامعه، بیان‌گر آن است که اکنون مردم ایران دین و مذهب را جدا از سیاست و کاربردهای آن، یک امر خصوصی می‌دانند.

پاسخ: دنیای سکولار غرب با استفاده از ابزارهای مختلف فرهنگی، هنری و رسانه‌ای به دنبال گسترش و تعمیم نظام ارزشی خود به سایر کشورهاست و از آن‌جا که اسلام، فرهنگ اسلامی و ارزش‌های دینی را در نقطه مقابل فرهنگ خود یافته و آن را مانعی در مسیر اهداف خود می‌بیند، به مقابله با آن با استفاده از تمامی شیوه‌ها پرداخته است. تلاش برای تغییر باورها و فرهنگ اسلامی و در نهایت سکولاریزاسیون جامعه ایران در راستای تقابل نرم با جمهوری اسلامی در دستور کار آنها قرار گرفته است. برخی به استناد تغییر بعضی رفتارها، ظواهر و پوشش‌ها و... در جامعه تلاش می‌کنند تا تصویری سکولار از جامعه ایران ترسیم نمایند.

در بررسی این ادعا ابتدا به شواهدی که برای سکولار شدن مردم ایران به آن استناد می‌شود، اشاره می‌کنیم و در ادامه به ارزیابی این مسأله خواهیم پرداخت.

عمده‌ترین شواهدی که برای اثبات ادعای سکولار شدن مردم ایران آورده می‌شود، عبارت‌اند از:

الف. کاهش گرایش‌های دینی در بین مردم به ویژه نسل جدید؛ چه در عرصه عبادات جمعی و مراسمات مذهبی و چه در عرصه رعایت ظواهر و نمادهای دینی.

ب. کاهش مشارکت سیاسی مردم؛ کم‌رنگ شدن حضور مردم در صحنه‌های سیاسی نسبت به اوایل پیروزی انقلاب اسلامی و کاهش مشارکت مردم در عرصه انتخابات در دوره‌های مختلف از سوی برخی به عنوان نمودی از سکولار شدن جامعه معرفی شده است.

ج. کاهش اعتبار حوزه و روحانیت در ایران؛ نگاه جامعه ایران به حوزه و روحانیت نگاه قدسی ابتدای شکل‌گیری انقلاب اسلامی نیست و حوزه و روحانیت در میان مردم جایگاه و منزلت قبل را دارا نیستند و این به معنای روند سکولار شدن جامعه ایران است.

د. افزایش تمایل به ارتباط با غرب و پذیرش قواعد جهانی؛ گرایش به ارتباط با غرب و الگوبرداری از الگوهای توسعه غربی و پذیرش قواعد بین‌المللی با حاکمیت تفکر غربی نیز از نشانه‌های گرایش به سکولار شدن شمرده شده است.

هـ. افزایش گرایش به سبک زندگی غربی، نوع پوشش و ظواهر افراد به ویژه در میان نسل جدید هم از شواهد سکولار شدن جامعه ایران محسوب می‌شود.

ز. ریزش‌های جریان انقلابی به ویژه در بین برخی مسئولان و مدیران کشور و افراد شناخته شده و ریزش‌هایی که در سطح توده مردم نسبت به ارزش‌ها و اصول اسلامی و انقلابی مشاهده می‌شود، نشان دیگری است از این که مردم ایران دین و مذهب را جدا از سیاست می‌دانند.

مجموعه این مسائل، مهم‌ترین شواهدی است که از سوی مدعیان سکولار شدن جامعه ایران عنوان می‌شود.

در ارزیابی این مسأله باید اشاره کنیم تأثیرات مخرب و پیامدهای جنگ نرم دشمنان نظام جمهوری اسلامی بر فرهنگ جامعه ایران قابل انکار نیست و ریزش‌هایی را به دنبال داشته است، اما وجود تأثیر و ریزش فکری و فرهنگی برخی از افراد جامعه را نمی‌توان به مجموع جامعه ایران تسری داد و از آن سکولار شدن جامعه ایران را نتیجه گرفت؛ زیرا در مقابل این نمونه‌ها، شواهد روشنی وجود دارد که نشان از عمق دینداری جامعه ایران داشته و سکولار شدن آن رانفی می‌کند.

الف. حضور پررنگ مردم به ویژه نسل جوان در مراسمات مذهبی، عزاداری‌ها و هیأت‌ها و زیارت مشاهد مشرفه

و حضور در تشییع پیکر شهدا و تشییع با شکوه و خیره کننده سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و پیاده روی عظیم و اعجاب انگیز اربعین همه نشان از باورهای دینی و جایگاه مذهب در زندگی مردم دارد. کاهش حضور در عبادات جمعی مانند نماز جماعات و جمعه را نمی توان ملاکی برای سکولار شدن جامعه ایران دانست. عوامل مختلفی در این کاهش حضور نقش دارند از جمله مشغله فراوان افراد، طولانی شدن این مراسم ها، کمی جذابیت به ویژه برای نسل جوان، برخی نگاه های نادرست و برخوردها نسبت به افراد و....

ب. در عرصه مشارکت سیاسی، گرچه شاهد نوساناتی در برهه هایی هستیم، اما اصل مشارکت سیاسی مردم و حضور آنان در دفاع از نظام و ارزش ها قابل انکار نیست و اساساً همین حضور و پشتوانه عظیم مردمی موجب خنثی شدن توطئه های دشمنان شده است تا جایی که با هدف ایجاد نارضایتی و جدا کردن مردم از نظام رو به جنگ اقتصادی و تشدید فشارها و تحریم ها آورده اند. کاهش مشارکت سیاسی مردم در انتخابات در برخی دوره ها ناشی از عملکرد مسئولان در دوره مسئولیت خود و عمل نکردن به وعده ها و شعارهای خود و فشارهای اقتصادی و سرخوردگی آنان است.

ج. ممکن است عملکرد نامناسب برخی از روحانیون به ویژه آن دسته از روحانیونی که در مسئولیت های مختلف

حضور داشته و عملکرد آنها در معرض دید مردم است، در کنار تبلیغات منفی و حجم گسترده تخریب‌های ناجوانمردانه رسانه‌های وابسته به دشمنان و بدخواهان، بر جایگاه روحانیت تأثیرگذار بوده و موجب برخی ریزش‌ها شده است، اما اصل اعتماد و اعتبار حوزه و روحانیون در میان توده مردم باقی است و روحانیون همواره جزو افراد و مجموعه‌هایی هستند که مورد اعتماد مردم و مرجع مردم در مشکلات و مسائل مختلف بوده و هستند. ضمن آن‌که فاصله گرفتن بخشی از مردم از روحانیت الزاماً به معنای فاصله گرفتن از دین نیست، بلکه بر عکس به دلیل عدم هماهنگی برخی رفتارها و عملکردها با آموزه‌های دینی موجب فاصله گرفتن مردم از برخی روحانیون شده است همان‌گونه که شاهد گرایش مردمی به برخی روحانیون متعهد هستیم.

د. اصل لزوم رابطه و تعامل میان کشورها در سطح عرصه بین‌المللی ضرورتی غیر قابل انکار می‌باشد. کشورها در سطح بین‌المللی به دلیل ارتباط و پیوند عمیق و به منظور تأمین نیازها و منافع در ابعاد مختلف، نیازمند تعامل و رابطه با سایر کشورها هستند و هیچ کشوری نمی‌تواند در سطح بین‌المللی و جهانی خودش رابی‌نیاز از ارتباط با سایر کشورها دانسته و بدون ارتباط و تعامل با سایر کشورها منافع ملی خود را تأمین کند و نیازهای خود را برطرف سازد. از این رو تعامل در سطح بین‌المللی با سایر کشورها یک ضرورت و

نیاز اساسی است و استفاده از تجربیات و دستاوردهای بشری به خودی خود بدون تأثیرپذیری از فرهنگ و وابستگی به آنها اشکالی ندارد و این برگرفته از مبانی و آموزه‌های دینی است و نمی‌توان آن را به حساب سکولار شدن مردم ایران گذاشت.

صرف‌نظر از افراد و جریان‌هایی که چنان مجذوب زرق و برق تکنولوژی و پیشرفت غرب شده‌اند که داشته‌های خود را به فراموشی سپرده و دلبسته و وابستگی به غرب شده‌اند، مردم ما حاضر به حراج گذاشتن استقلال و عزت خویش نبوده و خواهان برقراری رابطه بر اساس احترام متقابل و نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری هستند که این چیزی جز عقلانیت و دیانت نیست.

هـ. افزایش گرایش به سبک زندگی غربی، تغییر نوع پوشش و مدهای لباس و ظواهر افراد به ویژه در میان نسل جوان را نمی‌توان نشانه سکولار شدن جامعه ایران و جوانان دانست.

گرچه تغییر نوع پوشش و ظواهر افراد، بدحجابی و بروز برخی ناهنجاری‌ها و مفاصد اخلاقی، آسیب در زمینه دینداری محسوب می‌شوند، اما از صرف پوشش، حجاب و ظواهر افراد، نمی‌توان سکولار شدن مردم را استفاده کرد؛ زیرا تأثیرات تهاجم فرهنگی و جنگ نرم دشمنان، تبلیغات گسترده، روحیه تنوع‌طلبی در جوانان و احساس جذابیت

و گرایش به مد، در کنار آشنا نبودن با فرهنگ و فلسفه حجاب و کم توجهی خانواده‌ها به مقوله حجاب و پوشش و فقدان فرهنگ سازی ضعف ارایه الگوهای ایرانی و اسلامی در پوشش و... موجب گرایش به این سبک پوشش شده است، اما باور و اعتقاد به ارزش‌های دینی در عمق جان افراد وجود داشته و در برخی صحنه‌ها بروز پیدا می‌کند. در بسیاری از مراسمات مذهبی و تجمعات دینی و سیاسی شاهد حضور جوانان با همین تیپ و قیافه ظاهری هستیم که بیان‌گر زنده بودن ارزش‌های دینی و انقلابی در عمق وجود آنان است.

و. وجود ریزش‌هایی در میان جریان انقلابی از مسئولان و افراد شناخته شده و چرخش فکری و عقیدتی و سیاسی در میان برخی افراد جامعه، نشان از جدایی آنها از مسیر ارزش‌ها و اصول اسلامی و انقلابی است، اما بر اساس کدام منطق و در حالی که شاهد حضور مردم در صحنه دفاع از ارزش‌ها هستیم، آن را می‌توان به عموم جامعه ایران تعمیم داد و از آن چنین نتیجه‌ای گرفت. مگر در صدر اسلام شاهد ریزش‌هایی در سطوح خواص و نخبگان و توده مردم نبوده‌ایم؟! آیا به استناد آن روند گسترش اسلام را می‌توان زیر سؤال برد؟ ریزش‌ها در عرصه دینی در زمره آسیب‌هایی است که باید از منظر جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، تاریخی و سیاسی مورد بررسی و کنکاش قرار بگیرد.

بنابر این در مجموع با وجود این حجم گسترده از هجمه

تبلیغاتی نظام سکولار در جهت تخریب باورها و پایه‌های اعتقادی افراد جامعه و نسل جوان و علی‌رغم همه ریزش‌ها و آسیب‌ها، ارزش‌ها و اصول اسلامی و انقلابی در جامعه ایران و در میان نسل جوان کماکان زنده و غیر قابل انکار است و نه تنها شاهد سکولار نشدن جامعه نیستیم، بلکه تلاش‌های خبیثانه نظام سلطه در قالب جنگ نرم و تخریب باورهای مردم نشان‌گر ماهیت دینی جامعه ایران است.

انقلاب اسلامی و چالش‌های خارجی

تغییر در شعار نه شرقی نه غربی

سؤال: «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» یکی از مهم‌ترین شعارهای پس از انقلاب بود، اما فکر نمی‌کنید رفته رفته این شعار عملاً به شعار «نه غربی، شرق‌گرایی» تغییر کرده است؟

پاسخ: اصل لزوم رابطه و تعامل میان کشورها در سطح عرصه بین‌المللی ضرورتی غیر قابل انکار می‌باشد. کشورها در سطح بین‌المللی به دلیل ارتباط و پیوند عمیق و به منظور تأمین نیازها و منافع در ابعاد مختلف، نیازمند تعامل و رابطه با سایر کشورها هستند و هیچ کشوری نمی‌تواند در سطح بین‌المللی و جهانی خودش را بی‌نیاز از ارتباط با سایر کشورها دانسته و بدون ارتباط و تعامل با سایر کشورها منافع ملی خود را تأمین کند و نیازهای خود را برطرف سازد، اما در عین حال این تعامل زمانی مفید و کارآمد خواهد بود که برپایه حفظ استقلال کشورها و احترام و منافع متقابل و بدون از هر گونه سلطه‌طلبی و زیاده‌خواهی و مانند آن باشد؛ زیرا

در غیر این صورت استقلال و هویت کشور وابسته در عرصه بین المللی خدشه دار شده و سطوح مختلف میان کشورها شکل خواهد گرفت و کشورهای قدرتمند و سلطه‌گر اهداف خویش را بر سایر کشورها تحمیل می‌کنند و به منافع ملی سایر کشورها توجهی نخواهند نمود.

استقلال و عزت پایمال شده کشور در رژیم گذشته باعث شد، شعار نه شرقی نه غربی به عنوان یکی از اهداف و شعارهای محوری مردم در جریان مبارزات علیه رژیم ستم‌شاهی مطرح گردد و بر پایه همین تفکر که ریشه در آموزهای دینی دارد.^۱ «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحارب استوار شده است.»^۲

با فروپاشی شوروی به عنوان نماد استعمار شرق و

۱. سوره نساء، آیه ۱۴۱: [لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا]؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است. سوره ممتحنه، آیات ۸.۹: ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ * إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند؛ چرا که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد. تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد ظالم و ستمگر است.

۲. قانون اساسی، اصل یکصد و پنجاه و دوم.

روابط جمهوری اسلامی با روسیه و ارتقای سطح روابط میان دو کشور در سالیان اخیر و به ویژه همکاری‌های دو کشور در مسائل منطقه‌ای، شاهد تلاش جریانی هستیم که با نكوهش گسترش روابط کشورمان با شرق به طور خاص چین و روسیه، آن را تغییر در اصول سیاست خارجی کشورمان و عدول از شعار نه شرقی نه غربی وانمود نموده‌اند و با هدف تأثیرگذاری منفی و تخریب این روابط به هیاهو و جنجال رسانه‌ای با حجم گسترده‌ای از دروغ پراکنی‌ها و شایعات پرداخته‌اند. جالب آن‌که این جریان که عمدتاً از نظر فکری شیفته و وابسته به غرب است از سینه‌چاکان مذاکره و روابط با امریکا بوده و با وجود سیاست‌های سلطه‌جویانه این کشور آن را در تعارض با شعار نه شرقی نه غربی نمی‌داند.

واقعیت آن است که رابطه جمهوری اسلامی با روسیه و چین هیچ منافاتی با سیاست اصولی کشورمان و شعار نه شرقی نه غربی ندارد. این شعار مربوط به دوران جهان دو قطبی بود که این بلوک‌بندی با فروپاشی شوروی سابق که اردوگاه شرق بود، از بین رفت. در شرایطی که داعیه‌های ایدئولوژیک شرق مطرح نیست، نگاه به شرق به معنای پیروی از شرق و غلطیدن در دامن کشورهای شرقی، مانند آنچه که در دوره جنگ سرد تصور می‌شد، نیست.

منظور از سیاست نه شرقی نه غربی جغرافیای شرق و غرب نیست، بلکه معطوف به وابسته بودن ایدئولوژیکی

و وابستگی و تأثیرپذیری از تفکر مارکسیستی شرق و لیبرالیستی غرب است.

این شعار ناظر به نفی هر گونه سلطه‌طلبی و وابستگی است نه نفی رابطه بر اساس احترام متقابل و با رعایت اصل استقلال کشور. «این شعار بیان‌گر استقلال کشور در عرصه بین‌المللی و نفی سلطه‌پذیری و وابستگی به سایر کشورها به ویژه قدرت‌های شرق و غرب است، نه به معنای نفی رابطه مثبت و بر اساس احترام متقابل با سایر کشورها، به تعبیر دیگر هدف از شعار نه شرقی، نه غربی، نفی سلطه بیگانه است نه گسستن رشته ارتباط با دیگر کشورها.»^۱

معنای «نه شرقی و نه غربی» این است که روابط کشور با سایر کشورها به تعبیر حضرت امام، روابط گرگ و میشی و ارباب رعیتی نباشد.

مقام معظم رهبری فرمودند:

«خطوط اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی که پایه عمده آن، اصل نه شرقی و نه غربی است تغییر نیافته و هرگز هم قابل تغییر نیست...، آن روزی که در تقسیم‌بندی جهان میان بلوک شرق و بلوک غرب، دولت‌ها و رژیم‌ها و حتی تحولات سیاسی و انقلابی کشورها ناچار باید به یکی از این دو مجموعه ملحق شده و زیر نفوذ سران آن یعنی شوروی یا

۱. رضائی، روح‌الله، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰، ص ۷۰.

آمریکا قرار می‌گرفتند، اصل نه شرقی و نه غربی، اعلام شکستن این طلسم همگانی و رهایی از نفوذ و قدرت هر دو ابرقدرت آن زمان بود و امروز که با تحولات شوروی و اروپا، بلوک شرق منهدم گشته و شوروی از جایگاه ابرقدرتی فرو افتاده و رژیم امریکا در صحنه به ظاهر بی‌رقیب، به تظاهرات مستانه و غرورآمیز خود سرگرم است و بدون پایبندی به قیود و رسوم معمول روابط جهانی، قلدرانه مطامع خود را بر مصالح همه ملت‌ها ترجیح داده و در هر کاری خودسرانه دخالت می‌کند...، اصل نه شرقی و نه غربی به معنای عدم تسلیم در برابر این افزون‌خواهی مستکبرانه و مقابله جدی با دست‌اندازی آن رژیم به منافع امت اسلامی ورد و نفی رسوم و قیودی است که آن رژیم به جای اصول پذیرفته بین‌المللی از سوی خود و برای حفظ مطامع خود، وضع و جعل کرده است.

جمهوری اسلامی رابطه با رژیم امریکا را که رمز و نشانه قلدری و سلطه ناحق و مظهر ستم به ملت‌های ضعیف عالم است، مردود می‌داند و تا وقتی آن رژیم، مستکبرانه به ملت‌ها ظلم می‌کند، در دولت‌ها و کشورها دخالت می‌کند، از رژیم‌های نامشروعی چون رژیم منفور صهیونیستی حمایت می‌کند، با نهضت‌های آزادی‌خواهانه و بیداری ملت‌ها ستیزه می‌کند و به خصوص با ملت مسلمان پیش‌گام ایران و ملت‌های به‌پاخاسته مسلمان دشمنی می‌ورزد، هرگز با آن رژیم رابطه برقرار نخواهد کرد.

رابطه با دیگر کشورها؛ چه اروپایی و چه آسیایی و آفریقایی و چه کشورهای پیشرفته صنعتی و چه غیر آنها تا آن جا که به تشخیص مسئولین در جهت منافع و مصالح کشور و ملت باشد برای ما همیشه مطلوب بلکه لازم بوده و است و مسئولین دولتی مؤظف بوده و هستند آن را هوشمندانه و پیگیر تأمین کنند؛ و آنان و همه ملت بدانند و می دانند که ایجاد این روابط و تحکیم آن هیچ گونه خدشه ای به اصل نه شرقی و نه غربی وارد نمی سازد.^۱

امروز روابط کشورمان با روسیه، چین، روابطی است توأم با اقتدار و بر اساس منطق منافع ملی و احترام متقابل است.

بدیهی است که تمامی کشورها در روابط با یک دیگر منافع ملی خویش را در نظر گرفته و در راستای آن به تعامل با سایر کشورها می پردازند، اما آنچه مهم است این است که این رابطه و تعامل از حالت رابطه به وابستگی و سلطه یک طرف بر طرف دیگر نیانجامد. روشن است که هر کدام از این کشورها که بخواهند رویکرد خصمانه ای هم چون امریکا را در پیش بگیرند، جمهوری اسلامی همان موضعی که در برابر امریکا اتخاذ نموده در برابر آنها نیز اعمال خواهد کرد.

منطق راهبرد نگاه به شرق

سیاست نگاه به شرق از سوی کشور ما مبتنی بر

۱. پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمه الله؛ ۱۳۷۰/۳/۱۳.

منطق روشنی است که زمینه‌ساز پرهیز از یک‌جانبه‌گرایی غرب‌محور در سیاست خارجی و نگاه همه‌جانبه به سیاست خارجی به منظور مزیت‌آفرینی و خلق فرصت است. مهم‌ترین دلایل راهبرد نگاه به شرق و تقویت نگاه به شرق در سیاست خارجی عبارت‌اند از:

۱. دسترسی به بازارهای بزرگ

مجموع جمعیت اروپا و آمریکا چیزی قریب به ۱.۳ میلیارد نفر است. قاره آسیا به تنهایی با بیش از ۴.۵ میلیارد نفر جمعیت، ۶۰ درصد جمعیت جهان را در خود جای داده است که این نمایان‌گر یک ظرفیت بزرگ در حوزه کشورهای آسیایی نسبت به حوزه غرب از حیث بازارهای متنوع برای اقتصاد ایران است.

۲. منافع مشترک بالا

گره خوردن بسیاری از منافع سیاسی و اقتصادی و امنیتی کشورهای آسیایی با کشورمان به دلیل مواردی از قبیل همسایه بودن و نزدیک بودن فرهنگ‌ها، کم بودن هزینه‌های مبادلاتی و مواردی از این دست، زمینه تجارت ایران را با کشورهای آسیایی افزایش داده و می‌تواند رقم‌زننده مناسبات اقتصادی بهتری نسبت به غرب باشد.

تشکیل و تقویت پیمان‌ها و مجموعه‌هایی مانند آسه آن و شانگهای و ایجاد قدرت‌های منطقه‌ای جدید، می‌تواند

ضمن کاهش هزینه‌ها و رونق اقتصادی، به گره زدن بیش از پیش منافع کشورها کمک کرده و کاهش آسیب‌پذیری ایران از تحریم‌ها را به ارمغان بیاورد.

۳. وجود پول‌ها و ارزهای متفاوت و گسترده

از آن جایی که عمده کانال اثرگذاری تحریم‌های موجود بر اقتصاد ایران دلار است و از سویی کشورهای اروپایی هم عمدتاً دارای پول واحد یورو هستند که هم در اثر وابستگی به امریکا و هم به دلیل یگانه بودن واحد پولی امکان تحریم مجدد وجود دارد، لذا تعامل با کشورهای شرقی که دارای پول‌های متنوعی هستند، جهت تعاملات دو یا چند جانبه پولی، یکی از راه‌کارهای کاهش و از بین بردن فشارهای اقتصادی دشمن است.^۱

۴. واقع‌بین کردن غربی‌ها در قبال ایران

نگاه به شرق به عنوان وزنه تعادلی در برابر غرب پیوسته در نظام تفکر راهبردی جمهوری اسلامی مطرح بوده است. به عبارت دیگر، با توجه به میل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به کشورهای غربی در چهار دهه اخیر، ضروری است تا با توجه بیشتر به کشورهای شرقی، تعادلی میان شرق و غرب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایجاد شود. این موضوع با توجه به اشتراکات فراوان و منافع مشترک

۱. farsi.khamenei.ir/others-note?id=۱۳۹۶/۱۷/۳؛ تاریخ انتشار: ۳۸۹۸

کشورمان با کشورهای شرقی و بدعهدی‌های مکرر غربی‌ها، به ویژه آمریکا در پرونده‌های مختلف، موضوعی با اهمیت است. به عبارتی، توسعه روابط با شرق می‌تواند در متعادل ساختن و واقع‌بینانه‌تر کردن سیاست غربی‌ها در مقابل ایران و این‌که بتوان از آنها امتیازهای بیشتری کسب کرد، مؤثر باشد.

۵. علایق و مسائل مشترک با کشورهای شرقی

عمده کشورهای شرقی، علایق و مسائل مشترکی نیز با ایران دارند. در واقع، تقویت نگاه به شرق فرصتی مناسب برای بحث و تبادل نظر کشورهای آسیایی پیرامون مسائل جدید و نوظهور قاره آسیا هم‌چون انرژی، امنیت غذایی، گردش‌گری، توسعه انسانی و توسعه پایدار است و می‌تواند زمینه همکاری کشورهای این حوزه برای مقابله با بحران‌های مشترک را فراهم کند. به طور مشخص باید گفت که عمده این کشورها هم‌سویی زیادی با ایران دارند و در ارتباط با مسائل مختلف جهان و بحران‌هایی که در غرب آسیا در رابطه با تروریسم و حل بحران‌های منطقه‌ای مانند سوریه وجود دارد، تضاد مواضعی با جمهوری اسلامی ندارند.

۶. امتیازهای ایران برای ارتباط با شرق

فرصت‌ها و امتیازهای کشورمان در رابطه با کشورهای شرقی از جمله، موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی (موقعیت کریدوری) که بر اساس آن می‌تواند پیوند دهنده دو بخش

شرق و غرب آسیا باشد، دارا بودن منابع عظیم انرژی از یک سو و نیاز جدی کشورهای بزرگ شرقی چون هند و چین به این منابع از سوی دیگر، امکان بالقوه‌ای است که می‌تواند در تحکیم و توسعه مناسبات با کشورهای شرقی و همسایه مؤثر باشد. در همین زمینه می‌توان به متغیرهای فرهنگی و تمدنی نیز اشاره کرد.

۷. تغییر محور قدرت در نظام بین الملل از غرب به شرق در آینده

با توجه به قدرت‌گیری روزافزون کشورهای شرقی و ضرورت بهره‌مندی از تجربیات کشورهای شرقی در زمینه توسعه، تقویت نگاه به شرق نیز ضروری است. آمار و ارقام در این زمینه، گویای آن است که برای یک تا دو دهه آینده، سیاست نگاه به شرق برای ایران، از حالت الزام خارج و به اجبار تبدیل خواهد شد. به عنوان مثال، بنا به اعلام سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی، تا پایان سال ۲۰۴۰ میلادی، اقتصاد چین ۷۷ درصد بزرگ‌تر از اقتصاد امریکا خواهد بود و هند نیز تا پایان سال ۲۰۳۷ موفق خواهد شد اقتصادی به بزرگی اقتصاد امریکا داشته باشد. جالب آن‌که حتی امریکا نیز درصدد تقویت نگاه به شرق است؛ به گونه‌ای که گفته می‌شود استراتژی آینده امریکا این است که ثقل سیاسی و اقتصادی خود را در شرق آسیا و حضور در منطقه ژاپن، چین و کره متمرکز کند.^۱

۱. <https://basirat.ir/fa/news.۱>؛ ۳۱۳۰۵۲؛ تاریخ انتشار، ۱۱ آذر ۱۳۹۷

استکبار ستیزی عامل مشکلات کشور

سؤال: استکبار ستیزی ای که به فقر و عقب ماندگی جامعه بیانجامد، معقول و منطقی نیست؟

پاسخ: برای پاسخ به این سؤال باید به مواردی اشاره کنیم:

۱. اصل استکبار ستیزی بر مبانی عقلی و دینی استوار است. از منظر عقلی دفاع از عزت، آزادی، امنیت و استقلال، فارغ از هر دین و آیینی یک ضرورت و ارزش انسانی محسوب می گردد و عقل اجازه نمی دهد که انسان به دلیل زیاده خواهی عده ای، از حقوق خود محروم شود و به آن تن دهد. پذیرش زورگویی و ذلت، برخلاف کرامت و آزادی انسان است و زندگی بدون عزت و تحت ظلم از منظر عقلی، زندگی شایسته انسانی نخواهد بود. اگر اجازه زورگویی و زیاده خواهی داده شود و در برابر آن ایستادگی صورت نگیرد، هویت انسانی خدشه دار شده و نظام انسانی از نظامی عادلانه به نظامی ظالمانه تبدیل خواهد شد.

علاوه بر مبانی عقلی، آموزه‌های دینی نیز مسلمانان را به مقابله با ظالمان و استکبارستیزی فرا خوانده است.

در قرآن کریم یکی از ویژگی‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیروان ایشان، ظلم‌ستیزی و برخورد شدید با دشمنان معرفی شده است **«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»**؛^۱ محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند.

دستور مقاتله با پیشوایان کفر^۲ و کسانی که به جنگ با مسلمانان می‌پردازند^۳ و نهی از رابطه با دشمنان اسلام و کسانی که در دین با مسلمانان به جنگ برخاسته‌اند^۴ بیان‌گر این اصل دینی است. عزت و کرامت مسلمانان و جامعه اسلامی در نزد خداوند تا جایی است که اجازه تسلط کافران بر مؤمنان را در هیچ عرصه‌ای نداده و می‌فرماید:

۱. سوره فتح، آیه ۲۹.

۲. **«فَقَاتِلُوا أُمَمَةَ الْكَفَرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ»**؛ با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ چرا که آنها پیمانی ندارند. سوره توبه، آیه ۱۲.

۳. **«قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا»**؛ و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حدّ تجاوز نکنید، که خدا تعّدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد. سوره بقره، آیه ۱۹۰.

۴. **«إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»**؛ شما را تنها از دوستی و رابطه با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد ظالم و ستمگر است. سوره ممتحنه، آیه ۹.

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾^۱؛

و خداوند هیچ گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود.

امیر مؤمنان علیه السلام یکی از دلایل پذیرفتن حکومت را مقابله با ظالمان عنوان نموده و می فرماید:

«أَمَّا وَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُقَارُّوا عَلَى كِظَّةٍ ظَالِمٍ وَ لَا سَعْبٍ مَظْلُومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِي أَوَّلِهَا»^۲؛

سوگند به کسی که دانه را شکافته و جانداران را آفریده است! اگر انبوه آن جماعت نمی بود یا گرد آمدن یاران حجت را بر من تمام نمی کرد و خدا از عالمان پیمان نگرفته بود که در برابر شکم بارگی ستمکاران و گرسنگی ستم کشان خاموشی نگزینند، افسار حکومت را بر گردنش می افکندم و رهایش می کردم و در پایان با آن همان می کردم که در آغاز کرده بودم.

اهمیت مقابله با ظالمان و مستکبران و حمایت از مظلومان در سیره حضرت به گونه ای است که به عنوان یکی از محورهای وصیت های ایشان مطرح شده است.^۳

۱. سوره نساء، آیه ۱۴۱.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۳.

۳. «كُونُوا لِلظَّالِمِ حُصْماً وَ لِمَظْلُومٍ غَوْناً»؛ دشمن ظالم و حامی مظلوم باشید.

نهج البلاغه، نامه ۴۷.

بنابر این، مقابله با ظلم و استکبار ستیزی در جوهره اسلام ناب و هویت تشیع نهفته است. انکار این ماهیت و انتساب آن به آموزه‌های مارکسیستی و یا فرقه زیدی ناشی از عدم درک صحیح ماهیت اسلام و تشیع است.

۲. تکلیف و شرعی بودن استکبار ستیزی، ایجاب می‌کند که منوط به خواست و رضایت مردم نباشد. آموزه‌های دین در گرو خواست و رضایت مردم نیست که اگر مردم نخواستند، حکومت اسلامی از مسئولیت الهی خود سر باز زند. گرچه مردم با خواست و همراهی خود زمینه مقبولیت و برپایی حکومت اسلامی را ایجاد می‌کنند و بدون خواست آنان، حکومت دینی فعلیت پیدا نکرده و تحقق نخواهد یافت، اما بدان معنا نیست که اگر مردم روزی خواستند، چنین تکلیفی از دوش حکومت اسلامی برداشته می‌شود.

چنین تصویری از حکومت دینی، دانسته یا نادانسته تصویری سکولار از حکومت اسلامی است که با ماهیت دینی آن در تعارض است. اگر آموزه‌های دینی را منوط به خواست و رضایت مردم بدانیم اگر مردم روزی نخواستند باید دست از اصول و ارزش‌های اسلامی برداریم آیا با چنین رویکردی چیزی از حکومت اسلامی باقی خواهند ماند؟!

سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام فشارها و جنگ‌های کفار با پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، مبارزه امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام و امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام با معاویه و حرکت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و مقابله

سایر ائمه علیهم السلام به فراخور شرایط با طاغوت زمان خویش که منجر به شهادت آن بزرگواران گردید، همه و همه بیان‌گر اصل استکبار ستیزی و مقابله با ظالمان و مستکبران از سوی ایشان است.

۳. استکبار ستیزی عامل استضعاف، فقر و عقب ماندگی جامعه نمی‌شود، بلکه عمل نکردن به مسئولیت‌ها و وظایف، نادیده گرفتن ظرفیت‌ها و توانمندی‌های بومی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های نادرست، ضعف مدیریت‌ها، ضعف روحیه خود باوری و جهادی، سستی و وادادگی و... موجب عقب ماندگی و مشکلات یک جامعه است.

اگر به راستی استکبار ستیزی عامل عقب ماندگی و استضعاف است، دستاوردهای خیره کننده در بخش‌های مختلف علمی، پزشکی، نانو، هوا فضا، الکترونیک، صنعتی، هسته‌ای و نظامی که با وجود همه تحریم‌ها و فشارها به دست جوانان این مرز و بوم رقم خورده است و کشور ما را در این حوزه‌ها در میان چند کشور برتر دنیا قرار داده است، نشان‌گر چیست؟

نباید تصور کرد که تنها مقاومت و مقابله با استکبار و سلطه‌گری آن هزینه دارد. نباید تصور کرد که تنها مقاومت در برابر نظام سلطه هزینه دارد و کنار آمدن و سازش با آن هزینه‌ای نداشته و موجب بهبود وضعیت کشور خواهد شد. تجربه کشورهای سازش‌گر هم‌چون سرنوشت لیبی،

کشورهای عربی، ایران دوره پهلوی و... نشان از هزینه گزاف سازش دارد که هویت و عزّت این کشورها را از بین برده و آنان را تا حافظ منافع غرب و گاو شیرده تنزل خواهد داد.

۴. با توجه به استمرار دشمنی نظام سلطه به رهبری امریکا با جمهوری اسلامی و حجم گسترده این دشمنی در قالب انواع جنگ سخت، نیمه سخت و نرم و به کارگیری همه ابزارها و شیوه‌ها، استکبار ستیزی جمهوری اسلامی را نمی‌توان افراطی دانست.

دشمنی امریکا و نظام سلطه با نظام جمهوری اسلامی به دلیل ماهیت اسلامی، استکبار ستیزانه و استقلال طلبانه آن است و آنها به چیزی جز دست برداشتن از اصول و ارزش‌های اسلامی و انقلابی راضی نمی‌شوند و این گونه نیست که با عقب نشینی و دست برداشتن از یک مسأله مانند انرژی هسته‌ای و... دشمنی آنان با نظام تمام شود. از این رو شاهد بودیم که وقتی این بهانه از دست آنها خارج شد، بهانه‌های دیگری هم چون حقوق بشر، توان موشکی و نفوذ منطقه‌ای در دستور کار آنان قرار گرفت. این مصداق همان کلام الهی است که:

﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنَّ آتِبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ

الْعِلْمُ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ»^۱

هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد مگر آن که پیروی از آیین آنها کنی. بگو: راهی که خدا بنماید به یقین راه حق تنها همان است؛ و البته اگر از میل و خواهش آنها پیروی کنی بعد از آن که طریق حق را دریافتی، دیگر از سوی خدا یار و یابوری نخواهی داشت.

﴿وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا﴾^۲

و آنان پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دین‌تان برگردانند.

حضرت امام عمق کینه و دشمنی دشمنان نظام را این گونه تبیین فرمودند:

«نکته مهمی که همه باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند؟ به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند. به گفته قرآن کریم هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر این که شما را از دین‌تان برگردانند... آری اگر ملت ایران از همه اصول و

۱. سوره بقره، آیه ۱۲۰.

۲. سوره بقره، آیه ۲۱۷.

موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزّت و اعتبار پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام را با دست‌های خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهان‌خواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی‌فرهنگ به رسمیت بشناسند، ولی در همان حدی که آنها آقا باشند ما نوکر، آنها ابرقدرت باشند ما ضعیف، آنها ولی و قیم باشند، ما جیره‌خوار و حافظ منافع آنها، نه یک ایران با هویت ایران اسلامی.»^۱

تا زمانی که هویت اسلامی و دینی نظام جمهوری اسلامی وجود داشته باشد و ماهیت حق‌طلبانه و ظلم‌ستیزانه آن تداوم داشته باشد و در مسیر استقلال و پیشرفت گام بردارد، دشمنی امریکا نیز با جمهوری اسلامی تداوم خواهد داشت و یگانه راه مقابله با این دشمنی، ایستادگی و پافشاری بر اصول و ارزش‌های اسلامی و انقلابی و ارتقای اقتدار ملی در همه زمینه‌هاست.

ایستادگی در برابر دشمنی که اصرار به ادامه دشمنی داشته و به چیزی جز دست برداشتن از اصول و ارزش‌های اسلامی راضی نمی‌شود، مصداق عزتمندی و ایستادگی برای حفظ ارزش‌هاست نه استکبار ستیزی افراطی.

بله خلاصه کردن استکبار ستیزی در مقابله با دشمنان و توجه نکردن به افزایش توانمندی و قدرت و توان کشور

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۷.

در عرصه‌های مختلف برای مصون‌سازی و تاب‌آوری در برابر تهدیدها و فشارهای ظالمانه، می‌تواند مصداق استکبار ستیزی ناقص باشد، اما جمهوری اسلامی در سایه رهبری و تدابیر هوشمندانه مقام معظم رهبری افزایش قدرت و توانمندی در همه عرصه‌ها را مورد توجه قرار داده است و به استکبار ستیزی صرف پرداخته است.

همان گونه که مقام معظم رهبری تصریح فرمودند:

«همه ما این را هم بدانیم که دشمنی [آمریکا، رژیم صهیونیستی و دستگاه استکبار]، موسمی و فصلی نیست؛ این دشمنی، یک دشمنی ذاتی است، دشمنی همیشگی است، هر وقت بتوانند ضربه بزنند می‌زنند. علاجش این است که ما خودمان را قوی کنیم؛ قوی از لحاظ نظامی، قوی از لحاظ امنیتی، قوی از لحاظ سیاسی، قوی از لحاظ اقتصادی. از جهات مختلف خودمان را قوی کنیم که دشمن نتواند ضربه بزند؛ و الا دشمنی او دشمنی ذاتی است. این که بعضی خیال کنند که اگر چنانچه ما یک قدم عقب رفتیم، یک کمی کوتاه آمدیم، امریکایی‌ها دست از دشمنی برمی‌دارند، بسیار خطا است؛ این فکر خطای فاحشی است. این که بعضی فکر کنند و می‌گویند و در روزنامه می‌نویسند شما کاری نکنید که امریکا عصبانی شود، این درست نقطه مقابل فرمایش پروردگار عالم در قرآن است.»^۱

۱. بیانات در دیدار مردم قم؛ ۱۳۹۸/۱۰/۱۸.

جای تعجب است از کسانی که استکبار ستیزی جمهوری اسلامی و ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی و سلطه‌جویی امریکا را افراطی دانسته و نسخه سازش و تسلیم در برابر آنها را تجویز می‌کنند، اما از کنار رفتارهای مستکبرانه و زورگویانه امریکا می‌گذرند و بر آن خرده نمی‌گیرند. گویا پایان این مقابله را تنها در کوتاه آمدن کشور ما از ارزش‌ها و اصول اسلامی خود می‌انگارند، اما مردم ما نشان داده‌اند تا ندای «هیهات ممّا الذّله» سرور و سالار شهیدان در عمق جان‌شان زنده و طنین‌انداز است، عزّت و اعتبار خویش را به دنیای مستکبران نخواهند فروخت.

حمایت از مقاومت و مشکلات داخلی

سؤال: حمایت از مردم فلسطین به قیمت مشکلات خودمان، منطبق با عقل و شرع نیست؟

پاسخ: رژیم صهیونیستی به دلیل ماهیت جعلی، غاصبانه، جنایت‌کارانه و سلطه‌جویانه خود، تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی و منطقه محسوب می‌گردد و حمایت‌های بی‌دریغ امریکا از آن و انفعال سازمان ملل در برابر رفتارهای تجاوزکارانه و غیر انسانی این رژیم و نادیده گرفتن حقوق بین‌المللی و وادادگی برخی کشورهای عربی نیز موجب گستاخی بیشتر این رژیم شده است. از این جهت دشمنی جمهوری اسلامی با این رژیم جعلی، به ماهیت این رژیم و ماهیت اسلامی، حق‌طلبانه و سلطه‌ستیزانه کشورمان برمی‌گردد و حمایت از مردم مظلوم فلسطین و لبنان در برابر این رژیم غاصب، صرفاً به مسئولیت انسانی و اسلامی در دفاع از مظلومان و ستمدیدگان و مسلمانان منحصر نبوده و در راستای منافع ملی و امنیت کشور است.

با وجود دشمنی که به عنوان بخشی از نظام سلطه کنونی، موجودیت نظام اسلامی و مستقل و حامی مظلومان و مستضعفان و آزادی خواهان را برنمی تابد و مرزی برای دشمنی با نظام جمهوری اسلامی نمی شناسد که دست داشتن در توطئه های مختلف علیه کشور ما شاهی بر آن است. عقل و منطق حکم می کند که نمی توان از چنین دشمنی غافل شد. تصور نادرست از دشمنی رژیم صهیونیستی و نادیده گرفتن عمق تهدید این رژیم، موجب شده تا برخی حمایت از مردم فلسطین را محدود به شرایطی خاصی دانسته و یا سخن از رعایت تقیه و مانند آن در مقابله با این رژیم به میان بیاورند و یا شعار نابودی اسرائیل را عامل مشکل دنیا با ما تلقی کنند. اما به راستی مرز کنار گذاشتن دشمنی اسرائیل با جمهوری اسلامی کجاست؟ آیا این رژیم به چیزی جز صرف نظر کردن از سرنوشت کشورهای اسلامی و چشم پوشیدن از جنایت ها و اقدامات غیر انسانی این رژیم غاصب راضی خواهد شد؟ آیا اصول انسانی و اسلامی اجازه چنین کاری را به ما می دهند؟ آیا با کوتاه آمدن در برابر چنین دشمن درنده خو و متجاوز، امنیت کشور حفظ خواهد شد یا با تضعیف جبهه مقاومت با دست خود تهدیدهای بیشتری را متوجه کشورمان نموده ایم؟

امروز شاهدیم این رژیم گستاخانه از حمله به تأسیسات هسته ای کشورمان سخن به میان می آورد، گرچه در سایه

اقتدار و قدرت بازدارندگی کشورمان که در پرتو تقویت محور مقاومت به دست آمده است نه این رژیم و نه سردمداران نظام سلطه جرأت عملی کردن آن را ندارند، اما آیا چیزی جز مقاومت و اقتدار توانسته است جلوی چنین رژیم درنده خویی را بگیرد؟ رژیمی که روزگاری رؤیای از نیل تا فرات را در سر می‌پروراند، امروز به برکت محور مقاومت و حمایت‌های نظام جمهوری اسلامی در مرزهای اشغالی خود محصور شده و دغدغه حفظ موجودیت خود را دارد. اگر جمهوری اسلامی وجود مشکلات و تهدیدها و فشارها را بهانه برای دست برداشتن از حمایت از محور مقاومت می‌کرد، آیا امروز تهدیدهای بیشتری متوجه کشورمان نبود؟ در دشمنی آشکار رژیم غاصب صهیونیستی با اسلام و ارزش‌های اسلامی و انسانی تردیدی وجود ندارد و در برابر چنین دشمنی، تقیه معنا ندارد. اگر دشمنی رژیم صهیونیستی مربوط به یک مسأله فرعی بوده که چشم‌پوشی موقت از آن به اصول و باورهای دینی ضربه وارد نمی‌ساخت، بر اساس قاعده تقدیم اهم بر مهم، می‌شد برای کاهش فشارها از آن مسأله به صورت موقت صرف‌نظر کرد. اما از آن‌جا که این دشمنی معطوف به اصل اسلام و باورهای دینی بوده و پایان دشمنی و توقف فشارها آنان تنها در صورتی است که نظام اسلامی دست از اصول و ارزش‌های اسلامی و سرنوشت مسلمانان بردارد، در این صورت مماشات و کوتاه آمدن

در برابر دشمنان با وجود تحمیل فشار و افزایش آن، به هیچ وجه جایز نیست؛ زیرا حفظ اساس اسلام بر همه چیز مقدم بوده و وجود فشار و دشمنی دشمنان دلیل بر دست برداشتن از اصول و ارزش‌های دینی نمی‌شود.

مقام معظم رهبری فرمودند:

«مسأله غزه که شما مشاهده می‌کنید، این بخشی از ظاهر قضیه است، باطن قضیه عبارت است از این که دستگاه استکبار بی‌اعتقاد به همه اصول انسانی، مایل است این منطقه خاورمیانه، این منطقه حساس را که پر از ثروت و حساسیت گوناگون جغرافیایی و اقتصادی است، در اختیار بگیرد؛ در مشت بگیرد. وسیله‌اش هم اسرائیل غاصب است؛ صهیونیست‌های مسلط بر فلسطین اشغالی. مسئله این است.

همه این حرکاتی که این چند سال در این منطقه انجام گرفته است. از قضایای لبنان تا قضایای عراق تا قضایای فلسطین. با این نگاه قابل تفسیر و قابل فهم است. مسئله این است که این منطقه باید در مشت آمریکا و استکبار. استکبار اعم از امریکا است. البته مظهر عمده‌اش، شیطان بزرگ، دولت امریکا است. قرار داشته باشد. استکبار می‌خواهد این منطقه را در اختیار داشته باشد؛ در مشت داشته باشد. استکبار این منطقه را لازم دارد و عاملش هم اسرائیل است. همه این داستان‌ها و قضایای این چند سال

با این نگاه، تحلیل می‌شود...، اینها می‌خواهند هیچ عنصر مقاومتی در این منطقه وجود نداشته باشد. اصل عنصر مقاومت را جمهوری اسلامی می‌دانند. البته این را درست فهمیده‌اند. اینجا مرکز مقاومت است. اینجا جایی است که ما اگر هیچ اقدامی هم نکنیم، هیچ حرفی هم ننیزیم، خود وجود جمهوری اسلامی به ملت‌های منطقه الهام می‌دهد. يك موجودیتی، يك هویتی که علی‌رغم همه قدرت‌های استکباری و به کوری چشم آنها این جور در این منطقه قد کشیده و روز به روز ریشه‌دارتر می‌شود؛ روز به روز قوی‌تر می‌شود. خود وجود این پیکره عظیم و پرشکوه، خار چشم استکبار است و امید دهنده به ملت‌ها.

بله، این‌جا مرکز مقاومت است؛ در این شکی نیست. دیگران هم از این‌جا الهام گرفتند، منتها برای این‌که این مقاومت را در هم بکوبند، حلقه ضعیف را اول هدف قرار دادند؛ دولت مردمی منتخب حماس در غزه. او را مظلوم گیر آوردند؛ او را دارند می‌کوبند. هر کس در دنیای اسلام، امروز قضیه غزه را يك قضیه منطقه‌ای و شخصی و محلی بداند، دچار همان خواب خرگوشی‌ای است که پدر ملت‌ها را تا حالا درآورده است. نه، این قضیه غزه، فقط قضیه غزه نیست؛ قضیه منطقه است. فعلاً آن‌جا نقطه ضعیف‌تر است، تهاجم را از آن‌جا شروع کردند و اگر موفق شدند، دست از سر منطقه بر نمی‌دارند. دولت‌های کشورهای مسلمانانی که حول و

حوش آن منطقه هستند و کمکی که باید بکنند و می‌توانند بکنند، نمی‌کنند، دارند اشتباه می‌کنند؛ اشتباه می‌کنند.

هر چه در این منطقه میخ اسرائیل بیشتر فرو برود، تسلط استکبار بیشتر بشود، بدبختی این دولت‌ها و ضعف و ذلت این دولت‌ها بیشتر خواهد شد. چرا ملتفت نیستند؟ و دولت‌ها، ملت‌ها را هم دنبال خودشان به ذلت می‌کشانند. يك دولت ذلیل و مطیع و وابسته، يك ملت را مطیع و ذلیل و وابسته می‌کند. این است که ملت‌ها باید به خود بیایند.^۱

نگاه جمهوری اسلامی به مسأله فلسطین و حل آن، نگاهی منطقی و روشن بر اساس قواعد پذیرفته شده بین المللی است و آن برگزاری همه‌پرسی برای تعیین سرنوشت مردم فلسطین به دست ساکنان این سرزمین است. مقام معظم رهبری درباره این طرح فرموده‌اند:

«راه‌حل منطقی راه‌حلی است که همه وجدان‌های بیدار دنیا و همه کسانی که به مفاهیم امروز دنیا معتقدند، ناچارند آن را قبول کنند...، راه‌حل نظرخواهی از خود مردم فلسطین؛ همه کسانی که از فلسطین آواره شده‌اند؛ البته آن‌هایی که مایلند به سرزمین فلسطین و به خانه خودشان برگردند. این یک امر منطقی است. این کسانی که در لبنان و در اردن و در کویت و در مصر و در بقیه کشورهای عربی

۱. بیانات در دیدار جمعی از مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی؛ ۱۳۸۷/۱۰/۱۹.

سرگردانند، به کشور و به خانه خودشان فلسطین برگردند و از کسانی که قبل از سال ۱۹۴۸ که سال تشکیل دولت جعلی اسرائیل است، در فلسطین بوده‌اند. چه مسلمان‌شان، چه مسیحی‌شان، چه یهودی‌شان. نظرخواهی شود. این‌ها در یک نظرخواهی عمومی، رژیم حاکم بر سرزمین فلسطین را تعیین کنند. این دموکراسی است. چطور برای همه دنیا دموکراسی خوب است، برای مردم فلسطین دموکراسی خوب نیست؟!»^۱

۱. بیانات در نماز جمعه تهران؛ ۱۳۸۱/۱/۱۶.

استکبار ستیزی و مسئولیت رفع فقر و مشکلات اقتصادی

سؤال: مادامی که امور ضروری نظیر رفع فقر و مشکلات اقتصادی و... بر عهده حاکمان است، حق ندارد به کارهایی نظیر استکبار ستیزی بپردازد که عملاً مانع عمل به تکالیف اولیه و مقدم حاکمیت می شود؟

پاسخ: تأمین نیازهای ضروری معیشت، بهداشت، آموزش، اشتغال، مسکن و امنیت و ایجاد رفاه مردم از وظایف و مسئولیت های اولیه هر حکومتی از جمله حکومت اسلامی است در عین حال مسئولیت حکومت اسلامی به این امور خلاصه نشده و حفظ اسلامیت و هویت دینی و عزت و استقلال و... نیز ضرورت و اولویتی اگر نگوییم بیشتر، هم چون ردیف با نیازهای اولیه جامعه دارد؛ زیرا ماهیت و هویت جامعه و حکومت اسلامی به آن وابسته است. از این رو برخی دوگانه سازی ها هم چون دوگانه معیشت و مقاومت و استکبار ستیزی ناشی از فهم و برداشت نادرست از حکومت اسلامی و ضرورت مسلمانی است.

ایستادگی در برابر دشمنی که هویت، عزّت، استقلال و امنیت جامعه اسلامی را نشانه رفته چیزی جز از دست دادن هویت و عزت و استقلال را به همراه نخواهد داشت و جامعه‌ای که فاقد هویت و عزت و استقلال باشد، شایسته جامعه انسانی نخواهد بود؛ اگر چه نیازهای مادی و معیشتی او تأمین شده باشد.

همان‌گونه که تأمین نیازهای ضروری مربوط به معاش مردم بر اساس مبانی عقلی و دینی لازم و ضروری است، اصل مقاومت و استکبار ستیزی نیز بر مبانی عقلی و دینی استوار است. از منظر عقلی دفاع از عزّت، آزادی، امنیت و استقلال، فارغ از هر دین و آیینی یک ضرورت و ارزش انسانی محسوب می‌گردد و عقل اجازه نمی‌دهد که انسان به دلیل زیاده‌خواهی عده‌ای، از حقوق خود محروم شود و به آن تن دهد. پذیرش زورگویی و ذلت، برخلاف کرامت و آزادی انسان است و زندگی بدون عزّت و تحت ظلم از منظر عقلی، زندگی شایسته انسانی نخواهد بود. اگر اجازه زورگویی و زیاده‌خواهی داده شود و در برابر آن ایستادگی صورت نگیرد، هویت انسانی خدشه‌دار شده و نظام انسانی از نظامی عادلانه به نظامی ظالمانه تبدیل خواهد شد.

علاوه بر مبانی عقلی، آموزه‌های دینی نیز مسلمانان را به مقابله با ظالمان و استکبار ستیزی فرا خوانده است.

در قرآن کریم یکی از ویژگی‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیروان

ایشان، ظلم‌ستیزی و برخورد شدید با دشمنان معرفی شده است:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾^۱

محمد ﷺ فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند.

دستور مقاتله با پیشوایان کفر^۲ و کسانی که به جنگ با مسلمانان می‌پردازند^۳ و نهی از رابطه با دشمنان اسلام و کسانی که در دین با مسلمانان به جنگ برخاسته‌اند^۴ بیان‌گر این اصل دینی است. عزت و کرامت مسلمانان و جامعه اسلامی در نزد خداوند تا جایی است که اجازه تسلط کافران بر مؤمنان را در هیچ عرصه‌ای نداده و می‌فرماید:

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾^۵

و خداوند هیچ گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود.

۱. سوره فتح، آیه ۲۹.

۲. ﴿فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ﴾؛ با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ چرا که آنها پیمانی ندارند. سوره توبه، آیه ۱۲.

۳. ﴿قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا﴾؛ و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد. سوره بقره، آیه ۱۹۰.

۴. ﴿إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾؛ شما را تنها از دوستی و رابطه با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد ظالم و ستمگر است. سوره ممتحنه، آیه ۹.

۵. سوره نساء، آیه ۱۴۱.

امیر مؤمنان علیه السلام یکی از دلایل پذیرفتن حکومت را مقابله با ظالمان عنوان نموده و می فرماید:

«أَمَّا وَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُقَاوُوا عَلَى كَيْفَةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعْبٍ مَظْلُومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسٍ أَوَّلِهَا»^۱

سوگند به کسی که دانه را شکافته و جانداران را آفریده است! اگر انبوه آن جماعت نمی بود یا گرد آمدن یاران حجت را بر من تمام نمی کرد و خدا از عالمان پیمان نگرفته بود که در برابر شکم بارگی ستمکاران و گرسنگی ستم کشان خاموشی نگزینند، افسار حکومت را بر گردنش می افکندم و رهایش می کردم و در پایان با آن همان می کردم که در آغاز کرده بودم.

اهمیت مقابله با ظالمان و مستکبران و حمایت از مظلومان در سیره حضرت به گونه ای است که به عنوان یکی از محورهای وصیت های ایشان مطرح شده است.^۲

تأمین نیازهای ضروری جامعه و برطرف نمودن مشکلات جامعه هیچ منافاتی با مقاومت و استکبار ستیزی نداشته و مانع رشد و پیشرفت نیست. پیشرفت ها و دستاوردهای خیره کننده در بخش های

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳.

۲. «كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ غَوْناً»؛ دشمن ظالم و حامی مظلوم باشید.

نهج البلاغه، نامه ۴۷.

مختلف علمی، پزشکی، نانو، هوا فضا، الکترونیک، صنعتی، هسته‌ای و نظامی که با وجود همه تحریم‌ها و فشارها به دست جوانان این مرز و بوم رقم خورده است و کشور ما را در این حوزه‌ها در میان چند کشور برتر دنیا قرار داده است، بیان‌گر آن است که مقاومت و استکبارستیزی عامل مشکلات کشور نیست. به ویژه آن‌که در برخی از این بخش‌ها هم‌چون حوزه دفاعی و هسته‌ای با شدیدترین تحریم‌ها و فشارها روبرو بوده‌ایم. به نظر می‌رسد مشکلات موجود کشور به دلیل برخی مشکلات ساختاری اقتصادی کشور از جمله وابستگی به نفت، فقدان خصوصی‌سازی واقعی، ساختار معیوب بودجه، مشکلات نظام مالیاتی، بانکی، گمرک، بروکراسی دست و پاگیر، فقدان شفافیت و... و ضعف برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های نادرست، ضعف مدیریت‌ها و عمل نکردن به مسئولیت‌ها و وظایف، نادیده گرفتن ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی، فقدان باورمندی لازم به ظرفیت الگوی بومی پیشرفت و نسخه‌برداری از الگوی اقتصاد لیبرال، ضعف روحیه خود باوری و جهادی و... است.

البته مقاومت در برابر زیاده‌خواهی مستکبران بی‌هزینه نیست، اما نباید تصور کرد که تنها مقاومت در برابر نظام سلطه هزینه داشته و کنار آمدن و سازش با آن هزینه‌ای ندارد. تجربه کشورهای سازش‌گر هم‌چون سرنوشت لیبی،

کشورهای عربی، ایران دوره پهلوی و... نشان از هزینه گزاف
سازش دارد که هویت و عزّت این کشورها را از بین برده
است.

چرا سازش با دشمن نه؟

سؤال: وقتی دشمن قوی است و ما توان غلبه را نداریم آیا دستور عقل و شرع صلح و سازش نیست؟

پاسخ: توجه به چند نکته چنین ذهنیتی را برطرف خواهد کرد:

۱. اگر دشمنی دشمنان مربوط به یکی از مسائل فرعی بوده که چشم‌پوشی موقت از آن به اصول و باورهای دینی ضربه وارد نمی‌سازد، صلح و سازش با دشمن از منظر عقل و شرع پذیرفته شده است، اما اگر دشمنی دشمنان معطوف به اصل اسلام و باورهای دینی بوده و پایان دشمنی و توقف فشارها آنان تنها در صورتی باشد که مسلمانان دست از اصول اسلامی خود بردارند، در این صورت کوتاه آمدن در برابر دشمنی دشمنان با وجود تحمیل فشار و افزایش آن، به هیچ وجه جایز نیست؛ زیرا حفظ اساس اسلام بر همه چیز مقدم بوده و وجود فشار و دشمنی دشمنان دلیل بر دست برداشتن از اصول و ارزش‌های دینی نمی‌شود. همان‌گونه که

مسلمانان در شعب ابی طالب فشارهای مشرکان را تحمل کردند و دست از اصل اسلام برنداشتند.

توجه به مفاد صلح حدیبیه نشان می‌دهد که در این پیمان، هیچ گونه سازش و عقب‌نشینی از اصول اساسی اسلام؛ یعنی توحید و نفی شرک صورت نگرفته است، بلکه حضرت رسول ﷺ در این قرارداد، هوشمندانه و به طور موقت، برخی امور را که جنبه فرعی داشته‌اند برای رسیدن به اهداف و مصالح مهمی هم‌چون گسترش اسلام و توحید در سراسر جزیره العرب و ریشه‌کنی شرک و کفر پذیرفت.

صلح امام حسن مجتبیٰ ﷺ با هدف حفظ اصل دین انجام گرفت. با توجه به قدرت نظامی و تبلیغاتی قدرتمند معاویه و تشتت و تزلزل در پیروان امام، در صورت جنگ، این امر به شهادت امام حسن ﷺ و امام حسین ﷺ و بسیاری از شیعیان تراز اول می‌انجامید و در پی آن، اصل اسلام در خطر نابودی قرار می‌گرفت، اما این فاجعه در شرایط صلح به وجود نمی‌آمد، خصوصاً با توجه به این که شرایط صلح را نیز امام حسن ﷺ تعیین کرد.

بنابر این، صلح و سازش با هدف حفظ اسلام اختصاص به وضعیتی دارد که اولاً؛ حفظ اسلام از راه عادی، یعنی ایستادگی و مقاومت، امکان‌پذیر نباشد و ثانیاً، شرایط به گونه‌ای باشد که این اطمینان وجود داشته باشد که سازش منجر به حفظ اسلام می‌شود، اما اگر کنار گذاشتن مقاومت و سازش منجر به خطر افتادن اسلام شود،

دشمنی امریکا و نظام سلطه با نظام جمهوری اسلامی به دلیل ماهیت اسلامی، استکبارستیزانه و استقلال طلبانه آن است و آنها به چیزی جز دست برداشتن از اصول و ارزش های اسلامی و انقلابی راضی نمی شوند و این گونه نیست که با عقب نشینی و دست برداشتن از یک مسأله مانند انرژی هسته ای و... دشمنی آنان با نظام تمام شود. از این رو شاهد بودیم که وقتی این بهانه از دست آنها خارج شد، بهانه های دیگری هم چون حقوق بشر، توان موشکی و نفوذ منطقه ای در دستور کار آنان قرار گرفت.

این مصداق همان کلام الهی است که:

﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾^۱

هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد مگر آن که پیروی از آیین آنها کنی. بگو: راهی که خدا بنماید به یقین راه حق تنها همان است؛ و البته اگر از میل و خواهش آنها پیروی کنی بعد از آن که طریق حق را دریافتی، دیگر از سوی خدا یار و یابوری نخواهی داشت.

با وجود آن که پایان دشمنی دشمنان اسلام، دست برداشتن مسلمانان از اسلام است، آیا مسلمانان به استناد

۱. سوره بقره، آیه ۱۲۰.

دشمنی و فشار دشمنان می‌توانند دست از دین و باورهای دینی خود بردارند؟ به راستی اگر مسلمانان در صدر اسلام و در شعب ابی طالب به بهانه فشار و سختی دست از مقاومت و ایستادگی خود برداشته و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را رها می‌کردند، چیزی از اسلام باقی می‌ماند و اسلامی به دست ما می‌رسید؟! ایستادگی در برابر دشمنی که اصرار به ادامه دشمنی داشته و به چیزی جز دست برداشتن از اصول و ارزش‌های اسلامی راضی نمی‌شود، مصداق عزتمندی و ایستادگی برای حفظ ارزش‌هاست و کنار نهادن مقاومت عامل ضربه خوردن به اصول ارزشی خواهد بود.

۲. گرچه مقاومت و ایستادگی در برابر سلطه هزینه دارد، اما

اولاً؛ نباید تصور کرد که تنها مقاومت در برابر نظام سلطه هزینه دارد و کنار آمدن و سازش با آن هزینه‌ای نداشته و با سازش با دشمنان مشکلات و فشارها از بین خواهد رفت. تجربه کشورهای سازش‌گر هم‌چون سرنوشت لیبی، کشورهای عربی، ایران دوره پهلوی و... نشان از هزینه گزاف سازش دارد که هویت و عزّت این کشورها را از بین برده و آنان را تا حافظ منافع آنان و گاو شیرده تنزل خواهد داد.

ثانیاً؛ تمامی مشکلات کشور به دلیل مقاومت و ایستادگی در برابر نظام سلطه نیست، بلکه عمل نکردن به مسئولیت‌ها و وظایف، نادیده گرفتن ظرفیت‌های و

توانمندی‌های بومی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های نادرست، ضعف مدیریت‌ها، ضعف روحیه خودباوری و جهادی، سستی و وادادگی و... عمده مشکلات کنونی کشور را رقم زده است.

اگر به راستی استکبار ستیزی عامل مشکلات کشور است، دستاوردهای خیره‌کننده در بخش‌های مختلف علمی، پزشکی، نانو، هوا فضا، الکترونیک، صنعتی، هسته‌ای و نظامی که با وجود همه تحریم‌ها و فشارها به دست جوانان این مرز و بوم رقم خورده است و کشور ما را در این حوزه‌ها در میان چند کشور برتر دنیا قرار داده است، چگونه به دست آمده است؟ در بخش‌هایی که به طور خاص بیشترین فشارها و تحریم‌ها وجود داشته است، مانند هسته‌ای و دفاعی، بیشترین دستاوردها به دست آمده است و این مسأله بیان‌گر این حقیقت است که مقاومت تنها هزینه‌مند نبوده و منشأ اقتدار، پویایی و تحرک و پیشرفت است.

انقلاب اسلامی عامل تنش‌زایی

سؤال: انقلاب اسلامی موجب تنش با سایر کشورها و برانگیختن دشمنی‌ها با آن شده است؟

پاسخ: انقلاب اسلامی از همان آغاز با دشمنی نظام سلطه به رهبری امریکا و تلاش‌های خبیثانه آن مواجه گردید. در واکاوی چرایی این دشمنی پایان‌ناپذیر نظام سلطه با انقلاب اسلامی، برخی انگشت اتهام را متوجه انقلاب اسلامی نموده و اتخاذ برخی مواضع و عملکردهای نظام را عامل بروز این دشمنی معرفی نموده و به نوعی انقلاب اسلامی را مقصر شکل‌گیری این دشمنی‌ها جلوه داده و دانسته یا نادانسته به توجیه اقدامات نظام سلطه پرداخته‌اند.

این گونه تحلیل‌ها و برداشت‌ها ناشی از درس نیاموختن از تاریخ، عدم درک ماهیت نظام سلطه و نافهمی ریشه اصلی دشمنی آنها با کشور ما و انقلاب اسلامی است. توجه به چند نکته نادرستی این گونه برداشت‌ها را اثبات می‌کند:

۱. بررسی رفتارهای خصمانه امریکا در تاریخ معاصر

کشورمان به خوبی بیان‌گر آن است که دشمنی آمریکا با کشور ما به سالیان بسیار قبل از شکل‌گیری انقلاب اسلامی باز می‌گردد. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ توسط آمریکا زمانی در این کشور اجرا شد که انقلابی مطرح نبود. «کرمیت روزولت» از مقامات برجسته سیا که مجری این کودتا بود، چنین اعتراف می‌کند: «کودتای ایران نخستین عملیات مخفی علیه یک دولت خارجی بود که به وسیله سیا در ماه‌های آخر حکومت ترومن تنظیم شده بود.»^۱

امریکا حتی در روزگاری که حکومت وابسته آنان در کشور ما بر سر کار بود، با تحمیل قانون استعماری کاپیتولاسیون، زیاده‌خواهی و خوی سلطه‌جویانه خود را با ارایه چنین طرحی آشکار نمود و نشان داد که برای عزّت و استقلال مردم این مرز و بوم ارزشی قائل نیست.

«کوایلر یانگ» استاد دانشگاه پرینستون آمریکا معتقد است: «کاپیتولاسیون اشتباه فجیعی برای منافع آمریکا در ایران بود و این قانون سنگین به عنوان نشانه فاحش امپریالیسم تفسیر می‌شد، با این همه ما برای اجرای آن پافشاری کردیم.»^۲

۱. مدنی، سید جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۵۱۵.

۲. بیل، جیمز، عقاب و شیر، تراژدی روابط ایران و آمریکا، ترجمه مهوش غلامی، تهران: کوبه، ۱۳۷۱، ص ۲۵۸.

با وجود چنین رفتارهایی چگونه می‌توان انقلاب اسلامی را آغازگر دشمنی امریکا علیه کشورمان دانست؟ آیا در آن زمان، کشور ما به دنبال تنش‌زایی بود یا در جست‌وجوی خدمت منافع آنان بود که شاهد چنین رویکرد خصمانه و مداخله‌جویانه‌ای علیه کشورمان بودیم؟

در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی امریکایی‌ها برای جلوگیری از انقلاب اسلامی ژانرال‌هایزر را برای انجام کودتا پس از فرار شاه از کشور به ایران اعزام کرد تا کودتایی هم‌چون کودتای ۲۸ مرداد را بار دیگر رقم بزند. «برژینسکی» به صراحت می‌گوید: طرح امریکا از اعزام‌هایزر، انجام یک کودتای خونین به فاصله کوتاهی پس از خروج محمدرضا پهلوی از ایران بود.^۱

«هایزر» خود درباره مأموریتش می‌نویسد: «وظیفه اصلی من در این مأموریت، به کار بردن همه تلاش‌هایم جهت امکان دادن به دولت بختیار یا هر دولت غیر نظامی دیگری که با غرب سرسازگاری داشته باشد، بود.»^۲

انقلاب اسلامی آغازگر تنش نبود و این نظام سلطه بود که از همان آغاز به توطئه و دشمنی و مقابله با انقلاب اسلامی پرداخت. مگر مردم ایران در آن زمان چه خواسته‌ای داشتند،

۱. برژینسکی، زیگنیو، اسرار سقوط شاه، ترجمه حمید احمدی، تهران: جامی، ۱۳۶۲، ص ۱۰۳.

۲. هایزر، رابرت، مأموریت در تهران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳، ص ۶.

آیا به جز پایان دادن به تحقیر و ذلت و بازیابی استقلال و عزّت پایمال شده خود؟ گناه جمهوری اسلامی از نظر امریکا این بود که زیر بار سلطه نرفته و حاضر به پذیرش زیاده خواهی آن نبود.

«مارتین ایندایک» معاون خاورمیانه ای وقت وزارت خارجه امریکا با اشاره به ناهم خوانی سیاست های جمهوری اسلامی با ایالت متحده، گستاخانه تأکید می کند که مجازات و تنبیه انقلاب اسلامی درس عبرتی برای کشورهای خواهد بود که در مسیر استقلال و رهایی از رهبری امریکا گام بر می دارند.^۱

واقعیت آن است که گناه جمهوری اسلامی قرار گرفتن در منطقه پر اهمیت و راهبردی خاورمیانه است که عمده ترین مرکز انرژی جهان محسوب می گردد و برخورداری از منابع سرشار همواره یکی از عوامل دست اندازی و تلاش برای تسلط بر کشور ما بوده است. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، امریکا حاکم بلامنازع منطقه خاورمیانه بود و ایران به عنوان مهم ترین و قوی ترین متحد استراتژیک امریکا در خاورمیانه و خلیج فارس محسوب می گردید، اما انقلاب اسلامی منافع غرب و به ویژه امریکا را در منطقه استراتژیک خاورمیانه به خطر انداخته است و دست آنان را از این منابع کوتاه کرد و همین یکی از عوامل دشمنی با آن گردید.

«برژینسکی»، نظریه پرداز مشهور آمریکایی می گوید:

۱. روزنامه کیهان، ۷۸/۷۲۶.

«تجدید حیات اسلام بنیادگرا در سراسر منطقه با سقوط شاه و تشنجات ناشی از ایران (امام) خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ یک مخاطره مستمر برای منافع ما در منطقه‌ای که حیات جهان غرب کاملاً به آن وابسته است ایجاد کرده است.»^۱

همان گونه که مقام معظم رهبری فرمودند:

«بعضی خیال می‌کنند دشمنی‌هایی که با ما می‌شود به خاطر این است که ما ستیزه‌گری کرده‌ایم؛ ما دائماً انگشت در چشم اینها کرده‌ایم، [لذا] اینها از این جهت با ما دشمنی می‌کنند؛ نه، این هم خیال غلطی است، تصور غلطی است...، ما شروع نکردیم، آنها شروع کردند؛ آنها از همان اول شروع کردند؛ با بدگویی، با تحریم، با طلب‌کاری، با پناه دادن به دشمن ملت ایران؛ شروع کننده آنها بودند. وانگهی فقط امریکا که نیست، کشورهای دیگر [هم هستند]؛ حالا مثلاً فرض بفرمایید جمهوری اسلامی نسبت به فرانسه چه ستیزه‌گری‌ای کرده؟ کشور فرانسه چون امام مدتی در آن جا بود، حتی مورد تمجید نیروهای انقلابی هم بود اما خب می‌بینید که چه کار می‌کنند...، در قضیه هسته‌ای بدترین موضع را فرانسوی‌ها [گرفتند]، ما با فرانسوی‌ها چه کار کرده بودیم؟ ستیزه‌گری کرده بودیم؟ حالا یک کشور کوچکی مثل هلند مثلاً؛ در هر قضیه‌ای که شما نگاه کنید از قضایایی

۱. داودی، محسن، ستیز غرب با آنچه بنیادگرایی اسلامی می‌نامد، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۸، ص ۸۰.

که پای جمهوری اسلامی به میان است، در آن لیست و فهرست دشمن‌ها، یکی‌اش هلند است! حالا ما با هلند چه کار داشتیم؟ چه ستیزه‌گری‌ای؟ کشور کوچکی که در گوشه اروپا افتاده [است]. بحث این نیست که ما با آنها دشمنی و ستیزه‌گری کردیم. مثلاً فرض بفرمایید کانادا روابطش را با ما قطع کرد. ما با کانادا دشمنی کرده بودیم؟ ستیزه‌گری کرده بودیم؟ قضیه این نیست، قضیه چیز دیگری است. ما خودمان را نباید فریب بدهیم و بگوییم «آقا، ما دشمنی نکنیم تا آنها دشمنی نکنند»؛ نه، انگیزه‌های دیگری وجود دارد؛ مسائل دیگری پشت پرده است.^۱

با توجه به این پیشینه روشن، جایی برای مقصر جلوه دادن انقلاب اسلامی در بروز دشمنی نظام سلطه با آن باقی نمی‌ماند و فروکاست دشمنی نظام سلطه با انقلاب اسلامی به مواضع و رفتار انقلاب اسلامی، تحلیلی نادرست و ناشی از ناهمی از تاریخ معاصر کشور است.

۲. اصل موجودیت اسلام ناب، استقلال طلبانه، عدالت‌خواهانه، سلطه‌ستیزانه و حمایت‌گرایانه انقلاب اسلامی، بنیان‌های تفکر و فرهنگ مادی و سکولار نظام سلطه را به چالش کشیده و این هویت برای نظام سلطه قابل تحمل نبوده و همین عامل اصلی دشمنی و مقابله با آن بوده است. انقلاب اسلامی تنها با ترسیم اهداف و ماهیت آن

۱. بیانات دردیدار مسئولان نظام؛ ۱۳۹۵/۳/۲۵.

خود، دشمنی نظام سلطه را به همراه داشته است.

این‌که برخی مدعی‌اند که انقلاب اسلامی نباید در همان آغاز کار با شعار صدور انقلاب و برخی مواضع تنش‌زایی می‌کرد و باید با الگوگیری از مدیریت تنش اهل بیت علیهم‌السلام به تنش‌زدایی می‌پرداخت، ناشی از درک نکردن ماهیت نظام سلطه و انقلاب اسلامی است. اصل انقلاب اسلامی از نظر نظام سلطه یعنی چالش برای مبانی و تفکر آنان و تنش برای منافع آنها.

«ریچارد مورفی»، معاون پیشین وزیر خارجه آمریکا در گزارشی خطاب به نمایندگان کنگره آمریکا اظهار داشت: «اولویت‌های آمریکا مبتنی بر حفظ جریان آزاد نفت از خلیج فارس، مهار کردن نفوذ روسیه و جلوگیری از رادیکالیسم اسلامی است. پدیده انقلاب اسلامی ایران دیگر تنها یک مسأله استراتژیک متعارف نیست، مسأله امواجی است که این انقلاب پدید آورده و بنیادهای تمدن معاصر کاپیتالیستی و سوسیالیستی غرب را به لرزه انداخته است.»^۱

تنش‌زدایی مربوط به جایی است که یک رفتار یا عملکرد، موجب ایجاد تنش شده باشد که با گفت‌وگو و مذاکره قابل حل باشد، اما آنچه موجب تنش نظام سلطه با انقلاب اسلامی است، موجودیت و ذات آن است نه یک موضع‌گیری

۱. واعظی، حسن، ایران و آمریکا، تهران: سروش، ۱۳۷۹، ص ۳۱۴.

یا رفتار خاص. از این رو شاهد بودیم که با وجود کوتاه آمدن جمهوری اسلامی در زمینه هسته‌ای و مذاکره با آنها و امضای برجام، وقتی این بهانه از دست آنها خارج شد، بهانه‌های دیگری هم چون حقوق بشر، توان موشکی و نفوذ منطقه‌ای در دستور کار آنان قرار گرفت و ثابت کرد که دشمنی استکبار با نظام جمهوری اسلامی، یک دشمنی سطحی و ظاهری نبوده و ریشه در ماهیت استکباری، سلطه‌جویانه و هژمونی‌طلبی آن و ماهیت اسلامی، استقلال‌طلبانه، حق‌طلبانه، سلطه‌ستیزانه و حمایت‌گرانه جمهوری اسلامی دارد. این دشمنی یادآور این کلام الهی است:

﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنَّ آتِبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾^۱

هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد مگر آن‌که پیروی از آیین آنها کنی. بگو: راهی که خدا بنماید به یقین راه حق تنها همان است؛ و البته اگر از میل و خواهش آنها پیروی کنی بعد از آن‌که طریق حق را دریافتی، دیگر از سوی خدا یار و یآوری نخواهی داشت.

﴿وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا﴾^۲

۱. سوره بقره، آیه ۱۲۰.

۲. سوره بقره، آیه ۲۱۷.

و آنان پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دین‌تان برگردانند.

تنش‌زدایی با چنین نظامی که نقطه مشترکی وجود ندارد، معنایی جز کوتاه آمدن از اصول و آرمان‌های انقلابی نخواهد داشت؟ آیا در سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام جایی برای تنش‌زدایی با حاکمان ظالم از ارزش‌ها و اصول اسلامی صرف‌نظر کرده‌اند؟

مقام معظم رهبری نیز در پاسخ به تفکری که کنار آمدن با امریکا را ممکن می‌داند، تصریح فرمودند:

«یک تصور غلطی در این‌جا وجود دارد و آن این است که «ما با امریکا می‌توانیم کنار بیاییم؛ خب این تصور، تصور درستی نیست. ما نمی‌توانیم به توهّم تکیه کنیم، باید به واقعیت‌ها تکیه کنیم. اولاً همان‌طور که گفتیم، از لحاظ منطقی، نظامی مثل جمهوری اسلامی ایران هرگز مورد محبت و ملاطفت نظامی مثل امریکا قرار نمی‌گیرد؛ امکان ندارد. ثانیاً رفتارهایشان؛ از پنجاه سال پیش، شصت سال پیش، از بیست‌وهشتم مرداد، بعد از آن در دوران رژیم طاغوت، بعدش از اول انقلاب تا امروز، شما نگاه کنید ببینید رفتار امریکا با ما چگونه بوده.

در رژیم طاغوت، امریکا به عنوان یک ثروت نگاه می‌کرد به رژیم پهلوی، در عین حال ضرباتی که در همان دوران از

سوی امریکا به ایران وارد شده ضربات کاری و مؤثری است که کسانی که با تاریخ آشنایند، با زندگی آن دوران آشنایند، کاملاً این را می‌فهمند و تصدیق می‌کنند؛ بعد از انقلاب هم که خب معلوم است؛ از روز اول شروع کردند به خباثت و عناد و تا امروز هم ادامه دارد؛ [پس] بحث سوء تفاهم نیست. یک وقت بین دو دولت سوء تفاهم هست، خب با مذاکره حل می‌شود؛ یک وقت اختلاف سربیک منطقه ارضی است...، خب این را با مذاکره می‌توانند حل کنند...، این جا مسئله اصل موجودیت جمهوری اسلامی است و با مذاکره حل نمی‌شود، با رابطه حل نمی‌شود؛ این تصور تصور درستی نیست. آنچه قدرت و استقلال و پیشرفت ناشی از اسلام و منطبق با اسلام در دنیا به عنوان یک پدیده به وجود آورده، برای استکبار ـ مظهر استکبار، امریکا است ـ قابل قبول نیست؛ این یک تصور غلطی است که ما خیال کنیم حالا می‌شود بنشینیم با امریکایی‌ها، بگوییم آقا بیا یک جوری با هم دیگر مصالحه کنیم. مصالحه به این است که شما از حرف‌های خودتان بگذرید. من دو سه سال قبل از این در اوایل این قضیه مذاکرات هسته‌ای، گفتم امریکایی‌ها از همین الآن به ما بگویند اگر جمهوری اسلامی تا کجا عقب‌نشینی کند، آنها دیگر دشمنی نمی‌کنند؛ این را بگویند. اگر مسئله هسته‌ای حل شد، دیگر قضیه تمام است؟ خب حالا قضیه هسته‌ای حل شده، ببینید تمام

است قضیه؟ قضیه موشک‌ها پیش آمد؛ قضیه موشک‌ها حل بشود، قضیه حقوق بشر است؛ قضیه حقوق بشر حل بشود، قضیه شورای نگهبان است؛ قضیه شورای نگهبان حل بشود، قضیه اصل رهبری و ولایت فقیه است؛ قضیه ولایت فقیه حل بشود، قضیه اصل قانون اساسی و حاکمیت اسلام است؛ اینها است، دعوا سر چیزهای جزئی نیست. بنابراین این تصور، تصور غلطی است.»^۱

۳. مگر نظام جمهوری اسلامی در برهه‌های مختلف سیاست تنش‌زدایی را به عنوان راهبرد سیاست خارجی خود قرار نداد، اما برخورد نظام سلطه با آن چه بود و چه نتیجه‌ای به دنبال داشت؟ جز آن‌که در دادگاه ساختگی در آلمان بر علیه مقامات بلند پایه کشور پرونده‌سازی نموده و اتهام‌زنی کردند و یادر همان زمان کشورمان به عنوان محور شرارت نامیده شد؟ این رفتارها بیان‌گر آن است که نظام سلطه باز یاده خواهی خود تنها به دنبال براندازی نظام یا تهی کردن آن از هویت انقلابی و سلطه‌ستیزی است و به چیزی کمتر از آن راضی نخواهد شد.

۴. انقلاب اسلامی نمی‌تواند اهداف و آرمان‌های خود را بازگو نکند تا به ابر قدرت‌ها بر نخورد. مخفی نگاه داشتن آرمان‌ها از روی ترس و هراس از دشمن به عقب‌نشینی و تجدید نظر در آنها خواهد انجامید. نام این تنش‌زدایی نیست، تهی شدن

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام؛ ۱۳۹۵/۳/۲۵.

انقلاب از هویت اصیل اسلامی و استحاله تدریجی آن است. از این جهت مقام معظم رهبری در واکنش به نگاهی که مواضع و رفتار کشور ما را عامل بروز دشمنی دانسته، فرمودند:

«شنیدم در گوشه و کنار بعضی از افراد بهانه‌گیر، بی‌خودی می‌گویند که چرا باید جمهوری اسلامی کاری کند که به او حمله کنند! ما واقعاً کاری نکرده بودیم. گناه کبیره ما (!) این بود که رژیم استبدادی سلطنت را سرنگون کرده بودیم، بعد هم نخواستیم وابسته شویم.... بنابر این، ما گناهی نکرده بودیم که بگوییم به خاطر گناه ما بود که عراق به ما حمله کرد؛ بلکه به خاطر این که یک حکومت اسلامی بود، یک حکومت مستقل بود و موج بیداری در دنیای اسلام پیچید. در خود عراق؛ در کشورهای عربی، در کشورهای اسلامی. همه اینها احساس کردند که وقتی بیداری اسلامی آمد، ممکن است دامن آنها را هم بگیرد؛ لذا متحد شدند.»^۱

۵. انقلاب اسلامی ترسی از بیان آرمان‌ها و اهداف خود نداشته و آنها را با شجاعت اعلام کرد و امروز با وجود همه دشمنی‌ها و فشارها و تحریم‌ها و کارشکنی‌ها، دشمنان به قدرت و نفوذ انقلاب اسلامی معترف‌اند. ناکام گذاشتن طرح خاورمیانه جدید امریکا و خواب شومی که برای منطقه دیده بودند با صرف هزینه بیش از هفت تریلیون و ایجاد گروه

۱. بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی؛ ۱۳۷۷/۴/۱۲.

تروریستی و جنایت‌کار داعش دست ساخته آنان و ناتوانی و درماندگی رژیم صهیونیستی با همه ادعاهای خود در برابر محور مقاومت و شکست غیر قابل ترمیم آن پس از طوفان الاقصی و مقاومت مثال زدنی مردم غزه، نمایش گوشه‌ای از اقتدار جمهوری اسلامی و محور مقاومت در منطقه است.

موفقیت‌ها و دستاوردهای خیره‌کننده علمی در بخش‌های مختلف با وجود همه تحریم‌ها و قرار گرفتن کشورمان در میان چند کشور برتر دارنده فناوری‌های نوین در جهان نشان از ظرفیت و اقتدار علمی کشورمان داشته و حضور پرصلابت مردم با وجود همه مشکلات و کاستی‌ها در دفاع از نظام اقتدار و پشتوانه مردمی نظام را به رخ دشمنان کشیده است.

پیشرفت کشورهای که با امریکا کنار آمدند

سؤال: چرا کشورهای که با آمریکا صلح کرده‌اند در امنیت و رفاه بیشتر از ایران به سر می‌برند؟

پاسخ: این که گفته شده است کشورهایی که با امریکا در ارتباط بوده‌اند از رفاه، توسعه و امنیت بیشتری برخوردار هستند، ادعایی نادرست است؛ زیرا اولاً؛ اگر هم توسعه‌ای در کار بوده باشد نمی‌توان به طور کلی آن را معلول ارتباط با امریکا دانست. ثانیاً؛ آمارها نشان می‌دهد در همان حال که برخی از کشورهای مرتبط با امریکا به لحاظ اقتصادی توسعه داشته‌اند کشورهای فراوانی در دنیا وجود دارند که نه تنها به هیچ توسعه‌ای نرسیده‌اند بلکه عملاً چنان ساختارهای سیاسی اجتماعی آنها توسط مقوله امپریالیسم تحت تأثیر قرار گرفته است که امکان رشد و توسعه اقتصادی آنها در کوتاه مدت و حتی دراز مدت وجود ندارد و هر از چند گاهی کشورهای به اصطلاح پیشرفته و سرمایه‌دار جهان با تشکیل اجلاس‌هایی به منظور ابراز هم‌دردی با این کشورها

در واقع با دادن صدقه به آنها تلاش می‌کنند از سویی خود را خیرخواه این کشورها نشان دهند و هم از بیدار شدن این کشورها و دریافت این نکته که عامل بیچارگی آنها کشورهای امپریالیستی هم‌چون امریکا و سایر کشورهای غربی می‌باشد جلوگیری کنند؛ چرا که غربی‌ها خود می‌دانند که به عنوان مثال آفریقایی که سرشار از معادن مختلف بوده است تنها و تنها در اثر غارت و چپاول این کشورها به قاره‌ای تبدیل شده است که فقر در آن بیداد می‌کند.

توسعه‌ای که در بسیاری از کشورهای به اصطلاح در حال توسعه وجود دارد توسعه‌ای است از نوع توسعه وابسته. چنین توسعه‌ای سه ضعف مهم دارد:

نخست این‌که باعث از بین رفتن استقلال کشور در تصمیم‌گیری‌های خود می‌شود به گونه‌ای که حتی قادر به تصمیم‌گیری مستقل در امور داخلی خود نیز نمی‌باشد. «رائول پربیش» اقتصاددان آرژانتین که در زمینه مسائل اقتصادی کشورهای جهان سوم و به ویژه کشورهای امریکای لاتین تحقیق نموده و وابستگی جهان سوم را در روابط وابستگی این کشورها به کشورها به کشورهای توسعه یافته می‌داند معتقد است: «منظور من از وابستگی آن‌گونه روابط میان مرکز و پیرامون است که به واسطه آن یک کشور نه تنها در زمینه مسائل اقتصادی، در زمینه مسائل سیاسی و استراتژی‌های سیاست داخلی و خارجی خود نیز

تابع تصمیمات مرکز می‌گردد و نتیجه آن می‌شود که به دلیل فشارهای خارجی آن کشور نمی‌تواند به طور مستقل درباره آنچه که باید انجام دهد یا انجام دادن آن را ترک گوید تصمیم بگیرد.»^۱

امروزه با نگاهی به برخی تصمیم‌گیری‌های عجیب برخی کشورهای دنیا در زمینه‌های مختلف می‌توان به میزان تأثیر این وابستگی‌ها پی برد به عنوان مثال ریشه‌های رأی مثبت کره جنوبی به رأی شورای امنیت سازمان ملل متحد بر علیه ایران را در این واقعیت می‌توان جستجو کرد که وابستگی‌های اقتصادی و توسعه‌ای این کشور و مانند آن‌چنان ساختارهای آن را تحت تأثیر قرار داده است که توان هر گونه اراده‌ای خارج از اراده کشور مرکز را امکان‌پذیر نمی‌سازد.

اشکال دوم توسعه وابسته این است که به محض کوچک‌ترین تحول در کشورهای مرکز کل کشورهای وابسته نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد و حتی آثار منفی این تحولات بیش از کشورهای مرکز، کشورهای وابسته را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ چرا که کشورهای مرکز با توجه به قدرت اقتصادی که دارند از طریق طرح‌های مختلف از قبیل تزریق پول به بخش‌های مختلف صنعتی و... تا حدودی می‌توانند جبران

۱. چیلکوت رونالد اچ، درآمدی بر مسائل اقتصادی کشورهای جهان سوم، نظریه‌های توسعه و توسعه نیافتگی، ترجمه و تلخیص احمد ساعی، تهران: علوم نوین، ۱۳۷۵، ص ۲۴۰.

مافات نمایند، در حالی که کشورهای پیرامون که توسعه نیم‌بند دارند فاقد چنین ابزارهای حمایتی هستند و سرانجام در آتشی که دیگری آن را افروخته و خود دخالتی در آن ندارند می‌سوزند. در حالی که کشورهایی که الگوی توسعه بومی را در پیش گرفته‌اند از قبیل جمهوری اسلامی ایران کمتر آسیب می‌بینند.

نمونه بارز آن بحران اقتصادی اخیر جهانی می‌باشد که دامن تمام نقاط جهان را گرفته است و با وجود این که آغاز بحران از امریکا بوده است، اما دامنه آن کشورهای به ظاهر توسعه یافته‌ای که به نوعی با این کشورها در ارتباط بوده‌اند هم چون کشورهای آسیای شرقی و جنوب شرقی را نیز گرفته است و حتی کشورهای ثروتمند عربی را هم تحت تأثیر قرار داده است در حالی که جمهوری اسلامی ایران دچار تأثیر منفی چندانی از این بحران‌های اقتصادی نشد.

اشکال سومی که توسعه وابسته دارد این است که در آن هیچ تضمینی برای توسعه وجود نداشته و حتی سیاست‌های دیکته شده از جانب کشورها و نهادهایی که این کشور به آنها وابسته شده است تا توسعه یابد ممکن است کشور را به سمتی سوق دهد که فاجعه اتفاق بیفتد. نمونه این کشورها آرژانتین می‌باشد که توسعه‌ای از نوع توسعه وابسته داشته و نتیجه آن بحران‌های فراوان اقتصادی و اجتماعی در این کشور شده است به گونه‌ای

که تا چند سال پیش کمتر رئیس جمهوری توان داشت که بیشتر از یک هفته دوام بیاورد.

یکی از علل به وجود آمدن این شرایط به این دلیل بود که این کشور ده سال پیش برای حل مشکلات اقتصادی خود دست به دامن صندوق بین المللی پول شد. در آن زمان یکی از شرایط برخورداری از تسهیلات صندوق، پذیرش طرح‌های «لیبرالی نوین» یا نئولیبرال صندوق بین المللی پول بود. در این روند بوئنوس آیرس با بیش از ۵۵ میلیارد دلار بدهی در زمره بدهکارترین کشورهای جهان قرار گرفت. هم‌اکنون دو میلیون و سیصد هزار نفر از مردم آن کشور زیر خط فقر به سر می‌برند. با حمایت قدرت‌های ملی عضو صندوق هم‌چون ایالات متحده امریکا آرژانتین در قبال پذیرش برنامه‌های صندوق بین المللی پول از تسهیلات آن برخوردار گردید. با این خوش‌بینی که در آینده مشکلات کشور را کمتر نماید. اما آنچه عاید آمد مشکلات غیر قابل تصور تازه بود. به عبارتی این کشور ده سال پس از اتخاذ سیاست توسعه وابسته دارای بدهی به رقم خطرناک ۱۴۰ میلیارد دلار گردید. به گونه‌ای که پیش‌بینی می‌شود تا هنگام اجرای برنامه‌های تازه رئیس‌جمهور جدید در دو سال آینده مجموع بدهی‌ها نسبت به ده سال پیش به سه برابر افزایش یابد. از سوی دیگر جمعیت زیر خط فقر آرژانتین در مقایسه با ده سال پیش به بیش از ۶ برابر افزایش یافته است به گونه‌ای که اکنون بیش از ۱۴

میلیون نفر از مردم که راه توسعه تازه به نام آنها آغاز شده بود در زیر خط فقر قرار گرفتند.^۱

بنابر این امروزه لازم است که هر کشوری اگر هم قصد توسعه‌ای دارد خود به توسعه بومی بیاندیشد به ویژه که امروزه بر خلاف آنچه برخی آمارها نشان می‌دهد ایده‌های سرمایه‌داری در حال فروپاشی می‌باشد و با این روند کشورهای توسعه یافته دارای توسعه وابسته نیز بیش از خود کشورهای توسعه یافته در معرض خطر هستند. در ادامه، نگاهی به برخی از کشورهای به ظاهر توسعه یافته یا در حال توسعه دنیا می‌افکنیم تا میزان ارتباط توسعه این کشورها با مساله ارتباط با امریکا به طور خاص و توسعه مدل غربی به طور عام مشخص‌تر شود.

- در برخی از این کشورها اگر چه ظاهراً توسعه یافتگی وجود دارد، اما در مجموع مردم این کشورها از توسعه مطلوب برخوردار نشده‌اند. نمونه بارز این کشورها را می‌توان از برزیل نام برد که در واقع جولانگاه شرکت‌های فراملی بوده و در نتیجه در اثر فعالیت‌های اقتصادی این شرکت‌ها در مجموع شاخص‌های توسعه اقتصادی این کشور بسیار بالا رفته است، اما در محاسبه آثار توسعه بر مردم این کشور شاهد آن هستیم که مردم این کشور کمترین بهره را از این

۱. آمریکا دنیا را به کدام سو می‌برد؟، بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب‌شناسی، تهران: سروش، ۱۳۸۴، ص ۱۰۴.

نوع توسعه داشته‌اند، به گونه‌ای که در مجموع می‌توان گفت تنها از محدوده جغرافیایی و ثروت‌های خدادی این کشور برای توسعه شرکت‌های فراملیتی سوء استفاده شده است و مردم آن کمترین بهره را برده‌اند. برزیل مصداق بارز پدیده «فقر روستایی در عین وفور نعمات» است. این کشور دارای بخش کشاورزی بسیار مولدی می‌باشد. در برزیل شرکت‌های چند ملیتی و سرمایه‌داری مهار نشده به عنوان عامل دگرگونی اقتصاد روستایی به کار گرفته شده است. هر چند در این کشور با اقدامات وسیع، بخش کشاورزی و استخراج معادن توسعه یافت، لیکن سود حاصل از آن، تنها متعلق به چند شرکت بزرگ بود.

علی‌رغم اهداف اصلی برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی که عمدتاً ناظر بر توسعه بخش‌های داخلی و تحرک سکونت‌گاه‌های کشور بود اجرای این سیاست‌ها نتوانست از توسعه شهرهای بزرگ جلوگیری کند و سیستم سکونت‌گاه‌های کشور را متعادل سازد. رشد اقتصادی برزیل افزایش یافته است، اما سیاست توزیع درآمدها و ثروت‌ها، سبب توسعه اجتماعی و اقتصادی کل جامعه نگردید. به عبارت دیگر فعالیت‌های اقتصادی و برنامه‌ریزی‌ها نه تنها فقر جامعه را از میان نبرد بلکه محیط زیست را آلوده ساخت و جمعیت، سیستم سکونت‌گاهی و تمرکززدایی تعادل ضروری و مورد نظر را باز نیافت.

مدل توسعه برزیل «مدل رشد» بر اساس «شیوه توسعه وابسته» ای است که مشخصه آن اجتماع و اتفاق سه‌گانه سرمایه‌های بین‌المللی، دولتی و محلی می‌باشد. این شرکاء دارای منافع مشترک در افزایش و انباشت سرمایه و در زیر سلطه گرفتن مردم هستند. توسعه برزیل با اقتصاد سرمایه‌داری جهانی در آمیخته و مطالعات موجود تأثیرات روند توسعه مذکور بر مردم را به وضوح بیان می‌کند و کاملاً روشن است که مدل توسعه برزیل ذاتاً و اصولاً در رفع نیازهای مردم ناتوان است؛ زیرا فاقد دو عامل اصلی توسعه پایدار انسانی یعنی توزیع و مشارکت می‌باشد.

تلاش‌هایی که در جهت رسیدگی به مردم و رفع فقر و محرومیت در این کشور انجام شده است، در سایه برنامه‌های اقتصادی دولت ضد غرب‌گرای لولا داسیلوا انجام می‌شود.

«رائول ییچی»، تحلیل‌گر امور بین‌الملل، مدرس دانشگاه و محقق مطرح در کشور اروگوئه ضمن مقاله‌ای به این قدرت برزیل و تأثیر خلأ آمریکا در این قدرت‌یابی برزیل چنین اشاره می‌نماید: «خلأ قدرتی که بر اثر زوال نفوذ ایالات متحده در آمریکای جنوبی به وجود آمده، توسط یک قدرت نوظهور جهانی و محلی پر شده است. این قدرت محلی خواستار آن است که به یک بازیگر جهانی تبدیل شود. تا همین دهه ۱۹۹۰، برخی کشورهای اروپایی، اسپانیا و فرانسه بودند که در

امریکای جنوبی از همه فعال تر بودند و شرکت های دولتی خصوصی شده را می خریدند. اخیراً نیز چین سعی کرده است وارد این خلأ اقتصادی شده و از این منطقه نفت و گاز وارد کند و در معادن منطقه نیز سرمایه گذاری نماید.»^۱

- توسعه برخی از کشورهای توسعه یافته نیز اساساً ارتباطی با ارتباط با امریکا ندارد که از آن جمله می توان به ژاپن اشاره کرد که اگر چه بعد از جنگ جهانی دوم تبدیل به یکی از متحدان امریکا شده است، اما توسعه این کشور مرهون عوامل دیگری غیر از ارتباط با امریکا بوده و بیشتر بر زمینه های داخلی از جمله فرهنگ کار و توسعه، ویژگی های فرهنگی ژاپنی ها، شکل گیری ساختارها و نهادهای لازم برای توسعه و رفع موانع توسعه و مدیریت صحیح (منابع، بحران ها و فرصت ها) متکی بوده است تا مسائل فرا ملی.^۲

ضمن آن که پیشرفت کشور ژاپن و کشورهای همانند آن به دلیل وابستگی به الگوی نظام سرمایه داری و غربی، پیشرفت به قیمت از بین رفتن عزت و خدشه دار شدن استقلال این کشورها به دست آمده است. امروز اروپا تابع امریکا بوده و از سیاست های این کشور تبعیت می کند و برخی از این کشورها به عنوان یکی از اقمار امریکا تبدیل شده اند. ژاپن با گذشت بیش از شصت سال از پایان جنگ

۱. روزنامه کیهان، دوشنبه ۳ خرداد ۱۳۸۹، شماره ۱۹۶۵۲.

۲. <https://www.farsnews.ir/news/۱۳۸۵/۰۷/۰۸۵۰۷۰۲۰۱۰۰>؛ تاریخ انتشار: ۲ مهر ۱۳۸۵

جهانی دوم، حدود چهل هزار نظامی امریکایی هم‌چنان در این کشور در پایگاه‌های نظامی امریکا حضور دارند که هر از چندگاهی اخباری از تعرض و تجاوز آنان به مردم این کشور به گوش می‌رسد که دولت ژاپن حتی یک بار هم نتوانسته است اعتراضی جدی به این رفتارها داشته باشد و این تعرض‌ها و جنایت‌ها هم‌چنان ادامه دارد.

در حقیقت این کشور تبدیل به یکی از مستعمره‌های امریکا شده است که توان و اختیار هیچ کاری را در عرصه سیاسی ندارد؛ به طوری که حتی در تدوین قانون اساسی خود نیز مجبور شد تا بندهای مورد نظر امریکایی‌ها را در قانون اساسی خود که اصلی‌ترین میثاق ملی هر کشوری است بگنجاند. در نتیجه امروزه در ژاپن هیچ گونه ارتشی وجود ندارد و در واقع این کشور هیچ تقابلی با امریکایی‌ها حتی با سلاح علم و فناوری ندارد.

در سیاست امریکا یکی باید نقش گاو شیرده را ایفا نماید و یکی ویتترین و نمایه پیشرفت امریکایی و الگوی لیبرال دموکراسی برای فریب افکار جهانی و پوشاندن بحران‌های آن. اگر دقت کرده باشیم در رسانه‌ها خبری از مشکلات و آسیب‌های اجتماعی ژاپن و کره جنوبی نیست و این امری طبیعی نیست، بلکه اقدامی عامدانه و با اهداف خاص است.

علاوه بر تمامی اشکال‌ها و نقدهایی که به چنین پیشرفت‌های وارد است، باید توجه داشت پیشرفت در

پیشرفت مادی صرف خلاصه نشده و ابعاد روحی و معنوی و اخلاقی را نیز شامل می‌شود. پیشرفتی از نظر اسلام، شایسته حیات انسانی است که در کنار ارتقاء سطح زندگی مادی، زمینه ارتقا روحی و معنوی انسان را نیز فراهم نماید. از این رو پیشرفت در کشورهای نام‌برده که بر اساس مدل پیشرفت مادی غربی شکل گرفته، فاقد ارزش بوده و از منظر اسلام شایسته الگوبرداری نیست. چگونه می‌توان چنین پیشرفتی را نسخه حقیقی پیشرفت و رفاه دانست در حالی که دنیای به اصطلاح مدرن امروز که محصول تفکر و جهان‌بینی مادی است در گرداب بحران‌های متعددی گرفتار است که حوزه‌های مختلف زندگی بشر امروز را متأثر ساخته است.

گستره این بحران‌ها از ساحت معرفت و اندیشه گرفته تا نگاه به انسان و ابعاد اخلاقی، سیاسی و اجتماعی او سایه افکنده است و زرق و برق پیشرفت مادی و تکنولوژیکی نیز نتوانسته سایه سنگین افول ارزش‌های معنوی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی را پنهان دارد و در پس این پیشرفت مادی، پس‌رفت در معنویت، ارزش‌ها و انسانیت را به ارمغان آورده است. تا جایی که مورد نقد خود اندیشمندان غربی قرار گرفته است.

شعار صدور انقلاب عامل دشمنی با انقلاب اسلامی

سؤال: شعار صدور انقلاب دولت‌های دیگر را دشمن ایران کرده است، با وجود این همه دشمن چه دلیل شرعی و عقلی بر وجوب آن وجود دارد؟

پاسخ: برای رسیدن به پاسخ مستدل، توجه به نکات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۱. قبل از انقلاب که شعار صدور انقلاب مطرح نبود، شاهد دشمنی امریکا با دولت مردمی و کودتای ۲۸ مرداد و تحمیل لایحه ننگین کاپیتولاسیون علیه کشورمان و جاسوسی و توطئه‌چینی آنها علیه ایران اسلامی بودیم، و این نشان می‌دهد که دشمنی آنها ارتباطی با شعار صدور انقلاب نداشته است.

۲. شعار صدور انقلاب، یک شعار فرهنگی و بیان‌گر برد تفکر انقلاب اسلامی در برابر فرهنگ غربی و حاکمیت تفکر سکولاریسم بوده و همان‌گونه که حضرت امام و مقام معظم رهبری تصریح فرمودند این شعار ناظر به صدور فیزیکی و از

روی اجبار نبوده، بلکه صدور فرهنگ و پیام انقلاب است.

حضرت امام فرمودند:

«ما که می‌گوییم «انقلاب‌مان را می‌خواهیم صادر کنیم»، می‌خواهیم این را صادر کنیم، می‌خواهیم این مطلب را، همین معنایی که پیدا شده، همین معنویتی که پیدا شده است در ایران، همین مسائلی که در ایران پیدا شده، ما می‌خواهیم این را صادر کنیم. ما نمی‌خواهیم شمشیر بکشیم و تفنگ بکشیم و حمله کنیم. عراق با ما الآن مدت‌هاست دارد حمله می‌کند و ما هیچ حمله‌ای به آنها نمی‌کنیم. آنها حمله می‌کنند ما دفاع می‌کنیم. دفاع لازم است. ما می‌خواهیم که این انقلاب‌مان را، انقلاب فرهنگی‌مان را، انقلاب اسلامی‌مان را به همه ممالک اسلامی صادر کنیم. و اگر این انقلاب صادر شد، هر جا صادر بشود این انقلاب، مشکل حل می‌شود.»^۱

مقام معظم رهبری نیز فرمودند:

«صدور انقلاب، یعنی صدور فرهنگ انسان‌ساز اسلام و صدور صفا و خلوص و تکیه و اصرار بر ارزش‌های انسانی. ما به این کار و انجام این وظیفه افتخار می‌کنیم. این، راه انبیاست و ما این راه را باید ادامه دهیم.

دنیای غرب و سردمداران فرهنگ فاسد و منحط غربی، از این‌که فساد و فحشا و اعتیاد و انواع و اقسام بدبختی‌ها و روسیاهی‌ها را به سراسر عالم صادر می‌کنند، خجالت نمی‌کشند؟! ... چرا ما باید از صادر کردن توحید و اخلاق انبیاء و روح فداکاری و اخلاص و تزکیه اخلاقی به کشورهای دیگر خجالت بکشیم؟! چرا باید شرم کنیم از این‌که غیرت و حمیت صحیح و ایستادگی در مقابل قدرت‌های باطل را به صورت درس عملی به ملت‌های دیگر ارائه و تعلیم بدهیم؟

ما این انقلاب را صادر می‌کنیم. ما از این‌که بتوانیم توحید و مکتب انبیاء و روش‌های انسانی پاکیزه و طیب و طاهر و صبر و مقاومت و ایثار را به کشورهای دیگر صادر کنیم، هیچ ابایی نداریم. رسانه‌های غربی که با پول صهیونیست‌ها و با تدبیر سیاست‌مداران خبیث و ظالم و فاسد اداره می‌شوند، می‌خواهند جنجال درست کنند و ما را از این حرف و عمل که فرهنگ و مفاهیم انقلاب باید صادر شود، پشیمان کنند... صدور انقلاب، به معنای صادر کردن ارزش‌های انقلابی و افشاگری درباره مستبدها و ظالم‌های عالم، وظیفه و تکلیف الهی ماست. اگر این کار را نکنیم، کوتاهی کرده‌ایم. جمهوری اسلامی و ملت ایران و آن شخصیت عظیم و عالی‌قدری که دنیا را در مقابل عظمت خودش کوچک و خاضع کرد، نشان دادند که همه قدرت‌های عالم برای مقابله با چنین عزم

و اراده معظم و پولادینی . که اسلامی است و متعلق به عموم ملت است . کوچک اند.»^۱

۳. دشمنی نظام سلطه با انقلاب اسلامی به اصل هویت اسلامی و دینی آن مربوط بوده و اصل وجود انقلاب برای آنها یک خطر بزرگ محسوب می شود. هم چنین انقلاب اسلامی موجب شد تا دست آنان از منابع سرشار کشور ما کوتاه گردد، از این رو شاهد دشمنی و تقابل آنها با انقلاب اسلامی هستیم و این شعار صدور انقلاب نبود که نظام سلطه را به دشمنی با انقلاب اسلامی واداشت، بلکه ماهیت اسلامی، استقلال طلبی و کوتاه شدن دست آنان از منابع کشورمان، عامل دشمنی آنان بوده است. گناه جمهوری اسلامی از منظر نظام سلطه قرار گرفتن در منطقه پراهمیت و راهبردی خاورمیانه است که عمده ترین مرکز انرژی جهان محسوب می گردد و برخورداری از منابع سرشار همواره یکی از عوامل دست اندازی و تلاش برای تسلط بر کشور ما بوده است. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، امریکا حاکم بلامنازع منطقه خاورمیانه بود و ایران به عنوان مهم ترین و قوی ترین متحد استراتژیک امریکا در خاورمیانه و خلیج فارس محسوب می گردید، اما انقلاب اسلامی منافع غرب و به ویژه امریکا را در منطقه استراتژیک خاورمیانه به خطر انداخته است و دست آنان را از این منابع کوتاه کرد و همین یکی از عوامل دشمنی با آن گردید.

۱. بیانات در دیدار و بیعت اقشار مختلف مردم کشور با رهبری؛ ۱۹ تیر ۱۳۶۸.

«برژینسکی»، نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی می‌گوید: «تجدید حیات اسلام بنیادگرا در سراسر منطقه با سقوط شاه و تشنجات ناشی از ایران (امام) خمینی رحمة الله علیه یک مخاطره مستمر برای منافع ما در منطقه‌ای که حیات جهان غرب کاملاً به آن وابسته است ایجاد کرده است، بنیادگرایی اسلامی پدیده‌ای است که امروزه آشکارا نظم و ثبات موجود را تهدید می‌کند.»^۱

مقام معظم رهبری فرمودند:

«بعضی خیال می‌کنند دشمنی‌هایی که با ما می‌شود به خاطر این است که ما ستیزه‌گری کرده‌ایم؛ ما دائماً انگشت در چشم اینها کرده‌ایم، [لذا] اینها از این جهت با ما دشمنی می‌کنند؛ نه، این هم خیال غلطی است، تصور غلطی است. ما شروع کننده نبوده‌ایم. اول انقلاب امریکایی‌هایی که دستگیر شده بودند، چند روزی نگه داشته شده بودند، امام فرمود با کمال مراقبت بروند به محل خودشان، سفارت خودشان؛ تا قبل از این که مسئله تسخیر سفارت پیش بیاید. که آن هم عواملی داشت، مقدماتی داشت. [آمریکایی‌ها] در کمال امنیت این‌جا زندگی می‌کردند؛ راحت می‌رفتند، می‌آمدند؛ و البته بدجنسی می‌کردند. ما شروع نکردیم، آنها شروع کردند؛ آنها از همان اول شروع

۱. داودی، محسن، ستیز غرب با آنچه بنیادگرایی اسلامی می‌نامد، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۸، ص ۸۰.

کردند: با بدگویی، با تحریم، با طلب کاری، با پناه دادن به دشمن ملت ایران؛ شروع کننده آنها بودند. وانگهی فقط امریکا که نیست، کشورهای دیگر [هم هستند]؛ حالا مثلاً فرض بفرمایید جمهوری اسلامی نسبت به فرانسه چه ستیزه‌گری‌ای کرده؟! کشور فرانسه چون امام مدتی در آن جا بود، حتی مورد تمجید نیروهای انقلابی هم بود اما خب می‌بینید که چه کار می‌کنند...، در قضیه هسته‌ای بدترین موضع را فرانسوی‌ها [گرفتند] ما با فرانسوی‌ها چه کار کرده بودیم؟ ستیزه‌گری کرده بودیم؟ حالا یک کشور کوچکی مثل هلند مثلاً؛ در هر قضیه‌ای که شما نگاه کنید از قضایایی که پای جمهوری اسلامی به میان است، در آن لیست و فهرست دشمن‌ها، یکی‌اش هلند است! حالا ما با هلند چه کار داشتیم؟ چه ستیزه‌گری‌ای؟ کشور کوچکی که در گوشه اروپا افتاده [است]. بحث این نیست که ما با آنها دشمنی و ستیزه‌گری کردیم. مثلاً فرض بفرمایید کانادا روابطش را با ما قطع کرد. ما با کانادا دشمنی کرده بودیم؟! ستیزه‌گری کرده بودیم؟! قضیه این نیست، قضیه چیز دیگری است. ما خودمان را نباید فریب بدهیم و بگوییم «آقا، ما دشمنی نکنیم تا آنها دشمنی نکنند»؛ نه، انگیزه‌های دیگری وجود دارد؛ مسائل دیگری پشت پرده است.^۱

۴. فرهنگ سکولار غرب با استفاده از امکانات گسترده

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام؛ ۱۳۹۵/۳/۲۵.

خود به دنبال تسلط و سیطره این فرهنگ بر سایر کشورها و هضم کردن همه فرهنگ‌ها در فرهنگ خود بوده و انقلاب اسلامی با این نگاه، این سیاست شیطانی را کنار زده و فرهنگ اسلامی را به عنوان الگوی جایگزین معرفی کرد. انقلاب اسلامی برای مقابله با نظام سلطه و تفکر سکولار باید تفکر انقلاب و ایستادگی و مقاومت را اشاعه بدهد و ملت‌ها را بیدار کند و الا بدون گسترش این فرهنگ، قادر نخواهد بود، با این فرهنگ مقابله نماید و این بیان‌گر ضرورت شعار صدور انقلاب است.

چرایی رابطه با روسیه و چین و عدم رابطه با امریکا

سؤال: چرا ما با امریکا رابطه نداریم، ولی با روسیه و چین رابطه داریم؟

پاسخ: توجه به چند نکته باعث برطرف شدن ذهنیت منفی نسبت به این سؤال خواهد بود:

۱. رابطه نداشتن کشور ما با امریکا به دلیل ماهیت استکباری، سلطه جویانه این کشور است. چنین رویکردی هم ریشه در آموزه های دینی داشته و هم در راستای منافع ملی ماست. از منظر دینی رابطه با کشورهایی که به حقوق مسلمانان احترام نگذاشته و به دنبال تسلط بر مسلمانان و ضربه زدن به آنان هستند، نفی شده است. خداوند متعال به مسلمانان چنین دستور می دهد: «خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی کند؛ چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می کند که در امر دین با

شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد ظالم و ستمگر است.^۱

از نظر منافع ملی نیز رابطه با سایر کشورها زمانی مفید و مؤثر خواهد بود که بر پایه حفظ استقلال کشورها و احترام و منافع متقابل و به دور از هر گونه سلطه‌طلبی و زیاده‌خواهی و مانند آن باشد، در غیر این صورت استقلال و هویت کشور وابسته در عرصه بین‌المللی خدشه‌دار شده و کشورهای قدرتمند و سلطه‌گرا اهداف خویش را بر سایر کشورها تحمیل نموده و به منافع ملی سایر کشورها توجهی نخواهند نمود. با توجه به ماهیت سلطه‌طلبانه امریکا، امکان برقراری رابطه بر اساس احترام متقابل و حفظ منافع مشترک وجود نداشته و استقلال و هویت اسلامی و ملی را خدشه‌دار می‌سازد.

بر پایه همین مبانی و ضرورت «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار شده است».^۲

۱. «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ * إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛
سوره ممتحنه، آیات ۸، ۹.

۲. قانون اساسی، اصل یکصد و پنجاه و دوم.

مقام معظم رهبری نیز با توجه به اصل فرمودند:

«جمهوری اسلامی رابطه با رژیم امریکا را که رمز و نشانه قلدری و سلطه ناحق و مظهر ستم به ملت‌های ضعیف عالم است، مردود می‌داند و تا وقتی آن رژیم، مستکبرانه به ملت‌ها ظلم می‌کند، در دولت‌ها و کشورها دخالت می‌کند، از رژیم‌های نامشروعی چون رژیم منفور صهیونیستی حمایت می‌کند، با نهضت‌های آزادی‌خواهانه و بیداری ملت‌ها ستیزه می‌کند و به خصوص با ملت مسلمان پیش‌گام ایران و ملت‌های به پا خاسته مسلمان دشمنی می‌ورزد، هرگز با آن رژیم رابطه برقرار نخواهد کرد.

رابطه با دیگر کشورها؛ چه اروپایی و چه آسیایی و آفریقایی و چه کشورهای پیشرفته صنعتی و چه غیر آنها تا آن جا که به تشخیص مسئولین در جهت منافع و مصالح کشور و ملت باشد برای ما همیشه مطلوب بلکه لازم بوده و است و مسئولین دولتی موظف بوده و هستند آن را هوشمندانه و پیگیر تأمین کنند؛ و آنان و همه ملت بدانند و می‌دانند که ایجاد این روابط و تحکیم آن هیچ گونه خدشه‌ای به اصل نه شرقی و نه غربی وارد نمی‌سازد.»^۱

۲. اصل لزوم رابطه و تعامل میان کشورها در سطح عرصه بین المللی ضرورتی غیر قابل انکار می‌باشد. کشورها در

۱. پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمه الله؛
۱۳۷۰/۳/۱۳

سطح بین المللی به دلیل ارتباط و پیوند عمیق و به منظور تأمین نیازها و منافع در ابعاد مختلف، نیازمند تعامل و رابطه با سایر کشورها هستند و هیچ کشوری نمی‌تواند در سطح بین المللی و جهانی خودش را بی‌نیاز از ارتباط با سایر کشورها دانسته و بدون ارتباط و تعامل با سایر کشورها منافع ملی خود را تأمین کند و نیازهای خود را برطرف سازد. اما آنچه مهم است این است که این رابطه و تعامل از حالت رابطه به وابستگی و سلطه یک طرف بر طرف دیگر نیانجامد. از این جهت نظام جمهوری اسلامی بر اساس احترام متقابل و در راستای مصالح و منافع ملی خویش، از برقراری و گسترش روابط با تمامی کشورها از جمله کشورهای روسیه و چین استقبال نموده است.

امروز روابط کشورمان با روسیه و چین، بر خلاف همه شایعات و دروغ‌پراکنی‌ها و جوسازی‌ها، روابطی توأم با اقتدار و بر اساس منطق منافع ملی و احترام متقابل است. بدیهی است که تمامی کشورها در روابط با یک‌دیگر منافع ملی خویش را در نظر گرفته و در راستای آن به تعامل با سایر کشورها می‌پردازند. روشن است که هر کدام از این کشورها که بخواهند رویکرد خصمانه‌ای هم‌چون امریکا را در پیش بگیرند، جمهوری اسلامی همان موضعی که در برابر امریکا اتخاذ نموده در برابر آنها نیز اعمال خواهد کرد.

۳. با روابط جمهوری اسلامی با روسیه و چین و گسترش

سطح آن، شاهد تلاش جریانی هستیم که با نکوهش گسترش روابط کشورمان با شرق به طور خاص چین و روسیه، آن را تغییر در اصول سیاست خارجی کشورمان و عدول از شعار نه شرقی نه غربی وانمود می‌کنند و با هدف تأثیرگذاری منفی و تخریب این روابط به هیاهو و جنجال رسانه‌ای با حجم گسترده‌ای از دروغ‌پراکنی‌ها و شایعات پرداخته‌اند. جالب آن‌که این جریان که عمدتاً از نظر فکری شیفته و وابسته به غرب است از سینه‌چاکان مذاکره و روابط با امریکا بوده و با وجود سیاست‌های سلطه‌جویانه این کشور آن را در تعارض با شعار نه شرقی نه غربی نمی‌داند.

واقعیت آن است که رابطه جمهوری اسلامی با روسیه و چین هیچ منافاتی با سیاست اصولی کشورمان و شعار نه شرقی نه غربی ندارد. این شعار مربوط به دوران جهان دو قطبی بود که این بلوک‌بندی با فروپاشی شوروی سابق که اردوگاه شرق بود، از بین رفت. در شرایطی که داعیه‌های ایدئولوژیک شرق مطرح نیست، نگاه به شرق به معنای پیروی از شرق و غلطیدن در دامن کشورهای شرقی، مانند آنچه که در دوره جنگ سرد تصور می‌شد، نیست.

منظور از سیاست نه شرقی نه غربی جغرافیای شرق و غرب نیست، بلکه معطوف به وابسته بودن ایدئولوژیکی و وابستگی و تأثیرپذیری از تفکر مارکسیستی شرق و لیبرالیستی غرب است.

معنای «نه شرقی و نه غربی» این است که روابط کشور با سایر کشورها به تعبیر حضرت امام، روابط گرگ و میشی و ارباب رعیتی نباشد.

مقام معظم رهبری در این زمینه فرمودند: «خطوط اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی که پایه عمده آن، اصل نه شرقی و نه غربی است تغییر نیافته و هرگز هم قابل تغییر نیست...، آن روزی که در تقسیم‌بندی جهان میان بلوک شرق و بلوک غرب، دولت‌ها و رژیم‌ها و حتی تحولات سیاسی و انقلابی کشورها ناچار باید به یکی از این دو مجموعه ملحق شده و زیر نفوذ سران آن یعنی شوروی یا امریکا قرار می‌گرفتند، اصل نه شرقی و نه غربی، اعلام شکستن این طلسم همگانی و رهایی از نفوذ و قدرت هر دو ابرقدرت آن زمان بود و امروز که با تحولات شوروی و اروپا، بلوک شرق منهدم گشته و شوروی از جایگاه ابرقدرتی فرو افتاده و رژیم امریکا در صحنه به ظاهر بی‌رقیب، به تظاهرات مستانه و غرورآمیز خود سرگرم است و بدون پایبندی به قیود و رسوم معمول روابط جهانی، قلدرانه مطامع خود را بر مصالح همه ملت‌ها ترجیح داده و در هر کاری خودسرانه دخالت می‌کند...، اصل نه شرقی و نه غربی به معنای عدم تسلیم در برابر این افزون‌خواهی مستکبرانه و مقابله جدی با دست‌اندازی آن رژیم به منافع امت اسلامی و رد و نفی رسوم و قیودی است که آن رژیم به جای اصول پذیرفته بین‌المللی از سوی خود و برای

حفظ مطامع خود، وضع و جعل کرده است.»^۱

بنابر این، جمهوری اسلامی اگر با امریکا رابطه ندارد به دلیل ماهیت استکباری و سلطه‌جویانه و خوی تجاوزطلبی آن است که امکان ایجاد و برقراری رابطه بر اساس احترام متقابل را مخدوش می‌سازد. این در حالی است که کشورهای شرقی از جمله روسیه و چین چنین نگرشی را در روابط با ایران نداشته و در صدد تحمیل خواسته‌ها و تمایلات خود بدون در نظر گرفتن منافع ملی کشور ما نیستند و این رابطه بر اساس احترام متقابل و حفظ استقلال کشور ما و در راستای تأمین منافع ملی ما شکل گرفته است. روشن است که هر کدام از این کشورها که بخواهند رویکرد خصمانه‌ای هم‌چون امریکا را در پیش بگیرند، جمهوری اسلامی همان موضعی که در برابر امریکا اتخاذ نموده در برابر آنها نیز اعمال خواهد کرد.

۱. پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمه‌الله؛
۱۳۷۰/۳/۱۳.

منابع و مأخذ

کتاب‌ها:

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی ولیلایی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷ش.

۲. آبراهامیان، یرواند، تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، ۱۳۸۹ش.

۳. آرکدی، نیکی، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۷۷ش.

۴. ال. برگر، پیتر، افول سکولاریزم؛ دین خیزش‌گر و سیاست جهانی، ترجمه افشار امیری، تهران: پنگان، ۱۳۸۰ش.

۵. ابراهیم‌زاده، حسن، مهدی هاشمی، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۱ش.

۶. اسفندیاری، ثریا، کاخ تنهایی، ترجمه نادعلی همدانی،

تهران: نشر مترجم، ۱۳۷۰ش.

۷. امام خمینی، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، ۱۳۷۸ش.

۸. امام خمینی، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، ۱۳۸۵ش.

۹. امام خمینی، وصیت نامه الهی سیاسی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۸۰ش.

۱۰. برژینسکی، زیگنیو، اسرار سقوط شاه، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات جامی، ۱۳۶۲ش.

۱۱. بیل، جیمز، عقاب و شیر، تراژدی روابط ایران و امریکا، ترجمه مهوش غلامی، تهران: انتشارات کوبه، ۱۳۷۱ش.

۱۲. پارسونز، آنتونی، غرور و سقوط (ایران ۱۳۵۷ - ۱۳۵۲)، ترجمه محمد صادق حسینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰ش.

۱۳. جمعی از نویسندگان، امریکا دنیا را به کدام سو می برد؟، بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب شناسی، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۸۴ش.

۱۴. جمعی از نویسندگان، انقلاب اسلامی، چرایی و چگونگی رخداد آن، قم: انتشارات معارف، ۱۳۹۰ش.

۱۵. جمعی از نویسندگان، کودتای نوژه، تهران: مؤسسه

مطالعات پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴ش.

۱۶. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشار از دین، قم: مرکز نشر اسرا، ۱۳۸۰ش.

۱۷. جوادی آملی، عبدالله، نسبت دین و دنیا، قم: مرکز نشر اسرا، ۱۳۸۱ش.

۱۸. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت، قم: مرکز نشر اسرا، ۱۳۸۵ش.

۱۹. چیلکوت، رونالد اچ، درآمدی بر مسائل اقتصادی کشورهای جهان سوم؛ نظریات توسعه و توسعه نیافتگی، ترجمه و تلخیص احمد ساعی، تهران: نشر علوم نوین، ۱۳۷۵ش.

۲۰. حق‌بین، مهدی، از مجاهدین تا منافقین (سیر تاریخی سازمان مجاهدین خلق از آغاز تاکنون) تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲ش.

۲۱. داودی، محسن، ستیز غرب با آنچه بنیادگرایی اسلامی می‌نامد، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۸ش.

۲۲. درودی، ریحانه، ۵۳ سال عصر پهلوی به روایت دربار، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴ش.

۲۳. ذو علم، علی، انقلاب و ارزش‌ها، تهران: پژوهش‌گاه

فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹ش.

۲۴. راجی، پرویز، خدمت‌گزار تخت طاووس (خاطرات پرویز راجی)، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۴ش.

۲۵. راجی، سید محمد حسین، خاتمی، سید محمد رضا، صعود چهل ساله، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۹۷ش.

۲۶. رمضانی، روح‌الله، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشرنی، ۱۳۸۰ش.

۲۷. روحانی، سید حمید، شریعتمداری در دادگاه تاریخ، قم: دفتر اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱ش.

۲۸. صمیمی، مینو، پشت پرده تخت طاووس، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۶ش.

۲۹. طباطبایی، سید محمد حسین، بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، ولایت و زعامت، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۱ش..

۳۰. علم، اسدالله، گفتگوهای من با شاه (خاطرات محرمانه امیر اسدالله علم)، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۷۳ش.

۳۱. علم، اسدالله، یادداشت‌های امیر اسدالله علم، ویراستار علی‌نقی عالی‌خانی، تهران، انتشارات مازیار و معین، ۱۳۸۰ش.

۳۲. فراتی، عبد الوهاب، رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی، قم: نشر معارف، ۱۳۷۹ش.
۳۳. فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۹ش.
۳۴. فوران، جان، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات رسا، ۱۳۷۸ش.
۳۵. فوکو، میشل، ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند، ترجمه حسین معصومی همدانی، تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۷۷ش.
۳۶. گنون، رنه، بحران دنیای متجدد، ترجمه ضیاءالدین دهشیری، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲ش.
۳۷. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، ۱۳۷۴ش.
۳۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، تهران: مکتبه الإسلامیه، ۱۴۱۳ق.
۳۹. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: دار الحديث، ۱۳۷۷ش.
۴۰. مدنی، سید جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹ش.
۴۱. مصباح یزدی، محمد تقی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، قم:

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمة الله عليه، ۱۳۷۹ش.

۴۲. نیکسون، ریچارد، فرصت را دریابیم، ترجمه حسین
وفسی نژاد، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۷۶ش.

۴۳. هالیدی، فرد، دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در
ایران، ترجمه فضل الله نیک آئین، تهران: مؤسسه انتشارات
امیرکبیر، ۱۳۵۸ش.

۴۴. هایزر، رابرت، مأموریت در تهران، تهران: اطلاعات،
۱۳۹۳ش.

۴۵. هویدا، فریدون، سقوط شاه، ترجمه ح. ا. مهران،
تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۵ش.

۴۶. واعظی، حسن، ایران و امریکا، تهران: انتشارات
سروش، ۱۳۷۹ش.

۴۷. ونس، سایروس، برژنیسکی، زیگنیو، توطئه در
ایران، ترجمه محمود مشرقی، تهران: انتشارات هفته،
۱۳۶۲ش.

مقالات و روزنامه‌ها:

۱. اسکاچپول، تدا، حکومت تحصیل‌دار (صاحب درآمد مستمر) و اسلام شیعی در انقلاب ایران، ترجمه محسن امین‌زاده، رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی، گردآورنده عبدالوهاب فراتی، قم: انتشارات معارف، ۱۳۷۹ش.

۲. باقرزاده، محمد رضا، «آیا رأی مردم در فراندوم به جمهوری اسلامی برای نسل‌های بعد هم الزام‌آور است؟»، ماه‌نامه آموزشی، اطلاع‌رسانی معارف، شماره ۵۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷ش.

۳. خسروپناه، عبدالحسین، جایگاه مصلحت در حکومت ولایی، مجموعه مقالات، امام خمینی و حکومت اسلامی احکام حکومتی و مصلحت، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه، ۱۳۷۸ش.

۴. عنایت، حمید، «انقلاب در ایران سال ۱۹۷۹»، درآمدی بر ریشه‌های انقلاب اسلامی، به کوشش عبدالوهاب فراتی، قم: نشر معارف، ۱۳۷۶ش.

۵. مشیرزاده، حمیرا، نگرشی اجمالی به نظریه‌های انقلاب در علوم اجتماعی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، مجموعه مقالات، قم: معارف، ۱۳۷۴ش.

۶. منصور رحمانی، غلام‌رضا، «نقدی بر توسعه صنعتی ایران در دوره پهلوی»، درآمدی بر ریشه‌های انقلاب اسلامی، به کوشش عبدالوهاب فراتی، قم: نشر معارف، ۱۳۷۶ش.

۷. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۲/۷.

۸. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۱/۵/۱۴.

۹. روزنامه کیهان، ۱۳۸۰/۷/۲۴.

۱۰. روزنامه کیهان، ۱۳۷۸/۱/۲۶.

۱۱. روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۳/۳.

سایت‌ها:

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.

۲. <https://revayatpishraft.gov.ir>

۳. <https://www.farsnews.ir/news/۱۴۰۰۱۱۱۸۰۰۰۰۸۲>

۴. <https://kayhan.ir/fa/news/۲۳۶۰۵۲>

۵. <https://www.irdc.ir/fa/news/۵۰/۵۴۰۷>

۶. www.mashreghnews.ir/news/۸۲۹۹۶۵

۷. <https://ana.press/۰۰۳RJO>

۸. <https://www.rajanews.com/news/۲۳۳۵۸۵>

۹. <https://www.aparat.com/v/PXEtz>

۱۰. <https://www.khabaronline.ir/amp/۱۲۲۸۱۰۵>

۱۱. <https://www.yjc.ir/fa/news/۷۲۳۷۶۱۹>

۱۲. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/۰۱/۱۳۹۷>

۱۶۹۳۶۸۳/۲۰

۱۳. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/۲۴۱۱۲۹۴/۲۵/۰۹/۱۳۹۹>

۱۴. <https://www.mizan.news/fa/news/۴۹۱۶۵۲>

۱۵. <https://www.mizan.news/fa/news/۶۹۹۶۲۸>

۱۶. <https://www.farsnews.ir/news/۹۰۵/۱۴۰۰۱۱۰۰۰۰۰۰۱۰>

۱۷. <https://www.mashregnews.ir/news/۹۳۳۶۹۶>

۱۸. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/۳۴۸۵۲۶۸/۰۳/۰۱/۱۴۰۱>

۱۹. <https://borna.news/fa/news/۱۴۵۸۹۶۸>

۲۰. <https://www.hamshahrionline.ir/news/۶۹۹۶۹۶>

۲۱. <https://www.iribnews.ir/fa/news/۳۸۱۴۶۷۳>

۲۲. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/۱۹۰۰۲۱۰/۲۵/۰۹/۱۳۹۷>

۲۳. <https://btid.org/fa/news/۲۳۶۸۵۶>

۲۴. <https://www.isna.ir/news/۱۴۰۲۱۱۶۱۱۷۴۵>

۲۵. <https://tabyincenter.ir/wp-content/uploads/۱۱/۲۰۱۶/A۴-۱۴۸۹۵-۵.pdf>

۲۶. <https://www.farsnews.ir/news/۱۳۹۹۰۶۳۱۰۰۰۰۸۰>

۲۷. <https://www.yjc.news/fa/news/۷۴۰۸۵۹>

۲۸. <https://www.javanonline.ir/fa/news/۱۱۰۲۴۵۲>

۲۹. <https://www.hamshahrionline.ir/amp/۷۱۲۸۰۷>

۳۰. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/۷/۲۱۱۱۷۵۲/۱۵/۰۷/۱۳۹۸>

۳۱. <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=۳۸۹۸۱>

۳۲. <https://basirat.ir/fa/news/۳۱۳۰۵۲>

۳۳. <https://www.farsnews.ir/news/۸۵۰۷۰۲۰۱۰۰>

شماره‌های پیشین دفع و رفع:

- ۱- شبهات انتخابات
- ۲- شبهات مجلس خبرگان
- ۳- شبهات شورای نگهبان
- ۴- شبهات علوم و معارف قرآن
- ۵- شبهات مقاومت و فلسطین
- ۶- انتخابات ریاست جمهوری
- ۷- شبهات غدیر
- ۸- شبهات اربعین
- ۹- شبهات پیرامون فاطمیه
۱۰. شبهات پیرامون قرآن و علوم